

دائرة و مجله

دوره ۱۳۵۱ سال دوری میباشد



لهری گنه



د اردو مجله :

و یاری چه دنوی کمال در را رسید لوله کبله خپل
صمیمانه تبریکات د محبوب ټولو اک معظم همایونی
اعلیٰ حضرت د اردو اعلیٰ سر قوماندان ، علیا حضرتی
معظمی ملکی ، د سلطنتی درنی کورنی غړی ، ټولو
وطنوالو او د افغان پیاوړی او قهرمان اردو
منسوبینوته وړاندی کوی .

فهرست این شماره

صفحه	نویسنده یا مترجم	مضمون
۱	جگر ن فیض محمد عاطفی	سال نو، آرزوی های نو و جهان نو
۳	اداره	تقدیم نشان کو ماندور . . .
۷	دگروال محمد یحی نوروز	قابلیت انتقال از راه هوا و دور نمای آینده آن
۱۱	دکتور عبدالحکیم طیبی	سلطان محمود غزنوی و فتح سومنات
۱۵	پیغله نور جهان صاحبیان	مجاهدین
۱۸	لمری بریدمن دکتور سید عبدالغنی خوزمن بار	خرنگه کولای شو چه دمصنوعی نفس . . .
۲۰	محمد مصطفی « انورزی »	لندی
۲۱	پوهنیار جلال الدین صدیقی	قونهای مخصوص اردو
۲۵	جگر ن محمد یونس ٹمکنی	و یتکانگیان و پیژنی
۲۷	جگتورن قمر الدین اکسیری	رومانیزم حاد مفصلی و کاردیت . . .
۳۲	لمری بریدمن انجنیر محمد اکبر سروری	تحلیل و تشکیل پکت های نظامی جهان
۳۴	جگر ن سید نصر الدین	بهار و زندگی
۳۵	جگتورن ارکان حرب علی احمد چلا لی	روابط بین قوه، سیاست و ستراتیژی .
۳۹	پیغله هما طرزی	رنگت زندگی
۴۰	تورن نجیب الله	جراحت هشتم
۴۳	تورن محمد معروف پیلوت	طیارات تجربوی و کشف . . .
۴۵	تورن غلام سخی امر	مانور به اتمی او ننی مدرنو محارباتو کبھی
۴۸	عاطفی	چکیده های هنر
۵۰	تورن شمس الدین ظریف صدیقی	قلب شما، صحت شما است
۵۳	تورن غلام حضرت فردا	مجوم به هسته
۵۶	تورن سید جلال	جهان و آزادی.
۵۹	تورن عبدالمجید	تعرض کندک تانک
۶۲	بناغلی غلام حضرت زرمل وال	تشعشع رادیوئی . . .
۶۴	بناغلی عبدالقادر	اهمیت هور کرافت . . .
۶۷	جگتورن دیپلوم انجنیر عبداللطیف	طیارات اتمی برای آینده
۷۰	بناغلی اونگوت	در سالهای نبرد
۷۲	جگر ن فتح محمد نورزایی	افریقای جنوبی
۷۵	تورن میر حسام الدین محتشمی	لویاشین مرد استثنائی فتنال
۸۰	عاطفی	ما و خوانندگان
۸۴	ظریف صدیقی	اخبار اردو
۹۷	محتشمی	فعالیت های ورزشی



قابل توجه علاقه مندان :

آثار ذیل در مدیریت عمومی نشریات در
بدل قیمت معینه برای شایقین موجود است :

- ۱ - نوت های گانگور (عمومی و مسلکی)
- ۲ - تاریخ افغانستان از نگاه عسکری تالیف
چگتورن ار کانهرب علی احمد جلالی
- ۳ - تاریخ حماسی و کلتوری افغانستان تالیف
چگتورن محمد سعید و هابزاده

محل فروش :

مدیریت عمومی نشریات ستر درستیز
مطبعه دفاع ملی

نویسنده: فیض محمد عاظمی
مدیر مجله اردو

سال نو

یا بشر این شماره، مالی را پشت سر گذاشتیم و به پیشواز سال نو می‌شتابیم که اروان زندگی درنگ ندارد و با سرعت فراوان راه بر نشیب و فرازش را طی می‌کشد. ما با قبول این واقعیت که از نعمت حیات برخورداریم، بهر شکلی که باشد این زندگی را با همه کیف و گمانش باید سپری کنیم دنیای ماحول و اطراف ما هرگز توقف نمی‌پذیرد همه اجزای کاینات رو به پیش می‌روند و قافله تمدن بشری با سرعت مرسام آوز جانب تکامل و اعتلاء مسیر خود را می‌پیماید، ما هم در پهلوی جهان و جهانیان راهی را اختیار کرده ایم و متناسب با شرایط محلی و ملی خویش جالب سر منزل مقصود پویان هستیم.

فصول چارگانه طبیعت و با لحاظ بهار هر کدام درس عبرتی است برای التیاء آدمی و بزرگترین انگیزه تحرك و تلاش است برای بیل سعادت واقعی انسان، همانطور که با غرش ابر نیسان، سیزه‌ها از خاک سر بر می‌آورند و روح تازه‌ای در کالبد کاینات دمیده می‌شود، نوع بشر نیز باید از این دگرگونی‌های طبیعت بهره‌برداری کند و در سر فصل آغاز بهار بخود تکان دهد

آرزوهای نو

و همه نیروهای جسمی و روحی خود را وقف کار و کوشش و فعالیت‌های مداوم نماید؛ کشور ما بکار و فعالیت مثبت و موثر و دوامدار مردم خویش نیاز مبرم دارد زیرا پسمانی‌های بیحد و حصر ما جز در سایه کار و تلاش پیگیر دیگر بهیچ صورت جبران پذیر نخواهد بود و هر لحظه غفلت ما در حقیقت ضایعه بزرگی است که بضرر موجودیت هستی ما تمام خواهد شد اوضاع جهان و ناملايمات گوناگون سیاسی و ایدئولوژی‌های مختلف، هر کدام مانند تند باد سهمگین، بسوی کشور ما سر از زیر است و تنها درایت و شعور مردم و در پهلوی آن کار و فعالیت مثمر و بالاتر از همه زعامت ملی و رهبری خرد مندانه می‌تواند ما را از کشمکش و تلاطم این جریانات گوناگون نجات بخشد ما باید باین حقیقت متکی باشیم که هر مفکوره و هر ایده اگر از اصالت افغانی برخوردار نباشد برای ما مفید و ثمربخش نیست، افغان با فعالیت خود ایمان دارد و هرگز جدا از صیغه افغانیت زندگی کرده نمیتواند.

و جهان نو....

اردوی باشهامت افغان کسانون
استوار مليت و افغانيت است و از
همين دستگاہ و طبع دوستي و ملت
خواهي است که جوانان کشور در طول
خدمت زير پرچم ميتوانند باروح تازه
و با احساسات عميق و عشق و علاقه
فراوان درس مليت و افغانيت اصيل
را بياي آموزند و ازينجا نقش صاحبمصنبان
واقعي و حقيقي تبارز مي کنند
زيرا اين صاحب منصب است که بايد
با فضيلت و تقوي و با علم و هنر و با
منطق قوي و ايمان کامل ؛ جوانان
و طبع را رهنمائي کند و خود سرمشق
مجسم وطن پرستي و ملت خواهی باشد.
افسر افغان در پرتو اساسات دين
مقدس اسلام و در کمون ناسيوناليزم
افغانی به سربازان جوان وزير دستان
خويش درس شهامت و قهرماني ميدهد،
افسر حقيقي با دلسوزي خالصانه و
حفظ کرامت انساني همکاران خود
بايشان مي فهماند که وحدت ملي اساس
و بنياد سلامت جامعه افغان است
تفرقه ها و تبعيض ها در ساحت مقدس
عسکري مجال جولان و تيارز ندارد.
افسر افغان با تمام توانائي ذهني
و جسمي مي کوشد تا خود را از
هر لحاظ بر سلاح و وسايط دست
داشته اش حاکم بسازد و وظيفه
اصلي اش را که پاسباني از استقلال
و عظمت کشور و برآوردن آمال ملي
است بر هر کار و هر منفعتي ترجيح
دهد ؛
افسر افغان سربازان جوان کشور
را درس فدا کاري ميدهد و از
احساسات ايشان بسود سعادت کشور

و مردم افغانستان و ترقی و اعتلای
وطن کسار ميگيرد .
و بالاخره افسر افغان است که بايد
پيشقدم هر تحول و پيشناز هر حرکت
مثبت در راه انکشاف امور و نهضتهاي
مترقي مملکت باشد .
خوشبختانه شرايط و امکانات
تحقق اين آرزوها بصورت نسبي
در دسترس همه قرار دارد منتها حرکت
و جرئت و ايتار ميخواهد .
مجله اردو چراغ روشني است که
در دیدگاه تاريخ کشور و در ساحت
اردوی قهرمان افغان نور مي افکند
اين نشریه با تمام نارسائي هاي خويش
ياز هم کسانون تبليغات و سا...
محدود نشر آمار و افکار روشنفکرانه
و تئوير اذهان خوانندگان ارجمند
ما است صفحات اين جريده ميتواند
آئينه انعکاس آثار باارزش افسران

و ارباب قلم قرار گيرد ما دست تمنا
را بسوي آن عده از همکاران گرامی
درازمي کتيم که خود در وطن پرستي
و احساسات پرشور اسلامي و افغانی
دارند و نيز در ساحت مسلک مقدس
عسکري داراي نسلط بوده و اندیشه
هاي گرانمايه شان را ميتوانند بنحو
مطلوب برشته تحرير در آورده
بدسترس ما قرار دهند تا هم مجله
ايشان رنگين و خواندني شود و هم
آثار گران بهاي شان ثبت صفحات
تاريخ اردو گردد .

ما سال نور را بهمه خوانندگان
مجله اردو از صميم قلب تبريك
مي گوئيم و اميدواريم افغانستان عزيز
و اردوی دلير ما بهمت فرزندان رشيد
کشور مهد ترقی و سرزمين خوشبختی
و کسانون افتخارات بز رنگ وطن
خواهي و ملت پرستي باشد :

افکار بزرگان

آن کس که دوست خود را فراموش میکند، نسبت با ناسپاس است
ولی آنکس که خدای خود را فراموش میکند، نسبت بخود ناسپاسی
کرده است .
جانوران ناسپاسی را بانسان وا گذاشته اند .
من از ناسپاسی در انسان بیش از دروغگوئی و پستی و هرزه درائی
و مستی و هر رنگ دیگر از رذالت که فساد شدید آن در خون ضعیف ما
جایگزین میشود ، نفرت دارم
سک حقیقتناشناس به از آدمی ناسپاس
تقلید صمیمی ترين دوست چاپلوسی است .
برای شب پیری در روز جوانی باید چراغی تهیه دیده (افلاطون)
در تنی نحیف نمیتواند اندیشه ای بزرگ مسکن کند : (بودا)
مشغول نبودن باز نده نبودن یکی است :

تقدیم نشان

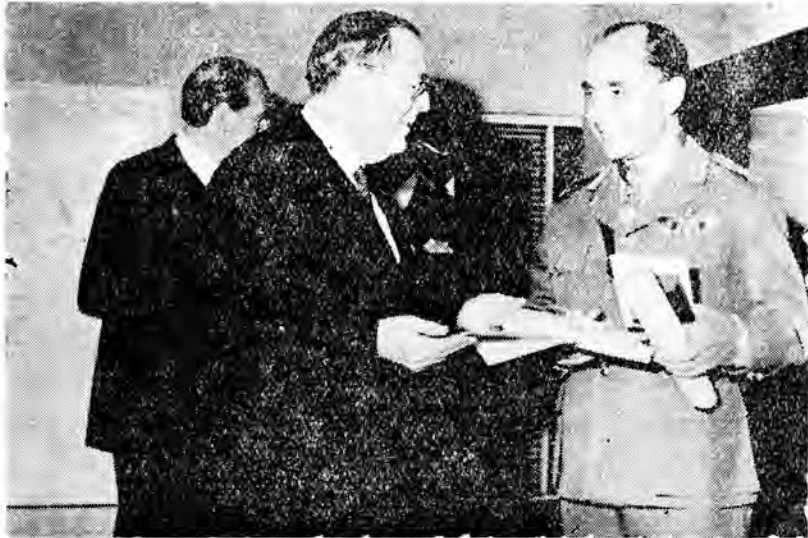
کومانندور

درجه ملی

لیاقت فرانسه

به والا حضرت جنرال سردار عبدالولی

قوماندان قول اردوی مرکزی



والا حضرت جنرال سردار عبدالولی حینیکه نشان را از یناغلی
سفیر کبیر فرانسه می پذیرد

طی محفلی در سفارت کبیرای فرانسه که در آن والا حضرت شاهدخت بلقیس تشریف داشتند نشان کماندور درجه ملی لیاقت که یکی از درجه های عالی حکومت فرانسه می باشد توسط سفیر کبیر فرانسه در کابل به والا حضرت جنرال سردار عبدالولی قوماندان قول اردوی مرکزی تقدیم گردید.

درین لحظه که دیپلوم و نشان اعلی کومانندور ملی لیاقت را بحضور والا حضرت جنرال سردار عبدالولی قوماندان قول اردوی مرکزی افغانستان تقدیم میدارم افتخار و خوشنودی بی سابقه ای بر اینم داده است . والا حضرت با افتخاری را که از طرف جلالتمآب محترم رئیس جمهور فرانسه نظر به پیشنهاد این سفارت و وزارت محترم دفاع ملی فرانسه که یناغلی محترم دگروال ژان مارشال آتشه نظامی غیرمقیم فرانسه در کابل از آن نمایندگی میکنند و از حاضر بودن ایشان در این محفل خورسند هستیم یکی از افتخارات قدیمی و باشکوه و جلیل القدر فرانسه میباشد زیرا این نشان همان مدالیست که شاهان باستان فرانسه صادر میکردند

والا حضرت جنرال سردار عبدالولی طی بیانات مؤجز خاطرات تحصیلات خود را در فرانسه تجدید نموده دوام دوستی هردو کشور را آرزو نمودند . درین محفل ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی ، یناغلی وزیر امور خارجه ، بعضی اعضای دیگر کابینه ، عده از جنرالهای اردوی شاهانه و بعضی مامورین عالیرتبه مسلکی حاضر بودند . یناغلی اوژن ورنر سفیر کبیر فرانسه ضمن بیانیه اش گفت :

از جمله وظایفی که یک سفیر ایفا مینماید خوش آیندتر ازین نخواهد بود که برای یک شخصیت بزرگ مملکت دوست خود شواهد قدردانی حسن نیت آرزوها و تمنیات فرانسه و مردم آنرا بیاورد .

ساعت ۳۰-۱۸ روز یکشنبه ۲۹ حوت ۱۳۵۰ ضمن محفلی که در سفارت کبیرای فرانسه ترتیب شده بود یناغلی اوژن ورنر سفیر کبیر فرانسه در حالیکه دگروال مارشال آتشه عسکری فرانسه نیز حاضر بود نشان کماندور درجه ملی لیاقت فرانسه بعنوان نظامی به والا حضرت تقدیم شد .

سفیر کبیر فرانسه هنگام تعلیق نشان بیانات قدردانی حکومت خود را از مساعی والا حضرت جنرال سردار عبدالولی در تشدید علائق دوستی افغانستان و فرانسه بیان داشت . تقدیم این نشان را بعینت علامت دوستی عمیق بی شائبه عنعنوی هردو کشور تشخیص نمود .

آن پادشاهان که میگویند، در هزار سال فرانسه را ساختند، جنرال دوگول فقید آنرا با علاوه نمودن نشان جمهوریت در حصه مرکزی این مدال بعوض علامه گل زنبق باوج رسانید که شهرت آن هنوز هم در تاریخ میدرخشد.

این نمونه افتخار و شکوه بهتر از والا حضرت محترم شما نصیب کسی دیگری شده نمیتوانست زیرا مثال زلده فضیلت و لیاقت شما مورد قدردانی عمیق فرانسویان که افتخار شناسانی جلالتماب شمارا نصیب شده اند بهتر و خوبر درك گردیده است.

کدام يك ازین فرانسویان میتوانند علاقمندی شمارا بوطن ایشان فراموش کنند.

سرزمینی که والا حضرت شما بهترین دوره جوانی خود را در آن گذراندید و برای خدمت بوطن و دنبال نمودن وظایف پرشکوه پدر نامورتان والا حضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل که پاس احترام و ستایش خویش را حضورشان تقدیم میداریم باز گشته اید.

چه کسی میتواند فراموش کند والا حضرت شما مانند اعلی حضرت معظم هما یونی محمد ظاهر شاه بزبان (هنگی وراسین) باچه فصاحت و روان مانند مردم جزیره فرانسه بلدیت دارید و اسم شما در قلوبی افتخار لیس، ژانسن دو مایی، و مکتب ستالین درج است بلی کدام یکی از تمام زحماتی که در راه نزدیک ساختن هما هنگی و یکرنگی در اردو به خرج داده اید و مکتب عسکری ژبوی و سومبور از آن خاطره نگه داشته است فراموش کرده میتواند

کدام یکی از ما میتوان مساعی را که شما برای تشویق رابطه دوستی هر دو کشور روی مفکوره عالی به شرف ترقی و صلح به خرج میدهید فراموش کند.

احترامی که امروز بوالا حضرت شما ادا میشود بیانگر حیثیت لیاقت و اعتبار فرماتده نظامی شما و قدردانی از قدرت ذکاوت اداره و لیز قلب رؤف و روح شریف میباشد که سبب خوشنودی اعلی حضرت و سپاه کشور است.

والا حضرتنا، اجازه بدهید که باین قدردانی شریک سهریان زلدگی شما والا حضرت شاهدخت بلیسی را که در هر لمحظه زندگانی همراه شما میباشد نیز سهمیم بسازیم.

توسط والا حضرت، شما توسط خانواده والا گمتران این قدردانی به اردوی پرشکوه افغان افسرانی که بصداقت به مملکت شما خدمت گذارند به مملکت بزرگ و زیبا و ملت نجیب افغان نصیب و مخاطب شده میتوانند.

اینجانب و همسر از حضار گرامی که از تشریف آوری خویش در این محفل دوستی ما را مفتخر نموده اند از

صمیم قلب تشکر نموده و یکجا بایشان تبریکات صمیمانه خویش را بحضور والا حضرت شما تقدیم کرده و خوشنودی را که عموم هموطنانم از خدمات و نقش بارزی که والا حضرت شما در راه حکیم مناسبات دوستانه افغانان و فرانسویان انجام داده اید احساس نموده اند بحضورتان اظهار میدارم.

والا حضرت شما این قدردانی را از فرانسه و آرزوی پیوندهای ناگسستی دوستی که این دو کشور را با هم نزدیک میسازد سزاوار و مستحق بودند.

توسط اینجانب فرانسه از صمیم قلب و تحسین بشما میگوید تشکر.

والا حضرت جنرال سردار عبدالولی: در خاتمه بوکالت رئیس جمهور فرانسه و بروفی صلاحیتی که برای من اعطاشده نشان اعلی کوماندور ملی لیاقت را تقدیم میدارم. «بایان»

افکار بزرگان

اگر کسی بشما یک بار بدی کرد گناه او است اما اگر دیگر بار بشما بدی کرد فکر کنید ببینید چه بدی در حق او کرده اید.

(۰۰)

ایمان و تردید: ما باندازه ایمانی که داریم جوانیم و باندازه شک و تردیدی که بآن راه یافته است پیریم

(۰۰۰۰)

لذات حیاتی و حقیقت زندگی را در خدمت به نوع و محبت به مردم جستجو نمائید! میرابوا تنها کسانی که دل داده دانشند پیدامی کنند که آنها نیکه سوداگر دانشند سعید نفیسی

زندگی انسان یعنی اندیشه های روزانه او: شیخ ابوسعید ابوالخیر! شادمانی و انبساط خاطر بیشتر معلول مسرت نیست بلکه زائیده پیروزی است (امرسون) غرور بزرگترین نعمتی است که خداوند بفرموده است شکسپیر

بدبختی ها از اراده ما است

شوینهاور

راستان رسته اند روز شمار! جهد کن تا از آن شمار شوی اندر این رسته راستگاری کن تا در آن رسته راستگار شوی

سفر جلا لتمامآب

دكتور

عبد الظاهر

صدر اعظم

به اتحا دشوروى



پناغلى صدر اعظم حينيكه در ميدان هوائى بين المللى كابل با اعضاى
كا بينه وداع ميشمايند



سفیر کبیر و اعضاى سفارت کبرای
شوروى مقیم کابل برای وداع با پناغلى
صدر اعظم حاضر بودند .

در این مسافرت پناغلى محمد موسى شفيق
وزير امور خارجه، دكتور عبدالواحد
سرابى وزير پلان، دكتور عبدالواحد
كريم، مدير عمومى سياسى و دكتور رحيم
شيرزى مدير در وزارت امور خارجه،
پناغلى مير محمد حسن مدير عمومى
ادارى صدارت و پناغلى محمد سرور دمنى
معاون رياست تشریفات وزارت خارجه
پناغلى محمد شفيق شريف معاون دفتر
وزير خارجه و پناغلى عبدالقيوم کوچى
متكفل امور شرق اروپا در مدیریت
روابط سياسى با پناغلى صدر اعظم همراه
بودند. همچنان يك هيت مطبوعاتی
نيز با پناغلى صدر اعظم در این سفر اشترك
ورزیدند .

در ميدان هوائى بين المللى كابل
دكتور عبدالصمد حامد معاون صدارت،
پوهنوال دكتور محمد عمر وردك رئيس
ولسى جرگه، اعضاى كابينه، جنرالهاى
اردوى شاهانه، مامورين عالى رتبه
ملكى، والى كابل، پناروال سرپرست،

دكتور عبد الظاهر صدر اعظم بدعوت
پناغلى الكسى كاسيگين رئيس شوروى
وزيران حكومت اتحاد شوروى ساعت
شش صبح سه شنبه ۲۴ حوت ۱۳۵۰
برای يك مسافرت رسمى عازم آنكشور
گردید .



پناغلى صدر اعظم هنگام ملاقات با پناغلى ليونيد برژنيف

بناغلی صدر اعظم در شهر سوچی
از نهالی دیدن میکنند که در یک
مسافرت قبلی بنام لہال دوستی
غرس نموده بودند



کبرای افغانی و افغانهای مقیم مسکو
از بناغلی صدر اعظم و همراهانشان در
نزدیک طیاره استقبال نمودند.
بناغلی صدر اعظم با اعضای
معتبی شان پس از یک مسافرت رسمی
یکم هفته ای بتاريخ ۱۳۵۱/۱/۲ از
شوروی بکابل معاودت فرمودند.

نویکوف معاون صدر اعظم، بناغلی
گرومیکو وزیر امور خارجه، بناغلی انتو
لوف وزیر گوشت و لبنیات شوروی و
رئیس انجمن دوستی شوروی و افغانستان
جنرال محمد عارف سفیر کبیر افغانی مقیم
مسکو، بناغلی محمد امین اعتمادی سفیر
افغانستان در پولند و اعضای سفارت

بناغلی صدر اعظم و همراهان شان
بساعت ۱۲ و بیست دقیقه ظهر بوقت
افغانستان توسط طیاره مخصوص وارد
میدان هوائی مسکو گردیدند در میدان
هوائی ولو کوه بناغلی الکسی کاسیگین
صدر اعظم، بناغلی پولیانسکی و بناغلی



بناغلی صدر اعظم پس از بازگشت
باجترالهای اردوی شاهانه مصافحه
مهنما یند

قابلیت انتقال از راه هوا و دور نمای آینده آن

از مجله اردوی فرانسه

ترجمه و نگارش :
دکتر و آوال محمد یحیی نوروز

نظری به گذشته

داشتن قابلیت حرکت زیاد در میدان محاربه تا این اواخر اگر قوت اساسی اردو ها شمرده نمی شد افلاک عنصر اساسی قابلیت و کفایت آنها را تشکیل میداد . تا حدیکه مانور و حرکت کلمات مترادف قبول شده بود . کافی است برای اثبات موضوع نظر اجمالی به تاریخ حرب بیندازیم تباهی هائی را که سوار کاران مغول بالای دنیای متهدن در مرور قرن ها

بعد ها صرف با تغییر ساده محرك های رسمی های قاره پهناها سقیته های قضائی، امکان تحمیل آرزو های شان بالای دشمنان آنها میسر گردید . این مسئله که در میدان های محاربه زمینی، اسلحه دارای قدرت تخریبی بزرگه رول قاطع خواهد داشت بالعموم مورد قبول واقع و حتی ادعا میشود که مانور زمینی اساسا به يك مانور آتش ذروی محدود خواهد گردید .

آیا با وصف این پیش بینی های تازه هنوز به قابلیت مانور توتهای زمینی ضرورتی موجود است ؟

قابلیت حرکت بیش از هر زمان در گذشته ضروری است :

این مسئله با تصور چندین نوع احتمال حرب تدقیق میگردد :
اولین احتمال که به فکر می آید این است که نتیجه حرب فقط توسط انداختن های ذروی سوق الجیشی بدست آورده شود . در این صورت لازم میگردد بدقت با تخریب عناصر آخرین و معند و همچنان اشغال اراضی دشمن ولو که برای تأسیس اداره جدید و تنظیم تدریجی شرایط حیات عادی باشد تکمیل گردد .

در چنین وضعیت مانور زمینی شکل بهره بردارن به مسافت بعیده را میگیرد که با اشغال جسمی يك كتله اراضی تخریب شده شروع گردیده و با از بین بردن عناصر باقیمانده دشمن که مقاومت شان در مناطق که دست یافتن به آنها مشکل است ادامه یافته میتواند، تعقیب میگردد .

در این احتمال وظایف که به قوای زمینی اصابت میکند به همان اندازه موفق تر انجام شده میتواند که قابلیت شان برای برای حرکات سوق الجیشی و تکتیکی بیشتر باشد .

تحمیل نمودن یا مانور عالی خط داخلی را که لاپولتون در سفر ۱۸۱۴ اجرا نمود و مانند اینها امثله بشمار دیگر همه مرهون قابلیت حرکت وسیع بوده است . و میتوانند سهمی را که در فتوحات قوماندانان بزرگ تاریخ به باهای صنف پیاده اصابت میکنند از قسمتی که به مرکوب سوار کاران تعلق میگردد تفریق نمایند .

از دیاد منزل و قدرت تخریبی رسمی های کلاسیک انکشاف بزرگ توپچی و بالآخره تسخیر تدریجی فضا باید عناصر جدیدی در ساحة مانور بوجود می آورد . با استناد بالای درس های حاصله از حرب عمومی ۱۸ - ۱۹۱۴ بعضی مفکرین به اندازه تحت تأثیر قدرت آتش واقع شده بودند که فکر میکردند آتش مانور را تحت الشعاع قرار داده با اهمیت نسبتی آنرا در محاربات زمینی تقلیل داده است . اما در حقیقت در دوران حرب عمومی اول انقراض تعرض های طرفین متحدین و المان-ها در جبهه غرب را باید به قدرت حرکت غیر کافی احتیاط ها و عدم قابلیت آنها برای بهره برداری سریع از شق های اجرا شده البته با در نظر داشتن وضعیت اراضی مربوط دانست . برای اینکه با وجود قدرت تخریبی زیاد اسلحه عصری، مانور و ضربه قوای زمینی بتواند در عملیات رول مهم بازی نماید کافی است که وسائط تخیلی زنجیر دار با عراده دار با آن ضمیمه شود و به اینصورت قابلیت حرکت آن به سویه لازم بلند برود . چنانچه مثال های متعدده این رول مهم قوای زمینی در حرب عمومی اخیر مشاهده گردید .

خاتمه حرب جهانی دوم شروع مرحله جدیدی بود: قابلیت ذروی قدرت های بزرگ اضمحلال دشمن شانرا در مسافت دور و همه نقاط کره زمین و خاک خودش ممکن ساخت . طوریکه

در يك احتمال ديگر چوكات سوق الجيشى حرب در نقاط ديگر جهان هر چه باشد يك مقابلۀ بالفعل عناصر حربى زمينى كه با اسلحه ذروى تكنيكي مجهز باشد در بعضى مناطق لازم ميگردد .

تدقيق احتمال فوق مطالعه در مسائل آنى را ايجاب ميكند لزوم پراگنده و پارچه شدن عناصر محاروبى، خاصيت متحرك عمليات ، خطرات متزايد باصقبن ها ، مشكلات عبور اراضى كه با تخريبات ناشيه از آتش هاى ضروى هنوز خطرناك تر شده باشد .

نتائج حاصله از چنين مطالعات واضح است: امكان اجراى مالور سريع در ميدان هاى محاربه داراى وسعت متزايد كه با ضربات ذروى تحديق گرديد. و مقابله با وضعيت هاى غير قابل پيش بينى به امكان قابليت وسيع حركت مستقيماً متناسب ميباشد .

بالاخره اين احتمال نيز وجود دارد كه بنا بر خوف متصوره از يك تصادم بزرگ ذروى قدرت هاى بزرگ رقابت هاى شائرا توسط دست هاى سوم عملى نموده و با مجادلات منطقوى و محلى كه از نظر اهميت و جنس اسلحه و سائط مستعمله محدود بوده و در آن مخصوصاً از استعمال اسلحه ذروى خود دارى گردد تمثيل نمايند .

به اساس تجربۀ سالهاى اخير ، ميدان هاى چنين مجادلات اكثرآ ممالك جهان بطرف خواهد بود كه از اراضى قدرت هاى بزرگ كه در چنين محاربات كم و پيش مداخله دارند دور بوده اكثرآ داراى وسعت كافى محلات آباد انكشاف نپافته و اراضى وسيعه صعب المور ميباشد .

اگر در چنين ممالك ، مشكلات اكمال قواى عمليات كننده كه با يك دشمن كه به اساس تعبيه گريلايى فعاليت مينمايد مقابل ميباشد نيز مد نظر گرفته شود ، نتيجه كه در مورد

ضرورت قابليت حركت براى قوت هاى زمينى از آن گرفته ميشود عين نتايج حاصله از احتمالات سابق الذكر ميباشد .

اين نتايج در جنگ هاى هند و چين ، الجزائرو به يك پيمانۀ وسيعتر در استخدام كتله وى قطعات متحرك هوائى امريكائى درويشنام جنوبى تأييد گرديده است .

علاوه بر دلایل فوق الذكر جهت ايجاب قابليت حركت بيشتر براى قواى زمينى ، دليل ديگرى نيز موجود است كه احتمال مجادله متصوره هر چه باشد باز هم معتبر شمرده ميشود:

تكنيكي هاى موجوده در حقيقت امكان تأمين قدرت لازمۀ به اردو هاى زمينى را اكثرآ بدون توسل به جزو و تام هاى بزرگ و سنگين بارها بدست ميدهد ، بنا هر قدر يك قوت حجباً كوچك باشد به همان اندازه سيال بودن آن شايدان آرزو است .

در حقيقت از دياد شعاع ضربه يك قوت كه با واسطه از ياد منزل و قدرت اسلحه برايش تأمين ميگردد به تنهائى براى پخشيدن درجه تأثير لازمۀ به مقصد مداخله در مناطق دور افتاد از منطقه محوله به سرعت مطلوبه ، يا مقابله با تحديدهاى پيش بينى نشده كه از چندين استقامت به مقابل منطقۀ متذكره سوق گردد در هر نوع شرائط كافى نميباشد . درينجاست كه تا حركت سريع بيشتر از مواد ديگر اهميت خود را حفظ مى كند .

بنا بر دلایل فوق حلول دوره ذروى درس هاى گذشته را در مورد لزوم قابليت حركت وسيع باطل نميسازد بلكه بيشتر از هر زمان ديگر كفايت و بنا قدرت مقابله و سائط محاربه زمينى عصرى با قابليت حركت آنها تناسب مستقيم خود را حفظ ميكند .

تناسب احتياجات و قابليت حركت با امكانات آن

تسميلات قابليت حركت با يد با ابعاد ساحه هاى عمليات و ميدان هاى محاربه ، مشكلات عبور اراضى كه به آن تصادف

انتقال از راه هوا بواسطه هليكوپتر
نيز در پيشرفت امور امروزي سهم
بارزى دارد .



در مناطق صعب العبور در گذشته
التقال آلات و ادوات توسط
کاروان‌های جهولی صورت می‌گرفت



بامعنی وسیع‌ترین آن يك قابليت عبور اراضي را با استعمال بعد سوم هوا برای مدت معینی افاده میکند. بناً تمام يك سلسله وسائط از واسطه زمینی که امکان خیز زدن جهت عبور از يك مانع را بدست میدهد الی واسطه دارای قابليت انتقال هوایی را که حقیقتاً به اجرای مسافت های هوایی دوام دار تغییر شکل و اجرای محاربه در سطح زمین مقتدر است احتوا مینماید البته ضروریست این وسائط عین قابليت های سرعت و ارتفاع و وسائط قوای هوایی را دارا باشد. وسائط حرکت هوایی محاربوی باید بالذات قابليت پرواز و فرود آمدن عمودی را داشته، در هوا و لو برای مدت کوتاه باشد توقف کرده توانسته، در سطح زمین قابليت فعالیت داشته اهداف زمینی نقطه را مورد ترصد و حمله قرار داده بتواند.

همان طوری که در قابليت حرکت يك واسطه سفر هوایی در بعد سوم (هوا) درجات متعدده موجود است در قابليت حرکت واسطه متذکره بروی زمین نیز تفاوت ها موجود میباشد. این قابليت حرکت زمینی فقط به دست آوردن لحظات محدود لازمه جهت یافتن یک ستره یا پناه گاه در موقعی که واسطه در زمین است منحصر شده میتواند. اما تخیل وسائط انتقال هوایی که دارای قابليت حرکت زمینی عالی باشد نیز ممکن است و احتمال دارد روزی چنین وسائط به شکل وسائط مقتدر هوایی زمینی مانند وسائط امفیبی موجوده انکشاف نماید.

در انطباق با خصوصیت هائی که لزوم آن برای وسائط حرکت هوایی تذکر داده شد، هلیکوپترها بهتر از طیارات مساعدت لشان میدهد. اگرچه اگر تطبیق مفکوره قابليت حرکت هوایی در چوکات جزوتام های بزرگ و قطعات مورد تطبیق قرار گیرد فرق بین هلیکوپترها و طیارات کمتر بارز است اما قبول اصطلاح «متحرک هوایی» تنها به جزوتام های که قابليت محاربه در بعد سوم هوا را دارند محدود شده نمیتواند. بلکه آن جزوتام هائیکه بالای وسائط پرواز کننده به مقصد اجرای محاربه در زمین انتقال داده میشود در همه احوال یک جزوتام متحرک هوایی شمرده میشود. ساهیت جزوتام های نقل داده

خواهد شد و سرعت که با آن اوضاع مختلفه انکشاف خواهد نمود متناسب باشد.

این ملاحظات واضحاً از وسائط که قوت های زمینی باید با آنها تجهیز گردد نسبت به آنچه وسائط زمینی امروزه با آن قدرت مجهز شدن را دارد، قابليت های عالیتر مطالبه مینماید. به حال برای وسائط عراده دار که در بالای زمین حرکت میکنند تصور پیشرفت های محدود در مساحت سرعت الطباق با هر نوع اراضی، عبور از قطعات آب و حصول درجه اکتفا به خود ممکن است. اما در حال حاضر، به استثنای موارد متعلق به پیشرفت در حصول قابليت اکتفا به خود، سائر پیشرفت های مطلوبه به طرف رکود متوجه بوده و جهت به وجود آوردن یک جهش در مساحت قابليت حرکت به پیمانۀ آنچه اتوم برای قدرت آتش به وجود آورد غیر کافی میباشد در حقیقت مواصالت به چنین انکشاف تا وقتی ممکن به نظر نمی آید که عراده های زمینی از تابعیت به زمین خارج ساخته گشود. صرف در چنین صورت است که آنچه قابل آرزوست ممکن به نظر میرسد. استعمال هلیکوپتر معمول شده اما در مساحت تکنیک به تکامل نرسیده است پرواز عمودی امکانات جدیدی به دست میدهد.

پروانه های مقاوم بادی مجهز به بالشت های پراز هوا بادی های خیز کننده بال های نرم و لودپون ها راه های انکشاف مزید بغرض فتح بعد سوم (ساحه هوایی) در طبقات پائینتر اتموسفیر و از دیاد قابليت حرکت هوایی بدست میدهد.

حدود مساحت قابليت انتقال از راه هوا به حیث یک مفکوره تازه هنوز مجهول است. قابليت انتقال از راه هوا هنوز يك مفکوره متحول و غیر مشخص است.

این مفکوره ولو به نظر عجیب جلوه کند اساساً يك مفکوره زمینی است که به این اساس باید از قابليت حرکت قوای هوایی تفریق کرده شود.

لظریه تطبیق با وسائط مستعمله قابليت حرکت از راه هوا

شده از راه عوا که بعد سوم (هوا) رابه منظور موجود شدن در منطقه که در آنجا باید اجرای وظیفه نمایند استعمال نموده اما وسائط انتقال شان اکتفاً تحت شرایط موجوده و نظر به اصطلاحات معموله «وسائط متحرك هوائی» شمرده نشده و عادتاً نیز در تشکیل اردوی زمینی داخل لیست وهم قابلیت آنرا ندارد که مناوبه محاربه بروی زمین و حرکت در هوا رابه عین قرار که جزو تهم های متحرك هوائی حقیقی به آن قدرت دارد انجام بدهد قابل بحث و مناقشه است .

به همه حال در این موضوع که جزو تهم های انتقال داده شده از راه هوا با اینکه امروز از جزو تهم های متحرك هوائی حقیقی فرق دارد برای بدست آوردن عین هدف خدمت میکند و در حقیقت پیشقدم این انکشاف شمرده میشود و تردهدی نیست .
دورنمای آینده :

باقبول تعریف فوق الذکر قابلیت حرکت هوائی، تخمین آنچه در آینده در این ساحه از قوت های زمینی انتظار برده میشود مشکل نمیباشد .

قوت های متحرك هوائی باید به اجرای محاربه زمینی به شکل دوامدار قادر باشند که این قدرت مستلزم قابلیت جهت ادامه موجودیت در میدان محاربه تحت هر نوع شرایط و مقابل شدن به یک سلسله وسیع تعرضات دشمن میباشد . لذا این قوتها باید علاوه بر قابلیت حرکت زمینی لازمه ، از قابلیت برای تأمین امنیت و اکتفا به خود بهره کافی داشته باشد . یک واسطه هوائی زمینی مصئون به این ضرورت جواب داده میتواند اما بهتر است در سیر جریان فعلی انکشافات تخنیکی از ساحه خیال باقی خارج شده و اعتراف نمود که در آینده قابل پیش بینی صرف اعمال یک واسطه متحرك هوائی نسبتاً نازک ، دارای قابلیت مانور ضعیف که قدرت حرکت محدودی را در زمین دارا بوده و اغلباً بیشتر از وسائط زمینی به قابل شرایط جوی حساس خواهد بود قابل تخمین میباشد .

جزو تهم های متحرك هوائی ولو که عنصر ضروری قوای زمینی بنظر جلوه نماید نظر به اینکه تشکیل و محافظه آنها از نظر اقتصادی خیلی گران تمام میشود اکتفا برای اردو های درجه دوم جهان به تعداد خیلی کم و هر جزو تهم با حجم خیلی

ضعیف قابل تشکیل میباشد . لذا در آینده قابل تخمین وظایف که موجودیت دوامدار جزو تهم ها را در بالای اراضی ایجاب نماید مانند گذشته توسط جزو تهم های زمینی کلاسیکه ایفا خواهد گردید . اما در محاکمه قابلیت های قوای زمینی ، پراگنده بودن مواضع و بطاقت نسبتی تبدیل محل شان را یحاً به حیث یک نقصان بزرگ در نظر گرفته خواهد شد . بالمقابل جزو تهم های متحرك هوائی از زیاد ساحه معلومات و توسعه ساحه امنیت را اجازه خواهد داد و نظریه قدسه و کادر که در آن استعمال خواهد گردید ؛ له مداخلات فوری به نفع جزو تهم های زمینی متفرق شده در بالای اراضی و در چنگال محاربات مضمحل کننده ، واسطه مداخلات احضار شده از فاصله های دور به شکل ناگهانی ، شدید ، مختصر و متکرر به مقابل شق ها که نظام محاروبی زمینی را تهدید میکند با عامل بهره برداری سریعانه از حادثات میدان محاربه در بالای اراضی را تشکیل خواهد داد .

وظایف فوق الذکر ، وظایف جزو تهم های سواری زمان های قدیم رابه خاطر زنده میسازد و شاید از همین سبب بود که اولین جزو تهم بزرگ متحرك هوائی که در جهان بپا ایستاده شد فرقه اول سواری نام گرفت .

نظریات و فرضیه های فوق الذکر فهم بهتر آنچه را که از جزو تهم های متحرك هوائی قوای زمینی در آینده انتظار برده میشود اجازه میدهد . جزو تهم های متحرك هوائی واسطه نازک دارای خاصیت استعمال حساس و عموماً غیر دوامدار بوده خواص آنها احتیاج به قابلیت سریع حرکت که بالائر ضرورت به سرعت و حمله ناگهانی در میدان محاربه لازم میگردد جواب مناسب تهیه میکند . سیر جریان صنعت عسکری تردید باقی نمی گزارد که در عملیات آینده نظامی به موارد استعمال آن افزوده خواهد شد .

بانهم این آله ضروری برای جواب گفتن به تمام احتیاجات اردوی زمینی غیر کافی بوده استعمال آن فقط توأم با جزو تهم های کلاسیکه زمینی باید مدنظر گرفته شود تا هر کدام به سهم خود بادر نظر گرفتن شرایط مخصوصه محاربات آینده از وظایفی که برای آنها بهتر مساعدت دارد به دوش بگیرد .

منظره دیگر از انتقال پرسونل

از راه هوا



سلطان محمود غزنوی

و

فتح سومنات

نویسنده دکتور عبدالحکیم طیبی
سفیر کبیر افغانی در هند

این معبد مصروف بود و سیصد نفر سلمانی برای اصلاح سروریش زرت کنندگان مشغول خدمت بود و سیصد و پنجاه رقصه در برابر بت سومنات شب و روز مشغول رقص بودند .

مصارف معبد از عایدات ده هزار دهکده هند و هدایای سهاراها های هند تکافو میگردد و بتهای سومنات هر روز با آب گنکا که از فاصله ۷۵۰ میل آورده میشد شستشو میشد .

برهنمنهای هند که میباید که سلطان غزنه سایر بتخانه های هند را فتح میکرد اظهار میداشتند که چون بتهای سومنات بالای بتهای سایر معابد هند قهر اند ایشان محکوم سلطان غزنه شده اند و معتقد بودند که هیچگاه محمود و عساگرد لیر او قادر به فتح سومنات شده نمیتوانند . محمود وقتی این عقیده برهنمنهای هند را شنید در ۱۷ اکتوبر ۱۰۲۴ به عزم تسخیر سومنات از غزنه روان شد و قبل از حرکت در مسجد عروس الفلک غزنه نماز را ادا کرد و از خدای بزرگ التجا نمود تا او را در این سفر طولانی و مبارزه مشکل کامیاب گرداند .

آندپال و پسر او جیپال دوم در پنجاب اردات حاکم باران و بیجاپال حکمران دهلی و باجر احکمدار (اوج) - جی چند حکمدار قنوج ، نندا حکمران کالنجاره و بیما و حکمدار انا لواره و قوت مجموعی برهنمنها در سومنات باثبات برساند .

دلیل عمده موفقیت سلطان غزنه و عساگرد دلاور افغانی ایمان بخداوند یگانه بود که در ، پهلوی آن دسپین منظم عسکری ، احترام عساگرد بقیادت محمود و تیزی و چابکی اسبهای افغانی در برابر فیلان نارام هندی باید دانسته شود .

در زمره تمام فتوحات محمود در هند معروفترین آن فتح سومنات است که در تاریخ هند ، تاریخ غرب و نیز جهان اسلام شهرت زیادی دارد .

معبد سومنات که مرکز بزرگ مذهبی برهنمنان هند بود از سالها محمود کبیر را بخود متوجه ساخته بود .

سومنات در ساحل « کاتیاوار » واقع میباشد و در وقتیکه محمود و عساگرد لیر او بنام اسلام به آن حمله ور شدند هزار برهنمن روزانه بخدست

سلطان نامی غزنه یعنی الدوله محمود هنوز ۲۷ سال از بهار عمر راطی نکرده که موفق شد اسمعیل برادر خود را که پس از مرگ پدر شان سبکتگین به تخت شاهی نشسته بود مغلوب و سلطان غزنه شود . مانند فلیپ مقدونی که کافی سرزمین وسیع را برای - لطننت اسکندر به ارث گذاشته بود سبکتگین نیز افغانستان موجود و شرق ایران را برای اداره محمود باقی گذاشت . فتح محمود در اولین سال سلطنتش تمام ساحه سیستان بود و بعد از آنکه خلیفه بغداد القادر بالله لقب امین الدوله و امین الملک را بوی اعطا کرد محمود عزم کرد که چراغ اسلام را در سراسر هند روشن سازد و برای عملی نمودن این عزم خود دوازده بار به هند حمله کرد و اولین حمله او در سال هزار عیسوی بود . در طی این دوازده بار حملات خود که از سال هزار تا سال ۱۰۲۶ عیسوی دوام کرد سلطان دلاور غزنه توالت که در تعبیه جنگی و فن محاربه و استعمال اسلحه کاری فوقیت افغانها را در برابر بزرگترین حکمداران نامی هند چون جیپال و فرزندش

محمود از راه ملتان و صحرا های سوزان بسوی اجمیر و سهپار گردید که در این سفر هر نفر عسکر علوفه و غذا و آب چندین روزه را با خود برداشته بودند و سی هزار شتر شاهی نیز با مشکهای آب حمل شده بودند ، در راه رسیدن به سومات تمام قلعه های نظامی «انال و اوار» و «کاتی وار» فتح شد. در رسیدن به سومات قوای مقابل به عساکر افغانی خنده میزدند، دیوارهای سومات را محکم بندی کرده بودند و در برابر تیرهای منظم سپاه غزنه تاب مقاومت نیاوردند و شان مغلوب و تعدادی توسط کشتیها بسوی بحر فرار کردند که در آنجا نیز تعقیب شده به امواج اوقیانوس هند سپرده شدند .

فتح سومات کاراسالی بود محمود راه دور و دراری را و آنهم از اراضی دشمن و مردمیکه بنام مذهب خود و خدایان شان مجادله داشتند باید طی میکرد ، دشتهای سوزان چون دشت نهر که بقول فرخی دیودر آن گم میشد و جنگلهای خار و وحشی که یارای گذشتن از آن نبود در برابر او و سپاه او قرار داشت .

در روز پنجشنبه چهارم ذی قعدة در سال ۴۱۶ سلطان به سومات رسید ، عساکر افغان بدور دیوار های بلند و عظیم آن که از یک طرف با امواج خروشان بحر شسته میشد حلقه زدند ، جنگ از روز پنجشنبه تا روز شنبه دوام کرد و با اینکه در شام جمعه با گرفتن کمک مدافعین سومات موفق شدند تلفات زیادی به عساکر محمود و زخمهای فراوانی بخودش برسانند . طوریکه استاد خلیلی در کتاب غزنویان خود از زبان

شیخ فریدالدین ذکر میکند که سلطان از شیخ ابوالحسن خرقانی پیراهنی داشت که وقتی جنگ بین او و هندو به نازکی رسید نماز گذاشت و خرقره را شمع ساخت و سومات را فتح کرد .

داستانهای فراوانی در مورد بت سومات موجود است که استاد خلیلی در کتاب غزنویان آنرا بنام افسانه بیرونی و نظریات ابن اثیر ذکر کرده و در قصاید شیوای فرح و مسجدی نیز این داستانها منعکس است ولی از اینکه بت سومات از بزرگترین بتها و معبد سومات از بزرگترین معابد بود در آن هیچ شکی نیست و این بت خدای سومات نامیده میشد .

بقول تاریخ کمبریج و هند قتی سلطان غزنه به سومات داخل شد در ۵۶ ستون آن چراغهای قیمتی آویزان و فضای هولناک آنرا نور آن روشن میساخت . بت سومات که بعضیها را عقیده بر آن است که از زمره سه بت بزرگ خانه کعبه بود که حضرت رسول مقبول (ص) دوی دیگر آرا شکست و این يك را از راه بحر به این معبد آوردند در آن جواهرات زیادی آویخته و کار شده بود

و يك انجیر بزرگ طلائی که در آن زنگهای طلائی آویخته بود در معبد برای صد ازدن را همان معبد آویخته و دو صد من وزن داشت .

وقتی محمود کبیر در برابر بت که ارتفاع آن سه متر بود رسیده با گرز خویش به آن حواله کرد و خدائی که نسلهای بیشمار هندو در برابر آن سجده میکردند سرانگون شد .

داستان معروفی که برهنمهای هند

ثروت فراوانی را به محمود پیشکش کردند تا بت سومات را خراب نکند همه میدانند ولی محمود که میخواست در تاریخ بنام بت شکن نه بت فروش نامیده شود این درخواست را نپذیرفت .

بقول تاریخ کمبریج هند وقتی محمود بت را شکست از داخل آن جواهرات بیشماری که صد برابر قیمت پیشنهاد شده برهنمها بود بزمین ریخت . محمود پارچه های این بت را با خود ، غزنه حمل کرد که قسمتی را در اردبایان عروس الفلك گذاشت فرشته میتنگارد که دو پارچه آنرا محمود در مسجد جامع و کوشک سلطنت افکند که این سنگها شاید روزی کشف گردد .

سلطان بعد از این فتح نمایان و در حاشان که تمام جهان اعلام آنرا تعجیب و احترام کرده به غزنه برگشت و چون سفر مشکل و طربلانی بود تا بهار یکم هزار و بیست و شش عیسوی نتوانست به غزنی برسد .

برسیدن غزنی خلیفه بغداد القادر بالله القاب و هدایایی دیگری برای وی و فرزندان و فرستاد و رسماً او را سلطان خراسان هندستان - سیستان و خوارزم محسوب کرد .

چون فتح سومات از شاهکارهای فتوحات سلطان یحیی الدوله میباشد شعرای دربار او چون فرخی و مسجدی قصاید شیوایی در ان موردالشا کردند که لغزنی آن قرار ذیل است و باید از جالب اهل ادب و تاریخ به تکرار خوانده شود .

قصیده عسجدی

در باره فتح صومنا

تا شاه خسروان سفر سومنا کرد
کردار خویش را علم معجزات کرد
آثار روشن ملکان گذشته را
نزدیک بخردان همه چون مشکلات کرد
بزدود نام کفر جهان را ز لوح دی
شکر و دعای خویشتن از واجبات کرد
شطرنج ملک باخت ملک با هزار شاه
هر شاه را به لعب دگر شاه مات کرد
محمود شهریار ملک آنکه ملک را
بنیاد بر محامد و بر مکرمات کرد
شاهاتو از سکندر بیشی بدان جهت
کوهر سفر که کرد به دیگر جهات کرد
عین رضای ایزد جوئی تو در سفر
لیک او سفر بجستن آب حیات کرد
تو کارها به نیزه و تیر و کمان کنی
او کارها به حیل و کسلک و دوات کرد
بر دادن صلوات کتابی بکرد شاه
چو نانکه بوحنیفه کتاب صلوة کرد

و اینک در اخیر قصیده قرخی را که در باره
سومنا سروده شده نظر به خواهش جناب دکتر
طیبی نقل می‌نمایم:

قصیده قرخی

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر
سخن نوآر که نورا حلاوتیست دگر
فسانه کهن و کار نامه بدروغ
بکار ناید رود در دروغ رنج میر
حدیث کهنه سکندر کجارسید و چه کرد
ز بس شنیدن گردید، خلق را باور
اگر حدیث خوش و دلپذیر خواهی کرد
حدیث شاه جهان پیش گیر وزین مکذر
بیمن دولت محمود شهریار جهان
خدا یگان لکو منظر و لکو مخبر
شهی که روز و شب او را جز این تمنایست
که چون زند بت و بتخانه بر سر بتگر
گهی ز جیحون لشکر کشد سوی سیحون
گهی سپه برد از باختر سوی خاور
ز کار نامه او گردد روی بر خوالی
بخنده باد کنی کارهای اسکندر

شنیده ام که حدیثی که آن دوباره شود
چو صبر گردد تلخ ارچه خوش بود چو شکر
بلی سکندر سرتاسر جهان برگشت
سفر گزید و بیابان دود و کوه و کمر
ولیک او ز سفر آب زندگانی جست
ملک رضای خدای و رضای پیغمبر
بوقت آنکه سکندر همی عمارت کرد
لبد نبوت را قفل بر نهاده بدر
و گرتو گوئی در شالشن آیتی است رواست
ایم من این را منکر که باشد این منکر
بوقت شاه جهان گر پیغمبری بودی
دویست آیت بودی بشان شاه ایدر
اگر سکندر باشاه هم سفر بودی
ز اسپ تازی زود آمدی فرود بخر
دراز تر سفر او بدان رهی بوده است
که ره زره نگستی و کرد از کرد (۱)
ملک سپاه براهی برد که دیودر او
شمیده کرده و گمراه و عاجز و مضطر
گمان که برد که هرگز کسی ز راه دراز
بسومنا برد لشکر و چنین لشکر
نه لشکری که مرا و را کسی بداند حد
نه لشکری که مرا و را کسی بداند مر
رهی که دیو دراوگم شدی بوقت زوال
چو مرد کم بین از تنگ بیشه وقت سحر
دراز تر ز غم مستمند سوخته دل
کشیده تر ز شب درد مند خسته چکر
چو چشم شوخ همه چشمه های آن بی آب
چو قول سقله همه کشتیهای آن بی بر
هوای آن دژم و باد آن چو دود جحیم
زمین آن سیه و خاک آن چو خاکستر
همه درخت و میان درخت خار کشتن
نه خار بلکه ستان خلدنه و خنجر
نه مرد را سر آن کاندان آن نهادی بی
نه مرغ را دل آن کالدران کشادی پر
همی ز جوشن بر کنند غیبه جوشن (۲)
همی ز مغفر بگسست رفر مغفر (۳)
سوار با سر اندر شدی بزور در او
برون شدی همه تن چون هزار پای بسر
گهی گیاهی پیش آمدی چون کخدا نیک
گهی زمینی پیش آمدی چون کتیر
بگونه شب روزی بر آمد از سر کوه
که هیچ گونه بر او کار گرنگشت بصر

(۱) کردر پروزن لنگر پشته را گویند

(۲) غیبه پاره های آهن که در جوش بکار برسد

(۳) رفر دامن خرگاه و کرانه های زره

نماز پیشین انگشت خویش را بردست
 همی لدیدم وین از عجائب است و عبر
 عجیبتر اینکه ملکه را همی چنین گفتند
 که اندر این ره ماری دوسر بود بی سر
 ترا بزرگ سپاهبست وین دراز رهست
 همه سراسر پر خار مار کرزه و چو
 شب چو خفته بود مرد سر بر آرد مار
 همی کشد نفس خفته تا بر آید خور
 چو خور بر آید و گرمی بمرد خفته رسد
 سبک نگردد از آن خواب تا که محشر
 خدایگان جهان زان سخن لیند بشید
 سپه براند توکل به ایزد داور
 بدین درشتی و زشتی ره می که کردم یاد
 گذاشت شاه بتوفیق خالق اکبر
 پیاد گاترا یکسر بخواند و استردار
 بتوشه کرد سفر بر مسافران چو حضر
 جمازه ها را در بادیه دمام کرد
 به آب کرد همه ریگ آن بیابان تر
 همه سپه را زان بادیه برون آورد
 شگفته چون گل سیر آب همچو لیلو فر
 بدان ره اندر چندین حصار و شهر بزرگ
 خراب کرده بکنند اصل هر یک ازین و بر
 نخست (دارده) کز روی برج و باره او
 چو کوه کوه فرو ریخت آهن و سرس
 حصار او قوی و باره حصار قوی
 حصارهای همه برسان شیر شرزو نر
 مبارزانی همدست و لشکری هم پشت
 درنگ و پیشه بفرو شتاب کاری گر
 لبرد کرده و اندر لبرد یافته دست
 دلیر گشته و اندر دلیری استمگر
 چو چیکلودار که صد و قهای گوهر یافت
 بکوه پایت او شهریار شهر شکر
 چو نهلواره که اندر دیار هند بهیم
 به نهلواره همی کرد برشهان مفخر
 بزرگ شهری و در نهر کاخهای بزرگ
 رسیده کنکره کاخها بدو پیگر
 چومند هیر که درمند هیر حوضی بود
 چنانکه خیره شدی اندرو دو چشم فکر
 ز دستبرد حکیمان بدو پدید نشان
 زبالهای فراوان بدو رسیده اثر
 فراخ بهنا حوضی بصد هزار عمل
 هزار بتسکه خورد گرد حوض اندر
 یکی حصار قوی بر کران شهر و در او
 زبت پرستان گرد آمده یکی محشر

منات ولات و عزی درمکه سه بت بودلد
 ز دستبرد بت آرای آن زمان آذر
 دوزان بیمبر بشکست و هر دورا آتروز
 فگنده بود چنان پیش کعبه پای سپر
 منات را زمین کافران بذر دیدلد
 بشکوری دگر انداختند از آن کشور
 بجایگاهی کز روز گار آدم باز
 بر آن زمین نشست و نرفت جز کافر
 زبهر آن بت سخنانه ای بنا کرد
 بصد هزار تماثل و صد هزار صور
 بکار بردلد از هر سوئی تقرب را
 چو تخته سنگ بر آنخانه تخته تخته زر
 به بتسکه در بترا خزینه ای کردند
 در آن خزانه بصدن و قهای پیل گهر
 برابر سرت کله ای فرو هشتند
 فگار کار بیاقوت و بیافته به در
 ز زر پخته یکی خود ساختند او را
 چو کوه آتش و گوهر بر او بجای شرر
 پس آنکه او را کردند سومات لقب
 لقب که دید که نام اندر او بود مضمهر
 خبر فگندند اندر جهان که از دریا
 بتی بر آمد زین گونه و بر این پیگر
 مدبر همه خلق است و کردگار جهان
 ضیا دهنده شمس است و نور بخش قمر
 بعلم او بود اندر جهان صلاح و فساد
 بحکم این بود اندر جهان قضا و قدر
 گروه دیگر گفتندی که این بت را
 بر آسمان برین بود جایگاه و مقر
 کسی نیاورد این را بدین مقام همی
 که او از آسمان بخدائی خود آمده است اندر
 بدین بگوید روز و بدین بگوید شب
 بدین بگوید بحر و بدین بگوید بر
 چو این ز دریا سرزد و بخشک آمد
 سجد کردند این راهمه نبات و شجر
 به شور خویش مرا و راهبست گا و کون
 بدین تقرب خوانند گا و را مادر
 فریضه هر روز آن سنگ را بشستندی
 به آب گنک و بشیر و بز عفران و شکر
 زبهر شستن آن بت ز گنک هر روزی
 دو جام آب رسیدی فزون زده ساغر
 خدای حکم چنان کرده بود کان بت را
 ز جای بر کند این شهریار دین پرور
 بدان لیت که مر آرا بمکه باز برد
 بسکند اینک و با ما همی بردهم بر
 (بقیه در صفحه ۵۲)

مجا هدی

نوشتۀ : پیغله لورجهان صاحیبان

احمدیکه فرزند جوان و باشجاعت یکی از خانواددهای افغان بود در لواحیکه زیست میکرد شهرت خوبی در جوانمردی و شجاعت کسب کرده بود. روزی جهت میدان محبوبه خود که نامزد دختر عمه اش بود به بهانه دیدن عمه اش از مادر خود اجازه گرفت تا به خانه عمه اش برود. مادر احمد طوریکه یک فرزند و دخترک ده ساله داشت و صمیمیت زیادی به ایشان نشان میداد جلو تصمیم احمد را نرفته با آنکه به او اجازه داد،

از احمد خواهش کرد تا سلامش را به عمه خود و پسران عمه خود حتی عایشه نامزدش برساند.

احمد بعد از سپری شدن یک روز کامل که از فراز تپه ها کوه ها سرزیر شده به قریه کوچک عمه اش که بیش از بیست خانه نبود و در بین کوه های سربلک واقع شده بود رسید و چند روز خوشی را در آنجا گذشتاند ولی یک شب بعد از صرف طعام شام خبر شد که وزیر محمدا کبرخان غازی و دیگر غازیان و مردان دلیر کشور عزم کرده اند تا پای های استعمار را از خاک ما قطع نموده و ممکنات را با هم راهانش درس عبرت داده و ایشان را از سرزمین کشور برانند.

احمد با خبر شدن این اقدام خیلی خرسند شده و با کمک پسران عمه اش تمام قریه را ازین اقدام با خبر و برایشان تاکید کرد تا هر چه زودتر افراد قریه خود را آماده کرده و هنگام شب سوی محاذ جنگ روانه شوند و بعداً دوباره به خانه عمه خود برگشته تا با عمه اش خدا حافظی کند. ولی دقتاً او در فکر عایشه شده که با اولزدیک درختیکه در عقب خانه ایشان بود وعده داده است و طبق وعده او بسوی آن درخت رفته دید که عایشه منتظر اوست. عایشه با آنکه خیلی عجله داشت تا برادرانش درک نکنند که او با خارج از خانه احمد در حال صحبت میباشد با آن هم برای احمد چنین گفت : عزیزم! من نمیخواهم که ازین بعد من از تو دور باشم. و در حالیکه حس مرد انگیزی و دلاوری در سیماء اش ظاهر میشد ادامه داد من نمیخواهم که عزیزم و برادرانم در جنگ وطن شرکت داشته باشند و من در خانه بمانم. ولی احمد حرفش را گرفته هر چندیکه اصرار کرد نگذاشت تا او همراه ایشان بجنگ برود چرا که راه طویل در فراز کوه ها و تپه ها پیشرو داشتند و از جانب دیگر فکر میکرد که او این راه طویل راه در هنگام شب طی نخواهد توانست. احمد برایش گفت: خوب عزیزم! حال اجازه بده تا به عمه ام نیز خدا حافظی کنم. در حالیکه عایشه بسیار متأثر بنظر میرسید همایش

خدا حافظی کرده ولی بسیار زود دوباره فکری به سرش آمده تا لباس مرهانه را برتن کرده و خود را مسلح ساخت. زمانیکه با برادران خود خدا حافظی کرد آنها را از اقدام خویش خبر خبر نکرد چرا که او میترسید که مبادا آنها خفه شوند ولی به مجردیکه آنها با احمد از خانه دور شدند و بطرف دیگر غازیانیکه اجتماع کرده بودند رهسپار شدند. عایشه هم به لوبه خویش مادر خود را از اقدام خویش مطلع نمود و مادرش هم با این واقعه کرد بدین صورت او هم با دیگر غازیان عازم محاذ جنگ شد. گرچه در تاریکی شب هیچ یک از لشکریان متوجه او نشده و هر یک یکی از دیگر سبقت می جستند و هر احواله هم نوا شعار « یا چاریار، یا چاریار » میگفتند و به احساس وطن پرستی ایشان دامن میزد ولی با آنهم عایشه دستار مردانه را به سر پیچیده و نیمه روی خود را بسته بود و مانند سایر غازیان هیچ احساس خسته گی و عقب مانگی نکرده و پهلوی برادران خویش راه را پیمووده و مشتاقی رسیدن به میدان جنگ بود. گرچه آنها از قریه کوچکی روانه شده بودند که زیاده از بیست خانه نداشت ولی گروه عظیم و قوی برای یکدیگر معلوم میشد و صدای هاها و مارش ایشان را کوه های سربلک منعکس نموده و آواز خروشان و پراز احساسات در قول های کوه های بلند و سربلک موج زده و طبیعت برایشان گواهی و ساز مردانگی میسرود زمانیکه از فراز تپه ها و کوه های بلند پائین می آمد صدای ها های ایشان با صدای لغزش سنگها آوازهای هیجان انگیز و عجیب را در آن هنگام شب بر هامیکرد و زمانیکه دشت های فراخ را می پیمودند یکبار دیگر قهرمانان تاریخ کشور بیاد ایشان آمده و خود را در خویش به شکل و شجاعت ایشان مجسم و جلوه میدادند. زمانیکه زلان پیر و سالخورده گان و کودکان از دور صدا های خروشان غازیان دلیر را می شنیدند همه ایشان از خانه های خویش جلو ایشان به استقبال می برآمده و ترانه ها و ابیات ملی را می خواندند و از دیدن ایشان هلهله ها و خوشی میکردند غازیان هم به

لویه خویش از رفتن ایشان سرور شده و به ایشان اطمینان بیروزی داده و از خداوند طلب موفقیت میکردند .

عایشه همچو دیگر غازیان از فرط خوشی و شرم در جنگ علیه دشمن در لباس لمبکتجید و آروز لبروی خاص خداوند برایش عطاء کرده بود . بلی! آن نیرو و عطاء خداوندیست که به هر انسان و وطن پرست ایکه کمر جهاد را برای وطن می بندد بخشیده و بیروزی را اصبیح ایشان می گرداند .

به همینطور این لشکر غازیان دسته ، دسته از چندین قریه و ده عبور کردند در قریه ها بدون زنان و سالخوردهگان و کودکگان ایکه به استقبال ایشان می برآمدند احدی هم نمالده بودند و هر یک خود را آماده کرده و با دیگر غازیان بطرف محاذ جنگ رفته بودند ولی با آنهم شخصیکه از دیگر دوستان و غازیان عقب سر مانده بود به این گروه ملحق میشد تا اینکه لشکریان مذکور نزدیک قریه احمد رسیدند . و احمد هم نسبت به دیگر غازیان خود را قدری پیشتر به قریه رسانده تا با مادر خود خدا حافظی کرده و طلب بخشش نماید . هنگامیکه احمد بخانه رسید مشاهده کرد که دروازه خانه ایشان باز است او فکر کرد که شاید مادرش با خواهرک اش جهت استقبال غازیان از خانه برآمده باشد و اگر در خانه منتظر بماند شاید از غازیان عقب بماند و تصمیم گرفت که برگردد ولی دلش تسلی نکرده یکبار داخل اطاق شد و دید که مادرش چراغ تیلی را روشن کرده و دست خود را بسوی آسمان برافراشته و با خداوند خویش راز و نیاز میکند تا غازیان موقالنه به خانه های ایشان برگردند . زمانیکه نظر مادرش بر احمد خورد بسیار بدشواری از جا برخاسته و روی فرزند خویش را بوسه کرده و برایش چنین گفت: شکر بسم که از خانه عمه ات رسیدی و از صف دیگر غازیان عقب نماندی چرا که غازیان این قریه قبلاً رفته اند و فکر میکنم که گروه غازیانیکه آواز خروشان ایشان شنیده شد تو هم شامل آن میشی ؟ احمد بایک تبسم دندان نما جواب داد و گفت:

بلی! مادر جان من هم با آنها هستم ولی نگفتمی که خواهرک کوچکم کجا است ؟

مادرش در حالیکه دست نوازش را بر اویش کشانیده و خاک سر اویش را پاک میکرد و گفت: چرا ؟ فرزندم مگر فکر نکردی که دروازه خانه باز بود ؟ و یا از ادامه داده و بگوئید: زمانیکه ما نعره های دلیرانه غازیان را از دور شنیدیم عزم کردیم تا جهت استقبال رویم ولی ضعیفی نظر چشمانم مرا اجازه نداد که از خانه بیرون بروم چرا که هوا قدری تاریک بود ولی او را اجازه دادم تا با دیگر کودک کان قریه برود و فکر میکنم که حالا زودتر برگردد .

احمد در حالیکه خیلی عجله داشت دستهای مادر خود را بوسیده و برایش چنین گفت: مادر جان! مرا بخش و اجازه بده تا از دیگر دوستان خویش عقب نمانده ام خود را به ایشان برسانم .

مادرش هم به لویه خویش بهشالی اش را بوسید و برایش چنین گفت: فرزندم! برای من و هر کس دیگر نام غازی خیلی با ارزش است و ترا بشرطی میبخشم که تو نام غازی را از سر خود دور نکرده و از جلودشمن رو نگردانی . احمد هم گفته های مادر را خیر مقدم گفته و برایش چنین گفت: مادر جان! راستی که تو یک مادر حقیقی هستی طوریکه این مفکوره را تو در سرداری من هم داشتی و انشاالله آنرا هرگز از مغزم بیرون نخواهم آورد .

مادرش باز به احمد چنین گفت و خدا حافظی کرد: برو فرزند غازی من - برو خداوند یار و مددگار همه ای تان باشد خدا کند بیروز ندانه برگردید .

احمد هم بعد از خدا حافظی از خانه بیرون رفت و بسوی لشکریان روانه شد . زمانیکه او از مادرش طلب بخشش میکرد و مادرش بانهم که یک پسر داشت هیچ عکس العمل و تاثیری در سیمه خود نمیآورد تا سباده حس مادری فکرش را برایشان ساخته و در میدان جنگ طور شاید و باید نه جنگد . ولی به مجرد بیرون شدن او از خانه اشک در چشمان اش پیچیده و به فراز رخسار چین خورده اش سرازیر شد . عایشه هم از تاریکی شب استفاده کرده و از کنج آن قلعه کوچک احمد ناظر اوضاع بود ولی جرئت نتوانست که یکبار با مادر احمد و با خودش تماس بگیرد بهمین طور او هم عقب لشکریان روانه شد و بهمین قسم آهسته آهسته آن شب ظالمالی روشن شده و آفتاب طلوع کرده نور زرافشان خود را بر زمین پهن کرد و بعد از طی کردن چند فرسنگ نزدیک محاذ جنگ رسیدند و متوجه شدند که شعله های جنگ در گرفته و صداهای خروشان غازیان و صداهای نغمه ساز برهم خوردن شمشیرها و گاگاه هف ، هف تفنگ هادهن پروگامی هم فریاد های اوج ، اوج (واخ ، واخ) انگلیسها شنیده میشد این غازیان آستین ها را تا بازو و پاچه ها خود را بلند تر بردند و شمشیرها را بردست بلند گرفته از زمین خیمه های پر خون آلوده انگلیسها عبور کرده و بر لشکر ترس خورده دشمن مانند شیرانف حمله کردند هیچ یک متوجه یکدیگر نبودند و هر یک میخواست که عده زیاد از دشمن را از پا در آورد عایشه هم بنوبه خویش مانند سایر غازیان دلورانه و مردانه میجنگید ولی گاهی متوجه احمد و برادران خود میشد و خود را نزدیک ایشان میرسانید و بر علیه دشمن در جنگ میقت میجست . و احمد هم طوریکه مانند دیگر غازیان از نهادش پیدا بود با دلیری و مردانگی می جنگید و زمانیکه دشمن او را مورد تیر تفنگ هدف قرار میداد او مانند شیر بر آن حمله میکرد و قبل از آنکه گلوله اش فیر شود تفنگ را از میله اش گرفته و بر سر دشمن میکوبید و با عده عم تن ، بتن جنگیده و سرایشان را با شمشیر بر میکند تا اینکه او میخواست بر یکی از افراد دشمن حمله کند ولی نفر دیگر انگلیس از عقب بطور ناگهانی با کارد بر احمد حمله و رشد و دفعه آواز

پسرلی او عسکر

پسرلی راغی هره خواکل و گلزار بیکاری
 دلوی ژوند زرو شپو نوی سهار بیکاری
 د قدرت لاسو مابلو کالی د پیکلادی بیکلی
 چیکلی وطن می لکه ناوی چه سینکار بیکاری
 د طبیعت د شهکاریو ، نپالی به غه وی ؟
 چه سپهر و دینتو کی درنگه او بوی بازار بیکاری
 منم چه بوا دغرو لمنو کی کیودی و دریدی
 شرو دینتو کی د کوچنیانو خوروزگار بیکاری
 دشازلمیو په رگو کی وینی بیا تودی شوی
 کاروان د فکر کی رهی په نوی لار بیکاری
 که دلیم به پیرزو بیکلی غوتی و غوریدی
 دغه غولچی راته دیار بیکلی یاد گار بیکاری
 له لورو غرونو د ملی غرور احساس اخلمه
 مستوسرندو کی د غیرت می افتخار بیکاری
 داچه باغچی پرتی په سرو او ژپرو کلو باندی
 داددی خاوری د زلمیو لوی اثار بیکاری
 د وطن هره خواکی جوړی دخوینی میلی دی
 دا اخترو له د شهیدو په مزار بیکاری
 لن که غوک مینه په سرو کلو شینلیو کوی
 د وطن تیوی راته هم لن مخ دهار بیکاری
 دنگه غوروز لک می په دی مستوا شپارو کی ناغی
 غوی د وینی می رگو کی په تلوار بیکاری
 بیا دغاز یالو په قبرونو جنای ورییدی
 دمپرو له هدیرو مخی شهکار بیکاری
 درازقی په ارادو کی مینه بیازوندی شوه
 غکه نن دیر خپلو وعدو کی وفا دار بیکاری

غازی وزیرا کبرخان فاتح افغانی وقتی بالای سرانها رسید و آنحالت را مشاهده کرد، امرداد تا هر دو را برای تداوی به محل به مخصوص ببردند .
 چند روز بعد جشن عروسی دو جوان مجاهد برپا شد و در حضور وزیرا کبرخان و سایر مجاهدین ملی دست عایشه در دست احمد گذاشته شد و این خاطره دهان پدهان بهار رسید .

نالهنیده شد « احمد ، احمد مواظب باش از عقب بالایت حمله میکنند » ولی صداهای قبل و قال و ترنگ ، ترنگ شمشیرها و فیرتفنگها سبب شد که آواز بگوش احمد لرسیده و غفلتاً بیکه مراتبه کارد درشانه اش فرو رفت و در اثنا بیکه شخص حمله کننده مذکور میخواست با کارد ضربه دومی به احمد وارد کند ولی عایشه او را موقع نداده و سرش را با شمشیر از تن او جدا کرده و انگلیسی را نقش بر زمین کرده بمجرد زخمی شدن احمد در جایش استاده و سرش گیج زد و در چشمانش تاریکی آمده عایشه فوراً بر نفر دومی ایکه احمد بر او حمله کرده بود گشت و بعداً خود را با احمد رسانیده قبل از اینکه احمد بر زمین بافتد دستش را بر شاله خود انداخته او را دلجوئی داد و بعد از او خواست تا او را از میدان جنگ گوشه ببرد و زخم او را ببندد . عایشه که مانند سردان مسلح و ملبس بود ولیعنه رویش با دستار پوشیده بود و نیز سبب شده بود که اندکی آوازش را تغییر بدهد . ازینرو احمد او را نه شناخته و بی هم برایش میگفت که : بگذار ، بگذار تا بجنگم ، من نمیخواهم که از میدان جنگ گوشه بروم . ولی عایشه باز از او میخواست تا زخمش را ببندد و بعداً اگر به میدان مبارزه شامل میشود اشکالی ندارد ، تا اینکه او را به گوشه نئی برده و زمانی که زخمش را می بست احمد درد شدیدی حس میکرد و گاهی هم بی هوش شده و عایشه و مادر خود را هادمیکرد و هیچ نیدانست که عایشه در پهلو اوست و از او پرستاری میکند . وقتیکه اندکی در دماغش تسکین نموده و به هوش آمد و حواس خود را متعزز ساخت دید که عایشه در پهلو او نشسته و جراحاتی که در ساق پای خود برداشته آنرا می بندد . احمد یکبار چشمان خود را مالیده و فکر کرد که او خواب می بیند ولی آن همه حقیقت بود بالاخره حوصله اش به سر رسیده برایش به آواز بلند صدا میزند عایشه

عایشه هم به نوبه خود به آواز بلند میگوید احمد و یکدیگر خود را دواغوش گرفتند و بعد از اندکی گفت و شنود احمد خواست که دوباره به میدان مبارزه و جنگ داخل شود و هر دو ایشان متوجه میشوند که غازیان از خلال گرد و خاک و غبار بیکه آن منطقه را در اثر پای کوبی مجاهدین تاریک نموده بود هر یک به آواز بلند خوشی و شادمانی میکردند و میگفتند « ما پیروز شدیم ، ما دسته استعمار را لا بود کردیم ، زنده باد وطن - زنده باد نام بزرگ وزیر محمد کبرخان و غازیان مجاهد » . همه ایشان بطرف قهرمان بزرگ می شتافتند و دور او راحلقه زده و بر یکدیگر آن پیروزی را مبارک باد میگفتند .
 عایشه و احمد که هر دو زخمی بودند با آخرین قوت کوشیدند تا بر خیزند و در سرور همگانی شرکت ورزند ولی ضعف و ناتوانی ناهشی از ضایع شدن خون بی هوش در کنار هم افتیدند .

خرنگه کولای شوچه دمصنوعی تنفس

پواسطه انسان دمرگه شخه خلاص کړو

لیکونکی: د کتور سید عبدالغنی «خوږمن یار»

د مصنوعی تنفس (ساینستل او ساور کول) اصولونه په لاندی ډول دی
۱: - د Sylvester اصول :-
پدی اصول کی ناروغ دشا پر تخنه
اچول کبیری هغه څوک چه غواړی
مصنوعی تنفس ور کړی دمریض وسرته
دی ودریږی .

بیا پخپلو دواړو لاسو دناروغ
دواړه لاسونه دشاوخوا ته پورته کړی
ترڅوچه دمریض سینه ټپه کششی او
بیا په ډیره چالاکی سره بیرته دناروغ
دجان سره سم قات او پر تقرنی فشار
ورکړی .

پدی ترتیب لاسونه غوڅوخله پورته
او بیا قات او د سینی پر لورې فشار
ورکول کبیری ترڅو سږی و کولای شی
پوه اندازه البساط او لقباض وکړی
ددی ډول مانورو یوازینی نقص دادی
که فرضاً ناروغ پدی وخت کی کالکه
وکړی دناروغ کانکی مواد خارجول
سختیږی چه دناروغ دخولی شخه دی
وخارج ته لار پیدا کړی چه پدی وخت
کی باید ده چه کومک کونکی
سږی ودی ټکی ته متوجه وی
۲ Skaffe اصول :-

پدی اصول کی مریض دنس پرخوا
باندی اچول کبیری او کومک کونکی
پخپلو دواړو لاسو دملار چار بند باندی
پخپل زور سره فشار راوړی ترڅو چه
پدغه ډول کبیکبیلو سره پرس باندی
فشار راوړل شی اودهغه پواسطه سره

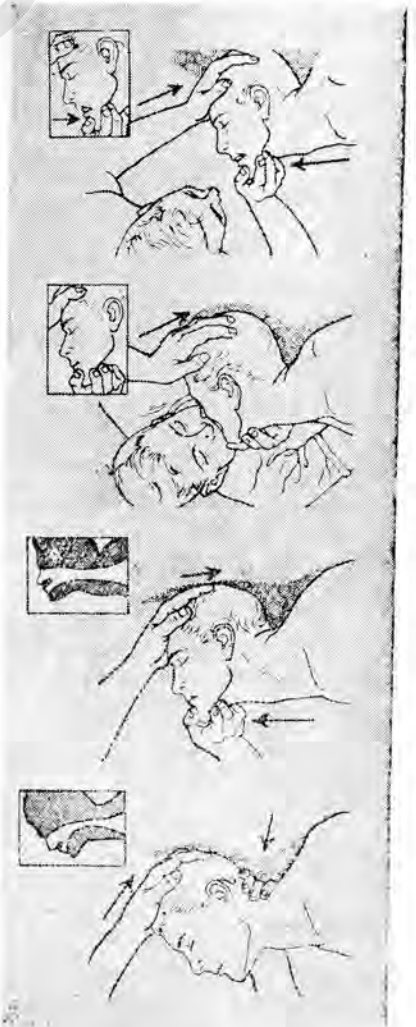
شخه نجات مندلای باید چه مخنی طبی
اسامات او تخنیکونه زده کړی چه
وکولای شی دډول مخصوصو مانورو
پواسطه سره خپل او دخپلو دوستانو ژوند
او ژوندون دمرگه شخه ساتی اود دډول
خطرناکی واقعی شخه وژغورل شی
البته دډول واقعات په ور مخنی ژوندون
کی ډیر لیدل کبیری چه هم ټی داختناق
یعنی غفه کیدلو واقعات، بریښنا دنیولو
واقعات اود کاربن مونو او کساید
تسمم دی .

تر هغه ځای پوری چه پوهیږ و
هر کله چه ددماغ او د مغزو و حجرو ته
په کافی اندازه او کسیدجن ونه رسبیری
دنا کافی او کسیدجن له امله ډیر ژر تر ژره
مرگ واقع کبیری. خصوصاً د کارمونو
او کساید په واقعه کی چه پدی واقعه
کی داو کسیدجن د نشته والی په اساس
دوینی دهمو ټلوپن سره د او کسیدجن
په عوض کی کار بون مولو او کساید
ورسره کله او کار بواو کسی هیمو گلوبین
جوړبیری چه دوینی دگانه کیدلو باعث
گرځی .

نو پدی ډول واقعات کی لمړینی
کومک چه دیو مریض سره کیدلای شی
هغه د مصنوعی تنفس دی یعنی پدی
واقعاتو کی دسړو د هوا تجدید ول د
خارجی مانورو په ذریعه سره باید
اجرا شی .

په انسانی ژوند کی یو سلسله ډیر
خطرناک او مرگه اوره واقعات پیدا
کبیری خوهر کله چه ددغو واقعاتو سره
په ډیره ډیره او چټکی سره مرسته
ولشی په ډیره لنډه موده کی دمرگ
حادثه منخ ته راځی .

لو ددی له پاره لازمه ده چه مخنی
لمړینی کومکونه چه بوانسان د مرگ



به نحی مجایو کی داو کسین اداره
 خیمو او یا مخصوص بالولو غخه استفاده
 که ی سر بیره پور تینو مرستوه سره
 پدی وخت کی ناروغ دیر ستزی او
 متمانه وی ترهغو پوری چه دمعالج
 نا کتر پوری خپل بخان ورسوی
 ناروغ باید تود او ارام وساتل شی
 او که په کور کی کورامین ولری لظر
 د ناروغ په سن او کال باندی یوغو
 غاخکی ور کول کبیری. تر تولو مسهمه
 حیره داده چه پدی ډول مرستو کی دمنتها
 چتکی اوقنی صورت غخه استفاده وشي
 که بیا هم پورتنی اصولونه تاسوته
 مشکل ینکاری دلاند پنی اشکالو غخه
 هم استفاده کولای شی. دی خبری ته
 باید پوره زیرشی چه دناروغ تماس د
 تازه هواسره دبر ضروری دی. دلیمو او
 یاترشی ور کول او هم د هوډو شربتو
 ور کول پدی وخت کی دیر خطرنا که
 تمامیری غرنکه چه دتنفس جهاز ټولی
 برخی بی حاله او خپل فعالیت دلاسه
 ور کپیدی نو دیر امکان لری چه
 غوړی مواد معدنی ته داخل شی وسپری
 نه دا خلیبری او دبر خطر نا که او انا
 مرگک سبب کبیری.

فلزی سیری د یوی استوانی غخه
 عبارت دی چه ناروغ په او موړی
 استوانه کی اچول کبیری اود غاری
 په حصه کی ئی وټپری چه چک لرونکی
 استوانه دیویرقی ماشین سره تماس لری
 چه دهغه ماشین په ذریعه دناروغ دسیتی
 صندوق خلاصیری او ټول کبیری ترغو
 چه پی ډول سره مریض و کولای شی
 چه تنفس و کپری

دسیتی پرمحتو یا تو بانندی یعنی سیر و بانندی
 فشار راخی او پدی ډول سره سیری هوا
 اخلی مگر بیا هم باید وویل شی چه تر
 پورتنی اصول دا ډول اصول ښه او
 بی خطر دی.

۳ داندرچو اصول :-

پدی ډول اصول کی دناروغ دواړه
 لاسونه پر یرو لور خړک بانندی ټینگبیری
 کله چه دناروغ پښی پرمخکله اوداس
 خوانی مخکی ته متوجه وی ده؛ درجی
 په اندازه ناروغ ته حرکت ور کول
 کبیری او دا مانوره غوخله باید اجرا
 شی چه دا اصول تردواړو لومړینو اصولو
 غخه محفوظ او بی خطر دی منتها د
 ناروغ تشبیت کیدل اود هغه دپاره د
 یو خړک جوړول یوه اندازه مشکلات
 لری. که بیا هم پدی طریقوسره
 یوسپری ونشی کولای چه دناروغ سره
 مرسته وکپری.

نوپدی وخت کی باید دناروغ هر
 خوله بانندی خوله ایږدی او تنفس دی
 ور کپری او په هره پلاکی خپل دواړه
 لاسونه دناروغ هر سینه بانندی کښیکښل
 کبیری او تنفس ور کول کبیری.
 که څه هم په مجینو مجایو کی په هره
 کورنی کی دنجینی نورو تخنیکو غخه
 او وسایلو غخه کار اخلی لکه فلزی سیری
 او داسی نور.



لذی

دینستی دملی ادب لویه خزانه

رزمی لذی

ټولونکی او مرتب : محمد مصطفی «انورزی»

په تور توپک ویشتلې راشی
 په تور توپک ویشتلې راشی
 په تور توپک ویشتلې له نې
 په خیر خوراغلی سترې مه شی
 په خیره راغلی په خیر راشی
 په درست جهان به دی وراکرم
 په درست وطن کې آواز به شوه
 په دېمن خان ټو کر ټو کر کړه
 په دایما دوه شپه مزه کړا
 په سپین میدان به در سره یم
 په سپینو تورو ور کله بیره
 په سپینې خوښې لویې مست دی
 په عسکری دخفه له یم
 په لحد بالدی می او بل کړی
 په ناموس ننگ پروطن جنگ دی
 په وینو رنگ ته ره دی راوړه
 پیغلو پورنی سره اغوستی
 پیغلو لوگی نور سپیلی کړل
 پیغور بیا ډیر را کړی عالمه

ت

تخت دسینی به دی په نام کړم
 ترپ له میدا ته پکار نه دی
 تر توریالی آشنا می جار کړی
 تردا کړی پکړی دی جار شم
 تردالری توری دی جار شم
 تر دی تهری توری دی جار شم
 تردی پوری توپک دی جار شم
 تر لور نامه به نې خان جار کړو
 توپک دی بیایه وړو سهور کړ
 توره رالجو په وینو سور شو
 تورو توپکو ته دی زور شو
 تورو توپکو کار یگره
 توره به کړم ماتی به نه کړم

دې لکې آواز دی مه راجه مینه
 چه پرها رونه دی په زلفوو کهنه مه
 له دی نرو چر ومه گسرخه مینه
 غزی جاانه وس لو ټوله دستایه
 چه دېمن په سخ کی مړه شوی مینه
 رطنه هیچ چوری دی ساری له وینمه
 چه دای ننگ زلمی له جنگه پدشاونه
 بهانو - ورو شول و ملهم در بالدی پدمه
 یا پسته حوله یاد پوری توپک غیرونه
 ره پسته له توری نه نیشتم مینه
 ما - هم زولو بالدی ډیر لخدلی دینه
 لکه دتور و حولی نه غاړه غری غینه
 خدای دی سراز کړ چه لیک نامه شی مینه
 که سی دتاله خوا کړلی خوړلی وینه
 دوطن جنگ نه په غور لخنک ورغه مینه
 راشه په سرو شولې به دره دریا که کړمه
 لکه چه بیاد شهید قبر له ورغینه
 چه نې په سپینه ورخ آشنا غزانه لینه
 که می دېمن خپل په ټکی وژلی وینه

که ددېمن په مرچل و کړل غور لخنکوله
 به بدنامی کی سپی موزبان به تبه مرینه
 چه دغلیم په وینو سره کاندی لاسونه
 ددېمن وینی بیوه گرا نه مینه
 دغلیم وینی به پری تونی کړی مینه
 که ددېمن په مینه و کړل پرها رونه
 به غاړه ستادی کړه زه ور سره محمه
 وطن مو خپل دی خود به نې تل خدمت کووله
 لکه په تور چنار چه واچوی ټالونه
 سالم په تن بی لنگه له راغی مینه
 په تورو خاورو کی دی غه لیدلی دینه
 که می یار مر شو خون به نې ستا تر غاری وینه
 که خپل آفتار اسره یو غای وی مینه

(با ایلدارد)

فرضیه فسمبی اینشتین

یک روز آلبرت اینشتین ریاضی دان
 معروف و صاحب فرضیه نسبی در
 خانه یکی از تاجران مهمان بود .
 میزبان که هیچ اطلاع از ریاضیات
 عانی نداشت از اینشتین خواهش کرد
 به طور ساده و مختصر فرضیه نسبی
 را برایش شرح بدهد .

اینشتین گفت این موضوع را
 نمی توان ساده و مختصر بیان کرد
 چون میزبان اصرار کرد اینشتین گفت
 بسیار خوب سعی می کنم ضمن حکایتی
 آنرا عرض کنم .

یک روز با یکی از دوستان خود
 که ناچنانی مادر زادی بود صحبت
 می کردم ضمن گردش گفتم ایگاش
 در اینجا قدری شیر پیدا می کردیم
 و می خوردیم رفیق کورم گفت : من
 شیر را وقتی می خورم می شناسم اما
 مشخصات آنرا پیش از خوردن
 نمی دانم .

گفتم شیر مایمی است سفید رنگ
 گفت مایع می دانم اما سفید را نفهمیدم
 گفتم سفید رنگ برف رنگ پر قاز است
 گفت پر لمیدانم چیست اما قاز کدام است
 گفتم قاز حیوانی است که گردنش کج
 است .

گفت گردن می دانم چیست اما
 کج چه شکلی است اینجادگر حوصله ام
 سر رفت دست او را گرفته راست
 نکنداشتم و گفتم این کج است .
 آن وقت دوست ناچنانم گفت
 هان ا حالا فهمیدم که مقصود از
 شیر چیست .

قوت‌های مخصوص اردو



کارآزموده، فداکار و با احساس در محاربات خصوصی می‌جنگد.

تاسیس: قواء مخصوص چنانکه امروز مشهور است. بصورت رسمی در سال ۱۹۵۲ در زمانی بوجود آمد که دهمین گروه قواء مخصوص در فورتن براگ، کارولینای شمالی تاسیس گردید و نخستین قطعه امور حرب غیر معمولی بحیث بخش داخلی اردو به میان آمد. این گروه نمبر دهم به منطقه موجود در جرمنی انتقال یافت.

امروز هفت گروه قواء مخصوص فعال وجود دارد که از آنجمله گروه نمبر سوم، نمبر ششم و نمبر هفتم در فورتن براگ و نمبر اول در اد کی ناوا و نمبر پنجم در ویتنام و نمبر هشتم در بانامه و نمبر دهم در جرمنی مستقر است. همچنین چهار گروه اردوی مخصوص احتیاطی در اضلاع متحده میباشد.

نظر بمنظوری مقامات اردوی اضلاع متحده امریکا هر یک از این گروهها از خود آمریت‌های مرکزی و ادارهای جزو تام مرکز جزو چهار جزو تام قواء مخصوص یک جزو تام مخاربه و یک جزو تام رادار دارند. این تشکیلات برای بر آورد شدن ضروریات اولیه حتمی تلقی میشود.

معمولاً یک جزو تام قواء مخصوص مرکب از یک اداره جدا و یک اداره نمبر سی (C) فعال یک اداره نمبر بی (B) فعال و ۱۲ اداره نمبر الف (A) فعال جداگانه میباشد. ادار نمبر سی (C) بقوماندالی یک صاحب منصب برتبه دگرمن مرکب از ۱۸ صاحب منصب و افراد میباشد این اداره بر علاوه ای اداره اداره‌های نمبر الف A و نمبر بی B امور جنگی گوریلائی و تدویر فعالیت‌های ضد گوریلائی و ضد دفاعی را در زمان مقتضی نیز بعهده دارد.

اداره نمبر الف قطعه فعال اصلی گروه است. هر نفر اداره نمبر الف کار از موده و مجهز ساخته میشود تا تشکیل ورهبری قوه گوریلائی ۱۵۰۰ نفری را بعهده گرفته بتواند. بقوماندالی یک صاحب منصب برتبه تورن این تیم ۱۲ نفری یک نفر صاحب منصب اجراییه برتبه لمری بریدمن و یک گروهیان فعال E-8 و گروهیان ضبط احالات E-7 و آمر سلاح ثقیل و آمر سلاح سبک و مشاور تدویر ادیو. و متخصص طبی و معاون متخصص طبی E-6 و گروهیان و مخرب و متخصص رادیو و مخرب محاربه E-5 دارا میباشد. هر کدام در رشته‌های اضافی دیگر نیز بلدهت داشته به یک یا چند زبان خارجی تکلم کرده میتوانند.

الزمان که رئیس جمهور جان اف کندی در سال ۱۹۶۱ گفت: «ما به یک استعداد بزرگتری محتاج هستیم تا در مقابل گوریلاها در محاصره و در برابر فشار بجنگیم» به کلماتش اهمیت زیاد داده شد. زیرا اردوی مخصوص که با کلاه مدور سبز معروف ملبس بود برای امور محاربات خصوصی مهارت تام داشت.

اگرچه پوشیدن کلاه مدور سبز برای خودش یک چیز تازه و جدید در اردوی اضلاع متحده امریکا است اما این اردو تاریخ طولانی در سهم گرفتن در جنگهای مخصوص و فعالیت‌های غیر عادی جنگی دارند. طی انقلاب دگرمن فرانسویس ماریون که مشهور به «روبا» زیرک بود با استفاده از تکنیک‌های مشابه گوریلائی اردوی انگلیسی را دچار مشکلات زیادی ساخت دگروال جان سنگلی تون موسبی ملقب به «جن خاک» و ولیم کانتریل ملقب به «منقار خولین» نیز در مقابل قواء مرکزی در جنگ مدنی از تکنیکهای غیر منظم استفاده بعمل آوردند.

در جنگ دوم جهانی دو افسر اردو صفوف دشمن را در فلپین در هم شکسته و یک شبکه دسته‌های گوریلائی محلی را تاسیس و کنترل نمودند تا اینکه به آزادی جزایر فوق فایق آمدند. همین محاربه باعث بوجود آمدن و اداره خدمات استراتژیکی گردید که مرکب از کشور اضلاع متحده امریکا، بریتانیا و فرانسه بود که به جنبش مقاومت متفقین کمک کرد.

مریلا مارودرز بقوماندانی جنرال فرانک دی میریل و «داری ریچرز» بقوماندانی جکون ویلیام اوداربی «بعداً برتبه برید جنرال نایل آمد» نیز تکنیک‌های بسیار تازه را انکشاف داده و در جنگ دوم جهانی بحرحله تطبیق قرار دادند.

سوابق اکثر وسایل و شخصیت‌ها و عنعنات قوت‌های اردوی مخصوص امروزی از قطعات پیاده طی حرب دوم جهانی نشات میکنند. سلسله مراتب و اختراعات آن قطعات برای جزو تام‌های چتر بازان امروزی بمهرات رسیده ولیکن معیار رهبریت شان فعالیت در اثناء اجرا ات و فداکاری در وظیفه مهرات مشترك قوت‌های مخصوص است.

مناصب عالی است ولی بمشکلات داده میشود. باتا کیدیکه بالای لیاقت و بیختگی بعمل میاید در اینجا چند بست محدود برای دویم بریدن و لفرهای پائین تراز 5 - E در گر و پ موجود است .

عسکر قوتهای مخصوص شدیداً کار از موده شده فوق العاده با احساس و با شعور میباشد . او قدرتی را تشکیل میدهد که ماموریت انکشاف و تاسیس و تعجیز و تعلیم و دستور قوتهای رسیده در امور محاربه گوریلائی به شمول وظیفه دادن مشوره تعلیم و کمک بقوتهای کشور میزبان در مقابل عقیم ساختن فعالیت های متقابل را بعهده میگیرد .

عساکر قوتهای مخصوص بسن ۲۰ سالگی یا بیشتر از آن میباشد . بصف چتر بازان داوطلب آنان در امور محاربه خصوصی فوق العاده تعلیم یافته و علاوه در امور جنگهای گوریلائی و رموز با صقین و تحت فشار فرار دادن دشمن بلدیت پیدا میکنند . مهارتی که آنان در امور محاربه خصوصی کمائی مینمایند . ایشانرا آماده میسازد تا ماموریت جنگ سرد یا فعالیت های عقیم ساختن دشمن را انجام دهند . این ماموریت شامل سه پروگرام است . که عبارت از پروگرام فعالیت های ضد گوریلائی و کنترل نفوس و منابع و پیشرفت محیطی است .

مرکز : مرکز جان. اف، کتیدی امور جنگ مخصوص «فضائی» اردوی اضلاع متحده امریکا واقع فورت براک، کارولینای شمال مرکز فعالیت های تعلیمی قوتهای مخصوص است . این افراد بجای انتقال داده میشوند تادر انجادروس مربوط به چتر بازی و سوار کاری را فرا بگیرند . گروهی تعلیمی قوتهای مخصوص تخصیص مرکز نسبت تبدیلی افراد قطعات قوتهای مخصوص تمام نکات جهان را تهیه میکنند . در اینجا شخص مشمول هشت هفته در فنون اساسی قوتهای مخصوص تعلیم میآموزند . که این فنون شامل مخابرات، سلاح، طبابت تخریبات، حرکات و ضبط احوالات میگردد، بعد آوی به تعلیمات پیشرفته در یکی از فنون اساسی میپردازد . تمام کورسها پیشرفته و جامع بوده شامل کورس ۴۳ هفتگی طبابت میشود که فوق العاده مشکل میباشد . نظر به توجه که به کیفیت و اهلیت افراد شامل این کورسها میشود معیار شدن ازین کورسها تا ۵۰ فیصد هم رسیده است . تدریس در ساحه پاراشوت از ارتفاعات بلند . دایف کردن فعالیت های (سکای هاك) صورت میگیرد که طی آن یک نفر عسکر توسط طیاره پائین پرواز ر بوده شده و در طیاره قرار میگیرد .

قسمت داخلی دیگر مرکز. بیوونجی امور جنگی مخصوص است که زیر نظر USCONARC و به سیستم خدمات بیوونجی صاحب منصبان اضلاع متحده امریکا و متفقین، اشخاص مشمول در سه رشته اساسی امور جنگی مخصوص تحت تربیه قرار میگیرند این سه رشته عبارتند از : عقیم ساختن . امور محاربه

غیر معمولی و فعالیت های روانی .

صاحب منصبان التصابی و غیره التصابی اضلاع متحده امریکا وظیفه قوماندانی کمک نظامی که بویتنام احضار میشوند نخست شامل کورس مشاوری تعلیمی کمک نظامی میگردند . در اینجا آنان اساسات روابط کوئتر پارتی بامشاور را بشمول فعالیتهای عقیم سازی را فرا میگیرند . تدریس شامل اشنائی باصلاح مخابرات تخریبات، فعالیت های فضا بزمین و معرفی منطقه است و لیاقت بفرا گرفتن زبان در ویتنام و سناسبت جسمانی نیز مطمح نظر گرفته میشود . این بیوونجی در سه ساحه مشق و تمرینات تعلیمی را سالانه انجام میدهد . این امر به مشمولین کورسهای عقیم سازی و روانی قوتهای مخصوص موقع میدهد تا آن تکنیک های را که فرا گرفته اند بمنصه اجراء بگذارند .

قوتهای مخصوصی در ویتنام : در سال ۱۹۶۰ - اردو صاحب منصبان اوپراسیون رازگروپ قوتهای مخصوص هفتم واقع فورت براک کارولینای شمالی بجمهوریت ویتنام فرستاد . چنانکه آنان کمپ های در نزد بک دهات وجود آوردند . که مورد حمله ویتکالک قرار گرفت .

رضا کاران ویتنامی از دهات نزدیک در امور حفظالصحه محیطی هاکی و صفائی کوچک ها و انکشاف زمین و منابع ملی و عقیم سازی تحت تربیه گرفته شدند . قوتهای مخصوصی در بعضی ازین وظایف مشغول گردیدند صاحب منصبان گر و پ غیر منظم دفاعی غیر نظامی را متسجم و متکشف کردند تا اینکه مردم دهشتین محلی را از نظر عسکری و اقتصادی قوی نمودند با شند .



دو نفر سرباز کمالدو حین اجرای یک عملیه محاربه ای

طی چندماه کمپ ها از دو کمپ تجربوی محدود به /۹/ و بعد در سال ۱۹۶۳ به ۳۲ کمپ افزایش یافت. مامورین این کمپ ها معمولاً از گروه قوت های مخصوص نمبر اول در اوکی ناوا و از گروه قوت های مخصوص نمبر هفتم از فورت براگ، کارولینای شمالی بخدمت احضار میشدند.

امروز بیش از ۵۰ جزو تام قوت های مخصوص در مناطق دور دست ویتنام مستقر هستند باینکه استثناً جزو تام های تمام ولایات واقع سرحد بین المللی دارای کمپ های قوت های مخصوص بوده و در ولایات ویتنام در مناطق متصل به سرحد جزو تام های فنی نمبر سوم و چهارم موجود هستند در منطقه جزو تام های فنی نمبر ۲ تیم ها در مناطق پرنفوس گماشته شده اند.

در مناطق کوهستانی و ارتفاعات مرکزی مثال های زیاد و معتبر پروگرام قوت های مخصوص را میتوان دریافت. یکی از این ها کمپ «فی سروانه» در کنار سرحد غربی ولایت «تیون دوک» است.

طی سال ۱۹۶۲ حکومت ویتنام اکثریت مردم قبیله فی سروانه کوهورا ازین منطقه تخلیه نموده و در عوض خانه های ای ای و بوته های استراتژیکی را آباد کرد. آلبانیکه بجای خود باقی ماندند تحت قیمومت ویتکانگها در آمدند.

جهت مقابله با فعالیت های ویتکانگها. قدرت ضربه همجوار متشکل از قوت های مخصوص ویتنامی و کولتر پارت های امریکائی

باین منطقه بحرکت در آمدند. اساساً این کمپ بجهت پایگاه تطبیقاتی پیشرو مورد استفاده قرار گرفته بود. قوتها در کمپ به حفظ مانع امنیت دست زده، خط آهن را قطع و دوسرک اصلی را که توسط ویتکانگها مسدود شده بود باز کردند فعالیت های روانی بشکل نشر اوراق و استعمال بلندگوها اهالی مولتها گنارد را با هدف کمپ و نقش قوت های مخصوص و بار تباط بهمکاری با حکومت آشنا ساخت.

در اواسط ماه اپریل ۱۹۶۴ مساعی عملی روانی و امنیتی منتج به نتیجه ای گردیدند. در حدود ۱۷۴ خانه اعمار شده و باندازه کافی مهاجرین و تازه واردین در العجا سکولت اختیار کرده و قریه جدیدی را تشکیل و به کشت زمین پرداختند.

مشاورین قدرتهای مخصوص اضلاع متحده امریکا مفکوره های نوین جهت پیشرفت مردم بمنصه اجرا گذارند یک مغازه دهاتی باز شد و یک کلیسای که توسط نمایندگان مذهبی خارجی اداره میگردد اکنون موقعیت بر از لده در قریه فوق دارد.

ویتکانگها از آزار مردم در کمپ دست برداشتند و هم هیچگاه تعلیمات نظامی متوقف ساخته نشد. مردم آموختند که باید آماده شوند از خود دفاع کنند و از جامعه که خود ایجاد کرده بودند حراست نمایند.

طور عادی یک ثلث قوت های مخصوص به فعالیت های دامنه دار دور از ساحه کمپ اشتغال دارند. یک ثلث از کمپ محافظت مینمایند و باقی مانده به کار آموزی تعلیم در نزد یک کمپ مشغول هستند که در شب بر میگردند تا در دفاع این کمپ کمک نمایند.

یکی لوع خاص فعالیت ویتکانگ شامل حمله به کمپ کانال قرارگاه قوت های مخصوص در ولایت این دین بود. درین اثنا یک گروه بان قوت های مخصوص قرارگاه و با فاصله یکتیم کیلو متر در جنوب منطقه اصلی کمپ قرار داشت. سه جزو تام محافظ امنیتی خارج منطقه کمپ مشغول فعالیت بودند و دو جزو تام قوت های مخصوص بداخل کمپ اصلی با دو تولی فرعی که از قرارگاه دفاع میکردند قرار داشتند.

بعد از حمله شدید ویتکانگ بسمت شرقی کمپ، قوت های مخصوص از قرارگاه شمالی عقب رفتند تا مناطق دفاعی کمپ اصلی را قوی کنند. قوت های مخصوص واقع سمت جنوبی توانستند یک قسمت قرارگاه را اشغال کنند.

ویتکانگها چندین بار عمداً کوشش بعمل آوردند تا مدافعین را دور برانند ولیکن قوت های مخصوص بیشتر مصمم شدند تا کمپ را مستحکم کرده و تا اوایل صبح قواء ویتکانگ را مجبور به عقب نشینی ساختند.

بعد از اینکه روز فرارسید بمب افکنان جنگی بکمک خواسته شده به پرتاب بمب در مواضع ویتکانگها شروع کردند. درین اثناء مشاورین قوت های مخصوص امریکائی به حملات متقابل در قرارگاه جنوبی نیز پرداخته و قواء ویتکانگ را مجبور به عقب نشینی ساختند و آنها را مجبور کردند تا برقای باقی مانده شان بپولند. یکصد و بیست نفر ویتکانگی طی این حمله کشته و تخمه آ اضافه از صد نفر طی ضربه هوائی زخمی گشتند. در حالیکه تعداد تلف شدگان قوت های مخصوص عبارت از ۳۴ کشته و ۳۲ زخمی بود.

گروه های دیگر: اگرچه در ویتنام فعالیت های مخصوص نمبر پنجم بشدت ادامه دارد سه گروه دیگر قوت های مخصوص در خاک خارجی قرار دارد که موقف یک دایره تعلیماتی هدیدی را احراز نموده و همیشه آماده فعالیت میباشد.

قوت های مخصوص نمبر دهم که سابقه، دارترین گروه است تعلیمات امور محاربه خصوصی را در طول قلعه ها و وادی های عمیق آلپ های باوارین و در سرتاسر اروپای غربی و شرق نزدیک از پیش بدر میبرد.



چند نفر افراد حین اجرای عملیات کمالدوئی

نطعه عملیات روانی را درتعلیمات فعال سالانه شان کمک کرده بر علاوه پذیرفتن وظیفه میزبانی در فورت براگک صاحب منصبان به معیارهای مختلفه به وظایف تعلیمات فعال در سرتاسر مناطق مربوطه اضلاع متحده امریکا و الاسکا اعزام شدند.

کار آزموده، فداکار و شدیداً با احساس، قوتهای مخصوص اردو بحيث یک عامل مهم در اجرای امور محاربه خصوصی و ایفای ما موریت های عقیم سازی در هر زمان آماده فعالیت بود در حالت تیاری قرار دارند.

تعلیمات شان عموماً مرکب از بالا شدن بکوه و مارش های مشکل تحت شرایط محاربه می باشد.

قوتهای مخصوص لمبر هشتم واقع در پانامه تیم های مجهز کار آزموده را بکشور های در خواست کننده امریکای لاتین اعزام میدارد.

قوتهای مخصوص نمبر یکم در «اوکی ناواه» به تعلیمات جهت انجام ما موریت های در جنوب شرق آسیا مشغول بوده و تا کنون گروه ها لان لمبرالف (A) و نمبر بی (B) را به ویتنام فرستاده است. این گروه قطعاً قرار گاه قوت مخصوص فعال در آسیا می باشد.

سه گروه در فورت براگک که عبارتند از گروه نمبر سوم، لمبر ششم و نمبر هفتم، افراد کار آزموده و مجهز زیادی را بموریت ماورای بحار اعزام میدارند. هر سونل شان دائماً تحت تعلیمات نوعی از محاربه مخصوص قرار دارد.

قوتهای مخصوص احتیاطی: عناصر چهار گارد ملی و گروه های قوت های مخصوص احتیاطی در ۲۵ ایالت و لو اچی کلمبیا قرار دارد. افراد این جزو تام ها همیشه بوظایف فعال موقتی گماشته میشوند تا بکمک جزو تام تعلیمات قوت های مخصوص لیاقت و استعداد شائرا افزایش دهند.

افراد احتیاط موقف عالی شانرا حفظ نموده و روی مسایل فوق العاده جامع عملی کار میکنند. سال گذشته مرکز امور محاربه مخصوص ۲۳ جزو تام قوت های مخصوص احتیاطی و هشت

آزادی در نظر بزرگان

اسلام منادی آزادی و مساوات است عموم مسلمانان باید از این ندای آسمانی برخوردار گردند.

«حضرت هلی رض»

بکشید در دنیای خود آزاد زیست کنید.

«امام حسین رض»

زنده باد ملتی که برای زنده نگهداشتن آزادی زندگی را دوست دارد. «..»

کسیکه برای حفظ جان خود از آزادی صرف نظر کند استحقاق آزادی را ندارد. «فرانکلین»

ويتکا نگیان

و پيژنی

جگرن محمد بولس غمکنی



ما دام تی بین د
ويتکنگه خارجه
وزیر چه کلونه
اسلحه په لاس
دخپلو هیوادوالو
سره یو محای د
غلبیم په مقابل
کښی جنگیده او
اوس اوس د
پاریس د سولی
په کنفرانس
کښی خوراسم
رول لری .



گردونه ښکاره ده چه دویتنام جگړه یوه ډیره خونړی او غمجنه ددی پیری چکړه بلل کیږی اوله بلخوا دتاریخ په وپړدوالی کی هیڅ یو هیواد د نشی پیدا کولی چه دخپل هیواد د خارجی تسلط له خلاصونو لپاره تر دومره اوږدی مودی پوری ډیرو

مگر هغوی زما خبره قبوله نکړه ، وروسته قوماندان می امر راته وکړ چه هغوی باید دستگیر او ځنگله ته را ولی موږ هم دغه وظیفه د وطن دوستی په لحاظ اجرا کړ .

ويتکا نگیان عصری تجهیزاتو ، ټانکولو ، الوتکو ته احتیاج نه لری هغوی کولی شی چه په لنده ، غشی اولور په ډیره میرانه اوزیر کسی د غلبیم سره د ځنگله په هر گوټ او هره برخه کی وچنگیږی . ويتکا نگیان پخپل شخصی ابتکار داسی وسلی اختراع کوی چه انسان بلکه حیران ورته هاتی کیږی . کله چه په ځنگله کی روان وی و به گوری چه دلته او هلته ډیری لولی چه دنور و نیو غځه چه میتځنی خالی دی پرتی دی دشمن لشی کولی چه په ځنگله کی قدم کښیږدی او که چیری مجبور شی چه ځنگله ته ننوزی هم داسی دی چه سمدستی مړشی ځکه چه ددغو لولو په میتځ پلاستیکی بمونه محای په محای شویدی اوس تاسی

سره په جگړه بوخت وو ويتکا نگیان او بهترینه پناگاه اود استوگنی محای ځنگل محالوته ټاکلی وو . نیم لوڅ ژوند کوی د وطن پروری احساسات نی دومره لوړ دی چه په هر چا کی ډیر لیدل کیږی . دیوه ويتکا نگی غځه چاتپوس وکړ چه تالی خپل پلار او ورور ځنگله ته تښتولی وو او وروسته د ويتکا نگیان په لاس مړه شول . هغه په جواب کی ورته وویل چه بلی دغه کار ما دخپل قوماندان په امر کړیدی . بیا پوښتنه ځنی وشوه چه آیا ته له پوهیدلی چه هغوی به مړه شی په خندا نی جواب ورکړ چه پوهیدم مگر د هیواد په اندازه خپل پلار او ورور ماته ارزښت لدرلود ځکه چه هغوی خپل هیواد ته خیانت کولو امریکایانو ته نی د ويتکا نگیان وپت محایونه ښودل او محو ځلی می هغوی ته وویل چه دغه کار ډیر غټ خیانت دی تاسی هم باید ځنگله ته را سره ولاړشی اود خپلو فدایانو په ډله کی محایونه داخل کړی

غټو قوتونو په مقابل کی جنگیدلی وی . البته دا ښکاره خبره ده چه د دومره بولوی قوت په مقابل کی چکړی نه دوام ورکول اوله تسلیم بدل آسان کارندی بلکه ډیره کلکه روحیه او روزنه ورته ښکاری لکه غرنګه چه د ويتکا نگیان ددغه وصف ښتتان دی .

ويتکا نگیان له کوچنیوالي څخه د ډیری لږی ډوډی په خوړولو عادت لری ، هستوگنه نی په ځنگله کی دی . دپوتو او خلو په سرویده کیږی ، ډار ، ویره دچا څخه لری پنی لوڅی گرغیدای شی ، د ځنگله حیواناتو څخه له ویریری د ضرورت په وخت کی د ځینو حیواناتو څخه استفاده هم کول . مقاومت کی د مشکلاتو په مقابل کی تر هر چا ډیر زیات دی ، گرمی ، ساره ، ژلی ، باران د هغوی د فعالیت مانع نشی گرغیدلی . صبر او حوصله نی دومره زیاته ده چه انسان حیرانه وی . ځنگل نی هم کوردی او هم گور . له هغه وخت له چه دفرانسویانو

نظریات

دانشمندان جهان در باره شخصیت حضرت محمد
صلی الله علیه و سلم

محمد «ص» شخصی است مافوق دلی مملو از مهر و محبت و صفا
بشر و مادون بخدا، پس باید گفت داشت ؛
بدون شك محمد «ص» فرستاده الهی است .
«لا مارتین فرانسوی»
محمد «ص» از بزرگترین پیشوایان دینی و مصلحین بی مانند
و دانشمندان روشن و روسای جهان بوده است .
«دکتور رزویمر انگلیسی»
محمد «ص» پیغمبر اسلام

دلی مملو از مهر و محبت و صفا داشت ؛
«دکتور گوستا اولویون»
افکار و عقیده حضرت محمد
«ص» از هرگونه شك و ابهامی
میرا است .
«جیبون دانشمند انگلیسی»
من به محمد «ص» ایمان دارم
و در مقابلش خاکسارم ، آه که
او چه فداکاری هایی در راه
حقیقت نموده است .
«گوبولد اینیلیق»

بخیله فکر کی چه دشمن غرنکه کولی
شی چه غنکله ته ننوزی اودویتکا نکیانو
سره جگره و کی بوویتکانگی خوندی
چه دهغه سره جگری ته دوام ورکری
بلکه تولی ونی ، بوتی اومحکه ویتکانکیان
دی . اما بخیله ویتکانکیان په هغه مخصوصو
علایموسره چه ورسره موجوددی کولی
شی چه بیخطر خهل فعالیت ته په تول
غنکله کی دوام ورکی .

اوس دلته سره حیران پاته کیری
چه له پوی خواتول غنگل زهرگر بیدلی
دی اوله بلیخوا ویتکانکیان بی خطر
په مینخ کی نی فعالیت اجرا کوی .

ددشمن دپارولولپاره پوه بلی اله
هم لری چه هغه دیوی خوادخبر ورکولو
لپاره استفاده غنی کیری او له بلیخوا
دشمن ورباندی دپوری په دپول چه
ددتاریوسره خالی قطی پوری تری او
بل سرنی دوتی پرشاخ اوپا په محکه
اچوی کله چه ددشمن پینه پری لگیری په
دغه وخت کی هغه لرگی چه دقطی سره
ارتباط لری په دپرشدت سره په قطی وهل
کیری په همدغه وخت په تول غنکله
کی محشر چوپیری اوازنی دوسره مهلب
دی چه ددشمن معنویات بلکل خرابوی
اوپه عین وخت کی ویتکانکیان ددشمن
دراتلوعغه خبریری . ویتکانکیان تل د
پاره دیو دپول آلوغغه کارنه اخلی
یوبل دپول آله چه هغه نک اودرد
ناک .رگ په اخیر کی لری هم لری
چه غیره نی پدا دپول دی یوکوهی باسی
پرسرنی خلی اوبونی اچوی دغه کوهی
دلاری پرسردی هغه وخت چه دشمن په
هغه لارتیریری بیخبر کوهی ته غورخی
دکوهی په بیخ کی تیره سیخوله نمای په
په نمای شویدی کله چه دشمن هغو
سیخوته برابریری تاسی فکر وکری چه

په غه دپول سرگ به سری .
بل تلک هم شته چه ددشمن پینی لسی
اوهلته پاته کیری ترغوجه ویتکانگی
راشی هغه بندی پوزی دغه تلک پداسی
دپول جوړشویدی ددوی تختی دمحکی
په سرچه په لیرالدازه سره ژوره شویده
پینی دی دوی تختی نوری په دهغو تختو
په غنکله لصب شویدی اوتیره سیخوله
هم لری په سرنی خلی بوتی اچوی کله
چه دشمن پرهغه بالدی پینه کبیردی
هغه تختی چه په سرکی تیره سیخوله
لری په پیری چتکتیا سره دورخوروی
پینه نی په هغه حال کی چه سیخوله
پوری وری تراووزی تیگه نیسی او
هلته ولای پاتییری .

په همدغه دپول دپورتلگوله هم
لری چه غلیم نمائته جلبوی اووژنی نی
لکه داستراحت مجاوته ، دپهورزینستی
شیان اوداسی نور یعنی په هغه وخت
کی چه دشمن وروسته له دپور فعالیت
غغه وغواری چه کوم نمای کی استراحت
وکی په غنکله کی داسی داستراحت
مجاپوله دویتکانکیا لولخوا جوړشویدی
چه دغلیم عسکر بیله دغی چه متوجه شی
چه دخطر نک نمای به وی هلته پریوزی
مگر پهرته چکیدل نی نپسته تل دپاره نی
وپده کوی دویتکانکیا نوپوانمی لرجگره
له کوی بلکه پینی کوچنیان او
تول په جگره بوخت دی دغه شی دپاره
تول په جگره بوخت دی دهیواد د
آزادی لپاره .

روماتیزم حاد مفصلی و کار دیت

روماتیزم مل

تعریف - روماتیزم حاد مفصلی عبارتست از یک عارضه نسجی غیرعادی که در مقابل ترشحات استرپتوکوک در شخصی که دارای زمینه حساسی هست بوجود میآید.

اسباب و شیوع: در حدود ۱۰ - ۱۵ فیصد تمام اطفال کمتر از ۱۲ سال به روماتیزم حاد مفصلی مصاب میشوند، در مناطق معتدله و سردسیر مصابین آن بیشتر از مناطق گرمسیر است و در بعضی فصول سال مثلاً در زمستان و شروع سال ابتلای بی-ماری شیوع بیشتر دارد. در طبقات غریب بیشتر دیده میشود. ارث در بوجود آوردن بیماری دخالت ندارد اما عوامل محیطی و خالوادگی غالباً در افراد یک خانواده بطور مساوی وجود دارد.

از نظر جنس و سن ماگزیم شیوع ۸ سالگی است ولی در حقیقت بین ۷ تا ۱۵ سالگی منعنی به ماگزیم خود میرسد. کمتر از ۳ سال و بالاتر از ۳۰ سال نادر است.

بارزترین سابقه در نذر روماتیزم حاد مفصلی چنین عفونتی است که معمولاً بصورت آنزین استرپتوکوکی بوده که از نوع بتاهیمولیتیک و از گروه لانسفیلد است معمولاً بین یک هفته بعد از آنزین، روماتیزم با عوارض آن بروز مینماید. ۲۰ فیصد تمان گلو درد های استرپتوکوکی دچار عارضه روماتیزم حاد مفصلی و عوارض جلدی یا سدیماتالسیون بلند میشوند. ممکنست مخملک در سابقه روماتیزم حاد وجود نداشته باشد.

مؤید سابقه عفونت استرپتوکوکی از نظر سریری جستجوی آنزیم هائی در خون است که وقتی بمقدار مرضی وجود داشته باشد فقط مؤید آن هستند که این مریض در طی دو ماه گذشته دچار یک عفونت استرپتوکوکی شده است و آنها عبار تنداز آلتی استرپتولیزین که در حدود ۸۵ فیصد موارد تیر آن بالاتر از طبیعی است معمولاً ارقامی در حدود ۵۰۰ تا ۱۲۵۰ واحد بدست می آید از هفته دوم شروع به پیدایش نموده و تا هفته ۴-۶ به ماگزیم میرسد بعد بتدریج پائین می آید. آنتی فیرینولیزین در خون نیز زیاد میشود ولی در کلیتیک

از این استفاده بعمل نمی آید آنتی هیالورونید از لیز در خون افزایش مییابد و این سبب میشود که اسید هیالورو نیک که خاصیت ژاله ای به ماده بین سلول میدهد دقیق شود و عوامل پاتوجن بسهولت بیشتری در این قسمت از بافت نفوذ کنند. مجموعه این سه آنزیم در ۹۵ فیصد موارد روماتیزم حاد مفصلی مثبت خواهند بود.

پاتولوجی: دو ضایعه مهم مورد نظر است یکی ضایعه اکسوداتیف دوم ضایعه پرولیفراتیو که همان ندول آشف است. در ضایعه اکسوداتیف - اول نکروز کلاژن و قطعه قطعه شدن آن - انفیلتراسیون لوکوسیت: پرخونی و خونریزی شریه ای وجود دارد - ضایعه بعداً پیشرفت کرده دچار دژنراسیون فیبرینوسید میشود که تصور میشود بعلت رسوب موادی از جنس موکوپولی ساکارید باشد. این ضایعه غیر اختصاصی است و در توکسمی ها و حالات الرژی یا حساسیت هم دیده میشود و در روماتیزم حاد مفصلی در اساج زیاد مشاهده میگرددند. غشاء سینودیال مفاصل بزرگ، پریکار دو اندو کارد، میو کارد و آفت ششها نیز بوجود میآیند.

دوم ضایعه اختصاصی یا که همان ندول آشف است *ASCHOFF - NODES* که بار اول آشف در سال ۱۹۰۴ شرح داد و تا کنون تعریف مفیدی از این ضایعه بجای مانده است. ندول آشف ساخته شده است از عده ای سلول که لقوسیت پلاسماویست هستند. عده ای ما کروفاژ وعده ای، فیبرو بلاست و بخصوص سلول چند هسته ای خاصی که از همان بدو پیدایش آشف بدان صفت خاص را داده است، هنوز هم مورد قبول آسیب شناسان است بالاخره مقداری نکروز کلاژن در وسط در مرحله آخری فیروز و اسکار جای این ضایعه را میگیرد. در دریچه ها هم تغییرات مشابه این ضایعات پیدا میشود منتها در لبه خارجی والولهای که بهم میخورند ضایعه بیشتر است آنها بعلت اینست که در این نقطه ضربه بیشتری به دریچه ها وارد میگردد همچنین در محلی که تالدونها به دریچه ها می چسبند ضایعات آماسی بیشتر است. دریچه میترا ل در درجه

اول ولبه آذورت و سپس تریکوسپین و بالاخره پولهولر بدین ترتیب گراتار میشوند و این طرز گرفتاری بستگی به تروماتیزم یا ترضیض، فزیولوژی یعنی فشار خون و ارد برین دریچه ها حال سیستمول و دیاستول قلب دارد. در مطالعاتی که اخیراً روی کاردیت شده است تنها ندول آشف را از سلولهای آندو تلیال لنگاتیکیهای قلب میدانند. ضایعه ندول روماتیزی زیر جلدی عین ندول آشف است و متاسفانه ضایعات اکسوداتیف و پرولیفراتیو در مراحل مختلفه بدنبال هم ایجاد میشوند یعنی ممکنست هر دو با هم در وجود آیند و موقعی که تشخیص سریری داده شود ضایعات پرولیفراتیو پیشرفته شده باشند. در روماتیزم حاد مفصلی از نظر سریری غرض تشخیص یک علامت ثابت وجود ندارد بلکه مجموعه ای از چکیده علائم کلینیکی و با را کلینیکی تشخیص را واضح مینماید و رویه مرتبه برای فهم مطلب بهتر است این علائم کلینیکی و پاراکلینیکی را که به کرات گفته شده است در اینجا به سه دسته تقسیم کنیم:

۱ - علائمی که ال بریک عفونت است و احتمالاً این عفونت استرپتوکوسی است و مهمتر اینکه عوارض حساسیت و جلدی هم از این عفونت حاصل شده است.

۲ - این عفونت روماتیزی است و عوارض مفصلی دارد.

۳ - تحقیق اینکه کاردیت وجود دارد یا نه ؟

۴ - علائمی که دلالت بر یک عفونت میکند عبارتند از:

۱ - تب: ممکنست دائمی یا موقوت سکلیک یا پولی سکلیک بوده یا اصلاً وجود نداشته باشد.

۲ - تسرع قلبی در حدود ۱۰۰-۱۴۰ که اگر نسبت آبتیب بیشتر باشد باید بفکر کاردیت بود.

۳ - کم خونی و عرق کردن.

۴ - کم شدن وزن و بی اشتهائی.

۵ - لوگو سیتوز با پولی لوکتر طبیعی.

۶ - افزایش سیدمانتاسیون که از تمام علائم عفدلی مهمتر و

با ارزش تر است. بیشتر بعلت اضافه شدن فیرنویژن است.

علائمی که حکایت میکنند این عفونت با احتمال قوی استرپتوکوسی بوده ولی هیچگاه نبودن آن استرپتوکوسی را نمیکند.

۷ - سابقه گلودرد.

۸ - کشف ترشحات حلقی ممکنست استرپتوکوک بتاهمولیتیک نشان دهد.

۹ - *Reactif. Protein. C* پروتین مثبت است یعنی

موکوپولی ساکاریدها افزایش یافته اند.

B - علائمی که دلالت مینماید بر مرض روماتیزم حاد مفصلی دارد.

۱ - پولی آرتریت - که مفاصل بزرگتر مثل مچ دست، آرنج و زانو را میگیرد - مفاصل دیگر و کمر دردم دیده میشود.

معمولاً از یک مفصل شروع شده درد - تورم قرمزی وجود دارد و بعد از یک تا سه روز مفاصل عارض میشود در حالیکه مفصل اول بهتر میشود و همیتطور مفاصل دیگر. مفاصل بطور قرینه

گرفتار نمیشود. بعکس آرتریت روماتوئید مفاصل کوچک مثل فالانژها و متارپوفالانژها مبتلا نیستند هرچه مرض سن تر باشد مفاصل کوچکتر شانس گرفتاری بیشتری دارند و گاهی تشخیص بین روماتیزم حاد مفصلی و آرتریت روماتوئید مشکل میشود گاهی هیدارتروز استریل بوجود میآید. ممکنست فقط آرترلجی مهاجر در کار باشد و ممکنست فورم آتی بیک داشته فقط یک مفصل گرفتار شود و ممکنست با اصطلاح فورم تحت حاد باشد که حالت عفونی شدیدی نداشته باشد فقط درد رشد در سن بلوغ باشد *Growing - Pain* یا کمردرد تنها داشته باشد و سدیبه لتاسیون بلند باشد.

اگر در ضمن درمان با سالیسیلات این پولی آرتریت در عرض ۲۴ - ۴۸ ساعت داد دلیل بر تأیید تشخیص است. وقتی تیترا *Asto* بالا است این بتنهائی *Raa* را ثابت نمیکند بلکه نشان میدهد که در سابقه نزدیک مرض مثلاً آتادوماه گذشته عفونت استرپتوکوسی وجود داشته است. احتمال وجود *Raa* را در صورت بودن علائم ماژوردیگر *Raa* بیشتر مینماید و الا ممکن است مرض آرتریت روماتوئید داشته باشد و گلودرد هم بگیرد و تیترا *Asto* وی بالا رود.

۲ - داء الرقص یا *Chorea* - که عبارتست از حرکات غیر ارادی و بی منظور اندامها - سر زبان - عضلات صورت همراه با هیپوتونی - کم ضعیف شدن رفلکسها و افزایش هیجانات مریض.

۳ - ضایعات پوستی - بهترین ضایعات که دلالت بر *Raa* میکند:

A - ندول تحت جلدی روماتیزم: - که در حدود ۱۳ - ۲۰

فیصد موارد دیده میشود در اطراف مفصل روی تالدها پیدا میشوند اطراف مفصل آرنج - مچ دست - پوست سر - اطراف

ستون فقرات بدون دردهستند - نکته مهم اینست که وجود ندول روماتیزی دلالت بر وجود کاردیت دارد.

B - اریتما لدوزوم که عبارتست از برآمدگیهای دردناکی

که باندازه های مختلف از یک نخود - ۱ - ۲ سانتیمتر عرض تحت جلد پیدا شده و بعد روی آن ترمز رنگ و سپس از چند روز

بنفش رنگ شده تدریج برجستگی و درد و تغییر رنگ زایل میشود بیشتر در قسمت قدامی ساق پاییدا میشود.

C - اریتما مارژیناتوم که در حدود ۸ فیصد مواد دیده

میشود که عبارت از قرمزی پوست است که بشکل حلقه هائی جغرافیائی پیدا شده و وسط آنها پوست سالم است.

D - اریتما پولی مورف - پتشی در پوست و در ته چشم و در

روده تظاهر مینماید و سبب درد شکم در روماتیزم حاد مفصلی است.

۴ - پلوریزی که از نوع اکسودا است و در ۱۰ فیصد

موارد دیده میشود.

۵ - پنومولی که در ۱ - ۲ فیصد موارد مشاهده میشود و

به پنی سلین با سالیسیلات جواب نمیدهد - ۶ - مقاومت به پنیسین.

علائم کار دیت :

بطور کلی سه نوع علائم از نظر سمعی وجود دارد - تغییر صداهای قلب به علت سوئل های جدید - تغییر شدت سوئل قدیمی ، معینا ممکنست در مرحله حاد مرض هیچگونه علائمی که دال بر گرفتاری اندو کاره باشد وجود داشته باشد و پس از چندسال مرض با ضایعات در ریچه های مراجعه کند . علائمی که دلالت بر آندو کاردیت میکنند ازینقرار اند :

۱ - کشیده شدن صدای اول قلب یا کم شدن شدت آن (کری صداها) .

۲ - دو تا شدن صدای اول - *Deduplication-of-Third*

Heart sound

۳ - صدای سوم قلب که صدای بی است بعد از صدای بعد از صدای دوم فاصله این صدات صدای دوم از *Opening Snap* در دو بلان صدای دوم بیشتر است - ایننگ منب صدائی است با فرکانس بیشتر و در زفیر بهتر شنیده میشود .

۴ - سوئل سیستولیک گاهی در کنار استرنوم در چهارمین فضای بین الضلعی شنیده میشود این سوئل سیستولیک لیست و نتیجه انتشار سوئلهای قاعده قلب به لوک قلب لیست زیرا سوئلهای اخیر از تیپ جهنده هستند و بعلاوه انتشاری به زیر بغل ندارند . سوئل ثان سیستولیک نارسانائی میترا ل معمولاً درجه ۳ و بالاتر است و اگر درجه یک یا دو باشد و تغییری در آن از روزی بروز دیگر داده نشود در اورگالیک بودن آن باید تردید کرد . از سوئلهای شدید بعداً دره ؛ فیصد ضایعه باقی میماند . از سوئلهای خفیف دره فیصد موارد سکل بجای میماند . تشخیص تفریقی این سوئل با سوئلهای فولکسپونل در نتیجه تسرع قلبی - تب و کم خولی است .

سوم سوئل *V-S-D* است که در فضای سوم و چهارم شنیده میشود و گاهی با تریل همراه است علائم هیپرتروفی بطن راست ممکنست وجود داشته باشد . بطوریکه ملاحظه میشود نباید هر سوئل که در طی حمله حاد روماتیزم در قلب شنیده میشود محکوم به اندو کاردیت شود و لازمست دقت زیادی از نظر درجه سوئل ، انتشار - تغییر صدای اول همراه با آن تغییر سوئلی از روزی بروز دیگر محل سوئل و بالاخره علائم دیگری که ذکر میشود بشود تا نتیجه صحیح در این باره بعمل آید .

۵ - سوئل دیاستولیک میترا ل سوئلی است با ارتفاع یا فریکانس زیاد و مشابه سوئل دیاستولیک استینوز میترا ل که سوئلی است با فریکانس کم یعنی بم و خشن لیست این سوئل کری کومس دلیل بوجود کاردیت در مرحله حاد روماتیزم است ولی دلیل بر پیدایش حتمی استینوز میترا ل لیست فقط در ۲۰ فیصد تا ۲۵ فیصد موارد این سوئل بعداً همراه با سوئل بری سیستولیک صدای اول شده و تشخیص استینوز میترا ل را اعلام میدارد .

سوئل کری کومس را گاهی پس از تزریق تئوسینفرین ۲۵ میکروگرم داخل وریدی شنیده میتوالیم با این دارو فشار خون

بالارفته و ریتم قلب که آهسته میشود سوئل بهتر بگوش میرسد .
۶ - والولیت آئورتیک : علامت این ضایعه بروز سوئل دیاستولیک آئورت است که در همان مراحل حاد مرض پیدا بعکس علائم استینوز میترا ل که سالها بعد مجموعه علائم سمعی آن بطور مایل شنیده میشوند در ابتدا سوئل دیاستولیک آئورت خیلی ضعیف و در ریجه دوم دیاستول شنیده میشود چون در این فاصلی اختلاف فشار بطن چپ و آئورت به ما گزیمم میرسد . سوئل در حال زفیر و در حالیکه نفس موقتاً قطع گردد بهتر شنیده میشود و با دیافراگم گوشی در حالیکه مریض نشسته کمی بجلو خمیده باشد بهتر بگوش میرسد . تشخیص تفریقی این سوئل با گالوی دیاستولیک است که در این مورد صدا خشن تر و کوتاه تر از سوئل است .

پریکاردیت : در ۱۰ فیصد موارد پیدا میشود و همراه است با درد پر کود رول از ازدیاد تب گاهی تنگی نفس و اگر ترشح زیاد شود علائم تامپوناد - سدیماتاسیون افزایش بیشتری پیدا میتیاید . علائم پلوریزی و پنومولی هم ممکنست وجود داشته باشد .

پریکاردیت دو نوعست - نوع خشک که مشخص است با فروتمان صدای که دو زمانه ایست که با ضربات قلب تطابق میکند و با قطع نفس از بین نمیرود - در حال نشستن بهتر شنیده میشود پلوریزی ترشعی که در آن فروتمان از بین رفته و صداهای قلب از دور شنیده میشود فشار ژوگولر و فشار وریدی با زوئی بالا هستند - نبض پارادوکس ممکنست وجود داشته باشد و بالاخره تنگی نفس شدید با حالت خفتان ، کبد بزرگ و اودیم هیپو تانسیون ممکن در مراحل پیشرفته تر پیدا شوند از نظر *E.C.G* بالا رفتن *RT* یا *T* در ۵۰ فیصد موارد دیده میشود . *RX* در مورد پریکاردیت ترشعی لشان میدهد که سایه قلب با سرعت از روزی بروز دیگر بزرگتر میشود و کنارهای سایه قلب نسبتاً مستقیم میماند .

میو کاردیت : در حقیقت میو کاردیت مستقلاً کمتر مورد بحث است بلکه وقتی کاردیت روماتیزم ایجاد شد وجود میو کاردیت مسلم تر از سایه قسمت های قلب است علاوه بر علائم اختصاصی میو کاردیت که ذکر خواهد شد هر موقع تغییرات مرضی ذهل مشاهده شد باید به میو کاردیت مشکوک شد .

۱ - بالا رفتن تب بدون علت واضح .
۲ - تسرع قلبی بدون علت و نامتناحب با تب .
۳ - باقی ماندن تسرع قلبی با وجود درمان آتی با ساسیلیات علائم میو کاردیت :

۱ - لرزش لایحه پری کاردیال که با چشم دیده میشود .
۲ - تغییر صدای قلب که اول شدت صدای اول کم میشود صدا خفه و پنبه ای میشود گاهی صدای اول و دوم شبیه بهم میشود و بموض ریتیم *LUP-DUP* ریتیم *DUP-DUP* بوجود می آید . ضربه نوک قلب پهنش و پراگنده حس میشود .
۳ - ریتیم گالوی دیاستولیک بگوش میرسد .



عملیات کوهنوردی امروز در شمالکوهستانی در اردو
ها طرف توجه زهاد قرار دارد.

۴- علائم نارسانائی قلب - یعنی تنگی نفس- اوریم - اسیت و کبد بزرگ و در قلب ممکنست سوئل پاریم گالوشنیده شود. تشخیص این عارضه از پریکاردیت ترشچی در اینست که نارسانائی قلب دیرتر یعنی در حدود ۳ ماه بعد از حمله روماتیزم ممکن دیده شود ولی پریکاردیت معمولاً در شروع مرض دیده میشود. بعلاوه در نارسانائی قلب سیدمانتاسیون طبیعی- لکویستها و تب طبیعی - هستند ولی در پریکاردیت سیماننا سیون لوکو سیتوز و تب بالانر از طبیعی هستند و نارسانائی قلب به دیزاناین خوب جواب میدهد.

علائم P-R E.C.G

۱- طولانی شدن فاصله که این فاصله بحسب سن و ریتم قلب تفاوت مینماید و باید بجد اول مربوط رجوع کرد ولی حداکثر این فاصله ۲۲ ثانیه است. ممکن این تغییر زودگذر باماهها هفته ها دایمی باشد.

۲- بلوک قلبی ۲: ۳ و ۱: ۲ یا فنومن ونکباخ *Wenkebach* که در آن فاصله PR به تدریج در ضربان زیاد میشود تا اینکه یک ضربان قلب حذف شود.

۳- بلوک شاخه ای هیس و *Interference-aets* که حادثر از موقعی که ریتم نورمال وجود داشته باشد.

۴- تغییرات QRS: که ممکنست به بالا رفته و یا معکوس شود- خود کمپلکس دارای ولتاژ کم باشد و یا شاخه های R دارای شکستگی باشد ممکن *T* طولانی باشد.

۵- موج P ممکنست معکوس شده یا تخت شود.

۶- تسرع قلبی سینوسی یا تسرع قلبی پارو کپستیک دهلیزی وجود داشته باشد.

بطاقت قلبی ممکن دیده شود که معمولاً دوره لقاهت مرض است.

۸- اکستر اسپستول های بطنی و یا دهلیزی

۹- فیبر پلاسیون یا فلوتر.

تشخیص تقریبی: تنها تشخیص های نزدیک مطرح میشود زیرا مطرح کردن مطالبی از قبیل اوستیو میالیت - اسکور بوت همراه با درد استخوانی - سل استخوان و مفاصل خارج از حوصله این مقاله است.

۱- آرترید روماتوئید که معمولاً مفاصل کوچک و بطور قرینه گرفتار میشوند تمایل الکیلوز در این مرض شدید است درمان، سالیسیلات سرعت جواب نمیدهد.

نوع *STILLS* - ادینوباتی - اسپلنومگالی وجود دارد.
۲- اسلرپتشی: باناری، خونریزی زیرناخن، اسپلنومگالی، هماتوری و بالاخره کشت و خون ممکن مؤید تشخیص واقع میشود.
۳- لوپوس اریتماتوسیس تیک: ممکن اول بصورت *R.A.A* شروع میشود و پریکاردیت هم بدهد و وجود عوارض دیگر بیماری و جستجوی سلول *L.E* تشخیص را معین مینماید.

مرگ و میر در مرحله حاد بیماری ۲-۱۰ درصد است، بیماری معمولاً بین ۲-۱۲ هفته طول میکشد گاهی از شش ماه هم بیشتر

بطول میا انجامد که علامت وخیم مرض است، عود بیماری علامت ناخوش آیندی است و در ۸۰ درصد موارد در اطفال کمتر از ۱۰ سال پیش میآید. ضایعات قلبی علامت نامطلوبی است و غالباً بین سنین ۵-۱۰ ظاهر میشود و در سنین بالا کمتر است، لزول روماتیزم علامت بدی است. سایر علائم کاردیت نیز که ذکر شد علائم نامطلوبی هستند.

رویه مرگه بین ۶۵-۷۵ درصد تمام اطفال که به *R.A.A* با ضایعات دائمی در پیچه ها باقی میمانند. ازین عده بعد از ۲۰ سال ۹ الی ۱۶ درصد بهبودی میابند. در میان دسته ای که بدون ضایعه دریچه ای مشخص شده بودند ۲۳-۴۴ درصد به ضایعات مزمن دریچه ای دچار میآیند. رویه مرگه نتیجه نهائی بشرح زیر خلاصی میگردد که ۷۵ درصد از بیماران مبتلی به *R.A.A* عاقبت الامر به ضایعات دریچه ای دچار میشوند.

درمان :-

۱- استراحت مطلق در رختخواب: تا موقعی که تمام علائم بالینی از بین رفته و سیدمانتاسیون طبیعی شده و تا یک هفته پس از قطع دارو طبیعی بمالد.

۲- مسکن عصبی: اگر مریض فکرش ناراحت است و دچار نگرانی میباشد و احتمال تسرع قلبی از اینرا هست «فنوباربتون» از روزی ۱۵ تا ۳۰ ملیگرام ۲ تا ۳ دفعه در روز و یا مسکنهای عصبی دیگر مثل «لیبروم» مفید بتظر میرسند.

عالی افکار

خوك چى دآزادى اراده له لرى
هغه د اخلاقي مسئوليت څخه هم
خلاص وي . (ارسطو)

* * *

دلور همت خاوند د ژوندانه
دلارى په پېچومو كى هېڅكله د
مايوسى سره نه مخامخ كېزى .
(ناپيون)

* * *

دوه شیان د ژوند هدف تشکيلوي
اول د هغو شيانو په لاس اوستل
چې غواړي ئې دوهم د هغو څخه
بهر مند کيدل . هوشياران بس
هغه خلک دي چې دوهم هدف
نه ورسېزي .

(لوکان پير سميت)

* * *

که ديوه ملت په منځ كى صرف
يوه نيكو كساره كورنى پيداسى
او همت و كړى هغه په ټول ملت
كى د نيكي كه پله غورولاي سى .
(كنفو چيوس)

۳- درمان دارونى: مرکز ثقل درمان ترکیبات «اليسيلات» است که از همه بهتر اسپرين بمقدار ۱۲۰ ميليگرام في كيلو است که به دوزهای متفاوت تجویز میشود. مدت درمان تا وقتی است که علائم بالینی از بین رفته و سدیمان تاسیون بحال طبیعی یعنی حدود ۱۰ میلیمتر در ساعت اول برسد. عوارض اسپرين عبارت هستند از گاستریت - هیپاتومولنا که در اینصورت باید قطع شود. ترش کردن که در اینصورت باید بی-کاربونات سودیم بمقدار نصف قاشق چای خوری داخل آب بعد از هر روز اسپرين داده شود.

هیچ تر و مبییتی که ممکنست سبب خونریزی شود و در این مورد دادن ویتامین K مفید است که به صورت آمبول SYNKVIT و یا بهتر KONKIN میباشد قرص کونا کین بمقدار ۱۰ میلیگرام سه مرتبه در روز داده میشود. بعلاوه اسیدوز ناشی از اسپرين ممکن با اختلال تنفسی همراه باشد و تجویزی کاربونات سودیم درین مورد هم مفید است و مقدار آن بسته بدرجه اسیدوز خواهد بود همچنین اسیدوز ایجاد اختلال الکترولیتی مینماید درموارد اسیدوز خفیف دوز فوق کافیست و در موارد شدید تزریق داخل وریدی بطور مختلف منجمله لاکتات دوسودهم ممکن است. اسپرين همچنین بعلت اثر روی عصب زوج هشتم ممکن ایجاد برنگس گوش بنماید، هپوگلیسمی مختصر، عرق کردن تسرع قلبی ثالوی به اسپرين نباید سبب ناراحتی بیمار یا دکتور معالج شوند.

کورتیکواستروئید تراپی: گزارشهای مجامع مختلف آمریکا - انگلیس و کانادا حاکی از اینست که بین اسپرين و استروئیدها در مورد R.A.A تفاوتی موجود نیست معیناً این مطالعه فقط به مدت یکسال انجام شد و تعقیب بیمارانی که استروئید مصرف کرده بودند تا سالهای بعد مثلاً ۲۰ سال انجام نشده که محققاً نتیجه قطعی بدست آید. بعلاوه با احصائیه های کوچکترین که در سنوات اخیر روی گروههای مختلف گرفته شده محقق است که اسپرين روی «کاردیت» بهیچوجه اثر ندارد و استروئیدها اثر عمیق تر و قوی تری بر روی کاردیت دارند و همچنین روی «عوارض مفصلی» ولی بعلت عوارض بیشتر، نباید آنها را چشم بسته در هر مورد R.A.A بکاربرد.
بطور خلاصه در موقعیکه:

۱- علامتی از کاردیت روماتیسمی وجود دارد باید استروئید بکاربرد و دوز آن یک میلیگرام پردنیزولون در هر کیلوگرام وزن بدن است.

۲- در قمرهای شدید روماتیسم حاد مفصلی بخصوص آنهایکه بطور سریع بدرمان با اسپرين جواب نمیدهند و در عرض یک هفته بعد از درمان مریض بهبودی نمی یابد (اثر اسپرين باید ۲۴-۷۲ ساعت ظاهر شود) باید استروئید بکاربرد. وقتی درمان با استروئید مرض را تحت کنترل در آورده دوز آنرا بتدریج باید کاست گاهی در ضمن کاهش دوز مرض شعله ورم میشود. بهتر است با کاهش مقدار استروئید کمی اسپرين تجویز گردد تا هت آمیکه

استروئید قطع میشود مریض تحت درمان با اسپرين باشد و سپس اسپرين بتدریج قطع شود.

آنتی بیوتیک: هر مریض میتلا به R.A.A ولو اینکه دچار گلودرد نباشد باید مدت ۱۰ روز تحت درمان با آنتی بیوتیک یعنی بنی سلین قرار گیرد (۶۰۰ هزار واحد در روز) و سپس ماهیانه بنی سلین طویل الاثر بوی تجویز گردد و مرتباً تا سن ۲۰ سالگی تزریق ادامه یابد (در یکماه ۱۲۰۰۰۰۰ واحد) گروهی مدت ۵ سال را پیشنهاد کرده اند که اگر در اینمدت روماتیسم عود نکرد میتوان بنی سلین را قطع کرد، ولی اگر حمله دوم اتفاق افتاد حتی تا بهش از ۲۵ سال هم باید بنی سلین تجویز گردد. در صورتیکه این برنامه رامیتوان اجرا کرد باید لااقل در ماههای سرماخوردگی ماهیانه بنی سلین را تزریق نمود. میتوان از بنی سلین خوراکی نیز در صورت تمایل بیمار استفاده کرد. قرصهای BROXYL ۲۵۰ میلیگرامی روزی ۲ قرص قابل ادامه است. در صورت وجود لوزه چرکی یا آمیگدالیتهای مکرر باید اقدام به آمیگداکتومی کرد. (پایان)

پکت های نظامی جهان

پکت وارسا :

۱۴ می ۱۹۵۵ در وارسا معاهده دوستی و کمک متقابل در بین ممالک البانیا ، بلغاریا ، هنگری ، جمهوری دیموکراتی المان (المان شرقی) ، پولیند ، رومانیا ، اتحاد شوروی و چکوسلواکیا امضاء رسید به نسبتیکه سران حکومتی البانیا در کارهای حکومتی خویش گرفتاری زیادی داشتند از سال ۱۹۶۳ با نیت طرف در مجالس اعضا پکت وارسا اشتراک نمی ورزد. طوریکه در مطبوعات اتحاد شوروی ذکر گردید تشکیل پکت وارسا یک امر جمهوری بوده . طوریکه معلوم است در سال ۱۹۴۹ اضلاع متحده امریکا با بعضی ممالک دیگر پکت ناتو را تشکیل داد و در سال ۱۹۵۴ نظر به معاهده نظامی پاریس یک گروه نظامی بنام اتحاد اروپائی غربی و در سال ۱۹۵۵ نظر به فشار اضلاع متحده امریکا جمهوریت فدرالی المان نیز در پکت ناتو شامل ساخته شد .

به همین علت اتحاد نظامی ممالک فوق الذکر برای دفاع خود و جواب مقابل در اثر حمله ممالک غربی بالخصوص اضلاع متحده امریکا پکت وارسا را تشکیل دادند .

معاهده وارسا یک پیمان تدافعی حقیقی میباشد . در مسوده پیمان وارسا ذکر گردیده که آنها تمام قدرت خویش را برای تقویه ساختن قوت تدافعی که باعث آرامی سردمان صلح جو و زحمت کش

شان باشد بخرج بدهند و سرحد و خاک خویش را از حملات ناگهالی متعرضون دفاع می کنند .

در ماده چهارم معاهده چنین نگاشته شده است: که در اثر حمله مسلح به یکی از ممالک عضو پکت از جانب کدام مملکت دیگر و یا گروه ممالک . هر یک از ممالک عضو سبب دفاع خود نظریه ماده ۵۱ منشور ملل متحد به مملکت مذکور اهر نوع کمکی که بان ضرورت حس شود (در این جمله قوا مسلح نیز شامل میباشد) بدهد. ممالک عضو بدون معطلی مجلس کرده و متحداً کدام فیصلهئی به جهت آرا می بین المللی و بی خطر بودن اوضاع جهانی صادر می نمایند .

نظر به معاهده پکت وارسا و رضائیت بعضی از ممالک عضو پکت برای زمان موقت قوا اتحاد شوروی در خاکشان قرار دارند . تعداد قوا مذکور بایک موافقه خصوصی قبول می گردد. ممالک

عضو پکت وارسا که فعلاً قوی عسکری اتحاد شوروی در آن موجود است عبارت است از جمهوری دیموکراسی المان ، هنگری ، پولیند و چکوسلواکیا

اعضای عالی اداری پیمان وارسا عبارت از کمیته سیاسی مشورتی است که جمیع حل مسائل و پرابلم هائیکه مربوط به قوی ساختن قوائی تدافعی ممالک سوسیالیستی جهان و حفظ امنیت

شان در وقت ضرورت تشکیل جلسه می دهند .

در مجلس کمیته ۱۷ مارچ ۱۹۶۹ که در شهر بوداپست دائر شد بطور مفصل با تمام رای موافق پلان نوی راجع به تشکیل قوا مسلح عمومی و قوماندانی عمومی و دیگر مسائل که مربوط به تجهیز ساختن سلاح ، تشکیلات و اعضای اداری پیمان تدافعی پکت وارسا بود به تصویب رسید .

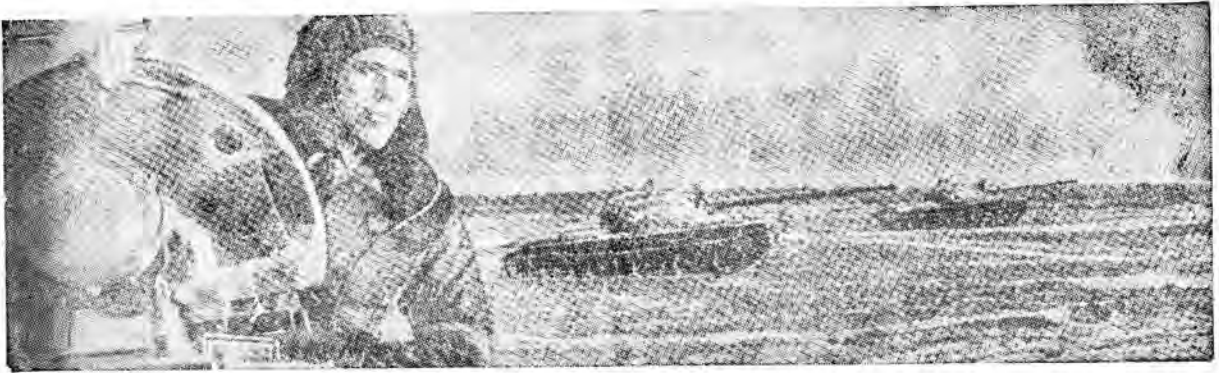
قوا مسلح پکت وارسا عبارت از قوا زمینی ، قوا هوائی (درین جمله قوا راکت دفاع هوا هم شامل میباشد) ، قوا بحری و قوا سرحدی میباشد .

دوره مکلفیت عسکری به هر فرد کشور عمومی بوده و خدمت عسکری یک وظیفه مقدس و برگزیده به شمار می رود .

دوره مکلفیت عسکری برای قوائی زمینی از ۲ تا ۳ سال و برای قوائی بحری از ۳ تا ۵ سال می باشد .

پکت ناتو : ناتو از مخفف کلمه انگلیسی (Treaty Organisation North Atlantic) « NATO » (پیمان اعضای اتلانتیک شمالی) تشکیل گردیده است .

پکت ناتو در چهارم اپریل ۱۹۴۹ تشکیل و اعضا آن عبارت از اضلاع متحده امریکا ، انگلستان ، فرانسه بلجیم ، لکسمبورگ ، کانادا ، ایتالیا ، ناروی ، دنمارک ، اٹلیند ، نیدرلیند و پرتگال بود . و در فبروی سال ۱۹۵۲ مملکت های ترکیه و یونان و در می سال ۱۹۵۵



امونه از گروه قوای مسلح اتحاد شوروی که مشغول تطبیقات تعلیمی می باشند

وزرائی خارجه دفاع و دیگر وزرا تشکیل جلسه میدهد محل انعقاد جلسه بروکسل پایتخت بلجیم میباشد. کمیته نظامی و کمیته دفاعی ذروی تحت امر کمیته پلان گزارشی نظامی می باشد.

کمیته نظامی عبارت از عضو عالی اجرایی نظامی و عسکری، ناتواست و تمام مسائل مربوط به فعالیت نظامی بلاک را حل نموده و بعضی مسائل مهم را به کمیته پلان گزارشی نظامی رجعت می دهد.

کمیته دفاعی ذروی در سال ۱۹۶۶ با اشتراك ۱۲ وزیر دفاع ممالک عضو (فرانسه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، ایتالیا و جمهوری فدرالی آلمان) و سه عضو موقت که به ترتیب از ممالک دیگر عضو برای مدت ۱۸ ماه انتخاب می گردند میباشد.

ساحه عمل پیمان نظامی اتلانتیک شمالی شامل خاک تمام ممالک عضو و هم چنان از خط استوا تا بحر اوقیانوس اطلس به سمت شمال میباشد و نظر به مسائل نظامی این ساحه عمل به چهار قسمت ذیل جدا می گردد:

ساحه قوماندانی عالی ناتو در اروپا
ساحه قوماندانی عالی ناتو در اتلانتیک
ساحه قوماندانی عالی ناتو در قسمت

۲۵ کمیته های دائمی مختلف است که یک قسمت آنها در تشکیل کمیته اساسی که برای ترتیب پلانهای ضروری در ساحه ملکی خدمت می کنند شامل میشوند. از جمله کمیته های دائمی که به کمیته اساسی شامل نمی باشند عبارت اند از کمیته شورای سیاسی، کمیته شورای اقتصادی، کمیته مربوط به حسابات سالانه مربوط به مسائل علمی عسکری، مربوط به مسائل مسلح نمودن مربوط به بودجه عسکری و بودجه ملکی و بعضی دیگر کمیته های پانصد.

خارج شدن فرانسه در سال ۱۹۶۶ از پکت ناتو و فیصله آن راجع به لغو تمام مواضع عسکری پکت ناتو در خاک فرانسه قوماندانی پیمان نظامی اتلانتیک شمالی را مجبور ساخت تا در تعیین محل قوماندان و مواضع عسکری تغییراتی را بیاورد. از همه مهمتر در تشکیل و مهیا نمودن مواد ضرورتی و تکنیکی عساکر آمریکا در اروپا که از طریق خاک فرانسه صورت می گرفت مشکلات زیادی را برای متحدین پکت ناتو عاید ساخت و هم لازم دیده شد که تا در اعضاء شورای عالی نظامی ناتو هم تغییراتی آورده شود.

عضو عالی شورای ناتو که پراولم-های نظامی ناتو را حل می کند عبارت از کمیته پلان گزارشی نظامی است که تمام مسائل مربوط به تشکیل و ساختمان و طرز استفاده قوا مسلح بلاک را حل می کند. کمیته پلان گزارشی نظامی مانند شورای ناتو سالانه دو مرتبه به سویه

جمهوریت فدرالی آلمان نیز باین تعادیه شامل شدند. باین اساس در پکت ناتو ۱۵ مملکت مترقی اروپای غربی و آمریکا شمالی که دارای ساحه تقریباً ۲۲ میلیون متر مربع و نفوس زیادتر از ۵۱۰ میلیون نفر است شامل میباشد. تعداد قوای مسلح ممالک عضو زیادتر از ۶۵۰ میلیون نفر میباشد. مصارف نظامی سالانه ممالک عضو بلاک ناتو (در سال ۱۹۶۷) تقریباً به ۱۰۰ میلیون دلار رسیده و نسبت به سالهای ۵۰ چند مرتبه زیادتر می باشد.

تشکیل سازمانی ناتو در مجلس نهم لیسابونس شورای ناتو که در ۱۹۵۲ تشکیل شده بود منظور گردیده است. از آن عالی پکت ناتو که مسائل سیاسی را در زمان حاضر حل و فصل می نمایند عبارت از شورای ناتواست. شورای ناتو سالانه دو مرتبه (در ماه اپریل و می و دسامبر) به سویه وزرای خارجه و یا روسائی حکومت با اشتراك وزرای دفاع، اقتصاد، مالیه و دیگر وزرا نظر به خواص مسائل تحت غور جمع می شوند.

در زمان بین مجالس شورای ناتو مجالسی با اشتراك نماینده های دائمی به سویه سفرا کبار که بنام شورای دائمی یاد می گردد صورت می گیرد. اعضا ادا روی شورای ناتو نظر به خواص مسائل متوجه آمریکا به مقصد مخفی بودن آنها بدو گروه عسکری و ملکی تقسیم شده است. اعضا ملکی شورائی ناتو در تشکیل خود دارای

مالش گروه پستراتیژیکی امریکا و کانادا
 قوا مسلح ناتو: پلاک ناتو دارای
 قوماندانی عمومی و ریاست ارکان
 عمومی میباشد تشکیل و ساختمان قوا
 مسلح عضو ناتو نظریه پرنسب پستراتیژی
 که در سال ۱۹۶۱ در اضلاع متحده
 امریکا و در دسامبر سال ۱۹۶۷ در ناتو
 قبول شده میباشد نظر به عده قوماندانی
 امریکا قوا مسلح نظر بوظائف و مقاصد
 پستراتیژیکی آن به قوای پستراتیژیکی تعرضی
 قوا پستراتیژیکی تدافعی، قوا برای مقاصد
 عمومی (قوا کل) تقسیم می گردد.

قوماندانی نظامی ناتو هم چنین قوای
 مسلح رابط طور فوق الذکر تقسیم و قبول
 کرده اند. ناگفته نماند که بسیاری از
 ممالک عضو به نسبت نداشتن قوا
 پستراتیژیکی قوا مسلح خود را به پرنسب
 های دیگر تقسیم نموده اند.
 قوای پستراتیژیکی تعرضی: عبارت از
 عامل اصلی حرب عمومی ذروی است
 در تشکیل آن راکت های بالستیکی
 قاره پیمای پستراتیژیکی هوایی و
 راکت های اتمی تحت البحری شامل
 میباشد. در زمان حاضر قوا تعرضی
 پستراتیژیکی بصورت عمومی در تشکیل
 قوا مسلح اضلاع متحده امریکا و یک
 قسمت بسیار جزئی در تشکیل قوا مسلح
 انگلستان شامل میباشد.

راکت های بالستیکی قاره پیمای در قوا
 مسلح امریکا موجود بوده و تعداد آنها
 به ۱۰۵۴ عدد میرسد از آن جمله ۱۰۰۰ عدد

راکت های است که بمواد سوخت
 حامد فعالیت کرده و عبارت از مینتیم ۱
 که دارای ساحه عمل تا ۱۰ هزار کیلومتر
 و مینتیم ۲ که دارای ساحه عمل تا
 ۱۱ هزار کیلومتر میباشد تمام این راکت
 در دستگاه های پرتاب زیر زمینی
 قرار دارند فعلا یک نوع جدید این قسم
 راکت ها بنام مینتیم ۳ در تحت
 ساختمان قرار دارد.

هم چنان در جمله قوای پستراتیژیکی
 تعرضی امریکا ۵۴ عدد راکت دو مرحله
 ئی تیتان ۲ که بمواد سوخت مایع فعالیت
 می کند شامل میباشد. ساحه عمل این
 راکت تا ۱۱۳۰۰ کیلومتر می رسد آنها
 می توانند بمب های تر مو ذروی
 که دارای قدرت تا ۱۰ میگاتن باشد
 ببرند. آنها نظریه راکت های صفات بهتری
 دارند مگر نظر بانیکه قیمت آنها بسیار
 زیاد است بدین لحاظ از آنها استفاده
 زیادی نخواهند کرد.

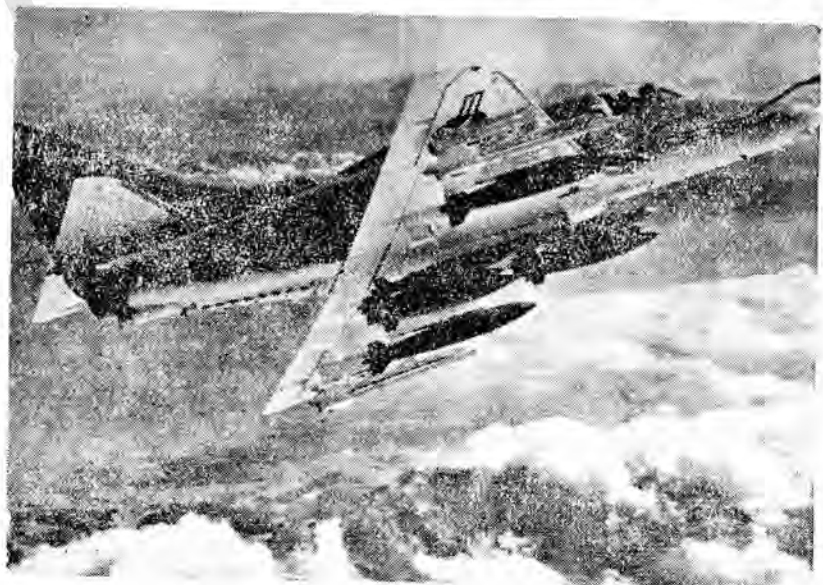
طیارات پستراتیژیکی: موعیت مهمی
 را در قطار قوا تعرضی پستراتیژیکی امریکا
 با وجود اینکه تعداد آنها بحرور زمان کم
 شده می رود اخذ نموده اند. در ابتدا
 سال ۱۹۶۵ در قوا مسلح هوایی امریکا
 تقریباً ۱۱۶۰ فروند بمباردمانهای
 پستراتیژیکی موجود بود مگر بعد از آنکه
 طیارات بمباردمان B۵۸، B۴۷ در ابتدا
 سال ۱۹۷۰ از تشکیل قوا مسلح خارج
 ساخته شد تعداد آنها کم گردید. در تحت
 قوماندانی هوایی پستراتیژیکی که یکی

باراکت های بالستیکی قاره پیمای تمام
 قوای هوایی پستراتیژیکی شامل میباشد فقط
 ۴۵۰ فروند بمباردمانهای پستراتیژیکی
 B-۵۲ موجود است.

قسمت زیاد بمباردمانهای پستراتیژیکی در ها که
 خود امریکا قرار دارند. زیاد تر از ۱۰۰ فروند
 بمباردمان B۵۲ در جزائر گوام و تایلند که
 از آنها برای بمباردمان جمهوریت
 دیموکراتی ویتنام استفاده می شوند
 موجود است در تشکیل قوا پستراتیژیکی
 تعرضی همچنان ۸۰ فروند طیاره بمباردمان
 وسطی تیپ وولکان، ویکتور که باراکت
 های بلیوستیل نوع هوا زمین که از جمله
 قوای هوایی انگلستان است شامل میباشد.
 راکت های اتمی تحت البحری ها
 این نوع راکت هایک موعیت حساسی
 را در تشکیل قوای تعرضی پستراتیژیکی
 بسبب اینکه به بسیار زودی از زمین برده
 نمی شوند و دارای ساحه عمل بسیار
 زیادند گرفته است.

نظر به معلومات مطبوعات خارجی
 در تشکیل قوا بحری امریکا ۴۱
 راکت اتمی تحت البحری موجود است
 که از آن جمله ۱۳ تحت البحری با
 راکت های پولاریس A۲ که ساحه عمل
 آن به ۲۸۰۰ کیلومتر می رسد و متبانی
 آنها با راکت های پولاریس A۳ که
 دارای ساحه عمل ۶۰۰ کیلو متر است
 مجهز می باشند. از تعداد عمومی این
 راکت ها تنها ۳۲ عدد آن طوری آماده
 و متمرکز ساخته شده است که در
 احضارات نمره یک شامل بوده و عندالزوم
 به فعالیت های حربی آغاز خواهند نمود
 نظر به گفته مطبوعات امریکا درین سالها
 برای زیاد ساختن تعداد راکت های
 اتمی تحت البحری کدام اقدامی
 بعمل نیامده است بلکه ذکر گردیده
 که سال ۱۸۷۵ ۳۱ دستگاه راکت های
 تحت البحری را به سلاح مدرن
 مجهزتری از تیپ راکت های پی دون
 تبدیل و مجهز خواهند ساخت.

راکت های اتمی تحت البحری
 هم چنان در تشکیل قوا بحری انگلستان
 شامل میباشد و در سال ۱۹۶۸ چهارمین
 آخرین کشتی تحت البحری که باراکت
 های اتمی مجهز میباشد نظر به پلان
 کشتی سازی ساخته و مواد اسفاده
 قرار دادند.



طیاره سکای هاك

روابط بین قوه، سیاست و ستراتیژی در عصر کنونی

(قسمت دوم)

فرضیه بسیار کلی و قابل توجه درین مورد عبارت ازینست: در حالیکه دوساحه سیاسی و عسکری کلاسیک درین خود، قراریکه در فورمول کلا و زویچ اظهار شده است، یکنوع رابطه نسبتاً روشنی دارند، اینگونه روابط واضح و روشن در سایر ساحتها چندان به ملاحظه نمیرسد. یعنی روابط بین سویه های سیاسی و تلاشها و پدیده های جدید قدرت مانند اسلحه ذروی و جنگهای ایده لوژیکی و انقلابی چنان وضاحت و استقراری را مالک لیستند که بین سویه های سیاسی و عسکری کلاسیک موجود می باشد. چهره و طرز العمل سیاسی سویه های عالی توازن ذروی تا اندازه زیادی غیر استیکمی بوده به تحقق بخشیدن یکنوع توازن غیر متحرک و یکنواخت تمایل نشان میدهد. برعکس آن سویه حربهای پائینتر از سطح حربهای کلاسیک و سویه سیاست ماورای ملی تمایل به اختلاط و ادغام دریکه واقعیت واحد دارند که باشکال متنوع نبارز میکند و عبارت از تصادفات تحولات و دیگر گونی های پیهم می باشد و همچنان شکل و سرعت آنها که بعضاً شدید و بعضاً آرام، گاهی بطی و گاهی الفلاق آمیزی باشد، از نظر جنبه های مجموعی و انفرادی آنها، چندان شکل قاطعی نداشته و نسبت به دیپلماسی یا ستراتیژی کمتر تابع قواعد یا میکالیزم

های معین می باشند.

بین طرز العمل ذروی که به مردی و بی حرکتی تمایل دارد و طرز العمل دیپلماتیک - نظامی کلاسیک که بر اساس سنجشهای متکی به حزم و احتیاط بیکنوع استیکت معتدل تمایل نشان میدهد و همچنان طرز العمل سیاست انقلابی ماورای ملی که به تحولات پیهم توام با الفلاقات و تصادفات تمایل دارد روابطی موجود است که ماهیت و خصوصیت آنها وضعیت مناطق مختلف جهان و سیستمهای آنها تعیین میکنند.

روی این اساس در اروپا که جنگ کلاسیک و گریلائی اکنون بعلت به مقابل افتادن مستقیم نیروی ذروی قدرت - های بزرگ در برابر هم دیگر و خصوصیت اجتماعات امروزه اروپائی کمتر محتمل دیده می شود اساساً مذاکرات (در پرتو موجودیت راکت ها) در سویه های دیپلماتیک و سوسیو آیده لوژیکی صورت میگیرد. در شرق میانه دیپلماسی و بیشتر از همه حرب کلاسیک نقش بسیار قابل ملاحظه ای را دارا می باشد و سویه های ذروی و سویه های پائینتر از سطح دولتی نقش کمتری دارند. در افریقا برعکس هر ایلها اساساً شکل داخلی دارند که طی آن تحولات و انقلابات داخل بشکل آرام یا خشونت آمیز بوجود می آیند در آسیا فعالیت و هر ایلها در

تمام ساحتها دیده میشود و حوادث موجوده تمام سویه ها را (دیپلماتیک، ستراتیژیکی، ذروی و انقلابی) علاقمند می سازد. ولی درین قاره نقش عنصر ذروی نسبت به اروپا کمتر است و در حوادث آن توازن ذروی مانند اروپا نقش قاطعی ندارد.

بصورت مجموعی تا کنون یکنوع مطابقت تقریبی بین توازن ذروی، جهان صنعتی و صلح موجود بوده است. و بطور دقیقتر از آن میتوان مناطق جهان را ز روی روابط ایشان با توازن ستراتیژیکی جهانی قدرت های بزرگ و امکانات انکشافات و توسعه تصادفات محلی که در نتیجه مصروفیت و موجودیت نفوذ قدرت های بزرگ در آن مدنظر گرفته می شود بدسته های مختلف تصنیف کرد. دریکه التهای این تصنیف قاره اروپا قرار دارد که در آن روابط بین توازن منطقی و توازن ستراتیژیکی جهانی از یکطرف بنا بر موجودیت اسلحه ذروی و از جانب دیگر بنا بر موجودیت قوای امریکائی و شوروی طوریت که تصادم بین شرق و غرب محتمل لعی باشد زیرا بیم آن میرود که چنین تصادم بیک حرب عمومی توسعه یافته می تواند و از اینرو طرفین برای جلوگیری از خطر حرب عمومی از تصادم بایکدیگر اجتناب میورزند. و از همین سبب است که برعکس جنگ

دو ویتنام (ویتنام شمالی و جنوبی) و جنگ دو کوریا (کوریا شمالی و جنوبی)، حرب بین دو آلمان (آلمان غربی و شرقی) بوقوع نه بیوسته است. مداخله برای تقویه موقف های شرق و غرب در اروپا بدون تردید بعمل آمده است مگر خصوصیت اجتماعات ورژیمها با تمام وسایل این مداخلات را خنثی ساخته اند. بالمقابل دو آلمان (آلمان شرقی و غربی) نسبت بسایر مناطق آزادی حرکت خود را در بدل تضمیناتی که قدرتهای بزرگ در مورد امنیت آنها متقبل شدند از دست دادند. زیرا موجودیت دو قدرت بزرگ جهان (امریکا و شوروی)

در آلمان از یکطرف ساهیت تحفظی و امنیتی و از جانب دیگر ساهیت تحت کنترل آمدن هر بخش آلمان را از طرف قدرت های بزرگ داشته است.

در انتهای دیگر این تصنیف میتوان مناطقی را چون قاره افریقا قرار داد که در آن جوامع تا اندازه زیادی غیر مستقر و غیر ثابت بوده و قدرت های بزرگ در آنجا مستقیماً و بطور فزینی در مقابل همدیگر قرار ندارند. در آنجا جنگ بین دو دولت ها نادرأ بوقوع می پیوندد زیرا ضعف نسبی حکومت ها آنها را از اقدامات نظامی در مقابل همدیگر باز می دارد و یکنوع همکاری پاسیف یا اکتیف را

بین ایشان در برابر اقدامات تخریبی و تفرقه افکنی توصیه می کند. مگر در داخل کشورهای این قاره تصادمات تشدد آمیز - از کودتا گرفته تا جنگهای داخلی - به میان می آیند و جریان تند خود را بدون اینکه به حرب بزرگ و یا مداخله کتلی منتهی شولددو همچنین بدون آنکه بر توازن قدرت های بزرگ تا اثر معتنا بهی وارد کنند دوام داده می توانند.

و بالاخره در کته گوری سوم مناطقی چون آسیا و شرق میانه وجود دارند که از یکطرف بعلت مقابل بودن قدرت های بزرگ در آن مناطق دارای اهمیت کافی می باشند ولی از جانب دیگر موجودیت قدرت های بزرگ در آنجا بقدر کافی مبهم می باشد و بشمول خود آنها (قدرت های بزرگ) هیچ کسی نمیتواند پیش از پیش بداند که آیا قدرت های بزرگ درین مناطق تا کدام اندازه متحدین خود را کنترل میکنند و تا کدام مرحله آنها در برابر همدیگر قرار میگیرند و هر کدام برای محافظه ساحه های نفوذ در متحدین خود مناطق مذکور تا چه اندازه به قبول خطرات آماده می باشند. حقیقتاً که چنین مناطق بسیار خطرناک اند. زیرا از یکطرف در آنجا عدم استقرار جوامع و موجودیت منازعات و مخالفت های ارضی بملاحظه میرسد و از جانب دیگر این مناطق دارای اهمیت ستراتیژیکی بوده و قدرت های بزرگ در ساحه مذکور مقابل همدیگر قرار دارند. در مناطقی که صرف نفوذ یکی از قدرت ها موجود است و یا نفوذ یکی از قدرت بیشتر از دیگری می باشد (مانند امریکای لاتین یا اروپای شرقی) خطرات توسعه مخاصمت بسوی حرب جهانی کمتر است زیرا هر یک از قدرت های بزرگ در ساحه تحت نفوذ کلی قدرت بزرگ دیگر به چنان مداخلاتی دست نمیزند که بصورت اتوم-اتیک عکس العمل شدید جانب مقابل را تحریک نماید. معهداً قدرتهای بزرگ در چنین ساحه ها خطرات توسعه مخالفت را بنابر همبستگی های ایده لوژیکی



انوانه از لباس نظامی امریکا در سال ۱۹۳۸

ملاحظات	سلاحهای اساسی		ارصاف پرواز			وزن پرواز (دین)	علیه	علامه و نام هدیه
	توب ها	تعداد و کالبر	سرعت عمیق	ارتفاع عمیق	مسافت عمیق پرواز			

بمباردمانهای سترا تژیکی

۱۰۰۰۰	۳ عدد توب ۲۰ میلی متری	۲ مری بمبری شده در ارتفاع ۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۹۰۰	۱۰۰	۲۰۰-۲۳۰	۲	B-52 G استارتوز آمریکا
۲۵۰۰	۱ عدد توب ۲۰ میلی متری	۱ مری بمبری شده در ارتفاع ۷۰۰۰	۷۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰	۸۰	۳	B-58 A استار آمریکا
۱۷۰۰۰	۷ عدد توب SRAM	۲ مری بمبری شده در ارتفاع ۱۸۰۰۰	۱۸۰۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲	FB-111 تخت از پیش است
۱۰۰۰۰	۲ عدد توب ۲۰ میلی متری	۱ مری بمبری شده در ارتفاع ۱۴۰۰۰	۱۴۰۰۰	۹۴۰	۱۰۰	۱۰۰	۳	B-۲۷ آمریکا
۱۶۰۰۰		۱ مری بمبری شده در ارتفاع ۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۸۰۰۰	۱۱۰۰	۸۰-۱۰۰	۵	B.۲ دیکته انگلستان
۶۰۰۰	بمباردگر	۱ مری بمبری شده در ارتفاع ۴۰۰۰	۴۰۰۰		۲۰۰	۲۴۰	۳	میراز A.۱ فرانسه

طیارات شنکاری و بمباردمان تکتیکی

۴۵۰۰	۴ عدد توب ۲۰ میلی متری	۸ مری بمبری شده در ارتفاع ۴۸۰۰	۱۵۰۰۰	۹۵۰۰			۳	B-۵۷ آمریکا
۱۸۰۰		۲۴ مری بمبری شده در ارتفاع ۴۴۰۰	۱۵۰۰۰	۱۱۰۰			۱	F-86 شنکاری آمریکا
۴۶۰۰	۲ عدد توب ۲۰ میلی متری	۱۹ مری بمبری شده در ارتفاع ۴۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۰۰	۲۰		۱	F-705
۵۵۰۰		۸ عدد توب ۲۰ میلی متری	۴۵۰۰	۲۴۰۰۰	۲۵۰۰	۲۳-۲۵	۲	F-4C فانتوم ۲
۹۰۰۰		چند عدد در ارتفاع SRAM	۲۵۰۰	۲۴۰۰۰	۲۵	۲۵-۲۷	۲	F-111
	۲ عدد توب ۳۰ میلی متری		۲۵۰۰	۲۵۰۰۰	۱۹۰۰		۱	میراز III
	بمباردگر تکتیکی	۴ مری بمبری شده در ارتفاع ۴۰۰۰	۴۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۱۰۰		۲	دوقه II

طیارات اکتشافی سترا تژیکی و تکتیکی

	طیاره اکتشافی سترا تژیکی برای عکس برداری و کشف رادارها در ارتفاعات بسیار بلند و کشف هواپیماهای پنهان شده	۸۰۰۰	۳۰۰۰۰	۱۳۰۰	۲۱۰۰۰		۲-۱	RB-۵۷F آمریکا
	طیاره اکتشافی سترا تژیکی برای عکس برداری و کشف رادارهای پنهان شده و دست و پا زدن در ارتفاعات بسیار بلند	۸۰۰۰	۳۰۰۰۰	۳۲۰۰			۲	SR-۷۱
	اکتشافی سترا تژیکی	۸۰۰۰	۲۴۰۰۰	۸۰۰	۸۰۰۰		۱	U-۲ آمریکا
	اکتشافی سترا تژیکی	۱۰۰۰۰	۱۶۷۰۰	۱۱۰۰	۹۳۰۰		۵	دیکوت B۲ انگلستان
	اکتشافی تکتیکی	۲۵۰۰	۱۵۰۰۰	۱۹۰۰	۲۴۰۰		۱	میراز T۲۲R فرانسه

طیارات شنکاری گبرنده

۴۵۰۰	طیاره شنکاری گبرنده در ارتفاعات بسیار بلند و کشف رادارها در ارتفاعات بسیار بلند	۱۸۰۰۰	۱۹۰۰	۲۳			۳	F-10B آمریکا
	دوای دورالت بمبری شده فابریک ۳۰ توب ۳۰ میلی متری		۲۰۰۰۰	۲۴۰۰	۱۶		۱	F-۲ انگلستان
۲۳۰۰	طیاره شنکاری روزانه در ارتفاعات بسیار بلند و کشف رادارها در ارتفاعات بسیار بلند	۱۵۰۰۰	۱۱۳۰۰				۱	میسترا IIA فرانسه

طیارات حمل و نقل عسکری

۱۰۰۰۰	بار آن ۳۵۰ عسکر با سلاح آن و بار آن ۱۲۰ تن	۱۰۰۰۰	۱۰۷۰۰	۹۲۰	۲۵۰		۵	C-۵۷A آمریکا
۵۰۰۰	بار آن ۹۲ نفر و ۲۱۰۰۰ کیلوگرام	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰	۵۸۰	۶۲		۴	C-1۳۰
۱۰۴۰۰	بار آن ۶۴ عسکر و ۱۱۰۰۰۰ کیلوگرام	۱۰۴۰۰	۶۰۰۰	۸۵۰			۵	C-۴ انگلستان

طیارات تانکر

۱۰۰۰	مواد مضره ذخیره شده که به طیاره داده می شود تا ۳۰ تن می رسد	۱۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۰۰۰	۱۲۵		-	KC-130A آمریکا
۱۱۰۰	ذخیره مواد سوختن که برای طیاره داده می شود تا ۲۴ تن می رسد	۱۱۰۰	۱۸۰۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰-۸۰		۵	دیکوت B.KI انگلستان

بهار و زندگی



از چگونگی سید نصرالدین

ما که در آستانه سال نو قرار داریم با گذشت یکسال ورق دیگری بر اوراق عمر گرانمایه خود گذاشتیم و سال جدید را با یک عالم شور و شرف آغاز میکنیم زمستان با آن سردی شدید و بارندگی های طغیان فرسا که در چند سال گذشته از نقطه نظر کیفیت نظر داشت به آخر رسید و جای خود را بیک نسیم بهاری و فرح بخش و انگذشت بهاری که با تمام شکوه و عظمت فرح آورش خوشی و سرور به جهانیان بارمغان آورده و با ودیعه اشعه ذلال چشمه آفتاب را که نشاط آفرین دلها بوده زنگ کدورت و غبار غم را از چهره برگرفته در عوض نشاط و خوشی، صفا و صمیمیت و ترقی و پیشرفت با خود می آورد فرا رسیده بهاری که با رسیدن آن گل های بهاری و سبزه زردین و شکوفه ای خندان با لبخند دلنشین خویش از آن استقبال کرده، حیوانات نباتات با نسیم سحر آفرین آن زندگی را از سر گرفته اند زیرا فرا رسیدن هر بهار آغاز یک تحول جدید و واضح برای مخلوقات روی زمین میباشد.

با ورود فصل خوشگوار بهاری و با فرا رسیدن این تحول جدید سال دیگر از عمر ما گذشت و در حقیقت یکسال دیگر پیرتر شدیم.

خوشبخت کسالی است که با گذشت این یکسال بر تجربیات خویش افزوده و مصدر خدمات ارزنده در اجتماع خود گردیده باشند. اکنون که نخستین اشعه بهاری توام با نسیم ملایم و جان پرور آن گامهای فراتری را برداشته و زندگی تازه ای را که روح و قلب های شان را آنگنده از نوع پروری، مردم داری، و انسان دوستی بوجود آورده آغاز میکنید باینکه ما و شما هم با پشت سر گذاشتن یک زمستان پر برف و سرد به پیشواز بهار به استقبال یک زندگی نوین رفته و با یک عالم خوشی و سرور آنرا به شور و شرف آغاز کنیم و سعی و تلاش

کنیم تا دوستی و صمیمیت های بی آرایش ما از گذشت کدورت و هرودت در امان ماند. و بهاری را که بخوشی و سرور آغاز نموده ایم تا آخر همانطور ادامه پیدا کند، حتی با گذشت هر روز پایه های آن استوارتر قوی تر و متین تر گردد. در آن صورت ما بحق از بهار به نیکوئی استقبال کرده خواهیم بود بی ریزی یک پلان مرتب در زندگی خاصه اشخاص معقول و فرزانه است. که در چوکات آن ساحه فعالیت و مساعی شباروزی خود را ترتیب و تنظیم میکند.

چه زندگی انسان در اجتماع تابع شرایط محیطی بوده که مجبوریم از همه نعمت ها و لذایذ آن به هر نحوی که باشد استفاده کنیم. مسلم است که طبیعت هر چیز را مفت و رایگان به کس عرضه نمیکند بلکه انسان را مجبورالد با قبول زحمت و عرق ریزی شباروزی فعالیت های متعددی، ثبات و مقاوت در مقابل هر نوع مشقت ها میتواند این طبیعت سرکش را رام خود گردانیده از همه نعمت های آن بوجه احسن استفاده کند.

ما سال گذشته دیدیم که به چه مشکلات مواجه شدیم که این بذات خود یک درس و تجربه است که از طول سال گذشته گرفتیم برای اینکه در سال های آینده تکرار به همچو مشکلات و تنگدستی ها برخورد نکنیم لازم است تا در موقع آن کار کنیم فعالیت کنیم زحمت فراوان و رنج بی پایان بکشیم تا بر مشکلات عابده فایز آیم.

زندگی ما که ارزش زیاد دارد حیفاست این لذات گران بهای زندگی خود را بغاظر هیچ و بوج از دست بدهیم. زیرا زندگی در بهار زیباتر و پرشکوه تر میشود باید ازین همه زیبایی ها و شکوه این فصل بدیع لذت ببریم، کار کنیم، زحمت بکشیم و خدمت نماییم تا باشد که نزد خدا و خلق و وجدان خود ما خود مسئول نگردیم.

(مانند طرز العمل شوروی در کیوبا) و یا بنا بر توأمیت های جغرافی (مانند برلین ، المان شرقی و یوگوسلاوی) پذیرفته می توانند

بنا برین در سیستم تفوق دو قدرت بزرگ جهانی و یا تمرکز بر وجه صورت دوقطبی (شوروی و امریکا) که تا کنون در جهان به ملاحظه می رسد ، تنوع و اختلاف شرایط منسابق مختلف جهان و مسیبه هم بودن اکثر وضعیت های بین المللی بر ضد عقیده ای بوده است که نقش قدرت را (بصورت کنترل شده و یا غیر کنترل شده) مربوط به گذشته دانسته است . مگر این سیستم دوقطبی قدرت در مرحله تغییر و تحول قرار دارد و محتویات ارضی و سیاسی آن (یعنی کنترل مناطق دنیای کمونیست از طرف اتحاد شوروی و بالعقاب تفوق استیکی و نفوذ کم عمق ایالات متحده امریکا در سایر قسمت های جهان) از نگاه های مختلف مورد سوال قرار گرفته است . اکنون در عین زمان هم تعدیلاتی در توازن بین قدرت های بزرگ بوجود آمده است و هم تعداد مراکز قدرتی که از دو قدرت بزرگ جهان خود را مجزا می سازند افزایش یافته است و هم قدرت های بزرگ در ساحه های تحت نفوذ و همچنان در داخل کشورهای خود به پراپلم ها و بحران های داخلی مواجه می باشند .

درین جهانیکه در حال تحول و تغییر می باشد و فکتور عمده ای که ماقبل آن ها را عوامل اصلی برای تعدیل کردن روابط کلاسیک بین دیپلوماسی و قوت قلمداد کردیم و عبارت از فکتور توازن ذروی و فکتور تطورات اجتماعی و ایده لوژیکی می باشند ، در شرایط کنونی نقش مغلقتر و در عین زمان متناسبتی را نسبت به گذشته در مورد تائید تشخیص مابازی میکند که بر اساس آن نقش قوه بعوض اینکه از میان رفته و یا تقلیل یافته تلقی شود واضحاً بسیار غیر مستقیم ، بسیار انتشار یافته و کمتر قابل پوش بینی و محاسبه دید ، می شود .



افراد گروه های مختلف نظامی امریکا در حال کوردیناسیون

انکشاف و حل را دارا می باشند . منطق واقعیت های ذروی عبارت از دوام (وضع موجوده) در مناطق و یا تحجر آن می باشد . این فکتور وضعیت های بوجود آمده را منجمد می سازد و شهرها ، ممالک و یا قاره ها را در یک حالت انقسام و یا تحت حاکمیت و نفوذ قدرت های بزرگ محافظه می نماید که در غیر آن (یعنی در صورت تغییر این حالت) شرایط برای حرب مساعد تر می شود و یا هم شاید موجبات آزادی یا توحید این مناطق را بوجود آورد . مثلاً فکتور ذروی در المان وضعیتی را بوجود آورده است که در آن المان بدو پارچه (المان شرقی و غربی) و شهر برلین بدو حصه (برلین

فکتور ذروی همیشه یک خصوصیت دوگانه را تبارز داده است که عبارت می باشد از مشکل ساختن حرب بین المللی و در عین زمان مشکل ساختن حل سیاسی پراپلم ها . یعنی فکتور ذروی در عین زمان هم وقوع حرب جهانی را مشکل ساخته و هم در راه حل سیاسی پراپلم های بین المللی موانعی ایجاد کرده است . ساحه هائیکه توسط فکتور ذروی پوشانده شده است و یا به عبارت دیگر آن مناطق جهان که استعمال قوه در آنها شامل استعمال نیروی ذروی می باشد ، بدون تردید کمتر به خطرات سرب معروض مانده اند . ولی پراپلم هائیکه درین مناطق بوجود آمده اند کمتر چانس

قرار نداده و موجودیت اردوها و اسلحه تکتیکی ذروی در آن مناطق موجب انکشاف و توسعه مخاصمت‌ها به سربه‌های بزرگ نشده است .

پس بنا بر همین نقاط نظر مختلف، تحولات موجوده در اوضاع به همان اندازه ای که امیدواری‌ها را برای استیکبی شدن هالیسی‌ها در برده ابهام نگه میدارد به همان اندازه بروی خطرات احتمالی پرده می‌اندازد. معلوم می‌شود که اگر اوضاع و تمایلات به همین شکل فعلی دوام کنند، توازن ذروی بین دو قدرت بزرگ جهان بنا بر انکشاف سریع اسلحه ذروی اتحاد شوروی درین سالهای اخیر مورد تعدیل قرار گرفته می‌تواند. و در صورتیکه قبلاً بین قدرت‌های بزرگ از طریق مذاکرات تجدید اسلحه ستراتیژیکی تساوی نیروی ذروی بوجود آید باز هم نیروی ذروی امریکا نسبت به گذشته تقابل یافته خواهد بود زیرا سابقاً ایالات متحده امریکا از نظر داشتن تفوق در اسلحه ذروی اعتبارات زیاد ستراتیژیکی را مالک بوده و در حالیکه علیرغم توسعه نیروی ذروی آن نسبت به گذشته قدرت ذروی آن با نیروی ذروی شوروی مساوی قبول شود، یک قسمت زیاد این اعتبارات ستراتیژیکی را از دست خواهد داد.

بعضی‌ها ادعا خواهند کرد که مفکوره تفوق و تحفظ (مصنوعیت) از مدت‌ها به اینطرف ماهیت قبلی خود را از دست داده است و بنا بر غیر ممکن بودن یک ستراتیژی ضد قوتها، توازن تضمین شده و مصنوعیت ناممکن شده است. این عقیده شاید از نظر عسکری بزعم متوسط المدت صحیح باشد ولی شاید از نظر سایه‌کالوژیکی بزعم قصیر المدت و از نگاه عسکری بزعم طویل المدت درست نباشد. (باقی‌دارد)



منظره از فعالیت قوای امریکا در سال ۱۹۴۴

بنا بر آن بصورت دقیق ممکن است که ثبات دیوارها و سد هائیکه در اثر اسلحه ذروی بوجود آمده اند مورد تعدیل قرار گیرد. این موضوع بر توازن (یا بر تفوق معتدلی که باعث محافظه کردن اوضاع در حالت موجوده میشود) در سطح ذروی و بیشتر از همه بردوام و توأمیت غیر قابل انکار قدرت ذروی و سایر نیروها نیکه از قدرت ذروی امکان استقرار می‌یابند موثر می‌باشد. توازن جهانی جز در اروپا در سایر مناطق جهان مانع جنگ قرار نگرفته است. زیرا حوادثی که در سایر مناطق جهان رخ داده است مستقیماً توازن جهانی را مورد بحث

شرقی و غربی) بحال انقسام یافته محافظه شده است. برهم خوردن این حالت امکانات حرب را بوجود آورده میتواند و همچنان باعث توحید دو آلمان و یادو برلین شده خواهد توانست. اما فکتور ذروی این وضعیت را بحال موجوده آن بطور منجمد محافظه کرده است و این موضوع یکی از خصوصیات است که در عصر امروز با وجود آمدن فکتور ذروی در روابط بین قوه و سیاست بملاحظه میرسد. ازینرو شاید روزی تمایلاتی که در اثر موجودیت اسلحه ذروی عقیم ساخته شده اند بار دیگر عود نمایند خصوصاً اگر سبب ذروی تا اندازه‌ای ضعیفتر گردد.

بخود رنگ داد -
 به بازار رفت -
 وبا این همه هیچها ،
 خود را چون لقمه چربی برای دیدگان مات و مهر از خواهش
 مردم آرائید

پیراهنک های رنگارنگ و پر از زرق و برق بتن کرد .
 و با شور دادن دستها ،
 یاهاها ،

و یا ...

خود را خوب و خوب و خوب باید ساخت .

اما چه ؟

اما کو ؟

اما کی ؟

اما ... ؟

ولی باید خود را شاد و مست از زندگی -

از عشق .

و از احساس جلوه داد .

جلوه برای آنهای بد و خبیلی بد .

و نقشی را که هرگز آرزویش را نداری ، بازی کرد .

پس چه باید کرد ؟

این هم یک (زندگی) است ؟

امانه ...

ما همه بیچارگان !

محکوم و زندانی این چرخش بیجای دنیایم .

دنیای بی رنگ و نا شناخته

که فقط باد و ده ها به آن میتوان رنگی بخشید .

یک رنگ ، واقعی ا

آری رنگ واقعی

(رنگ زندگی) .

هما طرزی



رنگ زندگی

و باز احساس گنگم خاموش و آرام است ،

دستهای گناهکارم ،

که هر روز نقشی ازین احساس را روی کاغذ میکشید .

ناتوان شده .

و زندگی ...

و گفتار پر از فریب ...

و تپش های بیجا ...

باز هم شرمنده اند

و خودم لیزمی شرمیم :

از خود ،

از تو ،

از او ،

و از همه .

اما ...

آه که باید زیست با همه شرمندگی .

و باید با همه زشتی و زیبایی خود را ساخت ،

و ... ؟

و از دوده های سوخت یک عشق نامعلوم ،



جراحی هشتم

سرگذشت یکنفر و طپرس و آزاد پخو اهیکه هشت مرتبه
تادم مرگ رفت مگر دوباره بقدرت ایمان به آزادی و حفظ
خاک و نوامیس ملی از مرگ رهائی یافت .

از کانستانتین سیمووف

ترجمه از: لعیب الله تورن توپچی

قبلاً برایش ثابت شده بود که بعد از زخمی شدن مهم اینست
که انسان بر خیزد و از زمین خود را جدا سازد، آنگاه انسان بر
درد غالب آمده و در نتیجه زنده می ماند - مگر حالا او برخاسته
نمی توانست .

از دور چند نفر سر باز بسویش دویدند، او را برداشتند و بروی
تذکره نهادند، او زخم خود را دیده نمیتوانست مگر بایک نظر
به قیافه ها و چشمان افرادش دانست که حالش وخیم است .
او احساس میکرد که: پیش از آنکه او را ببرند باید چیزی
به افراد بطری اش بگوید، و بر آن منتظر شنیدن چیزی از
طرف قوماندانان بود .

اما او میخواست یک چیز بگوید - بگوید که آنها بیپوده به
او بمثل یک شخصی متعصب رویا متوفی می لگند - او نمی میرد
بالاخره به آواز خفیف گفت :

در جیب راست کرتی ام یک قطی خورد است، لطفاً آنرا
بدهید !

پرستار بونیفورم او را باز نمود و از جیبش قطی سیاه رنگ و



فعالیت دختران در اردوی فرانسه

هشتمین دفعه او در ریزگزار «مزدوک» زخمی شد. یکی از
روزهای سرد نوامبر بود، از شب همانروز باد شدیدی از جانب
بحیره کسپین میوزید و وزش آن تمام روز دوام داشت ، آنهم
بیوقفه، از اثر باد برف از تپه های اطراف مثل گرد بپوا برخاسته بر سر
و روی آدمی میخورد و بعداً در عقب پخن بالا پوش جمع میشد .
بلی روزی بود از روزها - از جمله روزهای عادی ای که در
ظرف سه سال جنگ و آدمکشی « کورلینکو » بآن عادت گرفته
بود و کدام خصوصیت برجسته ای نداشت . از همان سحرگاه
خاموشی خفه کننده ای حکمفرما بود - نزدیکی های شت توپچی
های دشمن میخواستند او و بطریه اش را شکار کنند مگر وی
را نیافتند، بعداً غنجد جناح چپ بچندین تانک دشمن حمله برد ،
« کورلینکو » بالداخت شروع نمود و یک تانک را به آتش
کشید، تانکهای دیگر رجعت نمودند . و دوباره تا ساعت های
پنج عصر آرامش نسبی رویکار بود .

با آنقدر مرطوب و لمانک بود که حتی حین محاربه و در اثنای
فعالیت با طوب افراد با شالهای پشمی و ضخیم سر و گردن خویش
را بیچالیده بودند، صرف خود « کورلینکو » گوشه اش را از
کلاه زمستانی کشیده و یخن بالا پوشش را باین آورده بود .
گرچه او مانند دیگران از سردی هوا در عذاب بود مگر این
حرکتش از خود دلیلی داشت: پنج روز قبل با و صدمه ای وارد
آمده بود، گوشه اش سنگین شده بود و اینطور برایش معلوم
میشد که کلاه و شال پشمی مانع شنیدن میشود .

با آنهم او خوب شنیده نتوانست وزه نیکه بساعت پنج عصر
طیارات دشمن بالای بطریه اش به پرواز در آمدند، او در حالیکه
دور از کنار نشانچی های خود ایستاده بود صدای مهیب پیکه
طیارات را نمی شنید، تنها در همان نالیه ای که در کنار نزدیک
او انفلاق بمبی رخداد خود را بزمین انداخته پروت نمود -
مگر زخمی شد ، این هشتمین جراحی او بود در ناحیه شکم و در
پاهایش درد را احساس نمود و خواست بر درد غالب آمده بنشیند ،
مگر دستهایش بروی برف لغزیدند و او تا دیروقت موفق به
نشستن نشد - بالاخره ناله کنان نشسته دستهایش را به زمین
تکیه داد تا توانست بایستد .

بارسوم یکی از آنها تنها آمد - دختری بود بلند بالا وارمنی
نژاد و در عین حال خیلی زیبا مگر به اندازه ای رنگ پریده که
« کورلینکو » بشک افتاد: آیا حقیقتاً همین دختر خون خود را به
اوداده است؟

اواز دختر بعد از احوالپرسی معموله سوال کرد:

— شما کمی رنگ پریده بنظر می آئید، آیا صحتتان خوب است؟
دختر مقصدش را فهمیده توضیح داد که او همیشه همینطور
رنگ پریده و سفید می باشد گرچه در منطقه گرم زندگی میکند مگر
آفتاب رنگ پوستش را تغییر میدهد.

دختر در کنارش نشست و آنها خاموش شدند، اواز دختر
نماش را پرسید و دختر جواب داد که نامش « آنوش » است.
کورلینکو از مصاحبت دختر لذت میبرد و در حقیقت اگر بعوض او
یکی از رفقاییش با کورلینکو می نشست حتماً بدون تعمق چندین
داستان مختلف از جنگ و از جبهه بیاد می آورد - مگر اینجانب
خطوط جبهه بوده و او در شفاخانه بستری است، در حالیکه در
مقابلش دختری نشسته است که میتواند داستانهای اورالاف و
گراف تلقی نماید و شخص کورلینکو را هم خود ستا.

اواز دختر سوال نمود:

— کمی راجع بخود حرف بزنید.

دختر شمید که چیزی بگوید، زبرا قبلاً برای دختر تشریح
داده بودند که این مرد رنگ پریده و مریض که در مقابلش
بستریست هشت مراتبه زخم برداشته و سه مراتبه مفتخر به اخذ
مدال « بیریق سرخ » گردیده و بالاخره همین شخص بصورت
حقیقی از جمله آنان نیست که ما بنام « قهرمان » می شناسیم، مگر
با وجود این او خاموش بوده و از خود هیچ چیزی نمیگوید پس
چطور ممکن است که دختر از خود بگوید و اگر بگوید چه بگوید؟
بگوید که او دختری عادی و ساده ایست که چندی قبل مکتب را
خلاص کرده و هنوز در زلزله گوی چیزی ندیده و مشکلی بر نخورده
مگر چون خاموشی طولانی شد دختر شروع بقصه نمود که در
سالهای اخیر هر تابستان نزد پدرش در فارمهای زراعتی دولتی
کار میکرد و نزدیکی های عصر بعد از ختم کار روزانه به



صحنه از فعالیتهای جزو قلمهای پیاده

کوهنوردی می برداخت. کورلینکو بدقت بهرقهای او گوش
فرا داده بود. او دفعتاً پرسید که آیا اسپ دارد؟ و دختر جواب
مثبت داد، پس کورلینکو دست پیشبرده عکس اسپس را که
همیشه با خود نگه میداشت و نزدش عزیز بود از زهر بالاش کشیده
بدختر نشان داد و گفت: این را ببینید، این دوست همزیم من بود.

دختر عکس را گرفته بعد از ملاحظه آن چند تبصره ای هم راجع
به اسپ کرد. و کورلینکو با رضائیت شهادت داد که
دختر بدون شبهه در شناختن اسپ و اسپ دوالی معلومات زیاد
دارد. - او شروع بقصه نمود که هنگام اجرای کشف دشمن این
اسپ با او داده شده بود. او دلش میخواست دختر نزد خود تجسس
نماید که چطور کورلینکو از نزدیکی های دشمن بکمک همین اسپ
بعد از کشف و گرفتن معلومات خود را نجات داده بقوای خود
مراجعت میکرد، او دوباره بعکس نظر انداخته اضافه کرد:

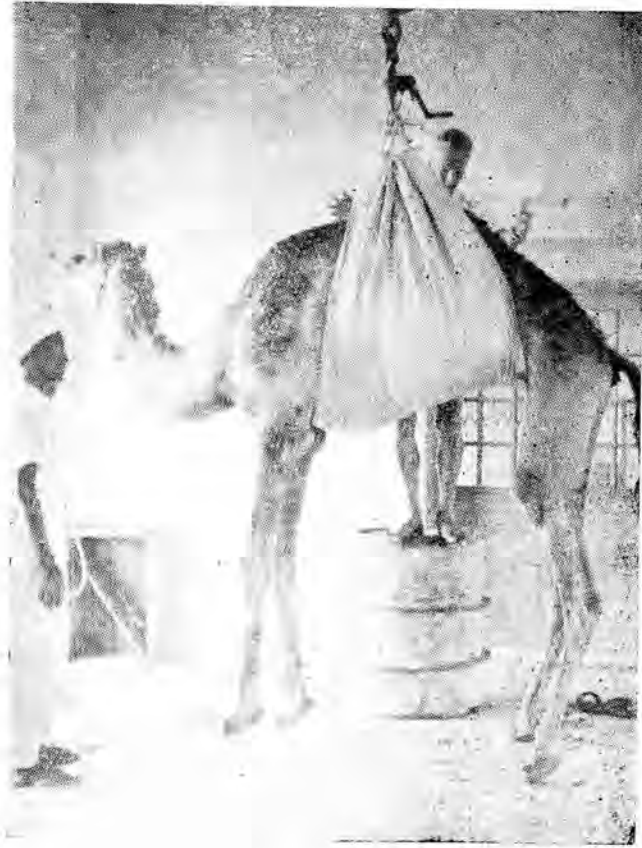
— این دو عکس خوب دیده نمیشود مگر گوش چپ اسپم قطع
شده - و تیکه من از کنار دشمن میگذشتم آنها تیراندازی کردند
و یکی از گلوله ها به گوش اسپ اصابت کرد و آنرا از بیخ بر کند...
وقتی دختر بعد از آنهمه صحبت شیرین از نزدش میرفت
نزدیک در دفعتاً رویش را گشتانده و همینکه نظرش به قیافه
پرتمنای او برخورد کرد دالت که این جوان بسیار می خواهد
تا او دوباره بیاید.

دختر بصورت غیرمنتظره بطرفش دید و کورلینکو آن قیافه
پرسنده و پرتمنای خویش را پنهان کرده نتوانست. « آنوش »
اظهار داشت که جمعه آینده دوباره بدیدنش خواهد آمد، پس
از خروج او کورلینکو چشمانش راست و بیاد آورد که دختر
با چه دلچسپی و علاقه ای به سخنانش و بداستانش گوش فرا داده
بود. او فکر میکرد همینکه خوب شد یکجاها « آنوش » در کوچه
های آفتابیی شهر قدم خواهد زد.

اینجا با تأسف موضوعی را بخاطر آورد که باعث غصه و تأثرش
شده بود، یعنی او تا آن زمان وقت پیدا نکرده بود که حتی یکی
از سه مدالها تیرا که برایش منظور و داده شده بود بدست آورد.
دو بار مدالها را در غند برایش آورده بودند و هر دو دفعه
در همان مواقع او زخمی و در شفاخانه بستر بود.

او قلباً مغرور بود، مخصوصاً وقتی فکر میکرد که بزودی از
شفاخانه مرخص گردیده و با دختر زیبا در شهر « ایروان » گشت
و گذار خواهد کرد، آنوقت او برای دختر قصه های قراوان
خواهد گفت اما راجع به نشانها و مدالها چیزی یاد آوری کرده
نمیتواند، زیرا در دستش موجود لیست و دختر شاید باور نکند،
این فکر خیلی ها رنج آور و برایش آزار دهنده بود - و او بی
اراده فکر میکرد که چقدر خوب خواهد شد اگر قوماندان غند
این موضوع را حدس زده و نشانها را بدست کسی برایش به
شفاخانه بفرستد بدین ترتیب افکارش همه متوجه نشانها و مدالها
بود.

شب هنگام روزنامه های چند روزه چاپ (ایروان) را
برایش آوردند، کورلینکو بدون کمک کمی بلند شده به
بالش تکیه داد و شروع بخواندن اخبار نمود.



درالجزائر حتی شتران را نیز وزن میکنند

کند باپرستار شروع به صحبت نمود ، مگر هیچ فیصله کرده نمیتوانست که سخن را از چه آغاز کند زیرا خجالتی بوده و مخصوصاً در مقابل زن کم جرئت بود ، بالاخره بخود جرئت داده پرسید :

— همشیره ایروان شهر خوبست ؟

— بلی شهر بسیار خوب است - کمی استوار بنشینید خود تان دیده میتوانید .

اوسعی کرد سرش را از بالاش بلند نماید ، مگر پرستار فکری کرده مالع از بلند شدنش شده گفت :

— اوه ! لازم نیست ، آرام بخوابید ، حالا یکبار دیگر خون بشما تزریق خواهند کرد .

دوسه زن داوطلبانه خون خود را به او داده بودند که جمعاً دو لیتر خون به او تزریق شده بود .

ابتدا او فکر میکرد که کسی بعیادتش نخواهد آمد - مگر آمدند ، یکدفعه طلاب مکتب بدیدنش آمدند ، مرتبه دیگر صاحب منصبی بدیدنش آمد که قبلاً باهم دریک غنچه و وظیفه دار بودند .

سه مرتبه زنهایی بدیدنش آمدند که خون خود را باو داده بودند . دودفعه هر سه آنها باهم یکجا آمده بودند ، باقیافه های بشاش و محبت آمیز و برایش غذاهای لذیذی آورده بودند که دا کتر از خوردن آنها او را پرهیز کرده بود .

مدوری را بیرون آورد ، بعد از آن « کورلینکو » گفت که آن را باز کند و پرستار سرپوش قطعی را برداشت . آلوت کورلینکو رویش را بطرف افرادش گشتالده بصدای نحیف و خفیف اظهار داشت :

— از حرب فتلیند تا امروز او را با خود داشته ام و هیچ چیزی درین آن لگذاشته ام زیرا مطمئنم که کسی مرا کشته نمیتواند ازین سبب هیچ لازم ندیدم تا اسم و شهرت خود را نوشته درین آن بگذارم - باین ترتیب تا نورلج افرادش را تسکین داد .

تذکره را برداشتند و او در بیهوشی محض فرورفت . وقتی چشم باز کرد دید که در هفاخانه سیار و سفری آمادگی برای جراحی زخمش گرفته میشد .

او چشمانش را گشود ، بالای سرش قهقهه آشنای دا کتر نمودار شد ، دا کتریکه یکبار دیگر نیز او را عملیات کرده بود - از دا کتر خواهشی کرد که برایش جرعه ای « ود کا » بدهند طبیب ازین خواهش متعجب نشد زیرا مقدارش جزئی و اثر سوئی نداشت ، اما با آنها خواهشش را رد نموده گفت :

— این مرتبه برایتان ود کا داده نمیشود ، زیرا در لاحتیه شکم زخم برداشته اید .

— خوب ! در اینصورت لازم نیست ، او با القیاد اینرا گفته و همینکه شروع به شستن زخمش نمودند از درد زیاد دوباره بیهوش شد .

او تقریباً دو هفته در حال کوما بود ، گاهی در حال نیمه بیهوش حس میکرد که او را توسط موتر بجائی نقل میدهند ، یکبار تبه هم صدای لو کوموتیف قطار آهن را حس کرد . بعداً دوباره به سیاهی و تاریکی فرورفت . در مغزش افکار عجیب و غریب و خاطرات مهیب و هولناک ظهور میکرد ، آنچه هائیکه بعداً بمشکل بخاطر میآورد .

بالاخره او در اتاق بزرگ و نسبتاً سردی بهوش آمد که دارای سقف بلند و روشنی بوده و در آن دوچهرکت طویل پهلوی به پهلوی گذاشته شده بود .

— پرستار ، او اینرا گفت و متعجب شد که پرستار حرفش را نمی شنود ، پس فریاد زد که :

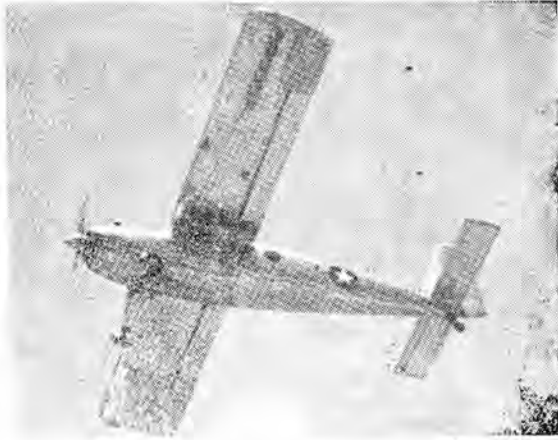
— همشیره ! - پرستار به آرامی بطرفش دور خورد ، مانند اینکه صدای بیج بیج بگوشش رسیده باشد . کور نیتکو پرسید :

— در کدام شهر هستیم ؟ و پرستار جواب داد :

— در شهر ایروان (پایتخت جمهوری ارمنستان شوروی) .

از کلکین مناظر ردیف خاله های اطراف دیده میشد که از انوار طلائی آفتاب جنوب متمتع بودند . در دیوار مقابل چهر کتش ساعت بزرگ دیواری آویزان بود ، بنظر (کورلینکو) می آمد که ساعت استاد زهرا آواز تیک تیک تانگ آنرا نمی شنید ، مگر چون دهد که رفاصه (پاندول) ساعت در حال حرکت است دانست که خودش بعد از صدمه بخوبی شنیده نمیتواند و با غضب صدمه مذکور را بخاطر آورد . برای اینکه افکار مذکور را فراموش

طیارات تجربوی و کشف اضلاع متحده امریکا



طیاره نوع U-10A امریکانی

ترجمه از محمد معروف
تورن نوای هوایی پیلوت و پرائیکه
ترجمه از مجله نوای هوایی امریکا

از جمله طیارات کشف اضلاع متحده طیاره U-2 بسیار مشهور است که دارای بعد پرواز بسیار زیاد میباشد. فعلا در نوای هوایی امریکا جای طیارات U-2 را اتمار مصنوعی و طیارات SR-71 اشغال کرده است طیاره مذکور دارای یک نفر عمله بوده ۲۴ فوت و ۷ انچ طول و فاصله بین دونوک بال آن ۸۰ فوت میباشد.

میباشد طیارات U-3 و U-4 نیز در قواء هوایی پرواز های کشف را اجرامی نمایند طیاره U-3 دارای دو عدد انجن هستن دار است که هر کدام ۲۴۰ اسب قوه دارد طیاره مذکور پنج نفر راحمل کرده میتواند سرعت آن در حدود ۲۴۰ میل فی ساعت و بعد پرواز آن (۱۴۰۰) میل میباشد وزن آن ۵۱۰۰ پوند است.

طیاره U-4 نسبت به U-3 بزرگتر بوده دارای دو عدد انجن هستن دار میباشد که هر کدام آن ۳۴۰ اسب قوه در دست سرعت اعظمی آن ۲۵۰ میل فی ساعت بعد پرواز آن ۱۶۰۰ میل بوده ۷۵۰۰ پوند وزن دارد.

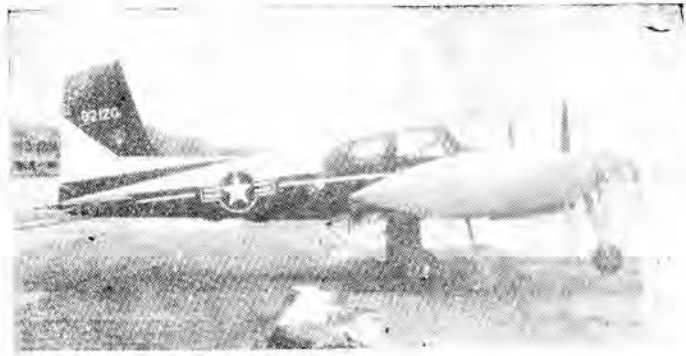
طیاره U-6 برای یک مدت بسیار کم در قواء هوایی اضلاع متحده اجرا وظیفه نموده فعلا عوض آن هلیکوپتر های UH-1 استعمال میشود و همچنان جای طیارات HU-16 را که در آب نیز نشست اجرا کرده میتواند هلیکوپتر های HH-3 و HH-53 اشغال کرده است از جمله طیارات تجربوی فعلا در قواء هوایی اضلاع متحده طیارات X-24 و X-25 پرواز های تجربوی را اجرا می نمایند.

طیاره مذکور در جنوب شرق آسیا استفاده میشود. طیاره U-10 از یک میدان غیر آماده به طول ۵۰۰ فوت پرواز کرده میتواند و یکی از خواص خوب آن اینست که بسرعت (۳۰) میل فی ساعت پرواز کرده میتواند که در این سرعت کشف بصری بسیار خوب اجرا شده میتواند؟ این طیاره در هوا مدت ۱۰ ساعت متواتر پرواز کرده میتواند طیاره U-10 - 31 فوت طول داشته و فاصله بین دونوک بال آن ۳۹ فوت است قدرت حمل شش نفر و یا (۱۰۰۰) پوند بار را دارد. طیاره مذکور دارای یک انجن هستن دار میباشد که ۳۶۰ اسب قوه دارد. سرعت اعظمی آن ۱۵۰ میل فی ساعت و بعد پرواز آن (۱۱۰۰) میل

طیاره U-2 توسط بال های دراز خود به ارتفاع (۹۰۰۰۰) فوت پرواز کرده میتواند طیاره مذکور قدرت خود را از یک انجن جت (۱۳-۹۷۵) ساخت کمپنی طیاره سازی Psattandwhitney که (۲۰۰۰۰) پوند قوه کشش دارد اخذ می کند پیلوت میتواند انجن طیاره مذکور را در هوا خاموش کرده و یک مسافه زیاد را بدون انجن طی کند. سرعت اعظمی طیاره U-2 ۵۰۰ میل فی ساعت بوده و دارای وزن (۲۲۰۰۰) پوند میباشد. طیاره دیگری که در قواء هوایی اضلاع متحده وظیفه کشف را اجرا می کند طیاره U-10 است که بعضی فعالیت های آن تا حالا محرم است از



طیاره نوع U-2



طیاره نوع U-3

از دو انجن کوچک را کت که هر کدام ۵۰۰ پوند قوه کش دارد استفاده نموده و نشست را اجرا می کند .

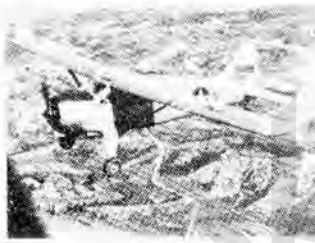
طیاره X-25 که توسط کمپنی Bensen ساخته شده و بنام Gyrocopter

یاد میشود پروازهای امتحانی خود را کرده است. از این طیاره در قوا هوایی امریکایه قسم یک آله فرا ر استفاده میشود . مثلاً اگر پیلوت مجبور شود که در خاک دشمن از طیاره خود را برتاب کند از طیاره X-25 که در طیاره او جا داده شده است استفاده کرده و طیاره اصلی را ترک می کند و توسط آن خود را به اراضی محفوظ می رساند

بعد از انجن آن فعال شده و آزادانه پرواز می کند . سقف اعظمی پرواز آن (۱۰۰۰۰۰) فوت و سرعت اعظمی آن به دو چند سرعت صوت می رسد . در زمان نشست پیلوت طیاره مذکور

طیاره X-24 که توسط کمپنی Matin Mariatta ساخته شده و فاقد بال می باشد پرواز آن به مقصد بدست آوردن معلومات راجع به یک ساختمان طیاره جدید اجرا می گردد .

قوای هوایی اضلاع متحده در نظر دارد که در آینده چنین یک طیاره بسازد که از قمر مصنوعی که در مدار قرار داشته باشد جدا شده و داخل ساحه زمین شود و مثل طیارات عادی در میدان های هوایی نشست اجرا کند . طیاره X-24 (۲۴۰۵) فوت طول و ۱۲ فوت عرض دارد وزن آن (۱۱۰۰۰) پوند بود و تمام سیستم اداری آن به حصه عقبی آن واصل است ، طیاره مذکور قدرت خود را از یک انجن را کت به مارک (XLR-11) میگیرد و ۸۰۰۰ پوند توه کشش دارد . طیاره X-44 توسط طیاره B-52 به ارتفاع برده میشود و



HU-16A

X-24

حد هر وخت د بنیخی پر طبیعت
غالب دی . (سولون)

* * *

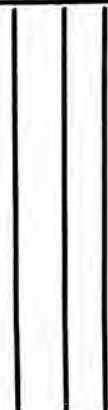
هو بنیاره بنیخه دمیره په روزنه
کی همت کوی او هو بنیار سری
هغه دی چی بنیخی ته ددخی روزنی
موقع ور کوی . (مارک توین)

هر خو کچی بیریزی هغه شکست
خوری او حتماً ماتیزی .
(نا پلیون)

* * *

انسان د هغی تولنی او محیط
زیزنده دی چی پکښی اوسی او
پکښی روزل شوی وی .
(کی دومو پاسان)

عالی افکار



اتومی او ننی مدرنو محارباتو کښی

کړی چه دغه اکتیف کرکتر او پنه بی له لور مانور او تحرك ځینی لاسته نه راځی ځکه که مانور موجود نه وی لومدرله جگړه به په یوه کلاسیک جگړه بد له شی او مختلف قوتوله کوم چه په مدرنو محارباتو کښی یو ځای فعالیت کوی درفتار او پرمختګ تمپو به له لاسه ورکړی او مخصوصاً هغه قوتونه چه د تعرض وظیفه په غاړه لری خپله وظیفه به په تا کلی وخت سرته ونشی رسولی. که چتک مانور په جزو تامونو او قطعاتو کښی نه وی نو څرنگه به ممکن شی چه متعرض جزو تامونه د دینم د مدافعی د قوی او کینل شوی مدافعی خطونو ځینی تیر شی، سره لدی چه دا ورلی ضربوبه واسطه دغه تدافعی خطونه ضعیف شی بیا هم به متعرض قوتونه ونه توانیږی چه بی له لور مانور او تحرك ځینی دغه خطونه شق کړی او د دینم د مدافعی په ساحه کښی نفوذ وکړی.

د تحرك قابلیت دادی چه جزو تاموله او قطعات بی لدینه چه په حرکت کښی ځنډ نه پښی شی د حرکت تمپو (*Tempo*) وساتل شی او که د حرکت په دوام کښی د قوماندان د قرار او یا د کوم مجب ریت په اثر له یو حرکت نه بل حرکت ته جزو تامونه داخل شی یعنی داسی چه که جزو تام د تعرض ځینی و مدافعی ته تیر پیری باید دومره ځنډه چه دینم ته د ضرباتو د واردولو فرصت ورکړی منځ ته رالی.

د مانور قابلیت په عامه معنی دادی چه جزو تامونه د چتک او تیز تګ او حرکت قابلیت ولری په ډېر زرسره محاربوی نظام بدل کړی شی او داسی تعرضی حملی پر دینم بالندی وکړی چه د دینم وارخطا کالندی او موقع ورنکړی چه خپله دمه ونیسی د اتومی د نتیجی ثمره لاسته راوړی او هم که دینم همدغسی کوم تعرضی حرکت وکړی دهغه مخنیوی وشی کړی.

د مانور قابلیت د محارباتو په مختلفو شکلونو کښی او همدغسی تحرك هغه اوصاف دی چه پودبل د تکمیل لپاره ضروری دی د تیر شویو حربونو تجارب دا خبره پښی چه د جزو تامونو دینامیزم او د مانور قابلیت د عصری اونویو وسلود اختراع او

مانور او تحرك د ننی مدرنو محارباتو له سترو ایجاباتو ځینی دی، له هغه وخت ځینی چه را کتوله، جت الوتکی، رادیو الکترونیک وسایط، او د جزو تامونو او قطعاتو مو ترینه او میکانیزه کیدل، اتومی وسلی، دا ور څه راو لکی قدرت او داسی لور په زړه پوری انکشافات منځ ته راغلی دی د مانور او تحرك اهمیت لالور هم زیات شویدی. ځکه د پورتنی پرمختګونو او انکشافاتو په لړ کښی اردو گالو یوا کتیف کرکتر محالته غوره



جزو تامونو قوماندانان هم خپل فعالیتونه د جزو تامونو او قطعاتو د مانور ورسره عیاروی

پدغه مانور کښی چه له اوبونه
وچی ته قوتوله هلی کښی پودهم
آهنک او کوردینه شوی مالور
سترگونه راهی



داتومی محارباتو په صورت کې دمحاربی ساحه وسعت
او پراخوالی پیدا کوی او همدغه علت دی چه دمدرلو
محارباتوله اوصافو مخنی پودادی چه محاربات کله کله
ډیر زبراخوالی پیدا کوی .

داتومی ضربو نتایج داسی تحقق مومی چه دشق محای د
موتریزه او تانک لرونکی جزوتامولو او تانکولو پواسطه
انکشاف پیدا کړی یعنی هغه وخت چه ددښمن محاربوی نظام
د اتومی ضربی پواسطه مات شو په خورا چټکی سره تانکوله
او موتریزه تطعات دغه شق ته انکشاف ورکوی اوددښمن
عمق ته مخی پدغه حرکت کښی چه غوسره ممکن وی تانکونه
په سرعت سره مخ په وړاندی غی. قوماندانان بایدپوه وی چه
هغه وخت چه ددښمن د مدافعی په سیستم کښی شق پیدا کښی
که هغه هم داشق ډیر زیات او د اتومی ضربی پواسطه وی
حتماً د متعرض قوت لپاره بری لاسته ندی راغلی امکان لری
ددښمن داوریسیستم ډیر ښه سیستم وی اوزرتزرزه دغه شقوله
دقوی اوروپو پواسطه وهوی او دتعرض د انکشاف مخه
ولسی ددغه مقصد لپاره بایدمتعرض قوتولو د کشف جزوتامونه
ولری چه ددښمن مدافعی وضعیتم تجردی کشف لاندی ولیسی
او دشق ضعیف محایونه متعرض قوت ولیسی ترغو هغه وخت
تعرض ډیرښه انکشاف وکړی ، که شق منځ ته هم راشی او
اورنی وسایط کوم چه داوردسیستم دجوړولوپه وخت کښی
د مدافع لخواه دشقولو دوهیولو لپاره نظرته نیول شوی او
لاموجود وی نو متعرض قوتونوله به ډیر زهان او تلفات
ورسیږی .

په مدرلوم محارباتو کښی وضعیت ډیرزرتبدیلیږی نو
جزوتامونه باید ددی قابلیت ولری چه خپله درلده مساعی
پدی یا په هغه استقامت په ډیر چټکی سره متوجه کړی شی
لکه د لمرلی بری لپاره کهدای شی چه قوماندان ډیرزرداصلی
مساعی استقامت یو ډیر فرعی استقامت ته وگرغوی لپه همدی
علت سریع رفتاروله هم زهت زیات اهمیت لری او د رفتار
سرعت د موتریزه او میکانیزه وسایطوله په استفاده کولو
سره تامینیری موتریزه او میکانیزه وسایط دی چه قوماندان
دهغه په واسطه له ډیرو وسختو لارو او اراضیو مخنی خپل
جزوتامونه تروی او په تا کلی وخت خپله وظیفه اجرا کوی
همدغسی هغه وخت چه احتیاطوله له عقبی ساحی نه جیبی ته
را وړل کښی دغو وسایطو ته کلک احتیاج موجود وی. د

منځ ته راتلو سره لاهم داهمیت او پاملرنی وړگرغبدلی دی.
دمثال په توگه دنړی عمومی لمړی جگړه دحرب موضع او محای
په محای جگړی کرکتر او طبیعت درلود داهم لکه په هغه وخت
کښی دومره نقلیه چټک وسایط او وسلی موجودی نه وی دموضع
گانو تبدیل اوسریع حرکتونه ناممکن وو. وروسته بیاچه موتریزه
اومیکانیزه وسایط او چټک الوتکی دارودگانو لاسته ورغلل
نودحرکاتوبه بدله شوه او تحرك زیات شو. دوهمه عمومی
جگړه مخصوصاً په هغو ورغو کښی چه قطعی مرحلی ته رسیده
تحركه ښه غوره کږیوه او تقریباً نننی ټول عصری وسایط هغه
ناخه پکښی استعمال شول .

داتومی وسلو داستعمال په وخت کښی هم مالور اومتحرك
خپل اهمیت له لاسه له ورکوی اوحتی چه نورهم اهمیت پیدا
کوی لکه که په زړه پوری مالور موجودوی لوهغه جزوتامونه
او تطعات چه داتومی ضربو لاندی راهلی دی په چټکی سره
کولای شی چه داتومی ضربو د ضررونو او تلفاتو مخنی غان خلاص
کړی همدغسی هغه خواجه اتومی وسله استعمالوی ښائی په دا
خبره پوه وی چه داستعمال وسایطی دمانور قابلیت ولری .
دمالورلو قابلیت او تحرك لامل مخصوصاً دمتعرضو
قوتونولپاره ډیر ضروری دی او یو عصری او مدرن تعرض هغه
دی چه لوړ مالور اوتحرك په وسلو، وسایطو او جزوتامونو
کښی موجودوی په تصادفی جگړو کښی چه وضعیت دتعرض
مخنی ډیر زبردلیږی بیا هم دجگړی په وړلو کښی دمانور قابلیت
اهمیت پیدا کوی او باید وویل شی چه دجگړی په سرلوش
باندی کلکه اغیزه لری. دښمن په دتصافی محاربه کښی سخت
کوښښ کوی چه اسیاتیف لاسته راوړی منگر که دپلی خوا
سره دتکتیکی قواعد وپه چوکات کښی دچټک او تیز مالور
قابلیت موجودوی دغه اسیاتیف انجمن ته نه ترلاسه کږی .
مانور په مدافعه کښی هم هغو سره اهمیت لری چه په تعرض کښی
لکه که مدافع قوتونه دلوړ مالور اومتحرك قدرت ولری دمدافعی
په جیبه کښی به شقوله پیدانشی حتی که اتومی ضربه هم وی پدی
ډول چه مدافع قوتوله دلوړ او تیز مانورپه لرلو سره زرتزره
دشق محایونه او خالیگاوای کومی چه ددښمن دضرباتوپه اثرمنځ ته
راغلی دی ډکوی اومتعرض قوتونه شاته تمبوی .

دمانور دسهمو فکتورو مخنی اتومی وسلی دی لکه داتومی
وسلی استعمال هغه وخت په زړه پوری لری چه دجزوتامونو
او قطعاتو د سریع مالور سره دهغو ضربو نتیجه تحقق پیدا کړی

مثال په توگه په دو همه عمومي جگړه کېنې د دښمنو ډلو جزوتامونه او قطعات په پلي توگه اوږده رفتارونه اجرا کړل دغه رفتارونه په ساعت کېنې (۴ - ۵) کيلومتروته رسیده او په ورځ کېنې به له (۳۰ - ۴۵) کيلومتر وځينې نه زياتېده سنگر اوس دغه لور مونه له منځه تللي دی ځکه اوسنې عصرې جزوتامونه دا قابليت لري چه په ورځ کېنې تر (۴۰) کيلومترو پورې او په شپه کېنې تر (۲۰) کيلومترو پورې په يوه ساعت کېنې سرعت ولري اود ورځې په اوږدو کېنې ډير زيات واټن طی کولای شي .

د مانور لوړ قابليت ، د اور ډېر قدرت او د ضربې قوت د رفتار او هر مختګ پر نور مولوباندي زښت زيات تاثير لري دزرهدارو وسايطو دتګ اوسرعت لورم په ډېر وناساعدو اراضيو کېنې زيات شويدي همدغسې ددوی د زغري تحفظ تر پخوا ډير زيات دی په همدی علت دی چه دغه وسايط لې يواځې د رفتار له حالت نه و محاربوي شکل ته تېرېږي او هم په سيور شوي صورت ددی وسايطو مربوط پرسولل محاربي ته دوام کوي په هغه صورت کېنې چه د دښمن د مقاومت ماتول د سپور له حالت ځينې امکان ولري (که څه هم داسې حالت لير پېښېږي) نو په هغه صورت کېنې دغه موټريزه پلي جزوتامونه له خپلو وسايطو ځينې پلي کېږي دامتود دوهمی عمومي جگړې په دوام کېنې ښه نتيجه ورکړې له اوهمداسې به په آینده کېنې به هم لا ډير اهميت ولري لوبښانې دښوولي او روزلي په مختلفو صفهاتو کېنې دی ټکي ته کلکه پارلر له وشي نوښانې دغو جزوتامونو ته د انجنيرې عصرې وسايط ورکړشي تر څو جزوتامونه وکولای شي دراديو اکتيف مواد ځينې کوم چه اراضی ورباندي ککړ شويدي تير شي د مختلفو الوتکو او هليکوپترونو په اختراع سره جزوتامونه قادر شويدي چه خپل پرسولل زرتزره پورې د دښمن شاته ورسوي او دغه ډول حرکت ډير اهميت پيدا کړيدي اونور هم به اهميت پيدا کړي . متحرک او چټک مانور بي له ينه چه دښمن او اراضی کشف شي ناممکن دی ښانې کشف هر کله موجود اوسې نو ښانې قوماندانان او دوی قرار گاه تل دغه خبره په ياد ولري او له خپل لمړني مسؤليت ځينې نې وگڼي . د اتومي ضربه دښې نتيجه دلاسته راوړلو لپاره ډير ضروري دی چه کوردينا هيون د مختلفو جزوتامونو په منځ کېنې موجود وي ټانکوله ، توپچي او هوایي قوتونه ته کوردنپاسيون ولري وتعقيب ځينې نتيجه لاسته راځي هغه جزوتامونه چه سره لژدی واقع دی بايد د هغو فعاليتونه دهغو جزوتامونو د فعاليت سره هم آهنگ شي چه اصلی وظيفه ئې را په غاړه ده . هغه وخت چه بری لاسته راځي لوگاوندی جزوتامونه زرتزره پودېل سره يواځې فعاليت کوي اود بری دتحقق لپاره پودېل منطقي اوشريدولوته ننوځي ترڅو مساعد شرايط له لاسه لاړ شي .

قوماندانان او دده قرار گاه مسؤل دی چه دمحاربوي

امکالو تبديل تر کنترول لاندی ونيسي اوداسې حالت منځ ته رانه وړي چه جزوتامونه قرار ته معطل اوسې اووظيفه پاتې شي قوماندانان او قرارگاه ددغه قابليت دلاسته راوړلو لپاره ښانې د وضعیت په کله پوره معلومات ولري غټ جزوتامونه په طبيعی صورت سره له لاسه ورکوي او دهغو کنترول لير شانتې مشکل وي نوهغه وخت چه ددغسې جزوتامونو تشکيل مخصوصاً دمحاربي لپاره جوړېږي ښانې په نظر کېنې وی چه د دوی داور قدرت او تحرك زيات وي اوسنې که څه هم داتومي ضرباتو په واسطه دمدافع دښمن جبهه ماتېږي بياهم که وروسته بيا پلي ميکاليزه او زره دار وسايط تحرك ولري نتيجه لاسته راځي او دتعرض ځينې گټې نشي لاسته راتلاي او د دغه معطلی په علت دښمن په ډيره چټکي سره داسات ځای اوشق پوښوي . تجارب ښی هرڅومره چه تعرض ددښمن عقبی ساحې ته انکشاف کوي په هغوسره اندازه دمانور قابليت او زيات تحرك لپاره ضرورت حسن کيږي .

داسې وختونه ډير راځي چه اراضی صعب العبور او وخت هم ډير لږ وي لو که دلوړ مانور قابليت موجود نه وي بری لاسته راځي دغه قابليتوله دښې ښوولي اوروزلي بواسطه تحقق مومي نه داسې چه د جگړې په دوام کېنې لاسته راشي د جزوتامونو په منځ کېنې بايد حمايه موجوده وي داخبره بهځي غلط ده چه داتومي وسلې په منځ ته را تللو سره نور وسايل بي اهميته شويدي بلکه برعکس اوس هم دټانکولو، توپچي اونوري وسلې اهميت لاهسي زيات شويدي نو قوماندانانوته لازمه ده چه داتومي وسلې تکنیکک اودغيراتومي وسلو تکنیکک په گډه سره خپلو لاس لاندی کسانوته ورښيي او داراضی دتطبيقاتونو په واسطه ددوی تکنیککي سوبه پوخوالی ته ورسوي داسې پوخوالی له چه دوی دعمل په ساحه کېنې دغه ميتودوله تطبیق کالدي . تکنیککي تطبيقاتونه دلوړ مانور او تحرك دمنځ ته راوړلو لپاره ډير مهم اوضروري دی عصرې محاربات افراد جسمی اومعنوی سختيو سره مخامخ کوي ، ځکه په وار وار ښانې دولی ددښمن داتومي تکنیککي وسلې، دتوپونو اوټانکونو اورلاندی راشي اومجبوره هم اوسې چه وظیفه اجرا کړي دهوائی بمباردمان لاندی راشي، مجبوره به وی چه په کيمياوی اخنتولو ککړو ځايونو ځينې تير شي دسوالو سره مخامخ شي په ټولو صورتونو کېنې قوماندانان مجبوره دی چه خپل وظايف سرته ورسوي نو بايد پوه اوسو چه پورتنی مشکلات کوم چه مورله يادونه وکړه په اسالی سره له منځه نه ځي بلکه هغه جزوتامونه به دغه مشکلات له منځه يوسي چه فزیکي اوروحي لوړ مقاومت اوظرفيت ولري په ښوونه اوروزنه کېنې مختلفو شرايطو ته تابع شوی وي قوماندانان هغه وخت دجگړې په میدان کېنې برياليتوب لاسته راوړلی شي چه هڅې ښوولي اوروزلي ځينې جزوتامونه ولري جزوتامونه ودسلو په استعمال کېنې ښه تخصص ولري اوله ټولونه لمړی دښه مورال خاوندوی . (پای)

اطوار خلقت آدمی در فطرت



آتش دور

ای که چون صدف مارا، در کنار پرودی
با گهر فروشانم، از چه آشنا کردی؟
گرم شدم ز سوزمن، محفل طرب جوین
هیزم زمستان شد، گلبنی که پروردی
بر سرتو می‌بزم، پای هر زه پو یا نرا
چون چمن بهر صحرا، دامن از چه
گستریدی؟

نوبهار می‌آرد، گل بهیده بستان را
ای تو نوبهار من، بهر من چه آوردی؟
جان بی لصبیم را، بهره‌ی نمی بخشی
آتشی ولی دوری، بوسه‌ی ولی سردی
شکوه کم کن ای دسیمین، ز آنکه همچو
اشک من

آفریده رنجی، پروریده دردی

فیاض

دوستم داشته باش

گرم تر از خورشید

ژرفتر از دریا

شاید احساس تسلی نپذیرفته‌ی من

شاید این درد که سنگنی شب را بدلم
گسترده است،

در زلال پراز ابهام دو چشمت

آرام :

وز نباتی در جمادی او فتاد
وز جمادی ییاد ناورد از نبرد
نامدش حال نباتی هیچ ییاد
خاصه در وقت بهار و ضمیران
سر میل خود نداند در لبان
سوی آن پیر جوان بخت مجید
جنبش این سایه زان شاخ گل است
پس بداند سر میل و جستجو
کی بجند گرنجند این درخت
میکشد آنخالقی که دالیش
باشد اکنون عاقل ودانا وزقت
هم ازین عقلش تحول کرد نیست
صد هزاران عقل بیند بوالعجب
کی گذاردش دران اسیان خویش
که کند برحالت خود ریشخند
چون فراموش شد احوال صواب
فعل خوابست و فریب است و خیال
خفته پندارد که این خود قایم است
وارهد از ظلمت ظن و دغل
خون بهند مستقر و جای خویش
روز محشر یک بیک پیدا شود
گرددت هنگام بیداری عیان

تا بپنداری که این بد کرد نیست

اندرین خواب و ترا تعبیر نیست

آمده اول باقلیم جماد
سالها الدر نباتی عمر کرد
از نباتی چون بیهوانی فتاد
جز همان میلی که دارد سوی آن
همچو میل کودکان با مادران
همچو میل مفرط هر لو مرید
جزو عقل این از آن عقل کل است
سایه اش فانی شود آخر درو
سایه شاخ درخت ای لیکبخت
باز از حیوان سوی انسانیش
همچنین اقلیم تا اقلیم رفت
عقلهای او لیش ییاد نیست
تا دهد زین عقل بر حرص و طلب
گرچه خفته گشت و ناسی شد زبیش
باز از آن خوابش به پنداری کشند
که چه غم بود آنکه میخوردم بخواب
چون لدالتم که آن غم و اعتلال
همچنین دنیا که حلم نائمست
تا براید ناگهان صبح اجل
خنده اش گیرد از آن غمهای خویش
هرچه تو در خواب بینی نیک و بد
آنچه کردی اندرین خواب جهان

از مولانا عبدالرحمن

جامی

بهار

دیده را ز آب روان و سبزه روشن میکند
در حریم بوستان از دیده روزن میکند
های سرو و سایه گلین نشیمن میکند
گردش از گل توده و از لاله نمرین میکند
زان زره از سبزه و خنجر ز سوسن میکند
و ز بخورش گل عبیر جیب و دامن میکند

وقت گل خوش آنکه جابر طرقت گلشن میکند
خانه دلرا که از دود زمستان تیره بود
همچو نرگس می نهد بر کف بهشت جام می
می نشاند گلرخی با لاله روئی بهش خویش
با سپاه محنت و غم بر سر جنگ است باغ
می نهد از عنبر تر لاله بر آتش بخور

گر صراحی ریخت خون توبه (جامی) چه باک

هر زمان خون دگر اینسان بگردن میکند

به بشر دویره و سترگو کرم نظرمات

به اثر تبسمی کره کانی لعل و گهر مات
 به لذت نی دسر و شادو کره شکر مات
 به جهان نی بی ورمی دکاکل بنوری
 چی بازاری کی دمشکو او عنبر مات
 کشکی عان دسپلی به شان دود کرم
 به بشر دویره و سترگو کرم نظرمات
 سدعا به می دزره شی. میسره
 بیا باک آسته که صیادمی کبری وزرمات
 خدای دی لاس دکار پروخت دهامات نه کی
 ور قیب ته می هم لاس دی هم خنجر مات
 دبد بخته سره هیخ عجهبه نه ده
 چی به نسل نی سی بر سر لیونی سیر مات
 لکه غابین به فالوده کی دچاووزی
 هسی زه کرم دیار مینی به بشر مات
 به مضمون می دلبر خاطر خویش نه کی
 به دفتر کی می قلم کی به عمر مات
 به ناکام حال می دبل چاغه غرض دی
 چی می تل دی دتیمت به لوتو سیر مات
 رحمته الله دشاعرانو سیالی مه که
 چی دی نه کی به تنقید تمام دفتر مات
 رحمت الله با



خوشین بزم

هسی رنگ له دی عالمه تنها خویش بزم
 چی مدام لکه وحشی به صحر اویش بزم
 ترهغه چی خشک تینت د ساحل و بزم
 لکه موج آواره به دریا خویش بزم
 چی هره نی له لقمی و بی مگس شی
 کله زه دهغه چا به صلا خویش بزم
 چی به شان د آفتاب نه وی گرم رو به
 ستابه سرگه به سایه د هما خویش بزم
 چی به قیدنی دلفس کرم لکه زر که
 تر داهسی خندازه به ژ را خویش بزم
 که بیدار لکه تصویر له خوابه له شو
 به داحال له خجله بخته «شیدا» خویش بزم
 «حمید ماشوخیل»

غرق در موج نیازت گردد...

شاید این جوشش مهر ،
 سر کشیمای مرا بند تعلق بزاد !
 - آری ای پاکتر از زهت دشت
 سختی کوه غمم رادریاب
 تالیافتهام از باشتاب
 دوستم داشته باش
 تلختر از امید !
 گنگ تر از فردا !
 * مایوس مباش ، زیرا ممکن است آخرین
 کلیدی که در جیب داری ، قفل را بگشاید
 «تروقی ویک»
 * سختی و مشقت استادی است که بزرگترین
 رجال عالم کمر شاگردی و خدمت او را بسته اند
 «جرمی تایلور»
 * عشق کوتاه ترین راه از قلبی بقلب دیگر است
 «موریس بدل»

یکی از خالهای بسیار شیک پوش
 شبی با لباس نو تاز به خود وارد مجلس
 جشنی شد و متوجه گردید که همه بلباس
 او توجه دارند. وقتی بخاله برگشت
 روبه شوهرش کرد و گفت :
 من دیگر این لباس را نخواهم
 پوشید .

- چرا مگر چه شده عزیزم ؟
 - چه میخواستی بشود امشب همه
 درباره رنگ و اندازه و برش لباس
 حرف می زدند و این نکته ثابت می کند
 که قیافه من خوب نشده بود که مهالان
 متوجه جزئیات لباس شده اند !!

درباره اراده گفته اند...

اراده اولین راز بهروزی است . بشرطیکه توام با عقل
 و ایمان باشی .
 اراده از قوی ترین توپها و تانکها قوی تر است .
 کارهای بسیار مشکلی را که انجام آن برای قوم محال است ،
 بدست اراده بسیار .
 از قوت ارا ده است که هیچ آرزو و آرمانی در دل ما
 مدفون نمیشود .
 روزگاری آسمانها امیر اراده بشر خواهد بود .
 تحمل بدبختی هم اراده میخواهد .

قلب شما، صحت شماست

توران شمس الدین طرفی صدیقی
معاون مجله ارو

روز (۷) اپریل مطابق باروز (۱۸) حمل مصادف باروز بین المللی صحت بود که در سراسر جهان تحت شعار (قلب شما، صحت شماست) تجلیل گردید در کشور ما نیز بدین مناسبت محافلی ترتیب گردید و طی آنها راجع به معافلات از قلب که مهمترین عضو وجود انسان محسوب میگردد مطالبی بیان شد.

در اردو نیز روز صحت در اندیتوریم حری پوهنتون با ایراد مقاله ها و خطابه ها توسط دکتوران اردو استقبال گردید بناغلی وزیر صحتیه ضمن بیانیه که از اردو نیز نشر شده است گفت :

۲۶ سال قبل سازمان صحتی جهان بمنظور تأمین و بهبود صحت کلیه ملل جهان کمک و همکاری در زمینه آموزش و تحقیق و مبادله اطلاعات در مسایل مربوط به صحت پایه عرصه وجود گذاشت هفتم اپریل امسال که مصادف به سالگرد این مؤسسه جهانی است بنام روز صحت در تمام کشورهای عضو با مراسم خاص تجلیل میگردد و با اینصورت افکار و توجه عامه بیکی از برا بلم های حاد صحتی معطوف میشود . موضوع روز صحت جهانی این سال را امراض قلب ، وقایه و تداوی آن

تحت شعار (قلب شما، صحت شماست) تشکیل میدهد. جای مسرت است که در کشور عزیز ما نیز این روز در تمام مراکز ، مؤسسات و حلقه های فرهنگی و نشراتی برگزار گردیده در مورد پرا بلم مذکور تبلیغات و نشرات صورت میگردد بناغلی وزیر صحتیه افزود است :

« قلب این عضو فوق العاده فعال که روزانه یکصد هزار بار می تپد و یگانه استراحت آن لحظه نهایت کوتاهی بین ضربات آنست عضو شکفت آوری در بدن است که متأسفانه مورد تاخت و تاز عوامل و بیماری های گوناگون قرار میگردد. در بر تو کتشافات ساینسی و دانش عده زیادی ازین عوامل برملا گردیده و مطالعات وسیع در مورد مسائل لاینحل هنوز هم ادامه دارد .

حوادث ناگوار محیط رحمی منجر به یک سلسله بیماریهای ولادی و قلب گردیده اطفال نوزاد با سوء تشکلات قلب و اوعیه بدنیا می آیند .

فراط فشار خون در جوانان و بزرگسالان به کثرت تصادف مینماید که عواقب بدی به دنبال دارد امراض اسکمیک قلب ناشی از سخت شدن شرائین قلب در افراد مسن معمول است .

مرض دیفتری و گلو دردی ها

مخصوصاً در ممالک روبه انکشاف به کثرت تصادف میشود و قلب را متأثر میسازد .

بناغلی وزیر صحتیه بعد از یک سلسله مطالب گفته است :

به پیشرفت هائیکه در زمینه جلوگیری و تداوی امراض قلب نصیب بشر گردیده حیات طولانی و زندگی بهتری رامیسر ساخته است حقیقت نوید بخش اینست که هنگامی بیماری قلبی بصورت مقدم کشف گردیده تحت تداوی و مراقبت لازم قرار گیرند از چانس حیات ثمر بخش و مرور برخوردار گردیده دهها سال دیگر بزندگی عادی ادامه خواهند داد انسان برای همیشه زنده نمی ماند وهم نمیتواند از صحت کامل طور همیشگی برخوردار باشد ولی هر انسان نورمال از حیات و صحت سهم کاملی برای خود میخواهد علم و دانش کنونی نه تنها تعیین کننده مرگ و زندگی برای میلیونها فرد بشر است بلکه مهتر از همه مشخص کننده حیات مشر، شایسته مسرور و حیات درد ناک رنج بارلینز میباشد .

درین بهام علاوه شده :

« وقایه و مراقبت های لازم صحتی صرف از مسوولیت های اهل طب و

صحت عامه نبوده بلکه دانش، سلوک پندار عادات روزانه و شیوه زندگی خود افراد در زمینه نیز ارزش بسزای دارد.

همچنین دکتورام، جی، کالداو مدیر عمومی مؤسسه صحت جهان بمناسبت روز صحت جهانی در سال ۱۹۷۲ پیامی فرستاده که طی آن گفته شده:

تدابیر صحتی علیه امراض ساری بر همه کس مبرهن است اکنون اقدام فوری علیه امراض قلبی و شرائین خون که علل عمده وفیات رادر جهان تشکیل میدهد باید روبدست گرفته شود. مثلاً فشار بلند خون، تخریب و عائی سیستم مرکزی اعصاب و سوء تشکلات ولادی در همه جا عمومیت دارد. امراض اسکالیمیک قلبی در بین ثروتمندان دیده میشود در حالیکه امراض قلبی ریوماتیک و امراض که منشأ انتانی دارند بین گروپ های کم بضاعت تر عمومیت دارد بعضی علل امراض قلبی از قبیل بیماری چکس در بعضی قسمت های جهان متمرکز گردیده است.

در پیام علاوه شده:

گرچه تعداد زیاد امراض قلبی و عقیلی و تصلب شرائین تا اندازه بلند رفتن سن ارتباط دارد معهداً بیماری های قلبی اسکالیمیک در طبقات جوانترین مکرر تر دیده شده است.

در ساحة ساینس و تکنولوژی پیشرفت های بزرگی حاصل گردیده و پیروزیهای مهم اجتماعی و اقتصادی بدست آمده با اینهم ناظرین صحتی اخطار میدهند که تمام اینها با تمدن ماسازگار نیست و دوام یکنواخت آن تا اندازه که شاید بعضی ها را متعجب سازد منحصر به حل پرابلم های بزرگ صحتی

از قبیل امراض قلبی است جلوگیری ازین بیماریها مستلزم یک سلسله تغییرات زیاد در طرز زندگی ماست و برای آنکه این تغییرات را ممکن ساخته بتوانیم باید از کلیه وسایل علمی و تکنیکی که در دسترس ما قرار دارند استفاده نمائیم.

خیلی بیشتر از آنچه تصور میکنیم، صحت قلبا مادر دست خود ماست.

وقت آن رسیده که برای کنترل بلند رفتن فشار خون، برای جلوگیری از امراض قلبی دیوماتیک (ریوماتسمی) برای مراقبت صحیح از اشخاص دارای اثرات التهاب عضلات قلب یا ضربات بی نظم، برای معالجه امراض تنفسی که اکثر منتج به ضعف قلبی بصورت کروئیک میشود و برای تشخیص و معالجه سوء تشکل در سیستم دوران خون در اطفال بزودی ممکنه با اقدامات دستجمعی و فوری توسل شویم.

ما احتیاج به تقدیبه بهتر و شرایط صحتی تر زندگی داریم.

در اخیر پیام مدیر عمومی موسسه صحت جهان گفته شده:

کارهای عمده ای که باید صورت بگیرد عبارتست از ازدیاد مساعی بین المللی،

دخواتو احتیاج:

دزده گیری اپاره چی می احتیاج
ورته دلرود سپین زیر توب و اوس
چه و پوهیدم بیا احتیاج و خوانی
ته لرم. (ژریرت)

داجل لاس:

تول هغه تخمونه چی کرل
کیددی یوازی داجل لاس اود مرگ
رول پی ریبی. (۰۰۰)

* * *

حمایت حکومت ها، اشتراك فعالانه کار کتان صحتی و مردم در امر صحت عامه، هرگاه همه ای این نیروها به سوئه جهانی متشکل گردند، آنگاه بزودی قادر به ادامه زندگی بهتر، صحتی و ترویج حیات فعال و طولانی تر گردیم.

امیدواریم که روز صحت جهانی در سال ۱۹۷۲ «روز قلبی» همکاری جهان شمول رادر مغلوب ساختن امراض قلبی تحریک کند.

بخاطر داشته باشید که «قلب شما صحت شماست».

این بود قسمتی از پیام دکتر کالداو مدیر عمومی مؤسسه جهان که تذکر یافت البته در مورد چگونه محافظه نگهبانی و همچنین وقایه قلب از امراض احتمالی مقاله ها و اشارات کافی صورت گرفت که ما نیز در آینده چنین مقالاتی را جمع در مجله اردو به طبع خواهیم رسانیده فقط برای اطلاع خوانندگان گرامی چند نکته را که در اخیر یک نشریه صحت عامه تذکر یافته در اینجا یادآوری مینمائیم.

بخاطر داشته باشید:

— عده زیاد امراض قلب قابل وقایه میباشند.

— از تمام امراض قلبی که بموقع کشف و تشخیص گردند مراقبت بعمل آمده می تواند.

— تقریباً به تمام بیماران قلبی با تداوی درست کمک شده میتواند.

— اغلب مریضان قلبی میتوانند مالند سایر مردم زندگی عادی داشته باشند.

همچنین بعضاً حملات مربوط خود قلب نبوده بلکه مربوط اعضای دیگر است

که بالای قلب تاثیر و انعکاس نموده است ماعلی را که ممکنست سبب این نوع حملات گردد بصورت خلاصه

ذکر می نمائیم:

۱- خرابی درجه‌هاضمه ، بلع و قرت کردن هوا ، غذاهای ثقیل و زیاد بعضاً سبب تشدید ضربان نبض و حتی ضرف‌ها و حملات میگردد.

۲- خرابی‌ها سلسله اعصاب که درین صورت حملات قلبی ممکن است از اثر اضطراب و تکانه‌های روحی و علت تألم و مشاجرات و غضب پیش آید .

۳- اختلال از اثر نوشیدنی‌های مرک مثلاً افراط در قهوه و چای که سبب اختلال موقتی قلب میشود که اگر از آن صرف نظر کرده شود رفع میشود .

۴- افراط در کشیدن تنباکو و مواد مخدره و نشئه آور .

۵- اختلال و برهم خوردگی بصورت عکس العمل لاجوریهای جگرو کیسه صفر اغاب بشکل عکسوی سبب تحریکات قلبی میشوند که پس از معاینه علت

معلوم میگردد .

برای اینکه بر لاجور بهای قلبی گرفتار نگردید باید این دستورات را در

طلائی پانی

وخت :

ژوند اقبال دلاس بازیچه نده بلکه یو عظیم فرصت دی دهغه خخه باید کافی استفاده وشئ او غنیمت وشمبول شی .
(دا کتر ماران)

ژوند :

خوانی موج دی او د ژوند او قیانوس په جوش راخی ای خوانه ولاړشه خودی روح نه وی ناریکه شوی کونین و کره زیارو باسه
(شیلار)

نظر داشته باشید :

۱- مطابق سن خود دست‌بهر کاری بزیلد در هیچکاری افراط ننمائید .

۲- از خستگی‌های زیاد اجتناب انانید .

۳- هیچگاه نگذارید که وزن شما از حدود طبیعی تجاوز نماید . سعی کنید که چند کیلو وزن زیادی بدن خود را که بالای قلب فشار وارد میکند از بین ببرید .

۴- دخانیات ، مشروبات الکولیک و مواد مخدره کلاترین دشمن قلب است از آنها اجتناب نمائید .

این بوده توصیه‌های مفید که توسط یکی از روز نامه از طرف یکنفرد و کتور متخصص بنشر رسیده بود ، امیدواریم امسال بیش از پیش در راه تخفیف درد ها و آلام قلبی سعی بعمل آید .

چویت بکند ز بتخانه مال بت برداشت
بدست خویش به بتخانه در فکند آذر
برهمنان را چندانکه دید سر ببرید
بریده به سر آن کز هدی بتابد سر
زخون کشته کز آن بتکده بدریاراند
چوسرخ لاله شد آبی چوسبز سیسپهر
زبت پرستان چندان بکشت و چندان بست
که کشته بود و گرفته زخا پنان به کتر
خدای دالد کاناچا چه مایه مردم بود
همه در آرزوی جنگ و جنگ را آذر
میان بتکده ایستاده و سلیم بچنگ
چوروز جنگ میان مصاف رستم زر
خمی ز گردش دریا بره فراز آمد
گسسته شد زره امید مردمان بکمر
زهی مظفر فیروز بغت دولت یار
که گوی برده ای از خسروان بعقل و هنر
تو برکناره دریای سبز خیمه زده
شهان شراب زده برکنارهای شعر
توسومنات همی سوختی به بهمن ماه
شهان دیگر عود و مثلث و عنبر

قصیده فرخی

بوقت آنکه همی سیر خواب شوند
تودر شتاب سفر بوده ای و رنج سحر
شنیده ام که همیشه چنان بود دریا
که برد و منزل آوش گوش گردد کر
همی نماید هیبت همی نماید شور
همی بر آید سو جش برابر محور
سه بار باتو پدریای بیکرانه شدم
نه موج دیدم و هیبت نه شور و له شر
نخست روز که دریا تو را بدید ، بدید
که پیش فضل تو چون ناقص است و چون ابتر
همال نتانند شد ار بخواهد جفت
بقدر ریاتو لیارد زدار بخواهد بر
چوگرد خویش نگه کرد مار ماهی دید
بگرد تومس تابان وزهره ازهر
ز تو خلاق را خرمی و شادی بود
وزاوه هم خطر جان و بیم غرق و ضرر
چو قدرت تونگه کرد قدر خدیش بدید
چو آب گینه شد آب اندر ورشرم حجر
از آب دریا گفتی همی بگوش آمد
که شهر یارا دریا توئی و من فرغر

بقیه صفحه ۱۴



استخدام طیارات برای وظایف تجرید و حمايه آن از محل
قومالده سیار در فضا

هجوم به هسته

NUCLEUS

لذا وظیفه ای اساسی این علوم قرار
دادن شان بقسم مستماتیکه بوده و از
همین جا مفهوم ترتیب و تسلسل هسته
بمیان میآید.

ماهیت سیارات:

گلکتیکها (کهکشانشان) . بیش
از ۷۰٪ آنها مارپیچی نام بوده و دارای
هسته میباشند که از تجمع گازات و
ستاره گان که کتله ای را که میلیارها
دفعه بزرگتر از کتله ای آفتاب است
تشکیل داده اند، نظر مرکزی این تجمع
بهارها مرتبه از خود گلکتیک خوردتر
است . طوری که عالم بزرگ روسی و .
امبرسو میان میگوید که گلکتیک برهسته
قدامه نداشته ، بلکه عمل و فعالیت
هسته بوده که گلکتیک از آن بوجود آمده
این تعامل در اکثر انفلاق ها و انفجارهای
بوجود میآید که در اثر آن تجمع ستارگان
جدیدی تشکیل میشوند .

در سال ۱۹۴۸ ستاره شناسان
رصدخانه ای کریم (بالتا) بکشف هسته ای
گلکتیک ، موفق گردیدند و موقعیت آنرا
در جای تثبیت کردند که از تراکم
ستارگان شکل السانی را نشان میدهد
که آماده ای غیر است .

ستاره گان :

در هسته ای خورد شدید درجه ای حرارت

ترمینولوژی اتفاقی نبوده بلکه دران
بر لسیب های مهم علمی و دیا لکتیکی
نقته است مفهوم علمی که مورد بحث
ماست در قاموس هالمانده ای « قسمت
وسطی داخل شی است که در آن ماهیت ،
موجودیت اصل تمرکز یافته است بسختی
محکمی گردد و کروی مانند و با لخره
قسمت مهم تعبیر میگردد » .

شعرا در تشبیهات شان آنرا « زمره
خالص » مینامند .

زمره که مورد علاقه ای تمام
متخصصین رشته های مختلف علوم است
عمیق و ترین مهترین اساس قانونمندی بشمار
میآید که درک و فهم آن جزئی بردن به
عمق ماهیت حادثات ممکن نیست . سعی
در راه حل معضله ماهیت حادثات بدون
تردید شروع تحقیقات در باره ای هسته
بشمار میآید ، زیرا در آن مهتر از همه
ماهیت تمرکز یافته است .

پس جای تعجب نیست اگر بموازات
رشته های جداگانه ای علوم هسته نیز
مورد بررسی میتود و لوژی علوم قرار
میگردد . ازین جا است که نو کلیولوژی
پاهسته شناسی تمام تجارب و مطالعات
همه ای هسته های طبیعت را باهم بست
میدهد .

چون هسته ها در طبیعت زیاد است ،

اگر ترمینولوژی رشته های مختلف
علوم را مورد بررسی مختصر قرار
دهیم بدون تردید خواهیم دانست که بهر
اندازه که ترمینها و اصطلاحات در
شعبات مختلف علوم از هم فرق داشته
و باهم شباهتی ندا رند بهمان پیماله
در مورد هسته هم آهنگی و وجه کاملاً
مشترکی بین شان وجود دارد ، و به شکل
میتوان دانشی را سراغ کرد که این
موضوع در آن عرض وجود نکند . ما با این
پدیده در فعالیت های استرو نومی یعنی
تحقیقات در بالای این گلکتیک شماره ۱ و ستاره
های دلپاله دار بر خورد کرده و در
تحقیقات و تجسسات جیولوژیست ها ، مهتر
لوژیست ها ، کریستال گرافها تحقیقات
در باره ای کریستال ، فیزیس ها
جیولوژیست ها و حتی زبان شناسان با آن
مواجه میشویم .

اصطلاح هسته ای سیارات و طوفان
ها (گردبادها) و مولیکولها و کانکرسها
اتم ها و کربسغال ها ، و یروس ها و
الکترون ها حشرات و با کتریاها امروز
معمولاً در لسان علمی بکثرت بکار برده
میشود . تیزاب دیزو کسیربونو کلین
ماده ای نقل دهنده ای تواریت نیز عبارت
از ماده ای هستوی میباشد .

اگر بدقت دیده شود این وحدت

تا حدود ۲۰ میلیون درجه میرسد و در آنجا در اثر این حرارت عمل (*Thermo nuclear reactor*) صورت میگیرد که از اثر تغییر شکل هایدروجن به هلیوم انرژی بوجود میآید. هسته‌ای خورشید از گازات تشکیل شده ولی کثافت آن صدها مرتبه از آب زیاد تر است و بواسطه چند قشر پوشانیده شد.

فوتوسفر (به ضخامت ۱۰۰ الی ۳۰۰ کیلومتر)، خروموسفیر به ضخامت ۱۴ هزار کیلومتر و غیره پوشانیده شده هسته‌ای ستاره‌گان دیگر نیز شاید به همین طور تشکیل یافته باشد.

سیارات. *Planetes*.

با استفاده از میتودهای شمولوژی (زلزله‌شناسی) ساختمان بغرنج و پیچیده‌ای زمین بدرستی تشریح و تثبیت گردیده یعنی سطح فوقانی آنرا قشر خارجی بعد از آن قباویا و لباره‌ای زمین و بالاخره هسته‌ای که دارای شعاع ۳،۵ هزار کیلومتر بوده و معتقدند که از ترکیب آهن و نکل که بحالت مذاب قرار دارد تشکیل شده و در مرکز آن قسمتی است که بنام «سوب هسته» یاد شده و دارای شعاع ۱۳۰۰ کیلومتر میباشد. راجع به ساختمان داخلی سیارات دیگر تا هنوز معلومات درستی در دست نیست. اساس طبیعت زمین.

طوفانها و گرد بادهای *Hurricane* آنها نیز دارای هسته میباشد ولی تا هنوز با انسانها سرار آمیز شمار میآیند. گرد بادهای و چرخ بادهای پیچشی شکل بوده با بزرگترین مقیاسها ۱۰ الی ۲۰ روز دوام کرده و سرعت باد تا ۵۰ کیلومتر در ساعت میرسد، در همان لحظاتی که باران چون آبشار شدت مهربزد و ژاله توام با صداهای سرسام آور رعد و برق که از اصطکک ابرهای سیاه بوجود میآید در مرکز این دریاها متلاطم نیروهای قهار طبیعت ساحه‌ای دارای نظر ۱۰ الی ۲۰ کیلومتر بوجود میآید که طوری آسمان آرام و صاف میباشد که گوئی در اطراف آن از

هیچگونه طوفان اثری نیست و این فضا عبارت از «چشم اسرار آمیز طوفانها» است ولی بهمانه اصل طوفانده هاسترته از آن بزرگتر است.

کانکریسها. *Thickendd*.

این اصطلاح در زبان لاتین غلظت تعبیر شده و به معنای که محتویات آن از فلز و نکل تشکیل شده و اکثر از اعماق اجزای آزاد بدست میآید اطلاق میشود اینها بصورت طبیعی وجود داشته و از ۲ تا ۳ گرم الی ۲ تن وزن میداشته باشند، اما اینکه چرا یک ذره از اینها دفعاتاً نطفه‌ای یک ترکیب غلظ آهن و نکل قرار میگیرد و باقیمانده نه تا کنون حل نگردیده.

کریستالها: *Crystales*

مرکز کریستالها بدرستی مطالعه و تحقیقات شده تعداد آنها، با توان واحد درهم آمیختگی و سرد ساختن محلول و یا مذاب رابطه دارد، عیناً به انالوژی گلنگنیک کریستال نیز در اثر فعالیت و تعامل هسته بوجود میآید.

عالی افکار

گومه خبره چه ذره‌شخه راوی
به زرو کیشینی که دژبسی شخه
راوی دغوزو شخه تیربزی.

* * *

به شخه نه پوهیدل او دیر و یل
لکه پیسی نه درلودل او دیر خرخول
دی

دیری خبری عقل او فکر دمنخه وری.

* * *

غر که لوی دی خو پر سر لار لری.

* * *

لاس چی مات سی غاری نه خی.

* * *

فقط بعد از کشف خواص مرکز کریستال بود که انسانها ساختن العاص مصنوعی و سنگ های قیمتی دیگر موفق شدند.

مولیکولها *Molecules*:

مفهوم بکار بردن هسته‌ای مولیکول درلسان علمی متداول است ولی تنها در رشته‌ای کیمیائی عضوی مثلاً برای علامه گذاری حلقه‌ای بنزول - یعنی ارتباط بسته اتم‌های کربن و هایدروجن بکار میرود. این ارتباطات را میتوان در اتحاد و تعاملات عضوی بواسطه مایکروسکوپ‌های الکترونی که شی را تا ۱۵ هزار مرتبه کلانتر نشان بدهد مشاهده کرد.

اتمها *Atomes*:

قسمت مرکزی اتم توسط رازر خورد در سال ۱۹۱۱ کشف شد عالم مذکور وجه تشابهی را بین نظام شمسی و اتم بطریق ذیل تشریح کرد: خور هسته (خورشید) الکترون‌ها (سیارات) در گردش اند، گرچه فزیک امر را چنین تشبیهی کاملاً موافقه نداشته و آن را بیک مفهوم پیچیده تری هسته‌ای اتم نولکون تبدیل کرده است و این ترین کاملاً در فزیک شامل گردیده است. نولکون از بارهای مثبت پروتون تشکیل شده و بارانیو ترون در آن موجود نیست که با هم با قدرت زیاد اتحاد و ارتباط داشته باشند.

در اثر انحلال و یاستنیز هسته‌ای اتم انرژی زیاد و بیسابقه‌ای آزاد میگردد. الکترونها:

وقتی ساختمان بغرنج و پیچیده‌ای اتم تشریح شد عده زیادی از فیزیسن‌های دکامتست کوشیدند تا الکترون را ذره‌ای آخری و غیر قابل تجزیه اعلام کنند ولی عالم بزرگی درین مورد شدیداً اعتراض کرده و اظهار داشت: «الکترون نیز مانند اتم محدود نیست» و این مفکوره ای بزرگ بعد از ده سال توسط فزیک دانان معاصر ثابت گردید.

فزیک امروز ثابت میکند که الکترون نیز آنقدر ساده نبوده بلکه دارای هسته



طیاره سو-۷ در حالت
لشست بادو پراشوت
مدرن برک



ها با اساس الالوژی و موازی خواص و صفات موضوعات که تا امروز کشف شده در آینده واضح گردد.

در لفاظه ای الفاظ چه نهفته است؟ مطالعه ای ریشه های الفاظ درلسان های مختلف علمی و رنده ای امروز در مورد هسته این حقیقت را نشان میدهد که وحدت تشابه درین پدیده نیز به صورت قانون نمندی کامل وجود دارد مثلاً هسته درلسان لاتین نولسکیوس گفته میشود و ازین جا ترین های علمی و بین المللی زیاد مانند نولسکون، نولکیوتید، نولکیوپروئتید و غیره وجود آمده است و حالا لفظ قسمت دیگر را یعنی *Gens* جن، جنیزیس، جنراتور، جنیالوژی و کسمولوژی از آن اشتقاق و مسورد استعمال قرار گرفته است. ریشه ای کلمه ای دیگر لاتین یعنی *Granum* یعنی دانه ای گندم، فاسیل، لطفه که باریشه ای لفظ *Origo* یعنی *Gens* که از آن نیز کلمات مانند *Orignal*، *Originality* و *Originality* ساخته میشود.

با توجه به مثالهای فوق نتیجه میگیریم که این قانون نمندی بصورت یک حادثه طبیعی درلسانها انعکاس یافته است. همین ترتیب استدلال این رشته علم جدید یعنی نولکیولوژی روز بروز باید ارتسز میگردد.

مولولهای هسته رابطه ای کاملاً مستقیم دارد، ترکیب آن کروموزومها که از *DNA* و الیومین و هسته گنگه ها از (تیزاب ریبولوئیکین) *RNA* تشکیل شده میباشد و فقط در کسر و موزومها است (*Chromusom*) که پروگرام نموی ارگانیزم جدید مضمراست هرگاه ایشان مورد تشعشع و یا تحت تاثیر مواد کیمیاوی قرار گیرند به اصلهای ابتداء نباتات و حیوانات تبدیل میشوند.

بالاخره باین نتیجه میرسیم که در همه جا هسته وجود دارد و آن عبارت از مرکز تنظیم و تشکیل کننده ای لطفه ای حادثات طبیعی و نمرکز ماهیت است. اساساً هسته عبارت از قسمت تراکم، کروی شکل جسم است که با یک قشر دفاعی پوشانیده شده و بعضی اوقات (طوفانها را) بخاطر می آوریم (در مرکز شان خلالتولید میشود، پس هسته تنها لطفه شمرده نشده بلکه نمرکز کامل طبیعی، مرکز تجمع انرژی و اطلاعات بحساب می آید و عده ای زیادی از آنها قادرند که بخودی خود تقسیم شوند همانطوریکه این موضوع در گلیکتیک و اتمها و حجرات بوقوع میبایستد.

دیدیم میشود که مرکز و حصه ای وسطی اشیاء بیشتر از آن نقاط مشترک دارند که به نظر اول دیده میشود. پس اسرار هسته که تا هنوز هم بدرستی بررسی نشده ممکن است با اثر تالیجی که از کاوش

بگذرد ۷-۱۰ سانتی متر بوده و اطراف آنرا قشرهای چند پوشانیده است.

ویروسها : گاهی آنها را از رهگذر انواع زیاد حیرت آور و تغذیه نکردن شان به نام « کریستال های زنده » یاد می کنند. ساختمان ویروس بینهایت ساده است، هسته که از تیزاب نولکیون تشکیل گردیده و با قشر خارجی، دفاعی الیومین پوشانیده شده. تکثیر و ازدیاد تنها در داخل حجرات بیگانه صورت میگیرد. آیا امکان دارد ویروسها راعضو ساده که سر آغاز زندگی در زمین باشد دانست؟ مثل اینکه نه.

عالم مشهور و کریستال گراف بنام جان برنال میگوید که اینها عبارت الهاز تکه پارچه های پارازیتی ارگانیزم های دیگری.

با کتریباها *Bacterium* : در قسمت وسط آنها نیز منطقه ای هسته وجود دارد که از نسج های، تیزاب دیزو کسیر بوئولکین *DNA* که طول تارهای *DNA* آن در حدود ۲۰۰۰ مرتبه از خود با کتریبا کلانتر است.

حجرات *Cell* : سوم حصه وزن حجره راهسته تشکیل میدهد. قسمت تراکم، کروی شکل یک قشر و محافظه ای دفاعی و پوشش سائتو پلازما می ساخته شده که بدون آن حجره نمیتواند زنده باشد.

موتیتهای علم جنتیک امروزی با انکشافات و تحقیقات در باره ای ساختمان

قیام و آزادی

مخالفت ها بین بریتانیا و مستعمرات

بیش از پیش به وخامت کشید

جهت لگه‌بالی نیروی بریتانیا در امریکا و معاش برخی از کارمندان مستعمراتی آن بدردمخورد که این مسئله مستعمرات را عصبانی ساخت .

منظم ساختن تجارت در جهت بهبود اموال و اجناس امپراطوری انگلستان یک شکل مسئله را تشکیل میداد و تحمل مالیات بر امور بازرگانی در بلند بردن و افزایش مبلغ برای کارمندان شاه در امریکا چیز دیگری بود .

تا این زمان مستعمرات غالباً یک سلسله فشارهای رایج را عیله حکومت بریتانیا مبنی بر عدم پرداخت مالیات و متوقف ساختن آن به یک سلسله اقدامات جدی متوصل شدند و این یگانه راهی بود که رأی دهندگان و مؤکلین از حکومت بریتانیا مبنی بر انجام امور مثبت نسبت به آنان یک سلسله توقعاتی داشتند که افتخار خاطر آن‌ها را بر آورده سازد . ضمناً مستعمرات خواهان حقوقی بودند که به یک اندازه مبلغ باید افزایش داده شود و چنان این مبالغ باید به مصرف برسد در حالیکه قانون مالیات جدید یا قانون تکت پولی «Stamp Act» هیچ سان حقوق را برای مستعمرات در نمود قابل ندهی شد و در جهت بر آورده ساختن این منظور مستعمرات نمایندگانی به مجلس قانون تکت پولی «Cnnqsess»

همچنین این مسئله به تاجران و معامله دارانی که در جهت خرید اراضی در بخش های باختری به قیمت نسبتاً نازل تر و متحول شدن و اندوختن ثروت خود بودند نیز بر خورد که باعث عصبانیت آن‌ها گردید .

مستعمرات در برابر افزایش مالیات نوین مقاومت کردند .

انگلستان در جهت جمع آوری مالیات بر تجارت امریکا بمنظور مصرف این پول در مسایل اردوی و عسکری و نیروی تأمینیه داخل یک سلسله اقدامات شد . علاوه بر آن حکومت انگلستان قانون وضع مالیات را تشدید بخشید . بصورت مثال مستعمرات نادر ا مالیات بر واردات اموال نظیر مشروبات را می برداختند اما حکومت بریتانیا در مورد جمع آوری اینگونه مالیات چندان سعی و مجاهدتی به خرج نداد و بسال ۱۷۶۴ به این مالیات تخفیف داده شد اما حکومت بریتانیا در جهت مسلط گردانیدن قانون به یک سلسله اقدامات جدی متوسل شد .

و به تعقیب آن به مستعمرات چنین سفارش شد که ستمپ های مالیاتی را خریداری نموده و این نوع ستمپ های مالیاتی شامل تمام اسناد به شمول اعلانات - کشتی های تجاری و روزنامه هارا لیزاحتوا می کرد و مبالغیکه از این مدرک بدست حکومت بریتانیا می رسید در

نبرد بافرانسویها و هندیها بسال ۱۷۶۳ پایان یافت درین اثنا انگلستان دارای یک امپراطوری وسیع در هند و امریکا بود . ناگفته نباید گذاشت این لبردها در برابر فرانسه فوق العاده کمربکن و در مصرف بود و بخش های متصرفه ای که از این طریق تحت تصرف انگلستان در آمده بود در جهت حاکمیت بر این مناطق مصرف فوق العاده گزافی را ایجاب می نمود . چه در اثر بروز اینگونه مسایل به تعداد بیشتر قشون بریتانیا در امریکا در جهت برقراری صلح با هندیها نیاز مبرمی احساس می شد و انگلستان چنین می اندیشید به منظور لگه‌بالی اراضی متصرفه باید مالیات را در جهت تأمین امنیت در این بخش های نوین افزایش بخشید و از برای اینکه از اینگونه مصایب و مشکلات خود را نجات داده باشد یک سلسله موانع و قیودی را بر گشت و گذار و مهاجرت باشندگان اصلی از حد و معینه بویژه بخش های متصرفه ای غربی ، بوجود آورد که بدان نسبت به قشون کمتری نیاز احساس می شد که این وضع انگلیس کسانی را که بیشتر آن‌ها عبارت بودند از تاجران سمور و دهقانان پائین طبقه که مرام آن‌ها بیشتر رفت و آمد و سیر و سیاحت به بخش های دور - باختری بود عصبانی ساخت .

Stamp Act « به نیویارک
New York » فرستادند .

کانگرس به این امر روی موافق
نشان داد که مستعمرات صرف آن
مالیاتی را بپردازند که برای خودشان
رای داده‌اند یا بعبارة دیگر آن نوع
مالیات را پذیرفته‌اند که این مفکوره
بالاخره یک معارضه خوبی برای مستعمرات
در جهت وصول به هدف های آنان قرار
گرفت « که بدون حضور نمایندگان
مستعمرات در جلسه مالیات نمی‌تواند
پرداخته شود » و یا بعبارة ای دیگر
بدون حضور نمایندگان مستعمرات
در کانگرس مسایل مالیات نمی‌تواند
مطرح بحث قرار گیرد و ماجد از پرداخت
مالیات امتناع می‌ورزیم و بر روی
همین مسایل بود که مستعمرات
امریکائی از خرید و استعمال تمبرهای
مالیاتی و یا تکت پولی خودداری کردند
و بازرگانان و تاجران امریکائی
معاملات و داد و ستد خودهارا با دولت
انگلستان متوقف ساختند و بدان نسبت
پارلمان بالاخره ناگزیر شد که این قانون
تکت پولی را ملغی اعلان کند اما با آن
هم مستعمرات به مخالفت خود علیه
قوانین تجارتي بریتانیا ادامه دادند
و اکثریت مستعمرات از افزایش و پرداخت
وجوه در جهت بکار بردن این مبالغ در
مورد و نیروی تأمینیه در مستعمرات نیز
استناع ورزیدند .

(قوانینی که در دوره وزارت
« Town Shend » مرعی الاجرا بود
نزد مستعمرات محبوبیت نداشت) قانون
و یا اعلامیه *Town Shend Act* .

سال ۱۷۶۷ وزیر جدید انگلستان
« Charles Town Shend » در
جهت از بین بردن این بی‌نظمیهای حاصله
در مستعمرات گردید وی درین مورد نه
تنها قادر از بین بردن این تشنجات حاصله
از مستعمرات گردید بلکه هر آنچه بیشتر
به وخامت آن افزود . او پارلمان را نا
گزیر به تصویب قوانین جدید گردانید .
قوانینی که تسلط و حاکمیت دولت
بریتانیا را در مستعمرات تحکیم بخشید .

در مرحله نخستین نا برده یکسلسله
مالیات را علیه مستعمرات بر طبق قوانین
به تصویب رساند و این نوع مالیات‌ها
شامل رنگها، کاغذ، شیشه و چای بود
و تاجران در مستعمرات از خارج این اشیا
را خریداری می‌نمودند .

البته منظور این نوع تحمیل مالیات
ها علیه مستعمرات شبه چیزی بود که
قبلا از آن تذکر دادیم یعنی جمع آوری
مالیات به منظور مصارف حکام و عمال
حکومت شاه انگلستان و متباقی کارمندان
رسمی بریتانیا در مستعمرات متعاقب آن
هر امریکا به مامورین گمرکی و نیروی
عسکری برمی‌خوریم که در جهت عملی
ساختن قوانین تجارتي رول بارزی داشتند
و بر روی همین اصل محاکم مخصوص
انگلیسی در مستعمرات در جهت مبارزه
با قاچاق بعمل آمد و شورای مستعمراتی
در نیویارک نیز منحل گردید .

چه این شورا از افزایش مالیات و
پرداخت وجوه بکارمندان انگلیسی در
مستعمرات امتناع می‌ورزید .

مستعمرات چنین احساس کردند که

قوانین *Town Shend Act*

غیر قابل تحمل و ناگوارتر از قوانین

تکت پولی « *Stamp Act* » بوده و

و چنین معنی میدهد که بمالیات افزایش

داد بدون اینکه مال نمایندگان در حل مسئله

اشتراک کنیم علاوه بر آن اگر پارلمان

به الحلال نمایندگمان مستعمرات در

نیویارک « *New York* » اقدامی بعمل

آرد بدون شبهه به الحلال متباقی شورا

ها در مستعمرات نیز داخل اقدامات

خواهد شد و سرالعام امریکائیه هرگز

حکومت خود مختاری از خود نخواهند

داشت . درین مورد برای نخستین بار

شورای ماساچوست *Massachusetts*

Assembly » با خشم هر چه بیشتر به

مخالفت علنی در مورد اینگونه قوانین

استعماری برخاست و از بقیه مستعمرات

نیز تقاضای چنین عملی را نمود . دوباره

بازرگانان و تاجران امریکائی از خرید

اموال و امتعه بریتانوی امتناع ورزیدند

و درین اثنا کارمندان بریتانوی در

مستعمرات در جهت تلاش اموال قاچاق

و ذخایر آن خاله‌ها و منازل را زیر رو
کردند و در جهت تعمیم این بلان استعماری
که ناشی از قوانین *Town Shend Act*
بود بسا از قشون
بریتانوی به بنادر امریکائی مواصلت
کردند که این قشون البته به هیچسان
به نزد مستعمرات کسدام محبوبیتی
نداشتند .

یکبار در مارچ ۱۷۷۰ برخی از عساکر

بریتانوی و اهالی بوستن به یک سلسله

گهرو دارها و مبارزه پرداختند و سرانجام

پنج تن از اهالی در مستعمرات بقتل رسید

و از مبارزین سرسخت در مستعمرات نظیر

ساموئل آدامز « *Samuel Adams* »

این عمل قشون بریتانیا را یک عمل

بیرحمانه و قتل عام نام گذاشت اما یک

دادرس امریکائی قشون بریتانوی را

تیرنه نموده و آزادش ساخت بالاخره در

اثر بروز یک سلسله مخالفت‌ها در مستعمرات

پارلمان تمام قوانین مصوبه *Town Shend*

« *Town Shend* » را به استثنای مالیات

بر چای کاملاً ملغی قرارداد و سرالجام

وزرای شاه تماماً چنین خاطرشان ساختند ،

« قوانینیکه از طرف پارلمان سببی بر

ایفای مالیات از طریق رای گیری به

تصویب رسیده باشد آنها درین مورد

نمی‌توانند از افزایش مالیات بزنند .

« مبارزین و ملیت پرستان امریکائی

در زمینه مالیات چای مبارزه درخواستند »

بسا از بازرگانان و معامله‌داران در

مستعمرات آرزو مند اینگونه مبارزات

بودند و بقیه ای امریکائیه نظیر ساموئل

آدامز « *Samuel Adams* » در مسا

چوستز « *Massachusetts* » مردم را

در جهت ادامه مخالفت به مقابل حکومت

انگلستان تشویق می‌کرد و به تمام معنی

Adams و رقابیش به این مسئله اشاره

نمودند « که قوانین تجارتي کهنه و

فرسوده هنوز هم در لابلای حاشیه کتاب

ها وجود دارد » و انگلستان درین زمینه

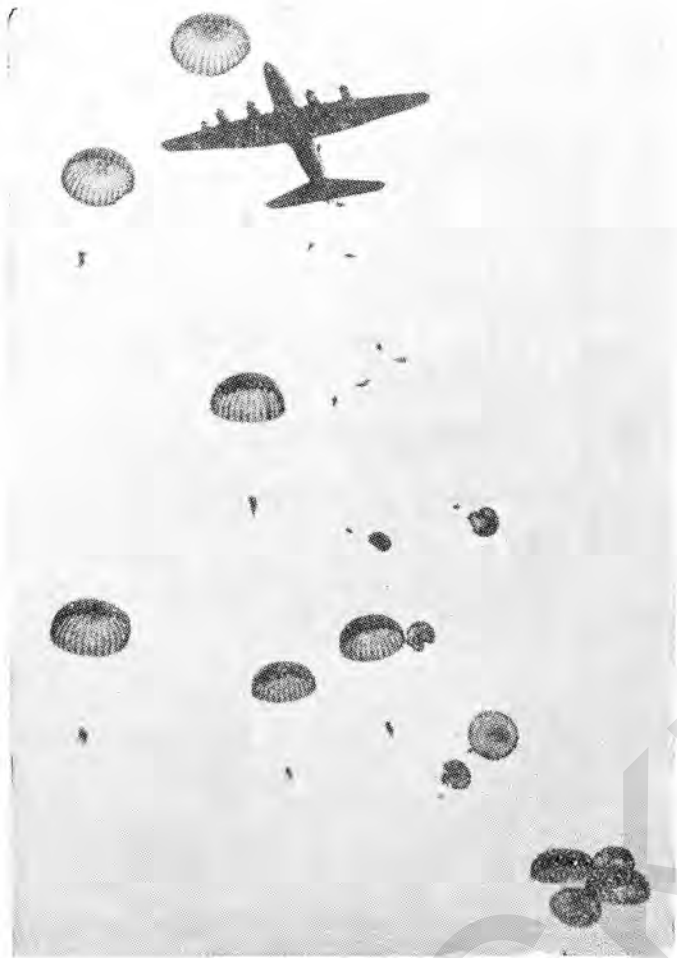
از کارمندان عالی رتبه - قشون و بحریه

بمنظور دستگیری و بازداشت قاچاقچران

استفاده بعمل می‌آورد .

و حکومت انگلستان هرگز از ادعای

حقوق خود سببی بر تحمیل مالیات علیه



صحنه از تمرینات قطعه پراشوتن اردو

مستعمرات دست برداشته بود . بعداً حکومت بریتانیا علل مناشات د پگری گردید که سراسر مستعمرات رافرا گرفت سال ۱۷۷۳ کمپنی هند شرقی - مؤلف گردید که توسط کشتی چای را مستقیماً به امریکا آورده و ارز آن تر بفروش برسد و این مسئله کمپنی را قادر باین خواهد ساخت که تا از حاصلات مازاد جلوگیری بعمل آورده باشند و در عین زمان امریکائی ها را قادر خواهد ساخت که بقیمت نازلتر چای را خریداری کنند . اما با وجود آنهم امریکائی ها بر عکس این مسئله را مشاهده کردند .

و طبق ادعای معامله داران و تاجران امریکائی هدف استعمارگران انگلیسی آن بوده است که تجارت در زمینه چای تاجران امریکائی را ممانع شده و امریکائیان در برابر چای باید مالیات پردازند و این مسئله ریشه اساسی مخالفت میهن پرستان امریکائی را در برابر استعمارگران انگلیسی تشکیل میداد . بر روی این منظور معامله داران و کارمندان امریکائی از خالی کردن بار کشتی ها در بنادر امتناع ورزیدند در بوستن میهن پرستان مخالف بریتانیا بهر شه ای کشتی های حامل چای نالاشده و تمام محمولات کشتی را که کاملاً با چای مملو شده بود به دریا ریختند یک عدد از امریکائیها این مسئله را پیش از وقت تصور کردند .

حکومت بریتانیا در مقابل این عمل چنین فیصله بعمل آورد که بوستن را باید تهدید کند و قوانین در پارلمان انگلستان جهت مقابله با این عمل به تصویب رسید سرانجام بندر بوستن مسدود گردید و به هیچ یک از کشتی ها اجازه دخول و خروج به بندرگاه داده نشد و تا یک مدت طولانی مردم مساجوستر به انتخاب نمایندگان خویش که باید انتخاب می شدند ، موفق نشدند

اقدامی متوسل شوند و بر روی همین منظور بود که سال ۱۷۷۴ مستعمرات نمایندگانی به قتلادلفیا در جهت تشکیل یک جلسه فرستادند که این جلسه در نوع خود اولین جلسه ای این قاره محسوب می شود که نگرش قاره ای خاطر نشان ساخت که تمامی مستعمرات به لوایح و قوانین غیر قابل تحمل به مخالفت برخیزند .

همچنین طبق دستور نمایندگان در جهت سازمان دادن نیروی مایشای محلی و فرا گرفتن تعلیمات و آموزش جنگلی و نظامی اقداماتی بعمل آمد . علاوه بر آن یک سلسله تصمیماتی در جهت تحریم و ممانعت از خریداری اجناس و اموال انگلیسی نیز سردست گرفته شد و یکسال بعد در جهت تشکیل جلسه درین زمینه موافقه بعمل آمد .

علاوه بر آن قوانین چنین تصریح می کرد مبنی بر اینکه مدارس مستعمرات که خیلی ها انعطاف پذیر و نرم اند عده ای ویژه ای از مجوسین باید در انگلستان تحت باز پرس و باز داشت قرار بگیرند تا اینکه در بوستن چنین عمل انجام شود و بر طبق آن یک جنرال بریتانوی منعیث گورنر والی در بوستن تعیین گردید .

نخستین شو رای امریکائی سال ۱۷۷۴ تشکیل جلسه میداد .

امریکائیها تصویب اینگونه قوانین استعماری را غیر قابل تحمل دانستند اگر پارلمان به طرح و تصویب اینگونه لوایح و قوانین در بوستن و مساجوستر بکدام اقدامی متوسل شوند بقیه ای مستعمرات نیز از آن تعقیب و پیروی خواهد کرد امریکائیها باید به یک



نمونه از تانک های جدید که با سرمی های راکت مجهز می باشد

تعرض کنندك تانك

ویا شرایط اراضی امکان حرکت بعضی از تانکها به پیشرو و یا کمی به جناح قبول شده میتواند تولى تانك زمان نظام محاروبوی خود را بیک خط اتخاذ میکند که جناحین آن مستند باشد. و از نظام محاروبوی راست قدمه دار و یا چپ قدمه دار تولى زمانی استفاده میکند که یک جناح غیر مستند در کندك موجود باشد که از آن جناح خطر بروز دشمن تصور گردد. قوماندان کندك تانك، کندك را از تانك خود که در عقب نظام محاروبوی یکی از تولى های خط اول و یا نزدیک به جناح نظام محاروبوی حرکت میکند کنترل مینماید.

قطعات پیاده موتور ریزه تحت امر با استفاده از وسایط خود به مسافه ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر عقب تانکها حرکت کرده تانکها از شکل رفتار آتش اجراء نموده و کوشش مینماید که پیشروی خط اصلی مدافعه دشمن را محو کند در عمق مدافعه دشمن از بین خالیگاه های که تأثیر آتش جز و تمام هاموجود نباشد نفوذ کرده و بلا تأمل به تعرض خود دوام میدهد به مقصد جدا نشدن از تانک ها پیاده ها کوشش مینماید که

تجارب حرب دوم جهان نشان میدهد که مهباید مینخ بین تانکها ۷۵ الی ۵۰ متر بر قرار شود که درین صورت هیچ خالیگاه چه از نقطه نظر مانور و چه از نظر آتش باقی نمانده که به این ترتیب تانکها میتواند بصورت آزادانه مانور و حرکت خود را به استقامت اهداف و اراضی مطلوبه شان اجراء نمایند. قبل از محاربه کندك تانك با ترکیب تولى های تانك، قوای تقویه و حما یه تشکیل میگردد.

در تعرض کندك تانك قاعدتاً نظام محاروبوی را به یک خط تشکیل و اختیار کرده و به قوه یک تولى را به حیث احتیاط تعیین و تشکیل میکند. بعضاً نظام محاروبوی کندك نظر به خصوصیت مدافعه و قوت دشمن به دو صف لیز تشکیل شده میتواند در حین تعرض با داشتن جناح غیر مستند نظام محاروبوی به شکل راست قدمه دار و چپ قدمه دار بوجود آورده میشود که اتخاذ این شکل با شرایط اراضی بشکل مدافعه دشمن ارتباط مستقیم دارد. نظام محاروبوی تولى تانك قاعدتاً بیک خط بشکل صف محاروبوی بوجود آورده میشود که بعضاً برای بهبود شرایط آتش

شکل اصلی و اساسی محاربه کندك تانك عبارت از تعرض است. در تعرض وظیفه مهم و اساسی را قطعات تانك خصوصاً کندك تانك به عهده داشته و اجراء میدارد و این وظیفه را با تشریک ساعی قطعات محاروبوی صنوف دیگر از قبیل پیاده موتور دار، آتش توپچی و ضربه های قوای هوایی استفاده کرده و توسط ضربات فیصله کن. قطعی و سر یعانه خود بالای دشمن حمله کرده که به این صورت قوای جاندار و وسایط تخنیکى محاروبوی آنها اسباب و تعرض را در عمق مدافعه دشمن انکشاف داده و دشمن را بطور قطعی اسباب و قوت های جاندار او را اسیر و تخنیک محاروبوی او را به غنیمت میگردد.

کندك تانك تعرض خود را به جبهه اضافه از دو کیلومتر اجراء کرده که عرض و جبهه آن مربوط به عناصر ذیل میباشد:

- ۱- شکل مدافعه دشمن
- ۲- خصوصیات محاربه دشمن.
- ۳- اراضی.
- ۴- قابلیت ترافیکی.
- ۵- دیگر عناصر مؤثره.

پیشرو رفته اهداف نقاط آتش و وسایط ضد تانک تانکهای شکاری و قوای جاندار دشمن را محو نمایند .

قبل از تعرض کندک تانک آتش احضارات قوی بالای دشمن اجراء و در جریان تعرض توسط آتش های طوپچی حمایه میشود . آتش احضارات کندک تانک به مقصد از بین بردن و خنثی ساختن سلاح های پر قدرت و قوه جاندار دشمن و مهم تر از همه برای از بین بردن اسلحه ضد تانک در مواضع آتش آن در ساحه مدافعه دشمن اجراء میگردد و علاوه آتش احضارات بمقصد از بین بردن قوه طوپچی و اخلال ساختن مترصدین طوپچی دشمن و تیت و پاشان ساختن قطعات دشمن اجراء میگردد که این آتش در انکشاف و بدست آوردن موفقیت قطعات خط اول بالای ساحه مدافعه دشمن اجراء گردیده و رول مهم دارد .

قبل از تعرض قسمتی از تانکها (بلوک و تولی تانک) جهت اجرای آتش های مستقیم توظیف شده میتواند . که این تانکها تحت قسرت بمواضع احضار شده قبلی داخل شده و آتش را بمقابله اسلحه دشمن ، پوسته های ترصد ، وسایط تخنیکی مخابره و غیره بصورت فوری در خط مدافعه و عمق مدافعه دشمن باز مینماید .

خط انبساط برای جزو تانکهای تانک بمقصد اتخاذ نظام محاروبی در اثنای تعرض از حالت حرکت بالای دشمنیکه عجالاً بمدافعه گذشته باشد و در زمان تعرض متقابل و همچنان در حین شق کردن موضع مدافعه دشمن (در صورتیکه موضع مبداء تعیین نشده باشد) انتخاب میگردد . کندک تانک که در خط اول جزو تانکهای بزرگ (لو او فرقه) بتعرض گذشته و مدافعه عاجل دشمن را از شکل رفتار شق مینماید عموماً برای آنها خط اتساع بداخل قطار تولی و خط هجوم داده میشود .

کندک تانک قبل از تماس با دشمن با قطار های تولی ها که مسافه چهار الی شش کیلومتر از قطعات خط اول حرکت میکند تقرب مینماید .

خط هجوم تانکها ممکن است در یک خط مدافعه دشمن انتخاب میگردد که قاعدتاً عقب تپه ها و جای که از قیاط مترصدین و آتش های مستقیم دشمن را موقع نهد انتخاب میشود .

در زمان تاسیس تعرض قوماندان کندک تانک با هم رانی قوماندانان تولی های تانک قوماندانان قطعات تحت امر و حمایه کشف را اجراء و ضعیفیت را محاکمه قرار را صادر و تشریح مساعی را تنظیم میکند و علاوه تانک بعضی هادیات لازم از نقطه نظر محرمیت حرکات



تانکهای فرانسوی که در هر نوع شرایط قابل استفاده میباشد

محاروبی گوش زد میشود .

در زمان معین تعرض کندک شروع به تعرض نموده و خود را بخط هجوم میرساند .

قطعات تانک نظام محاروبی را در زمان تقرب بشکلی اختیار میکند تا بتواند به زودترین و کمترین فرصت شکل نظام محاروبی مطلوبه خود را گرفته بتواند و در زمان برخورد تولی در منطقه مین زار صورت عبور از منطقه مین زار را نیز پیش بینی میشوند در زمان تقرب بخط مدافعه دشمن کندک تانک بقطار های تولی و بلوک تقسیم شده و بعداً شکل نظام محاروبی را میگیرد و با استفاده از نظام محاروبی قطعات تانک بخط هجوم تقرب کرده و بسرعت اعظمی قابل اسکان دشمن را از حرکت امحا و از بین میبرد . در هجوم حرکات بصورت متبادی و بی درهی اجرا شده و تاخیر رخ نمیدهد لیکن یک توقف خیلی کوتاه در بعضی اوقات جهت بعضی از معازیر از قبیل معلومات های اضافی شناسائی و دادن وظیفه به قطعات مادون اجرا شده میتواند .

توقف های زیاد و بی مورد در اثنای هجوم منطقی و مجاز نبوده و باعث خسارات جبران ناپذیری میگردد .

کندک تانک تعرض خود را در بالای خط مدافعه دشمن در زمان وقت معین (H) که در یک زمان جهت تقرب قطعات خط اول و هم جوار داده میشود اجرا میکند .

در اراضی کشتزارین در پیشروی خط مدافعه دشمن کندک تانک جهت عبور از این کشتزار مین معبرها از طرف قطعات انجنیری باز شده علاوه از طرف تانکهای مین پاک معبرها تهیه شده که البته این وظیفه را تانک های مین پاک در تحت حمایه آتش قوای طوپچی موثریزه و قطعات مادون اجرا میگردد قاعدتاً برای هر گروپ تانک یک معبر باز میشود . تانکها در زمان تقرب و عبور



تانکهای فرانسوی که در هر نوع شرایط قابل استفاده میباشد

از کشتزار من شکل قطار را بخود نگرفته بلکه در زمان عبور یکی از تانکهای بلوک دوعراده تانک دیگر آن ذریعه آتش تانک اولی را حمایه که بدین تریب به حمایه یک دیگر از معبر عبور بعمل میاید و نا گفته نباید گذشت که در زمان عبور از کشتزار من توقف تانک بکلی ممنوع بوده و باید تاخیر رخ ندهد .

در زمان تقرب و برخورد بموانع دشمن تولی تانک آتش را از حالت حرکت بالای دشمن اجرا و خود را در وقت زمان معین بالای خط مدافعه دشمن رسالده و قوه جاندار و آتش دار آنرا امعا و تعرض را در عقب و جناح دشمن انکشاف میدهد .

معاربه در عمق مدافعه دشمن مربوط به پیشرفت جزو تانکهای خورد بوده و هر آن احتمال تغییر وضعیت در معاربه پیشین شده میتواند لاکن وظیفه قوماندان است که همیشه وضعیت های جدید دشمن را مطالعه کرده و بصورت دوام دار ارتباط را با دشمن تامین کند در زمان دوام تعرض به عمق مدافعه دشمن موقع خیلی اساس بوده و میاید دقت فوق العاده به خرج داده شود تا در سرعت پیشرفت تعرض سکتگی پیش نشود .

نقاط خیلی مهم و قوی که توسط اسلحه ضد تانک تقویه شده است میاید با استفاده از خالیگاهها ذریعه آتش امعا و از بین برده شود .

باز کردن رخنه و دخول بخط مدافعه دشمن قطعات را از هم جدا ساخته و قابلیت ثبات مدافعه دشمن را از بین میبرد و موفقیت را جهت اجرای وظیفه داده شده به کتک و قطعات تحت امر و حمایه و قطعات هم جوار تامین میکند اخر الامر یک قرار آخرین از طرف قوماندان راجع به وظیفه و عبور از موانع صادر گردیده و علا و تا برای توپچی حمایه و تا نکها راجع با اجرای آتش آنها مواضع آتش آنها و وظیفه آنها جهت از بین بردن دشمن و صورت

عبور از موانع هدایات لازمه را میدهد . در زمان معاربه در عمق مدافعه دشمن کتک تانک همیشه برای تعرض متقابل دشمن حاضر میباشد تا عندالموقع تعرض متقابل آنرا خنثی سازد .

گروه های خورد دشمن را با استفاده از آتش های وسایط داخل کتک امعا و از بین برده میشود تعرضات متقابل دشمن با استفاده از آتش های همه سلاح های شامل معاربه خنثی میگردد .

قوماندان کتک علا و تا برای توپچی حمایه راجع به از بین بردن دشمن وظیفه میدهد و نیز آتش های حمایه را برای قطعات پیشرو طلب میکند و نیز اهداف شانرا تعیین و امر اجرای آتش را صادر میکند .

اگر کتک تانک موفق نشود که تعرض متقابل دشمن را از بین ببرد در اینصورت کتک مواضع و خط مساعد و مفید را اشغال کرده و تعرضات متقابل دشمن را از بین میبرد . بعد از خنثی ساختن تعرض متقابل دشمن کتک بصورت مستقلانه و یا با مساعی مشترکه قطعات هم جوار و مادون دشمن را با ضربات فاصله کن خود امعا و از بین میبرد حرکات تعرض سریعانه کتک و دخول عمق مدافعه دشمن باعث تیت و هاشان

شدن نظام معاربه دشمن گردیده و آنرا مجبور به عقب نشینی میسازد . قوماندان کتک همیشه از صورت تعقیب دشمن بقوماندان غندرا هور میدهد و از موضوع قطعات هم جوار را نیز با خبر میسازد و در زمان تعقیب دشمن میاید از دو راه که با هم موازی باشد استفاده شود و علا و تا با مساعی مشترکه قطعات مادون از استقامت های دیگر دشمن را تحت فشار گرفته شده و از بین برده میشود .

اگر تعقیب دشمن از راه های موازی امکان ندهد در آن صورت تعقیب مقابل اجرا میشود درینصورت دشمن با استفاده از قوای آتش و ضربه بکلی از بین برده شده و امعا میشود کتک تانک قاعدتاً نقاط قوی دشمن را احاطه کرده و از عقب با تعرضات جدیانه خود از بین میبرد در تعقیب حرکات تعرض از حالت رفتار اجرا میشود پیشرفت و انکشاف موفقیت و خنثی ساختن حرکات متقابل دشمن ارتباط مستقیم با داشتن تجربه قوماندانان ذکاوت و تطبیق پرنسیپ های تعرضی از حالت حرکت تشکیلات معقول و صحیح ، مهارت و السیکینیت و کنترل قطعات مادون جهت بدست آوردن هدف و اجرای وظیفه داده شده دارد .

تشعشع رادیوئی و

تشیع و لکارش

غلام حضرت «زرمال وال»

عکس العمل‌های اتمی در معالجات سرطان

پروگرام اتم در خدمت بشر از کدام تاریخ شروع و دارائی چه مزایائی است

عمیق جاگزیب شده باشد میرسد و بر علاوه اشعه محتوی انرژی عالی جلد را مصدوم نمی کند.

در حالیکه از معالجات توسط اکسریز در جلد مانند سوختگی از آفتاب که درد ناله می باشد علامات دیده میشود. بنا برین توسط این نوع معالجه از این نوع سوختگی ها و دیگر خطرات بر حذر می ماند در نتیجه گفته میتوانم که این چنین معالجه در بسیاری موارد برای مریض از لحاظ کمیت و کیفیت و اعاده صحت خیلی راحت و با اهمیت تر است.

مقررات عمده یک رادیو آیزوتوپ جهت استعمال در معالجه تشعشعی قرار ذیل است.

الف: باید نصف عمر آن زیاد باشد.

ب: اشعه گامائی نیروی زیاد بخش کند.

ج: باید بمقدار زیاد در دسترس قرار گیرد.

باید یک فعالیت مخصوص بلند موجود باشد و هم باید

منبع شدت تشعشع دارای ابعاد خورد فیزیکی باشد.

دومین برتری اساسی کوبالت سادگی ساختمان میخانیککی آنست. چنانچه این سادگی ساختمان میخانیککی در مالکک روبه الکشاف و معالکک کم الکشاف یافته حایز اهمیت است.

دستگاه اکسریز دارائی سامان و اسباب مغلق برقی است. که در این دستگاه اکسریز، ترانسفارمر، کیپل های فشار عالی و تیوپ اکسریز و غیره سامان مهم آن میتواند وقتاً فوقتاً خرابی پیدا کند برعکس یکک واحد کوبالت دارای یکی از اسباب فوق الذکر نیست. که سقوط کند و یا از بین برود.

هنگامی که یکک دستگاه معالجات تشعشعی بکار افتد بصورت قطع مراقبت و حفاظت را ایجاب نمی کند. در مالکک مترقی و پیشرفته مانند اضلاع متحده امریکا، اتحاد شوروی، المان غربی، فرانس و انگلستان که سابقه طویلانی قوه ذروی دارند. از تشعشعات اتمی برای معالجات سرطان و غیره استفاده نموده و می نمایند.

تمپه کوبالت ۶۰ از کوبالت ۵۹ و سمزم ۱۳۷ بمقادیر خیلی زیاد ذریعه ریاکتور و یاداشی های اتمی وضع جهان موجوده را بکلی دیگرگون کرده است.

تمپه کوبالت ۶۰ از کوبالت ۵۹ کارمشکلی نیست کوبالت ۶۰ یک آیزوتوپ رادیو اکتیف بوده که نصف عمر آن ۵،۳ سال می باشد. قرار محاسبه ریاضی دانهها از ۱۰۰۰۰۰ تن کوبالت ۵۹ در نتیجه تعامل فوق الذکر ۷۰۰۰ تن کوبالت ۶۰ تولید میگردد (کوبالت ۵۹ نیوترونها را جذب نموده کوبالت ۶۰ تشکیل میگردد)

با وجودیکه واحد معالجات تشعشعی معاصر را باید شکل انکشاف یافته ای «بم رادیوم» دالست اما اینطور واحدها باید امروز با دستگاه های اکسریز ۲۵۰ کیلوواته و یا تجهیزات اکسریز که ذریعه نیروی برقی عالی کار می کند مقایسه کرد. رادیو آیزوتوپ که یک جز واحد معالجات تشعشعی میباشد دارائی مزایائی ذیل است.

۱- رادیو آیزوتوپ، تشعشعی را بخش می نماید که دارائی انرژی بسیار زیاد است.

۲- رادیو آیزوتوپ، از نگاه ساختمان میخانیککی بسط است. اشعه گامائی که توسط کوبالت ۶۰ بخش میشوند بطور متوسط دارائی انرژی معادل به $Mev 1,25$ ام، ای، وی (میکاه الکترون ولت) میباشد Mev یعنی میکاه الکترون ولت یک واحد انرژی است. در حالیکه انرژی که از سیزهوم ۱۳۷ بخش میشود مساوی به $Mev 0,60$ میکاه الکترون ولت میباشد. جهت مقایسه بطور متوسط انرژی اکسریز که از دستگاه ۲۵۰ کیلووات انتشار می کند مساوی $Mev 0,13$ یعنی تنها یک دهم حصه ای انرژی کوبالت است.

انرژی اشعه گامائی کوبالت دارائی چندین مزایا اند که عمده ترین مزیت آن شدت قوه نفوذ آنست بنا برین تشعشع با تحمل خساره اندکی نسج روکش نسج که در عضلات بطور

در سالک فوق الذکر تنها اضلاع متحده امریکا ۲۵۰ ملیون دلار در سال ۱۹۵۴ در این راه مصرف کرده بود. اکنون نظری مختصری درباره تاریخچه عکس العمل های ذروی و اتمی در اضلاع متحده امریکا می افکنیم.

بتاریخ ۲ دسمبر ۱۹۴۲ «نخستین عکس العمل ذروی کلید بم اتمی روی دستگاه حرابی شیکاگو (ایالت ایلونای) ظاهر گردیده و به این ترتیب منبع قدرت بزرگ که میتواند برای رفائی بشر بکار بیفتد کشف گردید.

پس از پایان جنگ عمومی دوم امریکا در داخل و خارج مملکت سعی نمود پروگرامی را انکشاف دهد که بتواند از این قدرت ذروی در زمان صلح وصحت استفاده بنماید. امریکا در ۱۴ جون ۱۹۶۴ پیشنهاد کرد که قدرت ذروی خود را تحت قیادت یک مؤسسه بین المللی وجهالی قرار دهد. هر چند چنین مؤسسه جهانی تا حال بوجود نیامده است ایالات متحده امریکا کمال سعی خود را مبذول میدارد که از نظر ملی و بین المللی استفاده های صلح آمیزی از قدرت اتمی بعمل آید کمیسیون قوه ذروی ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و از آن تاریخ بعد علی الاکثر بکمک و اشتراک مساعی گروپ های انفرادی امریکا از تحقیقات دامنه دار و پروگرام های انکشافی در رشته های زراعتی، طب، صنایع، صنایع ثقیله و تولید قوه حمایت کرده است.

بطور مثال باثر پروگرام دخالت در صنایع که توسط کمیسیون قوه ذروی امریکا طرح شده است ۱۲۵ مؤسسه ملی و انفرادی جهت مطالعه در امور کشتیرانی، تولید برق ورشته های دیگر استفاده صلح آمیزی از قدرت ذروی بوجود آمده است.

بتاریخ ۱۴ مارچ ۱۹۵۳ شفاخانه تحقیق سرطان در شهر شیکاگو ایلونای افتتاح شد و آن مؤسسه ایست که از طرف پوهنتون شیکاگو برای کمیسیون انرژی اتمی کار میکند. این شفاخانه جهت تحقیق در علت و معالجه سرطان اختصاص یافته است و بیشتر از تشعشع رادیوئی و عکس العمل های اتمی استفاده میکند.

سکاتب عالی و پوهنتون های دیگری امریکا مطالعات خود را فعالانه در رشته های اتمی توسعه میدهند تا ۳۰ جون ۱۹۵۷ سه رهاکتور تحقیقاتی در پوهنتون های ایالات متحده امریکا وجود هات و طرح چندین دستگاه دیگری از این نوع را ریخته بودند. در ۹ مارچ ۱۹۵۴ کمیسیون انرژی اتمی به پلان پنجساله انکشاف رهاکتور اقدام کرد.

این پروگرام به ۲۵۰ ملیون دلار تهیه پنج دستگاه رهاکتور تجزیوی احتیاج داشت. هر یک از این رهاکتورها از نوع مختلف بوده و بطور مقدماتی در تولید برق بکار می افتاد.

پروگرام قوه اتمی امریکا در ماورای ابعاد در پنج رشته مهم پیش رفته است:

۱- بتاریخ ۵ سپتمبر ۱۹۴۷ نخستین ماده رادیواکتیف امریکا به ممالک خارجی فرستاده شد. کمیسیون قوه اتمی

ایالات متحده امریکا ۶۰۰۰ بار کشتی ماده رادیواکتیف به لاهراتواریهای تحقیقاتی، شفاخانه ها و غیره موسسات پنجاه و پنج ممالک دنیا فرستاد. عناصر رادیواکتیف در رشته های طب، زراعت و صنایع ارزش زیادی پیدا کرده است. چون این ماده تشعشع میکند می توانیم آنرا جهت درک طرز العمل اجسام زنده و در بعض موارد معالجه امراض استعمال کنیم. در صنایع آنرا برای این بکار میبرند که تولیدات را ارزاتر، بهتر، زودتر تحویل بدهد. و در زراعت برای تولید مواد زراعتی بیشتر و بار آوردن چارپایان بهتر بکار برده میشود.

۲- پروگرام مخصوص کمیسیون قوه اتمی امریکا ۳۵۰ نفر دانشمند را از کشورهای مختلف جهان به این مملکت جلب کرده است اینها در تیوری «Theorie» و تکنالوژی رهاکتور، استعمال عناصر رادیواکتیف در رشته های بیالوجی و فیزولوژی طب، زراعت، صنایع، و صنایع ثقیله تربیه میشوند.

نظریه عده از علمای اقتصاد جهان بر این است که باید برای تولید برق از دستگاه اتم کار گرفت. و این نظریه تا اندازه درست هم است. زیرا از پنجاه سال به این طرف در هر ده سال تولید و مصرف برق در اضلاع متحده امریکا دو برابر شده است. و این از دیاد ممکن است تا مدت زیادی در امریکا و جهان ما ادامه یابد. تولید مجموعی قوه برق در ۱۹۵۸ در ایالات متحده امریکا برای حرارت، سردی و نور ۷۲،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ کلووات بود. نزدیک به بیست فیصد این قوه از آب و بقیه آن از زغال سنگ - گیس و نفت به دست می آمد. در سال ۱۹۵۷ یکی از دستگاه های اتم جهت تولید برق برای نخستین بار استعمال گردید.

۵۲ فیصد قوه برق امریکا از دستگاه های اتمی تولید میگردد. که فیصدی زیادی از این قوه برق در موسسات بزرگ صنعتی بمصرف می رسد. از این برق در تولید کود کیمیاوی که برای زارعین نهایت ارزش دارد استفاده میشود. بیشتر از ۹۶ فیصد خانه های امریکا برق دارد. زارعین امریکا از برق به حیث قوای مولد استفاده میکنند و ۹۵ فیصد مزارع امریکا برق دارد.

۳- کمیسیون قوه اتمی مجموعه از نشرات تحقیقاتی خود را که تعداد آن به ۱۰۰۰ راپورت تخنیک و علمی میرسد با فهرست مرتب که مشتمل به ۵۰۰۰۰ ورق است به ممالک دیگر می فرستند مجموعه کامل چریده «NUCLEAR. S. A. NUCLEAR-SCIENCE-ABSTRACT» شامل نشرات مذکور می باشد این نوع نشریات به ۴۷ مملکت به برلن غربی مؤسسه ملل متحده در جنوا، کمیسیون تحقیق اتمی اروپا، مؤسسه ملل متحد در نیویارک مؤسسه اشتراک مساعی اقتصادی اروپا فرستاده میشود.

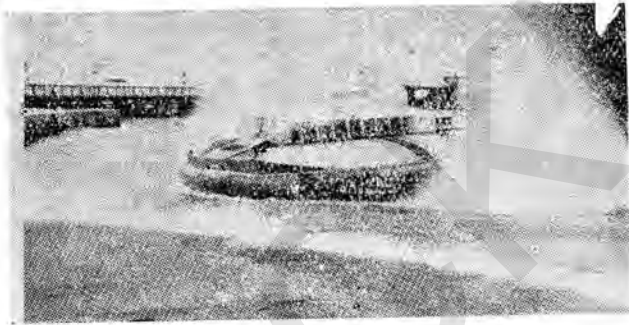
۴- تا سال ۱۹۵۹ قرارداد دو جانبه بین امریکا و ۴ مملکت دیگر تکمیل گردید مطابق این قرار دادها ایالات متحده امریکا اطلاعات لازم را در مورد نقشه ساختمان و

اهمیت هوور گرفت نوع ACVs

در تجارت عسکری

قبل از اینکه داخل سبعت شویم و چگونگی و مشخصات این وسیله بزرگ نقلیه بحری را که از نظر تجارت و حمل و نقل و مسائل و مهمات نظامی دارای اهمیت بس عظیم است به خوانندگان محترم این مجله معرفی نمائیم لازم می آید راجع به مشخصات این وسیله اندک تذکار دهیم:

اگر چه مدت هشت سال بدینطرف نام این وسیله بزرگ حمل و نقل بحری در صنعت بخط بر جسته ای جای گرفته و مردمان دنیا آنرا بنام SRN یاد میکنند اما تولید آن برای نخستین بار در ویستند عرض وجود نمود که مسایل انتقال و ترانسپورتی را بوقت کم تسهیلات بخشیده و بنام هوور گرفت در جهان مورد استفاده قرار گرفته و این پیشرفت سریع تکنیکی هوور گرفت داستان خوشی را به عالم تخنیک به ارمغان آورد که این امر باعث هماهنگ شدن دولت و پروگرام تحقیقاتی خود فابریکه در پیشبرد و تکامل آن گردید. پیش رفت و انکشاف این وسیله نقلیه همچون ماشین آلات حمل و نقل



هوور تربول
SRN6 که در
نزدیک ترینیل
بحری دیده میشود

بزرگ نقلیه اموال در مدت کم بحیث بزرگترین کشتی های بحری، روی دست گرفته شده و در ظرف چند سال زیاد خواهد شد. هوور گرفت انگلیسی تا حال بیشتر از بیست هزار عملیاتی ساعت را انجام داده و مجموع فواصل طی نموده این ماشین غول پیکر هفتصد و پنجاه میلیون میل را احتواء می کند.

مانند موترهای گوناگون که در مدت ۳۵ سال در تجارت بخود جای اختیار نموده بود و هکذا تلسکوب، طیاره و غیره آلات که یک زمان را سپری کرد تا اینکه ساختمان امروزی را بخود گرفت، لذا این ماشین نیز در مدت ده سال توجه بشریت را بخود جلب نمود استخدام عمومی این وسیله

امکان پیشرفت سریع این ماشین بواسطه موجودیت توربین مناسب سبک وزن بشکل بریستول-سایدلیز-نیم بس گنوم (نوع دیگر هوور گرفت) و هروتو-یوز توقع زیاد میرود، زیرا نسبت این توربین ها در کشتی های بریستول سایدلیز، نظر به تجاریکه از استعمال آن بدست آمده، باعث می گردد تا کشتی مو صوف دارای قوه انتقال بیشتر گردد. اولین هوور گرفت عبارت بود



هارمود برینا
لوند قوماندان و
هوور گرفت سی-سید
نوع SRN6 را
در حال وظیفه
نشان میدهد

در اینجا داخل
شدن هوور لاید
هوور کرفت را
بعد از عبور از
کانال لشان
می دهد .



بهره برداری از کشتی های مذکور
زیاد بوده و ساعت کار آن از ۱۹۰۰۰
بلند رقت که این خود باعث تولید زیاد
این وسیله نقلیه گردیده است. چهل فیصد
قیمت آن در سه قسمت تجارتی از طرف
کارکنان پرداخته میشود. سه نوع
این کشتی که بنام هوور تریول، هوور
لاید و برتیش رایل هوور کرفت
یاد میشود .

۱ - هوور تریول : هوور تریول
اولین کشتی تجارتی در جهان بوده که
نخستین بار نوع *SRN 6* وظیفه خویش
را با انتقال دادن ۳۸ سر نشون از
آل طرف (سولیت) در جولای ۱۹۶۵
انجام داد که باعث برقرار نمودن
ارتباط انسان و قاره بدون جزیره گردید
و این هوور کرفت ما بین راید ،
گو سپورت و بحر جنوبی خدمت می کند
و حمل و نقل مسافرین و بار آنها که
بواسطه این وسیله صورت می گیرد یک
رقابت مستقیم را با دیگر کمپنی های
تجارتی بوجود آورده و عامل عمده آن
مقاومت ، انتقال زیاد مواد بین این دو
شهر بر نفوس است که در یک فصل
۲۵۰۰۰۰ مسافرین را منتقل می سازد .

۲ - برتیش رایل هوور کرفت :
بعد از شش ماه فیصله شد که این وسیله
نقلیه در ردیف دیگر هوور کرفت های
کمپنی شامل گردد . اولین سفر کشتی
برتیش رایل هوور کرفت فاصله ما بین
جنوب ایتون و کویز بود صورت گرفت
در شش جولای تا پانزده اکتبر ۱۹۶۶

دستگاه مکمل تحقیقاتی داخلی نظر به
جنسیت این هوور کرفت ارزش قابل
گردیده و کشتی *SRN 6* نظر به توه
زیاد و سه *SRN 5* بعد از تولید توسط
ای - اچ - تی یو اهمیت مهمی را از
نظر دستگاه تحقیقاتی بدست آوردند .
هنکامیکه دو *SRN 5* وجود آمد با کشتی
انگلیسی که در شرق دور بود مقایسه
گردید و نتایج خوبی را بدست داد که
بعداً یکی از این هوور کرفت ها شکل
مقایسه وی به آب و هوای سرد کانادا
فرستاده شد .

بر طرف کردن مانع تجارتی
از می تا سپتامبر ۱۹۶۶ اضافه تر از
۳۳۰ نفر مسافر همراه با مواد
غذائی ذریعه سرویس تجارتی هوور کرفت
گندوم - هاورید *SRN 6* انتقال داده شد
تجاریکه از استعمال وسیله مذکور
بدست آمده نشان میدهد که هوور کرفت
های تور بین دارگازی دارای دوام
و مقاومت زیاد ، ساعت کار زیاد و

از *SRN 1* که با بسکار بستن انجین
لیونا یذر ذریعه ویلپر بکار حمل و نقل
بیک حالت نسبتاً تکامل یافته شروع
بکار نمود .

ساختمان *SRN 1* در ابتدای مرحله
کاملاً بشکل توشک حامل بیما ران
اساس گذاری شده و همین دلیل
بزرگ پیشرفت و تحول محیر العقول
وسیله مذکور را در صنعت و نمود
می سازد و سهارت علمای مذکور را در
تولید صنعت این وسیله نشان میدهد ،
چه بعداً دو نوع دیگر آن با اساس همین
پیریزی پایه گذاری شد که از ناویم
بس هاورید *SRN 2* و دیگر آن تورمو ،
پاورید *VA-3* میباشد که همراه با تجارب
قبلی بحیث اولین سرویس انتقال مسافرین
بخارج صورت گرفت و باعث تولید
SRN 5 و *SRN 6* گردید ، که
این دو نوع مذکور جهت جلب توجه
مردم بحیث عامل اساسی تبلیغات در بلند
بردن ارزش ماشین مذکور در معالک
مختلفه فرستاده شد . هوور کرفت ها
لیروی خود را ذریعه بریستول ساید
لیز ماشین کشتی گنوم و مین و ایل که
دارای کشتی بزرگ پروتیبوز بزرگ
صنعتی که فعلاً تحت ساختمان است
در مدت قریب بدست آورده و واگون
های مذکور مورد استفاده مسافرین
قرار خواهد گرفت .

هوور کرفت از نظر حمل و نقل و
ارزش و وسایل و سهارت حربی لیز دارای
اهمیت شایانی را نظر به مصئونیت خود
از حملات دشمن دارا بوده و لیز یک



ظاهر شدن *SRN 5* را
از حبه مخفی گاه از سمت
در یاچه که نزدیک
فونتهنی بلیو است نشان
می دهد .

از نیوزلیتر

مترجم : محمد سلیمان صاحبیان

قبایلیدیکه تا حال در عصر سنگ زندگی میکنند

کاراگاس : جهت تحقیقاتی درباره عصر سنگ دو فایلی امریکائی به کمک افراد قبایل وحشی در جنگل های آماز و منطقه وینزویلا مشغول کار و مطالعه میباشند . هیئت امریکائی مذکور سعی دارند که لسان هندی های (قبایل وحشی) مقیم آنجا را نیز مورد مطالعه خویش قرار داده و خواندن و نوشتن لسان ایشان را برای ایشان بیاموزانند تا وسیله برای آموختن یعنی خواندن ، نوشتن و تکلم لسان هسپانوی بکار برند .

آقای میکلائتوک سفیر امریکا مقیم وینزویلا جهت دریافت موافقت و سوانط حمل و نقل به رسیده است .

منطقه مذکور در نقطه دور دست جنگل واقع شده است که بعد از پیاده روی ۵ میل مصافه کسی قادر در یافتن راه و برگشت شده نمیتواند .



در عکس مذکور سفیر امریکا مقیم وینزویلا با افراد یک قبیله وحشی که تا حال به رسوم عصر سنگ زندگی میکنند دیده میشود .

اضافه تر از چهل هزار نفر مسافر ذریعه برتیش رایل انتقال داده شد .

فعلا منظور از تسلیم هوور گرفت دوم عبارت از شروع خدمت بین کویز و پورت سموت میباشد . با تکمیل شدن جدول حرکت مسافرین ، برتیش رایل هوور گرفت یک سرعت درست را در عملیات خویش بوجود آورد ، حالا امکان دارد که مسافرین ۹۱ میل را از کویز تا به لندن در دو ساعت و پنج دقیقه با کم کردن یک ساعت و ۲۵ دقیقه برسند .

۳ - هوور لاید : موفقیت بموقع سکند نویها در بکار الداختن و سائل حمل و نقل خوبتر دانسته شده و جای تعجب نیست و تکنیکه دوشرکت بارگیری کشتی که یکی آن سویدن لایدن و دیگری آن سویدن امریکن بوده که اعلان تولید هوور گرفت را از کمپنی نمود . تولید هوور لاید در سال ۱۹۶۵ صورت گرفت . بعد از انتخاب دقیق محل و موقعیت راه دویوع SRN 6 درمی ۱۹۶۶ از طریق ترینس کانال در فاصله مابین راسگه ها روبر و کالیز خدمت کرد . این کانال یکی از کانال های معروف بحری است که عبور را در دنیا آسان میسازد ، اما در زمستان و یا تابستان علی الرغم ۴ روز را در اگست

و تکنیکه بحر زیاد میشود گذشتن SRN 6 را از کانال مذکور غیر ممکن میسازد تقریباً اضافه تر از ده هزار مسافر ۳۱ میل مسافرا در تابستان طی میکنند .

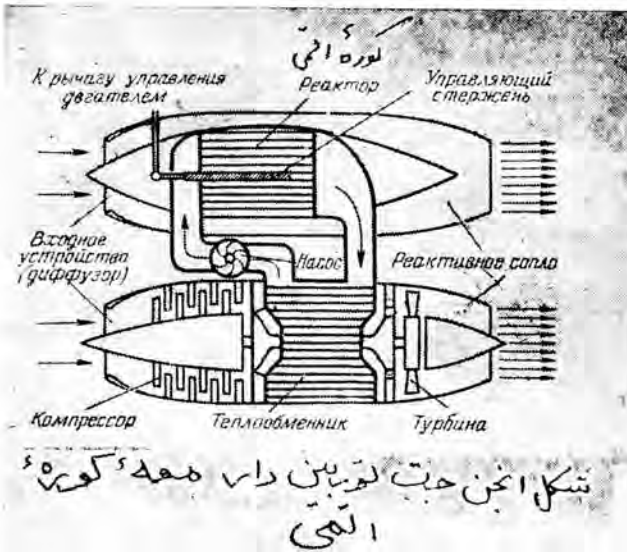
بقیه تشهشع را دیوئی

طرز عمل ریا کتور های تحقیقاتی و استفاده از آن در معالجات شش ، سرطان و مغز بدسترس ممالک مقابل میگذازد . و اورانیوم جهت مواد سوخت این ریا کتورها میدهد . قرارداد مبادله معلومات نیز مدنظر گرفته شده است . این پروگرام ، و تکنیکه رئیس جمهور امریکا آیزنهاور در مجمع عمومی موسسه ملل متحد بتاريخ ۸ دسامبر ۱۹۵۳ تشکیل یک موسسه قوه اتمومی بین المللی را برای مقاصد صلح آمیز بشر مطرح کرد . روح تازه یافت . یک سال بعد مجمع عمومی موسسه ملل متحد به اتفاق آراء پلان آیزن هاور را تصویب کرد . و تجویزی را مبنی بر انعقاد کنفرانس بین المللی در موضوع استعمال صلح آمیز قوه اتمومی بصوب رسائید در اگست ۱۹۵۵ در چیتوا از ۸۴ مملکت دعوت شده بود درین کنفرانس حاضر شوند . قدم دیگری در پروگرام اتم در خدمت بشر بتاريخ ۱۱ جون ۱۹۵۵ وقتی آیزنهاور پیشنهاد کرد که مردم ایالات

متحده امریکا حاضر اند نیم مصرف ریا کتور های تحقیقاتی را به ممالک متحابه بپردازد و مواد سوخت را برای این ریا کتورها تهیه کند ، برداشته شد و همچنان آیزنهاور پیشنهاد کرد که امریکا حاضر است با بعضی ممالک اگر بخواهد یا کتور داشته باشند کمک کند در ساختمان ریا کتور و طرز العمل آنها متخصصین تربیه نماید .

بتاریخ اول اکتوبر ۱۹۵۷ موسسه بین المللی قوه ذروی در ویانا با ۸۹ عضو افتتاح گردید . در این موسسه گرد آوردن مواد - تکنالوجی و تربیه متخصصین در نظر گرفته شده است تا صنایع قدرت اتمومی در سراسر جهان منتشر گردد . ایالات متحده امریکا قدم اول را برداشت و ۵۰۰۰ کیلوگرام اورانیوم قوه اتمومی را به اختیار موسسه گذاشت . کنفرانس موسسه ملل متحد جهت استفاده صلح آمیز از قوه مذکور در ۱۹۵۵ و ۱۹۵۸ منعقد شد و دانشمندان هفتاد ملت مختلف در آن شرکت کردند . (ختم)

طیارات اتومی برای آینده



شکل انجن حثت لوتیمن داره معده کورته اتمی

در صورت احتراق کامل يك كيلو گرام کراسین (تیل خاک) و یا بنزین بمقدار ۱۰ الی ۱۱ هزار کالوری حرارت حاصل میگردد. اگر مد نظر گرفته شود که در صورت پرواز در خارج ساحه اتمو سفير هم مواد سوخت و هم مواد اوکساید کننده در وسیله پروازی (طیاره، راکت و غیره) موجود باشد (داشتن مواد اوکساید کننده حتی باندازه ۱ الی ۵ متر زیادتر نسبت بمقدار مواد سوخت حتمی است) در آن صورت ماسی توالم از یک کیلوگرام مواد سوخت فقط ۲ الی ۳ هزار کالوری حرارت بدست آوریم. یعنی برای پروازهای بمسافه زیاد باید یک ذخیره فوق العاده مواد سوخت داشته باشیم و از طرف دیگر این مقدار نسبت سنگینی وزن طیاره برای هر نوع وسیله پروازی محدود میباشد. که توسط همین مقدار محدود شده مواد سوخت بصورت پراکتیکی دوام و بعد پرواز وسایط پرواز تعین میگردد.

سعی نمودن بمقصد از دهاد بعد پرواز باعث ثقلت پرواز میگردد. یعنی از جمله وزن عمومی طیاره قسمت وزن مواد سوخت، آن بالا میرود.

آیا ممکن نیست که در طیارات مواد سوخت هستوی استعمال گردد؟
 و این مسئله بگانه راهی است که حل آن صدها مشکل را آسان خواهد ساخت. خوب دیده شود که این مفکوره جدید دماغ علمای ساینس و تکنولوژی را به چه ترتیب نمک پاشی خواهد کرد.

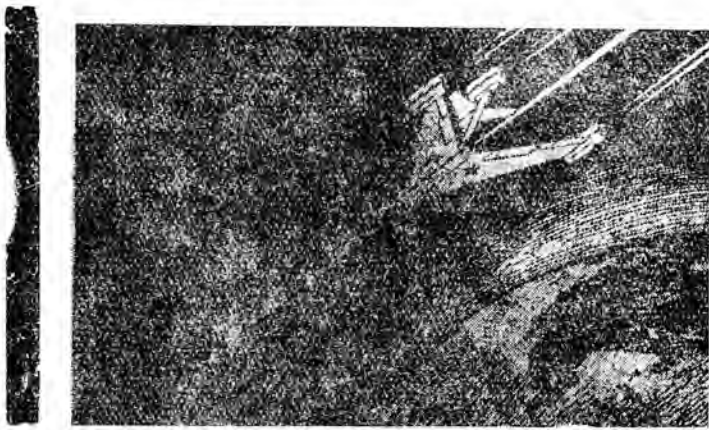
خصوصیات انرژی هسته وی درین قسمت به مطالعه خوانندگان گرامی رسانیده میشود که درین عملیه احتراق کیمیاوی مواد سوخت که در اثر آن انرژی لازمه برای فعالیت اجتهای هستولدار و جت حاصل میشود و تعامل البساطی و یاسیتز هسته های اتمی که در اثر آن انرژی هستوی حاصل میگردد کدام فرق فاحشی وجود دارد و یا خیر؟

بداخل سلندرها و یا کامره های احتراق انجن های معمولی هستولدار و جت به اثر عملیه احتراق، در نتیجه تاثیر متقابل کیمیاوی که درین اتموم های مواد سوخت و اتموم ها مواد اوکساید کننده صورت میگردد یک مقدار انرژی بشکل حرارت بدست میآید درین عملیه تنها در درجات الکترون های بسیط اتمومی تغییرات جزئی بوجود میآید و در خود هسته اتمومی هیچکدام تغییرات واقع نمیکردد.

نقطه کوچکی در افق لعایان گردید بسیار سرعت نزدیک شده، بزرگ میشود و بیک جسم نهایت بزرگ فلزی بال دار میدل میگردد. سرعت مافوق صوت خود را با عصری ترین تجهیزات و میخانیزم ها معادل سرعت نشست میسازد. اولین طیاره مسافر بردار اتمومی بالای میدان قرار میگردد.

درین پرواز بی سابقه تجربه وی بدورد و در زمین طیاره اتمومی دهها هزار کیلومتر را طی نموده و سرعت دورانی زمین را به عقب می زند.

شما خواهید گفت چه خیال عجیبی! بله برای امروزه نزدیک خیالی بیش نیست اما آنوقت بعید نیست که این خیال جامه حقیقت را بپوشد. با گذشت هر سال ساحه استعمال هوانوردی وسیع تر و وسیع تر میگردد. که این انکشاف تقاضای وسایط تخنیکی هوایی را نیز به یک پیمانۀ زیاد ایجاد میکند. جای انجن های هستوندار را انجن های جت اشغال کرد که درین صورت سرعت و ارتفاع پرواز خیلی ها نسبت به بیشتر زیاد گردید. اما طیاره سازان با اینهمه با این سرعت و ارتفاع قناعت نمیکند و همیشه این سوال را نزد خودها مطرح میسازند:



شکل دیگری از طیارات اتمی مسافر بردار که اجن های آن از کابین ژنرالیستیان طیاره دورتر قرار دارند

برای بدست آوردن این هدف جلب کرده اند تا از انرژی هسته‌وی در اجن های هوایی استفاده نموده و روزی باشد که طیارات اتمی جای طیارات هر نوع دیگر را بایک وزن کم اشغال کند.

انرژی هسته‌وی برای مقاصد ترانسپورتی:

کشف انرژی هسته‌وی طریقه‌های عملی استفاده از آن یکی از پیشرفت‌های خارق‌العاده عصر ما محسوب میگردد. استعمال این منبع نهایت پر قدرت انرژی در مؤسسات صنعتی، ترانسپورت و دیگر ساحه های علمی یکی از مشکلیترین پراپلم های عوامل امروزی محسوب می گردد. و از طرف دیگر علمای امروزی آن را یکی از وظایف اولین خود می دانند که بر طبق ایجابات عصر و زمان علم و تخنیک امروزی این مشکل را حل بسازند.

این پراپلم مرحله مرحله بکمک وسایط الجنیبری و تخنیک‌کی حل شده می رود. مرحله اول استیشن های برقی اتمی ساخته شد که آسانترین نوع بدست آوردن این انرژی محسوب می گردد. سپس علما متوجه گردیدند که در کشتی‌ها و تحت البحری ها از آن استفاده بدارند و این کار هم صورت گرفت و نتیجه فوق العاده قناعت بخشی داد.

از وزن عمومی طیاره را تشکیل میدهد. محاسبه هالشان داده اند که در یک پرواز دور کره زمین توسط طیاره که تقریباً ۱۰۰ تن وزن داشته و دارای سرعت ۱۰۰۰ کیلومتر ساعت میباشد بالدازه ۵۰۰ گرام مواد اتمی (اوران ۲۳۵) مصرف خواهد شد. و اگر همین فاصله (۴۰۰۰ کیلومتر) توسط طیاراتی که با مواد سوخت کیمیایی فعالیت می کنند طی کرده شود درین صورت صد هاتن کراسین مصرف گردیده و برای این مقصد طیاره باید چندین دفعه از کراسین پر کرده شود.

بعد پرواز طیاره‌های که با انرژی هسته‌وی فعالیت خواهند کرد از نقطه نظر مواد اتمی محدود شده نمی‌تواند بعد اعظمی پرواز را که صد هاتن هزار کیلومتر می باشد عوامل دیگر از قبیل رسورس (مدت معینی که برای اجن از طرف فابریکه تعیین گردیده و انجن درین مدت بدون ترمیم فعالیت می کنند) قابلیت کاری و فعالیت عملیه پرواز و دیگر علت‌ها تعیین خواهد کرد پیش بینی‌های علما و محققین برای حاصل نمودن پرواز بدون نشست بدورا دور زمین یک شکل جالب و ضروری را بخود گرفته است. ازین لحاظ بیک تعداد کثیر علما، تکنالوژیست‌ها، و طیاره سازان قسمت اعظمی قوه های علمی خود را

در ابتدا وقتیکه طیاره دیزاین می گردد بعد پرواز و سرعت آن در همان مرحله اول بصورت نظری تعیین میگردد و برای اینکه خواسته باشید هم طیاره سرعت داشته و هم بعد آن زیاد باشد، چون وزن طیاره‌ها این دو کمیت ارتباط مستقیم دارند در نتیجه آن وزن طیاره زیاد می گردد.

در عصر حاضر طیاراتی که وزن عمومی ابتدائی آنها (وزن اعظمی طیاره با تمام تجهیزات حربی و آزمواد سوخت پر شده) در حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ تن باشد از جمله نادرات نیست اما باید گفت که مواد سوخت این چنین طیارات ۵۰ الی ۶۰ فیصد وزن اعظمی طیاره را تشکیل می‌دهد یعنی در حدود ۱۰۰ تن و زیاد تر از آن و هکذا باید گفت که این ذخیره هنگام سوخت کیمیایی در طیارات جت عصری امروزی فقط برای چند ساعت محدود اکتفا می کند.

زیاد شدن سرعت‌ها باعث زیاد شدن مصرف جدید محروقات می گردد و متقابلاً بعد پروازها مختصر می‌شود در نتیجه طیاره که هم سرعت زیاد داشته و هم بعد پرواز آن زیاد باشد تبدیل به یک تانک تیل برنده می گردد.

حالا بینیم که تعاملات اتمی چه خصوصیت دارد.

در صورت تعاملات هسته‌وی، تجزیه هسته‌های اتمی رخ میدهد و در اثر آن حتی ثقیل ترین ذرات اتمی تجزیه گردیده و یک مقدار انرژی هنگامی را که در خود بصورت ذخیره میداشته باشند بشکل انرژی هسته‌وی بدست می‌دهند. مقرر میدهند. لهذا بهین مناسبت در صورت عملیه انبساط هسته‌های اتمی از یک کیلو گرام مواد اتمی انرژی که حاصل می گردد نسبت به انرژی که از یک کیلو گرام کراسین حاصل میشود به میلیون‌ها مرتبه زیادتر می باشد.

در طیاراتی که با اجن های اتمی مجهز باشند وزن مواد اتمی که در طیاره مصرف می گردد بیک الذازه ناچیزی

دریگی از کنفرانس های . و .
 کورچاتوف (عالم زیر دست قزیک اتحاد
 شوروی) گفت که از انجن های اتمی
 نه باید تنها در استیشن های برقی و
 کشتی ها استفاده گردد بلکه لازم است
 که ازین انجن ها در دیگر ساحه ها از
 قبیل هوا بازی، و ترانسپورت زمینی نیز
 استفاده گردد.

مسئله استعمال انرژی هسته وی
 در انجن های هوایی از جمله مشکلترین
 مرحله ایست که تا هنوز لاینحل مانده
 است. اما پیشرفت سریع فزیک هسته وی
 و انرژی تیک برای ما امکان میدهد که
 ساختمان طیاره های اتمی از مرحله
 تحقیقات علمی و اساسات نظری آهسته
 آهسته به مرحله ساختمانی، محاسبات
 الجنیری و تجارب عملی پیشرفت نموده
 است.

بعضی از نقشه های ممکنه
 انجن های اتمی هوایی:
 تفاوت پرنسیپی که در بین انجنهای
 اتمی هوایی و انجن های جت موجوده
 وجود دارد این است که حرارت برای
 گرم نمودن هوایی که از انجن اتمی

عبور می کند در اثر احتراق کراسین
 و یا بنزین نخواهد بود بلکه این عملیه
 در صورت تعاملات هسته وی که در
 راکتور (کوره اتمی) اجرا می شود
 صورت خواهد گرفت. امکان قوی می رود
 که راکتور انجن های اتمی هوایی
 از نقطه نظر ساختمان و پرنسیب فعالیت
 مشابهت زیادی به راکتور انجن های
 اتمی استیشن برقی اتمی و کشتی های
 اتمی خواهد داشت. بعد از اینکه در
 سال ۱۹۴۶ میلادی یک سلسله مسایل
 نظری بعضی دستگاهای قوه ثنی (انجن)
 اتمی حل گردید فوراً اشکال مختلفه
 انجن های اتمی با راکتور هسته وی
 روی دست گرفته شد. و از آن جمله بروی
 نقشه های مستقیم جریان، جت و
 مایعی، توربین دار و کامپرسور دار
 و غیره کار کرده شد.

هكذا نظریه های مختلفی داده شد
 که انجن های پستوندار اتمی و
 انجنهای جت اتمی ساخته شوند و
 درینصورت از منابع رهبری شده ذرات
 منقسمه هسته باید استفاده عملی بعمل آید.
 از اکثر این نقشه ها به نسبت اینکه

ساحه عملی نمودن شان غیر ممکن بود
 صرف نظر گردید و فیصله گردید که
 نقشه های انجن های جت موجوده ضمیمه
 با یک راکتور قوی که دارای ابعاد
 خورد باشد. امکان عملی بیشتر دارد.
 مثلاً انجن جت توربین دار که
 با مواد اتمی فعالیت میکند شکل مقابل
 تقریباً باید تمام قسمت های اصلی انجن
 عادی جت توربین دار را داشته باشد.
 یعنی :-

- ترتیبات دخولی هوا

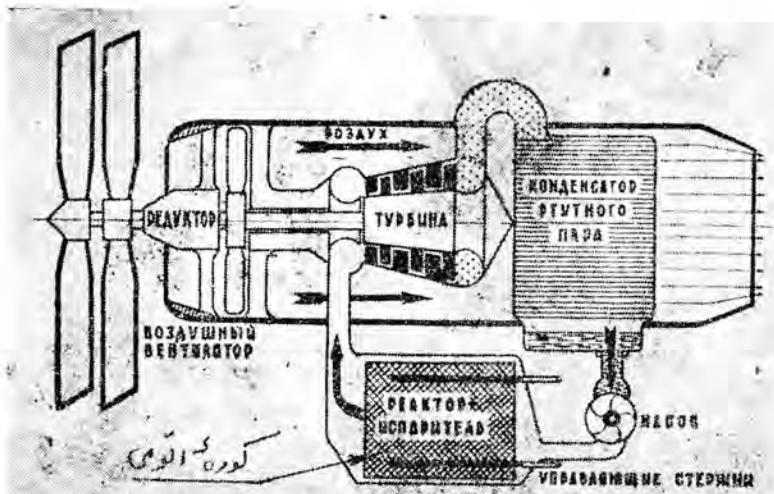
- کامپرسور هوایی

- سوپرویجت (ساختمانی که از آن
 گاز های سوخته خارج گردیده و قوه
 کشش در آن تولید می شود).

طوری که مشاهده می گردد فقط
 عوض کامره های احتراق در انجن
 اتمی تبدیل کننده حرارتی برای انتقال
 حرارت از راکتور هسته وی موجود
 می باشد.

بداخل راکتور عکس العمل زنجیری
 البساط مواد اتمی (اوران - ۲۳۵)
 صورت میگردد که مقدار لازمه حرارت
 از آن حاصل گردیده و مایع که رول
 انتقال دهنده حرارتی را اجرا می کند
 توسط همپ مخصوص همپ کرده شده
 و حرارت را از راکتور به هوایی که
 از انجن عبور می کند انتقال می دهد.

هوای انموسفیری از راه ترتیبات
 دخولی انجن به کامپرسور داخل گردیده
 و تا اندازه لازمه منقبض می گردد بعد
 از بین سیخ های داغ شده تبدیل کننده
 حرارتی گذشته و حرارت آن فوق العاده
 بلند می رود یعنی هوای مذکور دارای
 انرژی حرارتی می گردد و در صورت
 گذشتن از توربین یک مقدار انرژی خود
 را برای توربین جهت بکار انداختن
 کامپرسور داده و بعداً همین هوای گرم
 شده با یک سرعت سرسام آوری از سیلوی
 انجن خارج گردیده و با نتیجه قوه
 کشش جت را بر حسب معمول تولید
 می کند.



شکل پرنسیپی انجن اتمی پرواندار که من حیث
 انتقال دهنده حرارتی در آن بجای آب شده

در سالهای نبرد



قسمت دوم

او کراهن مبدل گردید و همچنان منطقه مجاور بلوروسی بقوماندالی م. ب. کونالوف تبدیل به جبهه شد. بعد از آن لحظه که از طرف شب و لوله از طرف روز روی آسایش را ندیدیم. وظیفه داشتیم تا نیروها را با سلاح و وسایل تکنیکی، مجهز نمائیم و آنها را در مناطق معین متمرکز و جاگزین سازیم در منطقه بیرگا، اولیوسک بیلو کورد وچی قول اردوی مستقل پیاده نمبر پانزده تمرکز داده شد؛ در منطقه نوو وگرا - وولیشسکی، سلاوتا، شهبیتوفکا - قوای نمبر پنج، در منطقه کوبیل، سوتالوف، بروسکوروف، قوای نمبر شش، در منطقه گوسباتین کامینیتس - بودولسکی نووایاوشیتسایارمولنتس قوای نمبر دوازده جاگزین ساخته شد در بخش سرحدات رومالی قوای نمبر سیزده جایجا گردید ریاست ارکان جبهه به بروسکوروف انتقال یافت من در آنوقت زیر دست جنرال ف. م. زلوبین رئیس شعبه عملیات معروف خدمت بودم.

همزمان با این وضع شایع گردید که حکومت پولیند در رومانیایناهاگامی برای خویش یافته است. این حادثه حالت موجوده را تغییر داد و این امیدواری را که شاید در پولیند مقاومت جدی بالمقابل نیروهای مهاجم آلمانی صورت گیرد تقریباً از میان برد. دولت پولیند و اردوی آن نتوانستند امنیت مردم پولیند را تضمین نمایند.

درین موقع پرازسولیت دولت ما برای حمایت مسالمت آمیز ساکنین اوکراین غربی و بلوروسی غربی فیصله ای بعمل آورد و آنرا به نام جهان اعلام نمود و نیز اعلان گردید که ما از تمام وسایل مکنه بخاطر نجات تمام مردم پولیند ازین جنگک تولید استفاده خواهیم کرد.

بمنظور تضمین اجرای این فیصله یک سلسله اقدامات نظامی نیز صورت گرفت. جبهه اوکراین دستوری دریافت داشت که براساس آن باید تمام نیروها روز ۱۶ جولای برای هجوم قطعی آماده میشدند و بتاريخ ۱۷ جولای از سرحدات کشور عبور مینمودند. دسته شهبیتوفکا بسر کردگی سودیتیکوف مامور گردید تا بر روفنولوتسک یورش ببرد و در ختم روز دوم لوتسک را اشغال نماید. هدف دسته فولوچیسکک بسر کردگی و. ا. گولیکوف، تیرنوپول و لفوف قرار داده شد و باید در آخر

روز اول جولای در مسکو جلسه فوق العاده شورای عالی اتحاد شوروی داهر گردید و طی آن فیصله بعمل آمد تا قانون عسکری عمومی مورد تطبیق قرار داده شود.

روز سوم جولای فرانسه در انگلستان بر ضد آلمان اعلان جنگک دارد. ... طی تلگرافی دستور داده شد تا ترخیص آن افراد اردو که مدت خدمت شان بپایان رسیده معطل قرار داده شود و همچنان رخصتی منصبداران ممنوع قرار داده شد. در شش منطقه عسکری یعنی مناطق عسکری لیتنکرا، کالینن مسکو، خارکوف و دو منطقه خاص کیف و بلوروسی تمام قطعات و تشکیلات و شبکه های مواصلات و مخابرات بحال تیاری در آورده شدند.

برای اینکه هتلر ناگزیر شود جنگک را در پولیند خاتمه دهد داخل شدن فرانسه و انگلستان در محاربه ضروری بود اما بعد از آن چه واقع میشد؟ آیا آلمان نیروهای خود را بطرف غرب انتقال میداد و یا اینکه ... این نیروها بطرف شرق سوق داده میشدند؟

بعد از دور وزمکن شد تا باطمینان گفته شود که نیروهای اساسی اردوی پولیند در جناح جنوبی جبهه پولیند آلمان نابود گردیده و قوای زره پوش آلمان بجهت وارسا روی آورده است. ریاست ارکان منطقه عسکری کیف دستور گرفت تا تطبیقات بزرگی را با شتراک تمام نیروها و تاسیسات عسکری با جلب نیروهای احتیاطی براه اندازد. روز هفتم جولای بحیث اولین موعد تطبیقات تعیین گردید.

جبهه پولیند روبه تقوط میرفت. حکومت مونت سیتسکی از هم ناشیده شد. روز هفتم جولای ریدرز سمیکلی قوماندان عمومی اردوی پولیند وارسا را ترک گفت. در اواخر روز دیگر شایع گردید که تانکهای آلمان دریای دیوارهای پایتخت پولیند مشغول بیکارند. اهالی سرسختانه از وارسا دفاع بعمل آوردند. اما وضع در سایر نقاط کشور روبه خرابی میرفت. حال اوکراینی ها و بلوروسهایی که در پولیند میزیستند هر لحظه پیچیده تر و دشوار تر میگردد ...

بقوماندالی قوای منطقه ابلاغ شد تا برای حرکت بسوی اوکراین غربی آمادگی گرفته شود. منطقه عسکری کیف در تحت فرماندهی مارشال س. ک. تیموشینکو به جبهه

روز ۱۸ جولای بوسک و بیریحیلیانی را در تصرف آورد یعنی مستقیماً به لفوف نزدیک شود. دسته کامینیتس - بودولسکی بسر کردگی ا. و. تیولینف موظف گردید تا بطرف چیرتکوف حرکت نماید و روز دوم ستانسیلاو را اشغال نماید.

راه‌ورهای واصله از سرحدات پولینداکی ازین بود که: سیلی از قطعات شکست خورده پولیندی از طریق لفوف - تیرلو پول بجهت شرق رویه رومانیا در حرکت اند. اما نیروی باقیمانده که به کمبود شدید اسلحه دچارند، دیگر از چوکات اداره خارج گردیده‌اند. آلمانیها به لفوف نزدیک شده و شهر را از سمت جنوب مورد تهدید قرار داده‌اند، اما دست شمال روی دریای هوگ غربی با یکارهای خولین مواجه اند. از وضع چنین استفاده میشود که از اینهمه اقدامات بخاطر دست بردن یکارهای ایجابی و مؤثری صورت میگیرد. قطعات سواره پولیند در نزدیکی سرحدات کشورمانمایان گردیدند. ماشیندارها در تمانه های نزدیک بودولوچیسک لصب کرده شدند.

شب ۱۷ جولای در مرکز تصرف قوای لمر شش قرار داشتیم و در آنجا همانطوریکه الدکی قبل از شروع حوادث بزرگ معمول است، فضایی برای تفت و پراگندگی حاکم بود. دستگاه های تلیفون هر لحظه زنگ میزدند و فرستادگان فرقه‌ها طور بهم ظاهر و ناپدید میشدند. . . . زمان آنقدر به کندی میگذشت که نمیشود توصیف کرد.

سرانجام موعد معین دستور عبور از سرحدات فرا رسید و درست بساعت پنج امر صادر شد و نیروها بحرکت آغاز کردند. نخستین سوالات ناراحت کننده شروع شد و اولین راه‌ورها از سرزمین پولیند رسید:

— در هیچ نقطه بمقاومت منظم مواجه نشدیم . . .

— نیروها موقفانه در حرکتند. در بنای امتیشن بود و ولوچیسک هدیه بزرگی از افراد و افسران قوای پولیند باسارت گرفته شدند و یکتعداد ماشیندار و انواع دیگر اسلحه نیز بدست آمد . . .

— در هر جادسته‌هایی از فراریان که افراد عسکری نیز در بین شان وجود دارند، بنظر می‌رسند
پس از لحظه‌ای ریاست ارکان قوای لمر شش نیز بجهت مقابل حرکت کرد، اما من شامگاهان برای تقدیم راه‌ور خود از چگونگی موقف بر ریاست ارکان جبهه برگشتم.

هنوز شام نخورده بودم که زلوهین مرالزد خود خواست :
— باید در وظایف محول شده به دسته نیروهای شهبیتوفکا یک اندازه تعدیل صورت بگیرد .

و این تعدیل را روی نقشه نشان داد و گفت که اداره ارکان این دسته در «روفنو» قرار دارد و پاکت مهر شده‌ای را که حاوی نامه‌ای بود بدستم سپرد و در ختم سخنان خود گفت:

— راه را خوب بررسی کن. تمانه‌های سرحدات را بجهت علامت قابل اعتماد نزد خود قرار بده. باید هنگام سپیده دم در «روفنو» باشی!

بعوتر کوچک «فورد» نشستیم و بسرعت به «سلاووتا» جاهی که تولی ژاندارم سرحدی قرار داشت رسیدیم. از آنجا تا تمانه سرحد با من همراهی کردند و خوردن غذا بطی را که با ماشیندار مسلح بود بجهت رهنما در اختیارم قرار دادند و ماشیندار خفیف دیگری را بخودم سپردند و علاوه برین بهر کدام ما سه عددیم دستی دادند: ترس سودی ندارد. راه پراز دسته‌های پراگنده سواران است، راهزنان عادی نیز در گوشه و کنار حرکت دارند. خوردن غذا ببدون از دست دادن فرصت ماشیندار را روی پایه سوار کرد و در پهلوئی راننده جا گرفت. اما من با ماشیندار خود در سیت عقبی موتر نشستیم هنگامیکه از سرحد گذشتیم تاریکی پرده افکنده بود معلوم شد که رهنما به پیش از ۳-۴ کیلومتر از آنطرف دریای گورین آشنائی ندارد. ناگزیر راه را از روی نقشه تعقیب کردیم اما بزودی راه گم شدیم. گرچه قلیاً میتوانستیم راه را بخاطر بیاورم اما واضح شد که راه‌های موجود در طبیعت بهر آنکه بیش از آنست که روی نقشه نشان داده شده و مخصوصاً در تاریکی شب تصور میکنی که راه اصلی را پیدا کرده ای و میروی و میروی . . . اما ناگهان بمزرعه تاریکی میرسی که خالی از مردم بنظر می‌رسد و نمیتوانی در پیرامون خود انسانی را ببایی .

ه چگونگی وقت اضافی باقی نمانده بود. وضع بعدی تیره بود که احتمال داشت در سالدن پاکت تاخیر روی دهد. ما در کشور خود بادهکنده های بزرگی که همیشه پراز انسانهاست و در راهیابی کمک می نمایند عادی شده ایم، اما در پنجاه قریه ای بنظر می‌رسد و نه مردمی .

با وجود این تصمیم گرفتیم تا هر طور میشود در کشتزارها شخصی را ببابیم و راه «روفنو» را از وی بپرسیم. سرانجام به مزرعه ای رسیدیم، اما احدی بصداها و دق الباب های ما جواب نداد، از آنجا بمزرعه دیگری که روشنی خیره‌ای از آن بچشم می‌رسید روان شدیم، ولی هنوز بسیار نزدیک نشده بودیم که روشنی خاموش شد. در پیشروی ما مانعی بلند و خانه‌ای ساخته شده از گنده های درخت که شباهت به قلعه‌ای داشت قرار گرفته بود فقط یک دریچه از آن بطرف راه باز میشد.

دریچه را کوبیدیم . . . خاموشی بود . . . بار دوم در زدیم اما بدون فائده .

به خورد ضابط گفتیم:

— باید از دریچه داخل شویم!

دریچه را باز کردم و با چراغ دستی اطاق را روشن ساختم، کاملاً خالی بود. هر قدر صدا کردم کسی جواب نداد. حرف خود را تکرار کردم:

— باید داخل شویم!

مگر قبل از آنکه از دریچه وارد اطاق شویم، مرد سالخورده در حالیکه خاموشانه دستان لرزان خود را بالا گرفته بود، در آستانه در ظاهر شد .
(بقیه در صفحه ۷۴)

افریقای جنوبی

نگرورا مردمان بائتوزبان دربرمیگیرد آسیائیمارا مردم هندو و مسلمان های هندی تشکیل میدهد که زمالی به منظور تریبه درختان را بر و بعدا بصورت مهاجرت باهن خاک آمده اند مذهب سفید پوستان و یکعده نگرورها را مذهب مسیحی ولسان رسمی را زبانهای انگلیسی و افریقائی تشکیل میدهد .

وضع اجتماعی : اداره حکومت و موسسات اقتصادی در افریقای جنوبی بدست اقلیت های سفید پوست است . سفیدپوستان و آسیائیماعوماً در شهر زیست نموده و نگرورها تسماً در آرام های سفید پوستان و نزدیک معادن و عده شان بصورت قبیله ها در اطراف مملکت و جنگل ها زیست دارند .

موقعیت و مساحت : جمهوری افریقای جنوبی (سابق عضو دول مشترك المنافع برطانیه بود قسمت جنوبی براعظم افریقا را بحر اطلس و بحر اوقیانوس هند پوشانیده و یا احاطه کرده است این مملکت شامل چار ولایت است (۱) ولایت راس اسبله (۲) ایالت ناتال (۳) ایالت ترانسوال و (۴) ایالت آزاد لرچ است و مساحه افریقای جنوبی ۸۸۶،۰۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن به ۱۹،۲۱۵،۰۰۰ نفر میرسد .

سرزمین اقلیم و وضع اقتصادی افریقای جنوبی سرزمینی است که از زیباییهای طبیعت بصورت فراوان برخوردار بوده دارای اقلیم خیلی خوب یعنی زمستان و تابستان آن معتدل است سطح مرتفع داخلی قسمت اعظم این خاک را پوشانیده بلندی آن تقریباً به ۴ الی ۶ هزار فوت بالغ میگردد .

گوسفند مویشی و غله جات به پیمانله زیادتر تریبه و تولید میگردد در منطقه علف زارهای شمال ترانسوال گروگر واقع است که با حیوانات عجیب خود هزاران تماشاچی را بطرف خود جلب می کند . و در قسمت های کوهستانی دماغه امید زراعت انگور به پیمانله زیاد صورت میگیرد . با وجودیکه زراعت در اقتصاد این مملکت رول زیاد دارد . ولی معادن و صنایع پیشرفت زیاد نموده در افریقای جنوبی معدنیات بکثرت یافت می شود از قبیل طلا و العاس بورانیم ذغال سنگ و آهن ، مس و دیگر معدنیات قیمتی این مملکت را ازین ناحیه در براعظم افریقا بدرجه اول قرار میدهند استخراج معادن و صنایع ثقیل بیشتر در اطراف شهر ژوهانسبرگ ترالسوال شهرهای ساحلی کیپ تاون در بان و بندر الیزابت جمع شده اند .

مردم ، مذهب ولسان : در افریقای جنوبی تقریباً ۱۹ میلیون نفر شامل چهار نژاد عمده و کلتور مختلف زندگی میکند . از جمله همین جمعیت فوق الذکر سه و نیم ملیون آن اروپائیمای سفید پوست و بیش از (۱۱) نیم ملیون آن نگرورها و در حدود دو نیم ملیون آسیائیمای و نژادهای مخلوط اند .

اروپائیمای سفید پوست نیز بدو گروه مشخص تقسیم گردیده اند یکی افریقاهای که از نژاد هالندی ها بوده و تعداد شان ۶۰٪ سفید پوستان را احتوا میکند و دومی برطالوی ها . زبان برطالوی ها را انگلیسی و از افریقاییان را افریقائی که به هالندی شباهت دارد ، تشکیل میدهد اکثریت افریقائی های



منظره از تهرنات سهرتی برای تقویه وجود روح ، بین

رابطه و مناسبات بین مردم نژادهای مختلف افریقای از پیچیده ترین مسائل آن سرزمین است بقرار قانون سیاه پوستان حق تصاحب زمین ، انتخاب در پارلمان ، حرکت از یکجا به محل دیگر بدون اجازه و زندگی در نزدیک سفید پوستان را ندارند .

تاریخ و سوابق آن :- قبل از سال (۱۹۶۰) میلادی این مملکت بنام اتحادیه افریقای جنوبی سما بود و در سال (۱۹۱۰) این اتحادیه از ملحق شدن دو مستعمره ساحلی برطانوی (دماغه امیدونتال) با سرزمین های آزاد افریقا (ترالسوال و ایالت آزاد آرنج) بوجود آمده و در سال ۱۹۶۰ این مملکت بنام افریقای جنوبی سما گشت .

حکومت :- در ماه می (۱۹۶۱) تحولی در سیاست افریقای جنوبی بوجود آمده و در این سرزمین سیستم حکومت جمهوری بوجود آمد و خود را از عضویت دول مشترک المنافع برطانیه خارج ساخت .

با این کار سلطه سیاسی پنجاه ساله انگلیس در افریقای جنوبی خاتمه یافت .

اداره حکومت بدست صدر اعظم بوده و مشا را لیه نزد شورای ملی آن کشور مسئولیت دارد همه اعضای پارلمان را سفید پوستان تشکیل میدهند . در سال (۱۹۵۹) قانون اپارتیست یعنی تبعیض نژادها تصویب شده و به موجب آن (۷) عضو افریقائی پارلمان از پارلمان اخراج گردید .

معارف :- مسئولیت تعلیم و تربیه اطفال ابتدائی و ثانوی و سفید پوستان بدست حکومت های محلی بوده و حکومت مرکزی مسئولیت تعلیم و تربیه افریقائی ها را بدوش دارد و برای اطفال هر نژاد مکاتب جداگانه وجود داشته ولی قانوناً مکاتب صرف برای اطفال سفید اجباری است . یک عده زیاد اطفال افریقائی بمدارسی که توسط موسسات مذهبی مسیحی باز شده اند

شامل میباشد .

افریقای جنوبی دارای (۹) پوهنتون بوده از جمله در چهار آن لسان درسی را انگلیسی تشکیل میدهد .

علاوه ازین پوهنتون ها اخیراً دو پوهنهی دیگر نیز در افریقای جنوبی باز شده است .

جمهوریت افریقای مرکزی :-

موقعیت و مساحت آن :- قبل از سال ۱۹۵۸ میلادی جمهوری افریقای مرکزی بنام منطقه استوائی افریقای فرانسوی یاد میشد این جمهوری در قلب افریقا و از چهار طرف به خشکه محاط شده وسعت خاک آن به اندازه بزرگی خاک افغانستان است طرف غرب آن را کامرون طرف شمال آن مملکت چاد و طرف شرق آنرا سودان و طرف جنوب آنرا جمهوری های کانگو احاطه نموده اند .

وضع طبیعی آن :- جمهوری افریقای مرکزی از یک سطح مرتفع بلند و فراز و نشیب دار متشکل است . کوه های سمت شمال در حدود (۶۰۰۰) فوت ارتفاع داشته و قسمت های جنوب آن با جنگلات انبوه استوائی مستور است یو بالنگی (یکی از معا و این دریای کالگو) و هم چنان شاری از دریا های قابل ذکر آن سرزمین اند . اقلیم آن بصورت عمومی سوزان و مرطوب است . مردم - لسان و مذهب آن :- افریقای مرکزی تقریباً دارای یک میلیون نه صد هزار جمعیت بوده که در حدود (۷۱۰۰) نفر آن اروپائی میباشد هر یکی از آنها دارای لسان مخصوص بخود بوده و لسان مشترک که از طرف تمام اهالی تکلم میشود بنام سائو یاد میشود .

لسان فرانسوی زبان رسمی را تشکیل میدهد . اکثریت مردم از نگاه مذهب آینمست بوده و عده هم پیرو مذاهب اسلام و عیسوی اند .

شهر ها :- شهر بالکوئی پایتخت آن مملکت بوده تقریباً

عمولاً از تعلیمات
سپورتی جودو در
کورس سپورتی
ق، ا، ق





صحنه از تمرینات عسکری قطعات اردوی امریکادرسال ۱۹۵۰

(۸۹۰۰۰) هزار نفر در آن زیست میکنند، و با ماری و بوسامبو شهرهای مهم دیگر آن سر زمین اند که در حد و د (۲۵۰۰۰) نفر در هر یکی از این شهرها زندگی میکنند. حکومت :- سیستم حکومت افریقای مرکزی جمهوری است رئیس حکومت و رئیس دولت هر دو است. قوه مقننه عبارت از یک مجلس اسمبله ملی است که اعضای آن مستقیماً از طرف اهالی انتخاب میگردد.

اوضاع اقتصادی :- اقتصاد این مملکت بیشتر بالای زراعت متکی است تولیدات مهم صادراتی را قهوه و پنبه تشکیل میدهد. حتی پروگرام بوجود آوردن صنایع لیز از طرف حکومت سردست گرفته شده است ماشینهای باربندی موجوده پنبه ظرفیت سالانه بیش از (۴۰) هزار تن باربندی پنبه را دارد.

تعلیم و تربیه :- در حدود یک ربع اطفال قابل شعول به مکتب اند و در حدود (۹۷) فیصد شاگردان را مشمولین مکاتب ابتدائی تشکیل میدهد.

تسهیلات برای مکاتب ثانوی خیلی محدود بوده پوهنتون هم تا کنون در آن سرزمین بوجود نیامده است. سیستم تعلیمات را سیستم فرانسوی تشکیل میدهد.

تاریخ سیاسی :- این قسمت افریقا در اواخر قرن (۱۹) میلادی از طرف فرانسویها به منظور توسعه مستعمرات شان بتصرف دولت فرانسه در آمد و از سال (۱۹۱۵) تا ۱۹۵۸ میلادی جمهوری افریقای مرکزی که بنام یوبانگی - شاری یاد میشود از چهار مستعمره افریقای استوائی فرانسه را تشکیل میداد در ماه دسمبر (۱۹۵۸) یوبانگی - شاری استقلال خود را بنام جمهوری افریقای مرکزی در داخل اتحادیه فرانسه اعلان نمود این جمهوری در ماه اگست (۱۹۶۰) با استقلال تام لائل گردید و مناسبات خود را هم چنان با فرانسه ادامه داده است.

بقیه در سالهای نبرد

آشنایی من بزبان پولیندی خوب نبود... کوشیدم کلمات نیمه فراموش شده پولیندی را بخاطر بیاورم، بسخن ادامه دادم، مثل این بود که قصداً میخواهم کلمات غیر ضروری را بخاطر آورم. بهر حال پس از کمی تلاش توانستم به پهر مرد توضیح نمایم که مادر جستجوی راه «روفنو» میباشیم.

پهر مرد اندکی آرام شد و بسرعت زیاد در حالیکه پولیندی را به او کراهنی می آمیخت و بادستان خود اشاره میکرد بسخن آغاز نمود، بانقشه آشنایی نداشت و من هم نمیتوانستم درین مورد با وی کمک نمایم و وقت همچنان میگذشت.

از پهر مرد خواهش کردم تا با ما برود... با خورد ضابط از زیر بغلش گرفتیم و در موتور لاشالدم. بعد از چندین دوره و گذشتن

از خم و پیچهای جنگل برایی که منجر به «روفنو» میگردد رسیدیم. پهر مرد را از موتور فرود آوردیم. او در حالیکه خم و راست میشد از ما تشکر میکرد و ما هم بنو به خود از او تشکر کردیم.

تقریباً بعد از دو ساعت به «روفنو» رسیدیم. اداره ارکان در بنایی که سابقاً تعمیریک مکتب ثانوی بود قرار داشت. بدین ترتیب توانستیم وظیفه محوله خود را در همان وقت معین انجام دهیم.

بادیدن آفتاب آماده برگشت شدیم. سفر از طرف روز چه خوشایند است. هر چیز در کمال وضاحت بچشم میرسد. در طی راه معلوم شد که نقشه خوب رسم شده بود و راهها کمتر از آن بود که ما تصور کرده بودیم. اندکی قبل از ظهر همان روز بریاست ارکان جبهه رسیدیم. (دوام دارد)

۲ - برنده جایزه طب از طرف استیتو کارولین استنکم
انتخاب میشود .

۳ - برنده جایزه ادبیات را اکادمی سوئد انتخاب میکند .
۴ - برنده جایزه صلح از طرف یک کمیسیون پنج نفری
منتخب به وسیلهی مجلس شورای ملی لروژ تعیین میشود .
چهار جایزه اول طی مراسم باشکوهی از طرف پادشاه
سوئد به برندگان اهدا میگردد و جایزه صلح را پادشاه لروژ
در مجلس ملی این کشور به برندگان میدهد .

نوبل در سال ۱۸۹۶ درگذشت و پنج سال بعد یعنی ۱۹۰۱
برای اولین بار جایزه نوبل در پنج رشته بین افرادی که
شایسته دریافت این جایزه تشخیص داده شده بود لند توزیع
گردید و مادر اینجا تنها به جایزه ادبی نوبل و تاریخچه مختصر
آن اشاره ای میکنیم :

اولین نویسنده ای که بدریافت جایزه ادبی نوبل موفق
گردید (سولی پرودرم) شاعر فرانسوی بود که امروز شاید
در مرز فرانسه نیز دیگر کسی به آثار او توجهی نداشته
باشد و تقریباً فراموش شده است. وی بسال ۱۹۰۱ اولین
جایزه ادبی نوبل را دریافت داشت. میتوان گفت که برندگان
جایزه ادبی نوبل را بیشتر نویسندگان اروپائی تشکیل میدهند
و در میان آنها نویسندگان آلمانی و فرانسوی مقام اول را
احراز کرده اند .

معروفترین نویسندگان آلمانی سومن (۱۹۰۲) و توماس
(۱۹۲۹) هستند ، نویسنده اخیر با تفاق آرا از بزرگترین
نویسندگان قرن بیستم شناخته شده است . از معروفترین
نویسندگان فرانسوی «روسن رولان» (۱۹۲۵) «اناتول فرانس»
(۱۹۲۲) برگن (۱۹۲۷) آندره ژید (۱۹۴۷) و آلیر کامو
(۱۹۵۵) را باید نامبرد .

در سالهای اخیر نویسندگان امریکائی هم وارد مبارزه
شده اند اولین جایزه ادبی نوبل را از امریکارسینگر لوئیس
در (۱۹۳۰) ربود . سپس همینگوی ، فالکنر و چند نویسنده
دیگر امریکائی نیز موفق بدریافت این جایزه شده اند .

این جایزه فقط یکبار نصیب یک شاعر آسیائی شده است . این
شاعر را هندراتات تاگور شاعر ، نویسنده و فیلسوف بزرگ هندی
است که بسال (۱۹۱۳) موفق بدریافت جایزه ادبی نوبل شد .
تا اکنون فقط دو نفر بدریافت جایزه ادبی نوبل از اتحاد
شوروی لایل گشته اند یکی «اپورن بولین» (۱۹۳۳) و دیگری
«بوریس پاسترناک» .

در میان برندگان جایزه نوبل پنج نفر نویسنده زن نیز
وجود دارد که عبارتند از بانوسمالا گریفوئدی (۱۹۰۹)
بانو گردیستاده لدا ایتالیائی (۱۹۲۶) - بانو زیگرید اوندست
لروژی (۱۹۲۸) - بانو پرل یکه امریکائی (۱۹۳۸) و بانو
گابریله له میت رال از شیلی (۱۹۴۵) .

اودبار دلپینگه انگلیسی (۱۹۰۷) - موریس مترلینگ بلژیکی
(۱۹۲۲) - کنت هاسون لروژی (۱۹۲۰) - برناردشا و لوئیچی

پیرایدلو ایتالیائی (۱۹۳۴) را میتوان نام برد .

جایزه ادبی نوبل در نوع خود بزرگترین جایزه جهان محسوب
میشود و دریافت آن آرزوی طلائی هر نویسنده ای است .
و در اخیر شخصیکه درین اواخر از برنده جایزه صلح گردید
باید نام بیریم و آلهم ویلی برالت صدراعظم آلمان بنیان گذار
سیاست لوین اروپا (۱۹۷۱) میباشد .

پیغله منیره پوپل محصله صنف اول پوهنهی ادبیات !
نامه شما را از پوسته گرفته ام و مضمون (ای بهار شورانگیز
ترا دوست میدارم) که محصول ذوق و قریحه آن خواهر گرامی
بود از مطالعه ماگذشت انتظار داریم مضامین بهتر و شیواتری
از شما در دسترس ، قرار گیرد تا عندالموقع به طبع آن مبادرت
ورزیم از همکاری و لطف شما متشکریم .

بناغلی فضل الحق (شهبانی)

مقاله (سهم عسکر در راه آزادی) شمارا خواندیم ، واقعاً
مضمون خوب و درعین حال محلو از احساسات وطن پرستانه
بود اما با عنوان مضمون ارتباط و تماس اساسی نداشت و حتی
از سهم عسکر در راه آزادی بطور اشاره هم ذکر ی بعمل
نیامده است البته جای تردید نیست که ملت با شهادت افغان
بالعموم فطرت غیور و عسکر منشانه دارند اما کلمه عسکر
بصورت اختصاصی متوجه اردو و تشکیلات منظم آن است که
در مضمون شما از آن تذکری بعمل نیامده است بدینوسیله
انتظار همکا یهای دیگر تان را داریم .

بناغلی عبدالحمید پنجشیری محصل حربی پوهنهی !
مضمون (اردو در ازمنه قدیم) ارسالی شما قبلاً با تفصیل
کامل در همین نشریه مجله اردو طبع رسیده است عجلتاً از
لشر مکرر آن معذرت می طلبیم .

بناغلی محمد عارف (تسل) دکومالدو بریدمن !

(د نوی کال کالیزه) ستاسی ادبی پارچه ، داردو مجلی
دفتر ته را و رسید او دادی چه به تشکر سره نشر کوو :

محمد عارف تسل دکومالدو بریدمن

فهرستی کال ، کالیزه

پسرلی راغی ، نوی ژوندون شو
صورت دکمکی واره گلگون شو
۴. شینلو کبھی ساچلیدلی
د خاورومخ پری نیکی زرغون شو
په گلو سري شوي د غرو لغني
بی بنا یسته شوي وني او غني
هر خوا میلی دی د لازولو
وربائی کبیری خدا نیرویلیدی
کاروان د عطرو را کوچیلیدی
لری شمال دی تری چیلیدی
مستی او به ئی کوی ستاشینی
احساس د مینی پری تبتیلیدی

لغت پوست از کلمه (پوزی توس) یونانی گرفته شده
و معنی گذاشتن را افاده میکند که در آن وقت اسبها و قاصدان
در جاهای معین برای این کار گذاشته میشد.

در عصر ژول سزار سرویس نامه بری قلمر و حکومت مربوطه
وی دارای تشکیلات منظم و اساسی بوده گویند و نامه که
از برطانیه بروم نوشت یکی آن در ۲۶ روز و دومی در خلال
۲۸ روز به مراجع آن مواصلت کرد. ارسال و مرسل درین وقت
توسط سوارکاران دلیرو شجاع که اکثراً مربوط به شاهان
و سلاطین بوده اجراء میشد آنها طوری تربیه میشدند که
باقیمت جان شان نامه هائیکه بایشان تسلیم میکردید ارزشی داشت
و حتی در اوقات مهم و بحرانی که خطر به چنگ افتادن دشمن
محسوس میشد جلد بدن خود را پاره کرده و از آن جای مناسبی
برای حفظ نامه تهیه میداشتند. اطلاع را پور چه شفاهی و
چه تحریری مستقیماً به شاه برده می شد و اغلب اگر تعداد
قاصدان دربار کافی نمی بود یک تعداد مردمان تنومند و قوی را
اجباراً برای انجام این وظیفه جلب مینمودند. درین وقت عامه
از ارسال و مرسل محروم بودند در کلده و مصره هم نیز امور
سرویس پوستی مربوط سلاطین و شاهان بود. در افغانستان قدیم
نیز سوارکاران موظف به اجرای امور پوستی بوده و مکاتیب
را تا مرکز با خود برده و به سوار کار دومی تسلیم میدادند باین
اساس تارسیدن بجای مطلوب چندین سوار کار رد و بدل میشد
یونانی ها اجرای پوست را توسط قاصدان انجام میدادند
رومن ها در ساحه پوستی اندکی پیش رفته بودند گویند یک
قاصد رومی خبر بروز یک اغتشاش را در بلجیم بعد از سه روز
راه پیامی در گوش زمام دار دولت روم رسانید درین وقت
عراده های پوستی در تشکیلات سازمان پوستی روم علاوه گردیده
بود امپراطوری دیوک لیتان در اخیر قرن سوم نخستین شخصی
می باشد که به تاسیس سیستم پوستی بمنظور خدمات عامه
اقدامات چند نموده است و به تعقیب ازین مفکوره امپراطوری
های دیگر نیز سرویس های منظم و مرتب پوست رسائی را در
حوزه های تحت سلطه خود با بکار انداختند.

خلاصه ناظم و کشف کاغذ از طرف چینیه قرن (۱۳) تاریخ
پوست بصورت بکنواخت بوده بعد از روی کار شدن کاغذ
که ساحه ارسال مکاتیب و نوشتن نامه ها الکتشاف نموده
و این امر باروی کار آمدن ماشین چاپ توسط گوتن برگ
آلمانی خیلی وسعت پیدا کرده ادارات اشرافی در اکثر کشور
های اروپائی تاسیس و مجلات و روزنامه ها بطبع میرسید و آهسته
آهسته این وضع عمومیت پیدا کرده توجه میشد تا این نشریه ها
طبع شده و به خارج از مملکت شان ارسال شود روی این
مفکوره اولیای امور در اصلاح و دادن نظم صحیح به امور
پوستی اقدامات جدی میدارند و درین موقع است تبادل بین
یولیورستی ها رونق خاصی بخود میگیرد که در اخیر قرن
سیزدهم نخستین سیستم پوستی در فرانسه ذریعه یولیورستی
پاریس تاسیس گردید و در زمان لونی ۱۸ در پهلوی همه
تشکیلات اساسی مملکت توجه خاص در امور پوستی صورت
گرفت.

شبیم اورپری بر زهر و گلو
گله غوغا ده پری د هابلو
د سردارو مرغان راغلی
وائی سندی به وپارو بیکلو
نوی کلن، نوی مالیار دی
د زمانی یو، نوی بهار دی
سائی را ووالدی کره یک چامونه
د لحوالی مینه او نوی یار دی
د گلو ورم راغلی هر خوانه
باد د ختن له کوهستانه
هره لمعه ئی له نشو د که
(تسل) پری نشو جز له خانه
بناغلی خواجه بچ طالب (صدیقی) خورد ضابط از
فرقه ۱۱ تنگرها!

مکتوب لطف آمیز شما را از پوسته گرفتیم قدر دانی های
آن دوست عزیز از طرز کار و روش نشراتی ما هر چند که
کاری درخور ستایش نکرده ایم باز هم ما را متحسین میسازد
و از احساسات نیک تان تشکر میکنیم.

ضمناً یاد آور می شویم که تخلص صدیقی متعلق به بناغلی
ظریف صدیقی همکار این مجله است، و بهتر آن است که نام
دیگری برای خود تدارک فرمائید.

بناغلی عنایت الله وزیر از ورو ضابطانو بیوانخی!
مضمون تاریخچه پسته شما را خواندیم و اینک مطالب
جالب آن را درینجا از نظر خوانندگان مجله اردو نشر میکنیم:



در جرمنی برای اولین بار سیستم پوستی در نیمه اخیر قرن پانزدهم ذریعه (روگراول) و غیره تاسیس گردید و بعداً در زمان اقتدار پسر کونت این مفکوره توسعه یافته تا بالاخره در ۱۵۱۶ در اثر تقاضای مکس ملیان از برو کسل تاویانا ارتباط پوستی قائم گردید و در ۱۵۲۲ این ارتباط بشکل يك سرویس منظم درآمد تا (۱۵۹۸) يك شعبه پوست افتتاح شد و جاده مقابل این شعبه بنام جاده پوست موسوم گشت که تا امروز به آن نام یاد میشود .

در عصر فریدریک کبیر در موقع جنگهای ۷ ساله برای کسب اطلاعات کافی از محاذ جنگ میان مرکز و میدان های بهکار يك تعداد زیاد پوسته رسالهها بکار انداخته شد و همچنان در شهرهای لغت قلمرو جرمی موسسات خورد پوستی بصورت جدا گانه فعالیت آغاز نمود در ایتالیا تا ۱۵۲۱ تبادل مکاتیب شکل عام رانداشت و اکثراً بصورت افرادی کارشان را ازین ناحیه پیش می بردند ، آهسته ، آهسته جمعیت هائی بوجود آمد که این جمعیت ها امور پوست رسانی را بدوش داشتند اما از نگاه اداره تحت قدرت دولت قرار داشت .

در انگلستان در عصر سلطنت ادوارد سوم مسئله پوسته رسانی شکل خاص بخود اتخاذ نموده و در ۱۶۳۵ يك سرویس پوستی هام در بین لندن وایدن بره تاسیس گردید و برای اولین مرتبه يك سرویس هفته وار پوستی برای رسیدن نامه ها و مکاتیب رسمی و شخصی در داخل مملکت تاسیس گردید .

کشور پهناور چین در ساحه پوستی نسبت به سایر نقاط جهان پیشرفت زیادی کرده بوده در قرن (۱۳) شهر پکنک دارای يك موسسه قوی منظم پوستی بوده و از پکنک به کلیه لواحق و قلمرو این کشور بوسیله سرکهای کم عرض ارتباط پوستی برقرار بود و در هر فاصله ۳۰ یا ۴۰ کیلومتری بناهای کوچک اعمار گردیده بود . درین بناها چند سوار کار با آذوقه و سایر لوازم سفر همیشه آماده انجام وظیفه بودند تبادل بین این سوار کاران روی پروگرام معین صورت میگرفت این موسسه پوستی دولتی تقریباً در آن وقت ده هزار قرار گاه تعمیر نموده و در حدود ۲۰۰ هزار اسپ و قاصدان چابک با لباس مخصوص و کلاه زلک دار بسر داشتند .

این قاصدان قبل از رسیدن بقرارگاه با شوراندن سرزنکها را بصدا در آورده تا قاصدی داخل قرار گاه معطلی در کارش پیش نکنند خود را آماده سازند .

در قرن ۱۷ و ۱۸ فعالیت برای بهبود وضع پوستی بیشتر گردیده علما و اشخاص با تجربه درین راه از هیچ گوله جدوجهد خود داری نکرده سعی می ورزیدند تا راهها و طریقتهای جدید برای ارسال و مرسل مکاتیب در یابند مخصوصاً در اوقات بحرانی که ارسال مکاتیب ذریعه سوار از فاصله های دور مشکل و حتی ناممکن بود روزی میخواست نامه ها توسط بالون از يك منطقه به منطقه دیگری حمل شود اما چون سابقین آن زمان آنقدر موفق نبود تا بتواند بالونها را از تاثیرات جوی نجات داده به سمت دلخواه رهنمائی نماید . بعضاً در اوقات بحرانی ارسال مکاتیب ذریعه آب هاهم صورت گرفته . طوریکه در چندین مجرای آب دریا پوسته خانه اعمار و پوسته ها به

اجسام شناور بسته شده و بدینا پرتاب میگردد بدین مفکوره مخصوصاً در وقت محاربه پاریس از طرف هروس ها پیشنهاد گردیده بود . نسبت اینکه بعضی بندها و انهار مانع سمت حرکت اجسام فوق میشد چندان طرف علاقه واقع نگردد بدین جا مسئله سهمیکه در آن تماس میگوریم عبارت از ترتیب و اخذ نمودن مراسلات و مرسولات پوستی است .

اکثراً ممالک تا نیمه قرن ۱۸ برای مراسلات و مرسولات پوستی نظر بفاصله محصول واحد تعیین می نمودند هر قدر مسافه بیشتر میشد محصول نیز اضافه میگردد گرچه این وضع خنده آور است زیرا از يك نقطه ار سال بفاصله معین محصول يك نامه و يك بسته کوچک که شاید تا چند صد گرام فرق آن می بود هر دو يك چیز بود اما به آلمه این وضع سالیان متعادی دوام نمود . بالاخره به اثر تجربه متعادی يك نفر کارمند سرویس پوستی انگلستان که بعد از مطالعات زیاد به دولت پیشنهاد کرد که در حمل مراسلات می باید کمیت و وزن در نظر گرفته شود . بالاخره این پیشنهاد طرف قبول واقع گردید از این رهگذر دولت انگلستان درین راه پیشقدم و هم متعادی بیشتری بدست آورد و بعداً تمام ممالک از بن روشن پیروی نموده و مقادی و افری را ازین ناحیه بدست آوردند . اما در آن وقت رواج برین بود شخصیکه مکتوب می نوشت و ارسال عنوانی او میرسد قبل از تسلیم شدن مجبور بود محصول آنرا ببرد از این وضع مشکلی خلق نموده بود چه بعضاً کسی حاضر نمیشد مکتوبیکه به اسم او رسیده است با داد محصول تسلیم شود ولو از تسلیم شدن مکتوب که ممکن روزها در انتظار رسیدن آن بود رنج می برد و هم اینطور فکر میشد هولیکه برای گرفتن يك نامه پرداخته میشود آیا ارزش محتوی آن جیبیره خواهد کرد یا چطور . بعداً علما پیهم کوشیدند تا راه های اساسی برای بهتر ساختن سرویس های پوستی ویر و بله های متعلق آن دریا بند مخصوصاً درین راه خدمت « سررولاندهیل » که در عالم هست خدمات قابل و صفی را انجام داده و او این شخص است که موفق به اختراع و نشر و بکار افتادن تکت پوستی گردیده است . و باین اساس ساحه های زندگی را سهل و ساحه کره ارض را کوچک ساخته است بشر باین همه فعالیت های خسته ناپذیر خود باین نقطه اکتفا نکرده آرزوی های بهتر و سهل تری را در راه خدمات اجتماعی از جمله سیستم پوستی روی کار آورده است . در نظر است اگر روزی خدا بخواهد این همه راکت ها و اعمار مصنوعی طرف استفاده هست قرار گیرد گفته میتوانیم در عصر موجوده سالانه در حدود . بیشتر از میلیون مکتوب با بسته های کوچک پوستی از مرز های بین المللی میگذرد و سهولت آنقدر درین راه پیش گردیده که این هانه اجازه بکار دارد و نه لشان و نه علامت و این جریان چه در زمان صلح و یا جنگ جاری بوده هیچ موانع در پیش ندارد از بلند ترین قلل و طولین بن صحرا عبور میکنند برو یکی موانع عبور آن شده نمی تواند و بدون مالک از دستی بدستی محفوظ تسلیم داده میشود (پاهان) .



امضاء معاہدہ سلاح بیولوژیک

طبق اطلاع یک منبع وزارت امور خارجه حکومت افغانستان بتاريخ دوشنبه ۲۱ حمل ۱۳۵۱ مطابق ۱۰ اپریل ۱۹۷۲ معاہدہ منع سلاح بیولوژیک را امضاء نمود .

میباشد. زیرا این بار اول است که یکی از بیمانهای خلع سلاح نابود کردن ذخایر موجود بکنوع خاص اسلحه را دستور میدهد. امید چنین است که بعد از این هر بیمانی که در مورد هر نوع دیگر اسلحه جهانی معاصر عقد میشود از بین بردن ذخیره های را که قبلاً انکشاف داده شده نیز جزو دستاویز خود قرار بدهد، زیرا معنی یک خلع سلاح حقیقی جز همین بوده نمیتواند .

تبصره توضیح میکند که در پهلوی اسلحه میکروبی اسلحه هر تهلکه دیگر نیز وسیله فتنای دستجمع محسوب شود و آنرا اسلحه کیمیاوی میگوید که گازات زهر دار و گاز اعصاب جزء آنست. امید چنین است که روزی جهانیان مانند امروز شاهد امضای بیمانی در آن مورد نیز باشند .

این دو سلاح از وحشتناکترین اسلحه های محسوب میشوند که مانند تشعشعات کشنده اتمی امتیاز دوست و دشمن را نکرده حدود میدان محاربه را همیشه ناسند آنها حدود و سرحدات و حتی مناطق و قاره ها را همیشه ناسند و بدون کنترل انتشار و سرایت مینماید. ضرر های این سلاح یا اسلحه ضد انسان تصور ناپذیر است .

یک تحلیل دیگر توسط یکی از مفسرین (بقیه در صفحه ۹۶۸)

بامضاء رسید استقبال نموده و آنرا یک قدم عمده در داخل سلاح و عدم انتشار سلاح میکروبی محسوب کرد .
پود گورنی صدر شورای عالی اتحاد شوروی نیز ضمن بیالیه تقاضای یک میثاق بین المللی را نمود که اسلحه کیمیاوی را تحریم میکند . وی افزود که حکومت اتحاد شوروی مصمم است تا در راه انیل به خلع سلاح عام و تجدید اسلحه استرا تژی یک مساعی خود را دوام میدهد .

یک تبصره بر این معاہدہ میرساند که مطابق این معاہدہ تمام ذخایر اسلحه بیولوژیک زهر دار باید تا ۹ ماه بعد از انفاذ معاہدہ نابود گردد، هیچ کشوری بعد از آن نباید آنرا تولید کند یا نگهداری نماید یا از خارج بدست آورد .

کنفرانس خلع سلاح ژلیوالبته در خلال تقریباً یک دهه چندین معاہدہ را تحویل دفتر اسناد واجب الرعایة بین المللی نموده است که از همه مهمتر معاہدہ ۱۹۶۸ برای منع انتشار اسلحه ذروی میباشد که هر کشور را مکلف میدارد که اگر تا آنوقت اسلحه ذروی را بدست نیاورده بعد از آن آنرا تولید یا حاصل نکند .

ولی همان منع اسلحه بیولوژیک اگرچه حلقه اول این سلسله نیست اما از نگاه خلع سلاح مهمتر و کاملتر از همه

معاہدہ مذکور در تاریخ متذکره از جانب پنجاه کشور در مسکو، لندن و واشنگتن با امضاء رسید .

این معاہدہ که در کنفرانس خلع سلاح ژلیو مورد مذاکره قرار گرفته و از طرف اسامیله عمومی موسسه ملل متحد تصویب شده است انکشاف، تولید و ذخیره سلاح با کترو لوژیک و زهر آگین را ممنوع قرار میدهد .

طبق اطلاع فرانسس پرس از مسکو نمایندگان ایالات متحده امریکا اتحاد شوروی، انگلستان و ۴۷ کشور دیگر بتاريخ دهم اپریل ۱۹۷۲ میثاقی را که از طرف بیست و ششمین جلسه عمومی ملل متحد در مورد تحریم تولید و ذخیره اسلحه بیولوژیک و زهر دار تصویب شده بود امضاء نمودند .

این مراسم با اشتراک نیکولای بود گورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انجام گردید و اندری گرو میکو وزیر خارجه اتحاد شوروی ژاکو بیم سفیر کبیر ایالات متحده امریکا در مسکو و جان هیلیکه سفیر کبیر انگلستان در مسکو بنماینده گی از کشور هایشان این میثاق را امضاء نمودند

قرار یک خبر دیگر ریو تراژ لندن ادوارد هیت صدر اعظم انگلستان معاہدہ منع سلاح بیولوژیک را که بتاريخ دهم اپریل در مسکو، واشنگتن و لندن



مشاهدات ما از شفاخانه های اردو

تورن جنرال دو کتور محمد یوسف
سرطیب شفاخانه های اردو



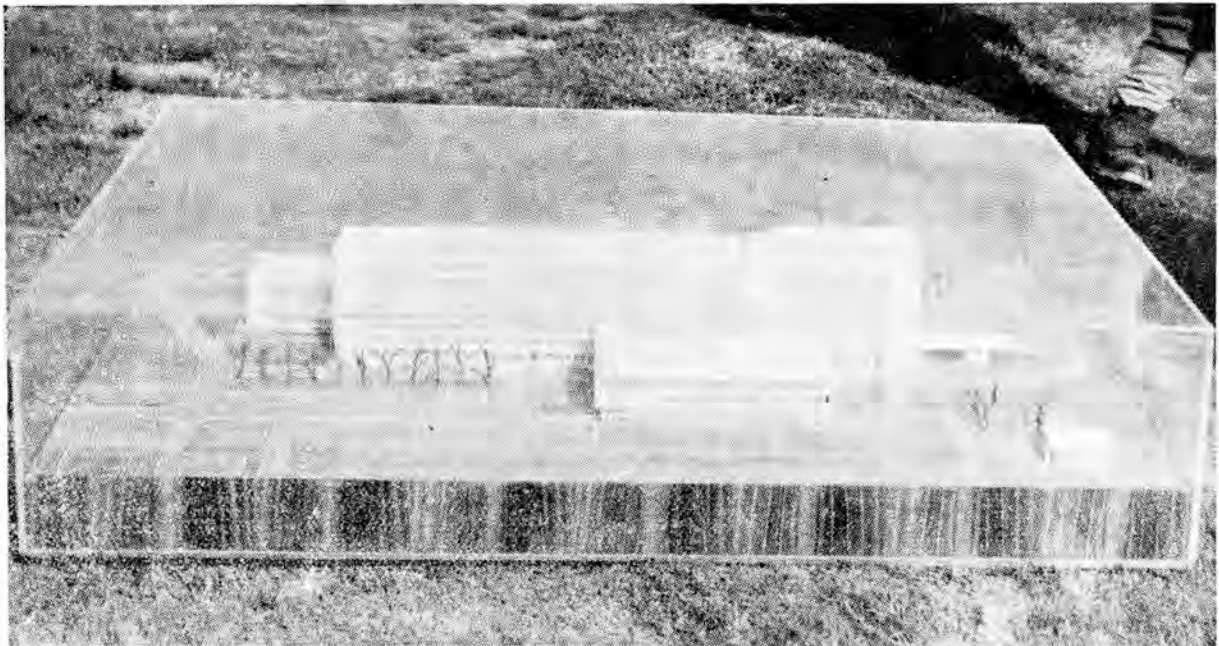
علاوه بر آن اردوی شاهی افغان در حال حاضر دو شفاخانه مرکزی فعال با داشتن سرویس های مجهز و سامان و آلات کافی تحت نظر متخصصین ورزیده افغانی صحت هزار ها فرد منسوب باردور او قایه و معالجه مینماید و در مواقع عاجل همیشه در خدمت همه مردم کشور قرار دارد .

شفاخانه چهارصد بستر اردو ، نخستین شفاخانه مدرن و مجهز کشور عزیز ما در دست ساختمان است و در همین یکدو سال آینده مطابق پروگرام کار

بعیث یک مضمون درسی مآموزد و هر فرد عسکر بطور عملی قادر توان با وقایه و اهمیت صحت خود آشنا میگردد .

امروز در هر تولی بکنفر عسکر بعیث نفر صحیه تولی ذریعه شفاخانه های غنڈیا فرقه رسالیده میشود ؛ در هر قطعه و بالآخره در هر فرقه شفاخانه ، داکتر ، معاون داکتر و نرس مؤظف وجود دارد ، تفتیش های صحی و کنترول وقایوی و معالجوی وقتاً فوقتاً طور دوامدار از محل های بود و باش افراد تامراکز تعلیمی صورت میگیرد .

برای تجلیل از روز بین المللی صحت که تحت شعار (قلب شما ، صحت شماست) مورد تکریم و بررسی قرار گرفت فرصتی دست آمد تا از شفاخانه های اردو دیدن نمائیم . اردوی شاهانه با در نظر داشتن اهمیت طب وقایوی و معالجوی در حال حاضر چه از لحاظ پرسونل طبی و چه از لحاظ جای و کدر تخصصی معالجوی تا اندازه غنی است ، امروز هر صاحب منصب هنگام تحصیل در پوهنتون حربی و یا اکادمی های مربوط به اردو ، کمک های اولیه را



ماکت شفاخانه چهارصد بستر اردو که تحت ساختمان قرار دارد

نمایی از تعمیر شفاخانه
 نمبر ۲ (پل محمودخان)



ساختن آن تکمیل و بمعرض استفاده قرار خواهد گرفت .

خبر نگار ما طی یک بازدید از شفاخانه‌های نمبر ۱ و نمبر ۲ اردو دیدن کرد بسال گذشته نیز معلومات در خصوص چگونگی تداوی و فعالیت سرویس‌های شفاخانه راهپوری نشر نمودیم و اینک بعد از یکسال دوباره سری بان شفاخانه زدیم .

تورن جنرال دکتور محمد یوسف سرطیب شفاخانه‌های اردو هنگام ملاقات با خبرنگار ما از طرز کار و فعالیت‌های صحنی شفاخانه و زحمتکشی دکتوران اردوی شاهانه در تأمین صحت و اعاده سلامتی منسوبین اردو یادآوری کرده و علاوه نمود که ما با حدلهایی تلاش و کوشش‌های خود سعی ورزیده‌ایم تا با توسل به عملیات جراحی مهم از قبیل عملیات قلبی و عملیات مهم دیگر مشکل تربین کارهای جراحی را مؤفانه انجام دهیم .

سرطیب شفاخانه‌های اردو از استخدام چهارده همشیره لرس یادآوری نموده افزود که ما برای انجام بهتر فعالیت‌های مراقبت از معالجه مریضان قادر شدیم که یک تیم همشیره‌های

پرستار را در سرویس‌های مختلف استخدام نمائیم و ازین راه در تسریع اعاده صحت مریضان قدمی دیگر برداریم .

جکتورن دکتور قمر الدین اکسیری آسرسااهده روغتون‌های اردو که ما را در سرویس‌های مختلفه حین دیدن فعالیت‌های طبیی شفاخانه‌ها همراهی مینمود گرافی را ارائه نمود که طی آن تعداد معالجه شدگان و صحت یافتگان بطور قانع کننده افزایش یافته بود، هرچند طب وقایوی امروز قادر شده است تا از وقوع بسیاری از مریضی‌ها جلوگیری نماید ولی هرچند گراف صحت یافتگان و معالجه شولندگان بلندتر برود بهمانقدر انسان به نتیجه تلاش و کوشش طبیبان بیشتر معتقد میگردد چون صحت تشخیص و تداوی درست و مراقبت صحیح از مریض نتیجه تلاش‌های بیشتر کدوهای تخصصی طبیی شفاخانه را نشان میدهد . ما در آغاز از سرویس مجهز دندان دیدن کردیم .

درین سرویس برید جنرال دوکتور عبدالمجید سپین‌غر متخصص دندان به پرکاری دندان یکی از مریضه‌ها بنام پیغله شهلا لطیف مصروف بود، پیغله

شهلا لطیف دختر یکی از منسوبین اردوی شاهانه می‌باشد . درین سرویس که سامان آلات مجهز دارد پیغله گل‌مکی لرس و بناغلی اس‌الله تکنیشن دندان بامتخصص دندان همکاری مینمودند .

سپس از لابراتوار دیدن نمودیم . لابراتوار شفاخانه نمبر ۱ اردو تا اندازه از لحاظ سامان‌آلات و پرسونل فنی غنی می‌باشد . درین قسمت سرویس‌های باکتری لوژی (مکروب شناسی) ، سرواوی (ستروم) ، همتولوژی (تجزیه خون) و کیمیای حیاتی و هرازیتولوژی وجود دارد .

درین سرویسها جکرن سیدولی تکنیشن و جکتورن امان‌الله تکنیشن جکتورن محمد علم متخصص ، تورن امیر محمد لمر تکنیشن و پیغله توره‌بکی لرس فعالیت داشته‌اند، خبر نگار ما خواست تا با تشخیص گروپ خون خود فعالیت یک قسمت از لابراتوار را مشاهده نماید که پرسونل مربوطه طی چند دقیقه توانستند گروپ خون را با Rh آن معلوم نمایند و این سرعت عمل برای خبرنگار ما جالب بود چون چندسال پیش این کار در شفاخانه‌های اردو بمشکل میسر بود و لابراتوار صحت عامه



گروپ خون را معلوم میکرد، زیرا که تعیین گروپ خون در مواقع عاجل خیلی با اهمیت است و لازم است هر فرد در تذکره و یا کتابچه یادداشت خود نوع، گروپ و Rh خون خود را ثبت نماید. در یک اتاق دیگر لابراتوار بنام اتاق مواد بیوشیمی متخصص مربوط یکسری مرض را در حال گرفتن عصاره معده تحت معاینه قرار داده بود.



سرویس عقلی و عصبی شفاخانه لمبرا تحت نظر دکتر من دکتور عبدالباقی شالیزی متخصص امراض عقلی و عصبی فعالیت مینماید. دکتور شالیزی اولین متخصص عقلی و عصبی منسوب باردوی شاهانه است که فعالیت های مهم طبی را در سرویس عقلی و عصبی از قبیل آنژیوگرافی دماغی (که چندی پیش از آن در جراید وهم مجله اردو خبری اش شد و این عملیه صرف تاحال در شفاخانه اردو صورت گرفته) پنوموآنسفلوگرافی «تطبیق هوا به دماغ بمقصد تشخیص» پنوموآنسفلو ترابی «تداوی امراض دماغی توسط تطبیق هوا» بیالوگرافی «زرق ماده کثیف در نخاع شوکی برای عکسبرداری» انجام داده است. دکتور شالیزی ضمن تشریح عملیات فوق تذکر داد که سرویس های عقلی و عصبی هر دو شفاخانه-مآردو باهم مساعی مشترک دارند و وی دگر من دکتور حایم متین متخصص عقلی و عصبی شفاخانه نمبر ۲ در اکثر موارد بطور مشترک عملیات تداوی مرض های عقلی و عصبی را انجام میدهند.



در سرویس عقلی و عصبی علاوه بر دکتور شالیزی، لمبری بریدمن دکتور شیر احمد زاهدی، پیغله شاه پیری حبیبی نرس و شاغلی بهادر شاه خور در ضابط صحیه ایقای وظیفه مینمایند.

شرح عکس‌ها

- از بالا به پائین: دکتور انگرهاری متخصص داخه هنگام ویزیت
- صحنه از یک عمل جراحی
- رادیو گرافی در اکسپوز شفاخانه نمبر ۱
- منظره از فعالیت لابراتوار شفاخانه لمبرا

- از بالا به پائین سرطیب شفاخانه های اردو بالرس های شفاخانه
- برید جنرال عبدالمجید پین غر متخصص دندان در حال تداوی
- دکتور قمرالدین اکسبری آمر مشاهده روغتونهای اردو
- دو کتور شالیزی متخصص عقلی و عصبی حین معاینه یکسری مرض
- اجرای عمل جراحی اماندیس در شفاخانه لمبرا اردو



در سرویس جراحی، ما از یک عملیه
اپاندیس دیدن کردیم درین قسمت
دگر من دکتور عبدالصمد دانش متخصص
جراحی تورن دکتور عبدالقیوم طوطاخیل
دکتور رحمت الله دمرد جوزجالی و
جگتورن دکتور رحیم الله عزیز با پیغله
نادره حکیمی نرس مؤظف عملیات خانه
ورحیمه رستمی و ذکبه دلور نرس های
همکار، اجرای وظیفه مینمودند و سربض
باز محمد خورد ضابط بلوک غارتون تول
اردوی پکتیا بود. علاوه تاً شیاعلی محمد
امان خورد ضابط نرس نیز با این گروپ
همکاری داشت.

در اتاق ریکوزی از یک عملیه هموروی-
نید دیدن نمودیم که در آن دکتور رحیم
عزیز، دکتور دمرد و دکتور تورن سید
احسان الله هیر با میرمن صدقه عظیمی
سرهمشیره و نادره حکیمی نرس مؤظف
فعالیت داشتند.

در سرویس داخله از ویزیت مریضان
دیدن کردیم، درین هنگام با دگر من
دکتور محمد نعیم ننگرهاری متخصص
امراضی داخله، تورن دکتور غلام نقشیند
لجراپی، تورن دکتور اسدالله نورزاد
لمری بریدمن دکتور محمد کبیر حمید،
سرهمشیره صدیقه عظیمی، تورپیکی
شیرزی، گل مکی ابری و شکرپه غفور
نرس ها همکاری داشتند.

شعبه اکسریز را نیز حین فعالیت
مشاهده کردیم، این شعبه یک تیم تکمیل
هاتحت اثر جگرن دکتور محمد عمر سلام
متخصص اکسریز فعالیت مینماید این تیم
عبارت انداز تورن محمد کبر تکمیلشن -
لمری بریدمن غلام جیلالی، بریدمن
اسلطان محمد و چچی خان تکمیلشن های
سرویس علاوه تاً یک تعداد نرسها نیز حین
عکسبرداری ها رادیوگرافی ها با این
تیم همکاری دارند.



شرح عکسها

- از بالا به پائین:
- عملیه بانسمان در شفاخانه نمبر ۲
- منظره از ویزیت یک مریض عاجل در شفاخانه نمبر ۲
- ویزیت یکی از افراد مریض داخله در شفاخانه نمبر ۲
- متخصصین مربوطه یک مریض را در شفاخانه نمبر ۲ معاینه مینمایند
- در سرویس التانی حین ویزت دیده میشوند

- از بالا به پائین:
- دکتور مؤظف حین معاینه مواد معدوی در لابراتوار
- معاینه یک مریض مربوط کلینیک جراحی در شفاخانه نمبر ۱
- عده از نرسها با بعضی از متخصصین شفاخانه نمبر ۲
- برید جنرال دکتور غلام حسین هنگام ویزت یکی از مریضان

سرپرستار و همشیره‌های موظف شفاخانه های اردو



پیغله تور بهکی شیرزی



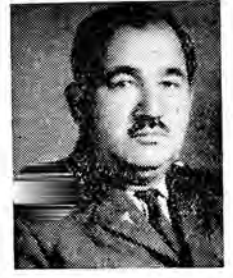
سرمن حمیده امین



پیغله نذیره رستمی



سرمن صدیقه عظیمی



جگتورن معراج الدین
سرپرستار



پیغله ذکیه دلاور



پیغله عایشه امین



پیغله نادره حکیمی



پیغله راحله امیری



پیغله نادره سالمی



پیغله گل مکی امیری



پیغله رحیمه رستمی



پیغله شاه پیری حبیبی



پیغله شکرپه غفور



پیغله ماری

اردو فعالیت مینماید و همچنین از زحمات جگتورن معراج الدین سرپرستار شفاخانه که در امور تنظیم فعالیت‌های پرستاری سهم مؤثر دارد تا قدردانی یاد نمایم .

در شفاخانه نمبر ۲ که تعمیر اصلی آن جدیداً اعمار گردیده است از فعالیت بعضی سرویس‌ها بدوین کردیم . در سرویس جراحی این شفاخانه دگرمن دکتور

وصفائی وها کی و تعالیتهای همه منسؤ بین شفاخانه بصورت محسوسى جلب توجه مینمونه مریضان اکثرآ از وضع تغذیه و همچنین تداوی و مراقبت خود راضی بنظر میرسدند ، در اینجا باید از فعالیت‌های پرثمر سرمن صدیقه عظیمی سر همشیره و آمرتیم لرسهای شفاخانه که مدت ۱۳ سال است که نرس میباشد و از یکسال باینطرف بحوث سر همشیره در شفاخانه

راهور تر مابعد از مشاهده بعضی از اتاقهای مریضان و فعالیت دکتوران سرویسها از دواخانه نیز دیدن نمود درینجا لمری برهمن عمراخان دکتور دوا ساز و عایشه امین ارس مؤظف مصروف اجرای نسخه‌های مراجعین بودند .

ناگفته نباید گذشت که نظم و دسپلین درهن شفاخانه تاالدارة کافی تأمین میشد

وحدت !!



محمد اسمعیل بادکٲور سید عبد الغنی
خویش یار، تورن محمد یوسف تکنیشن
عجب گل خورد ضابط لرس و پبله
حبیبه مہری لرس مؤظف مشاہدہ میشدند
چون حین فعالیتہای طبی بنرسہای بیشتر
ضرورت می افتد وقتاً فوقتاً اعضای
تیم لرس شفاخانہ نمبر ۱ باین شفاخانہ
میآیند و با دکتوران این شفاخانہ نیز
همکاری دارند لہذا ہنگام باز دید
ماشاہ پیری حبیبی و لذیرہ رستمی
ہمشیرہ ہا نیز وجود داشتند .

در سرویس صدری جگتورن دکتور
محمد یوسف متخصص باجگنورن دکتور
شاہ انور و لذیرہ رستمی همکاری مینمودند .

ہمچنین ما فعالیت چند تیم دکتوران
راحین ویزیت مشاہدہ نمودیم این تیمہا
عبارت بودند از برید جنرال دکتور حاجی
غلام حسین متخصص گوش و گلون جگرن
دکتور نور مجد عسکر یار متخصص
پورو لوژی تورن، دکتور احمد ضیا
صدیقی، حبیبہ مہری ، راحلہ امیری و
لذیرہ رستمی لرس ہا .

تیم دیگر تحت نظر دگرمن دکتور
سورگل اسعدی متخصص داخلہ، لمپی
بریدمن دکتور غلام حیدر صافی، نادریہ
سالمی، حبیبہ مہری و شاہ پیری حبیبی
فعالیت مینمودند .

تیم دیگر عبارت بودند از دگروال
دکتور نیک مجد عزیز می متخصص امراض
جلدی ، دگروال آدم درمل متخصص
جراحی لمپی بریدمن سید محمود ہاشمی
تکنیشن دلدان و دکتور شاہ انور و
پکعدہ لرس ہا .

در اخیر از سرویس التالی یا امراض
ساری دیدن کردیم درین سرویس جگرن
دکتور محمد عارف رلخور مل متخصص
امراض ساری، لمپی بریدمن دکتور
عبدالوہاب درمل با راحلہ امیری ،
حبیبہ مہری و نادریہ سالمی لرسہایقی
وظیفہ مینمودند .

بطور کلی باید گفت کہ درین
شفاخانہ کہ ضابطان جوان ، طلاب و

من تو ہر دو یکوم
نمی توانم دوست نداشته باشم
چون وقتی نزدیکتر - نزدیکتر
بہتر و بہتر
عمیق تر و عمیق تر مینگرم
می بینم !

تو در منی ومن در تو ام
اگر ترک کنم، دیگر مرده خواهم
بود

اگر دوست نداشته باشم، خودم
از خودم نخواہم بود
و اگر تو ترک کنی ...
آہ ! کہ باز خواہم مرد .

* * *

نہ ، نہ ، نہ ، ...

واقعاً خندہ دار است

چون تا حال کہ زندہ ام ،

بعد ازین نیز چنین خواہم بود

یا شاید ...

اما ... اما چرا این ہمہ تردید ،

این ہمہ شک

این ہمہ نداشتن

آخر برای چہ ؟

برای چہ ...
* * *
ہمین حالا تو نیستی
مگر ... مگر من زندہ ام
شادم ،
میںمدم

عشق میور زم ،
دوست میداشتہ باشم ،

و میروم و میروم

ولی ہر گز نتوانستم

از خودم بنرسم کہ این رفتن ہا

این ہمہ تلاش ،

و بالاخرہ این ہمہ تردید

برای چہ ؟

برای کہ ؟

* * *

آہ فرا موش کردم

چون تو در منی ومن در تو ام

آیا میتوان از تو پرسید کہ :

چہ ؛

کہ ؛

چرا ؛

و ہ ، ص ، ط

معظم ہمایونی سر قوماندان اعلی اردوی
شاہانہ افغان تمناسیمود از توجہ مقام
عالی وزارت دفاع ملی، ریاست لوژستیک
و ہمکار یہای ریاست صحتہ اردو
بقدر دانی یاد آور شد و ابراز امیدواری
کرد تا بیش از پیش توفیق خدمت بیابد
تا وی و ہمہ دکتوران و منسوبین
شفاخانہ ہا در وقایہ و اعادہ صحت ہمہ
منسوبین اردو برای اردو و کشور عزیز
مصدر خدمات ارزندہ تری گردند .
(پایان)

افراد اردو تحت معالجہ قرار میگیرند
مساعی خستگی ناپذیر دکتوران و لرسہا
بمشاہدہ میرسیدوما در حالیکہ برای ہمہ
دکتوران، ہمشیرہ ہا و منسوبین شفاخانہ -
ہا آرزوی مؤفقت و برای ہمہ مریضان
امید صحت یابی می خواہم شفاخانہ را
ترک گفتیم .
در اخیر تورن جنرال دکتور مجد یوسف
سرطبیب شفاخانہ های اردو در حالیکہ
مؤفقت های بیشتر اردوی شاہانہ را
تحت رہنمائی های خردمندالہ اعلی حضرت



قوماندان فرقه نمبر ۷ هنگامیکه در محضر فارغان بیانیۀ خود را ایراد میکند

توزیع شهادتنامه‌های فارغان بنوونخی‌های احتیاط

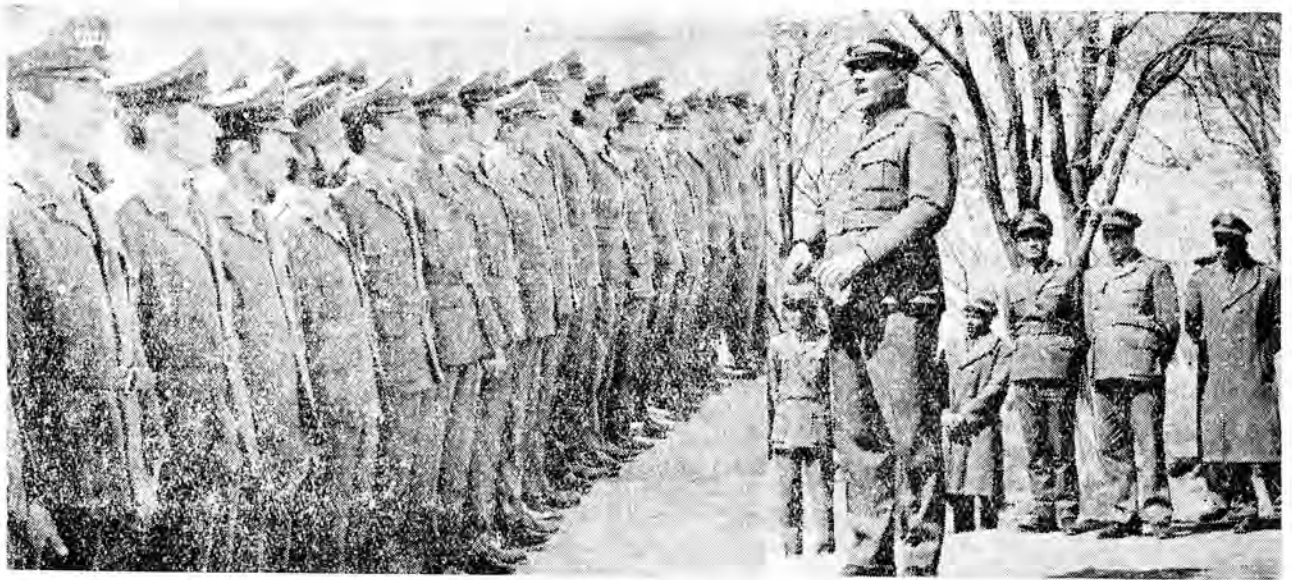
در فرقه‌های ۷ و ۸ قول اردوی مرکزی

مدالها ، جوایز و شهادتنامه های
 فارغان بنوونخی احتیاط فرقه ۷
 قول اردوی مرکزی ساعت ۱۰ - ۱۰
 روز پنجشنبه سوم حمل ۱۳۵۱ توسط
 بریدچترال محمد یولس قوماندان فرقه
 ۷ در حالیکه نماینده قرارگاه قول
 اردوی مرکزی و قوماندانان قطعات
 فرقه حاضر بودند بفرغان توزیع نمود .
 قوماندان فرقه بعد از توزیع
 شهادتنامه ها ضمن بیانیۀ این موفقیت
 را بفرغان تبریک گفته و آنها را متوجه
 وظایفی ساخت که عنداللزوم در اردو
 ایفا خواهند کرد

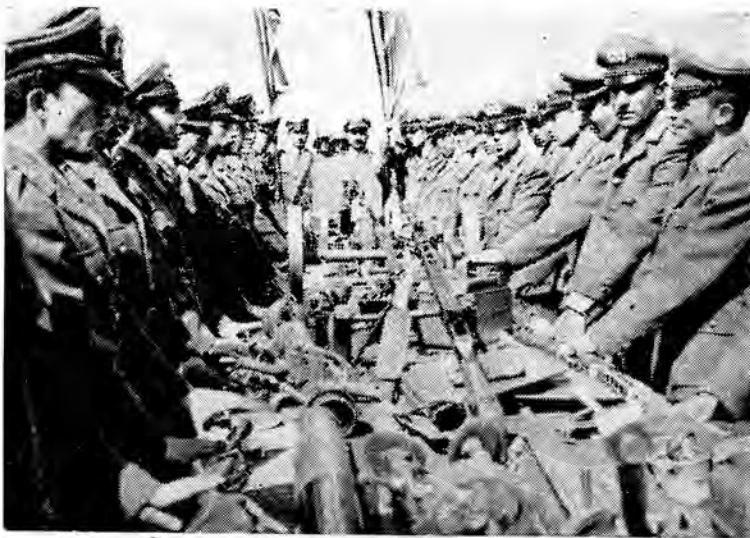
وی موفقیت بیشتر اردوی شاهانه
 را تحت قیادت اعلیحضرت معظم همایونی
 سر قوماندان اعلی اردوی شاهی افغان
 تمنا نمود .



قوماندان فرقه
 نمبر ۷ حین تعلیق نشان
 به سینه یکی از فارغان



درستیزوال فرقه ۸ در اثنای ایراد بیانیه در مقابل فارغان بیولخی احتیاط



صحنه از مراسم تحلیف

در آغاز دگروال عاقلشاه نومانلدان
تقطعه ۳۸ و آمر بیولخی احتیاط راجع
بچگونگی تدریس و تعلیم و تربیه
طلاب و همچنین ستاژ آنها در تقطعه
معلومات داد. مراسم با ادای لوی
سلامی خاتمه یافت.

قراریک حبر دیگر بتاریخ ۲۵ شیه دوم
حمل مدالها، جوایز و شهادتنامه های
فارغان بیولخی احتیاط فرقه ۸ طی
مراسمی در حالیکه نماینده قول اردوی
مرکزی، قوماندان تطعات فرقه و هیأت
تدیس و اداری بیولخی حاضر بودند
بفارغ التحصیلان توزیع گردید.

دگروال ارکال حرب عبدالعلی وردک
درستیزوال فرقه ۸ طی خطابه موقیت
حاصله را بفارغان تبریک گفته و از
مساعی استادان و هیأت اداری
بیولخی قدردالی نمود.

وی سربلندی و توفیق مزید اردوی
شاهی را تحت سایه همایه اعلیحضرت
معظم همایولی سر قوماندان اعلی اردوی
شاهاله از بارگاه ایزدی آرزو نمود
در اخیر مراسم لوی سلامی اجرا گردید.



منظره از مراسم توزیع شهادتنامه ها بفارغان

تمرینات زمستانی قطعه کماندوی پاراشوتی قول اردوی مرکزی



منظره از کمپنک قطعه کماندو در بگرامی

قطعه کماندوی پاراشوتی ضمن مصاحبه راجع به این پروگرام تعلیم و تربیه قطعه چنین توضیحات داد :

قطعه کماندو مطابق پروگرام مرتبه مقام عالی قول اردوی مرکزی قرار معمول همه ساله در نیمه دوم ماه جدی بسوی جلال آباد حرکت نمود این قطعه بعد از حرکت از بالاحصار کابل و صرف نان چاشت در سموچ های ملاءمر شب را در سرچشمه سروبی استراحت کرد

از قوماندان و منسوبین قطعه کماندو با گرمجوشی و نثار دسته های گل پذیرائی نمودند و در اخیر مراسم لوی سلامی اجرا گردید .

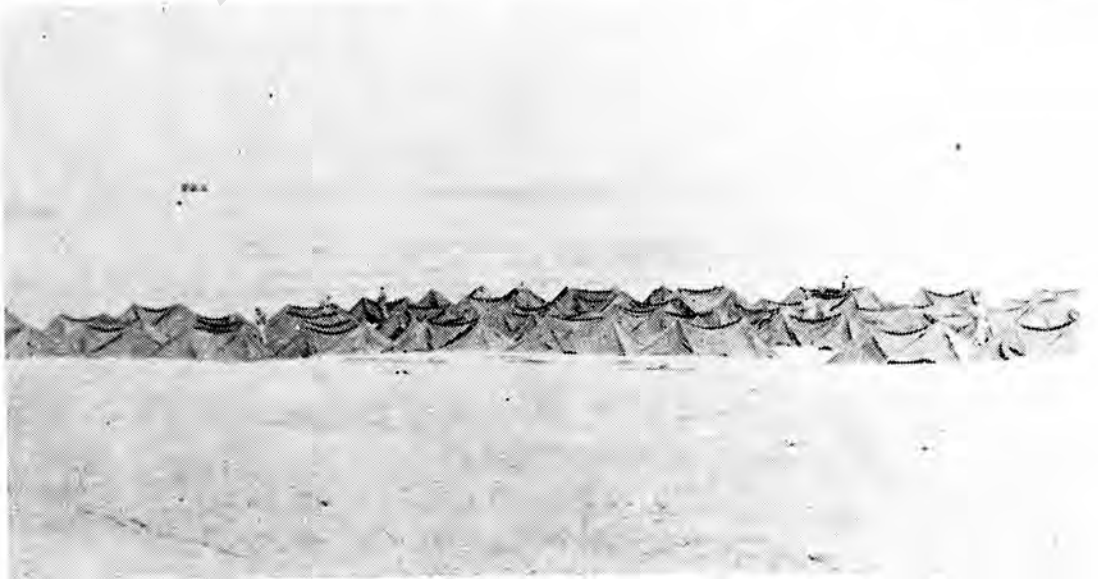
قطعه کماندوی پاراشوتی مطابق پروگرام مرتبه تعلیم و تربیه بتاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۱۹ برای اجرای پروگرام های تعلیمی بطور پیاده رهسپار جلال آباد مرکز ولایت ننگرهار شدند .

بجز رحمت الله صافی قوماندان

قطعه ۴۴۴ کماندوی پاراشوتی قول اردوی مرکزی ساعت ۱۰-۰۰ شنبه ۱۳۵۱/۱/۲۶ بعد از انجام فعالیت های زمستانی تعلیم و تربیه در جلال آباد و اجرای رفتار تعلیمی پیاده به بالاحصار در قرارگاه مراجعت نمود .

در مدخل نظام قراول بالاحصار دگروال سید احمد قوماندان قطعه ۷۲ و قوماندان کار لیزبون ، قوماندانان جز و تام ها و افراد قطعات بالاحصار

منظره دیگری
از کمپنک قطعه
کماندو
در بگرامی



افراد قطعه بعد
از ختم کمپنک
به اتن ملی
می پردازند



پذیرفت
موصوف بجواب يك سوال ديگر
افزود :
قوماندان قطعه كمالدو ضمن توضيح
فعاليت هاي قطعه در جلال آباد گفت :
هنگاميكه در زمستان راه ما هيچ
مسدود شد وعده كثيري از مردم كه در
آن جمله مأمورين عاليرتبه دولت نيز شامل
بودند و طيارت باختر بطور عاجل در
انتقال مسافرين بفعاليت آغاز نمود اين
قطعه از الجا كه همواره و در هر لحظه
آماده انجام وظيفه است توانست كه از
بي نظمي هاي وارده جلوگیری نموده و

پرتاب پاراشوتي را در باران ، درابر
و در باد هاي شديد در ميدان هاي مختلف
اجرا كردند و به فضل خدا و لدهيچ نوع
تلفات و مشكلاتي به از نيامد .
يك پرتاب نسمايشي را بحضور
والاحضرت قوماندان قول اردوي مركزي
بالداخت هاي اتوماتيك اسلحه از هوا
بزمين تقديم شد كه در آن بناغلي والي ،
قوماندان محترم قواي عسكري جلال آباد
بناغلي رئيس كانال وعده از رؤساي
اداري ولايت ، موسفيدان ، اها لي
جلال آباد و مسوولين قواي ننگرها بحضور
داشتند و مراسم با مؤ قيت تمام انجام

و چون سردی شدید در نته بند حکم فرما
بود لهذا ماشبانه از کوی تل مذکور
عبور نمودیم . روز دوم نان چاشت
را در داخل تنگی ابریشمی که بنام
باغچه جلیل خان نامیده میشود صرف
نمودیم و استراحت شب را در آنطرف
تنگی ابریشمی که در کمپ قوای کار
الجام داده و روز سوم را با توقف ها
در سرخکان ، در و نته گذشتانده و روز
چهارم بمیدان طیاره به محل کمپنک
مواصلت کردیم . وی علاوه کرد :
بصورت مجموعی قطعه کمالدو با تمام
موجودیت خود پروگرام های مرتبه



صحنه از رفتار
پیاده قطعه
کماندو



استقبال از قطعه
کماند و حین
وصول به
بالاحصار

کوهی و تطبیقات را انجام دادیم، خلاصه بطور عمومی سالانه در حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ کیلو متر رفتار را نظر به پروگرام بعمل آوردیم .

قوماندان قطعه که ندودر اخیرمؤقتیت- های بیشتر اردوی شاهانه را تحت قیادت ذات اشرف ملوکانه سرقوماندان اعلی اردوی شاهان افغان تمنا نمود و افزود که قطعه کماندو تحت رهتائی های وزارت محترم دفاع ملی، دایر کتیف- های بیشتر در ستیز و هدایات مقام قول اردوی مرکزی باسورال و معنویات قوی در راه انجام وظایف محوله خویش حاضر و آماده است . (بایان)

باسروستون و چمرلین یسکجا مؤلفی بدریافت این جایزه گردید .

بعد از وی «گوست و استرس من» آلمانی است که در سال ۱۹۲۶ با مشترک «ادریستیدریانده» فرانسوی باین افتخار نایل شد. سپس لودویگ کوئید آلمانی است که در سال ۱۹۲۷ با فردیناند بوئیس سون فرانسوی بدریافت این جایزه نایل گردید .

چهارمین آلمانی برنده صلح نوبل کارلفون اوسی تس کی نام داشت که در سال ۱۹۲۵ باین مؤقتیت دست یافت .

آنی وظیفه دار شده بودند اما از این همه همکاری بی شائبه و مساعی مشترک جز و تاسهای ترانسپورت هوایی صمیمانه سپاسگزاریم .

قوماندان قطعه کماندو راجع به پروگرام تعلیمی سالانه قطعه توضیحاتی داده افزود که در طول سال گذشته علاوه بر رفتار در جلال آباد، چندین مرتبه در دره های پغمان کوتل را کول سرخ هار سا، حوض خاص و باز گشت از راه شکر دره، حسین کوت و قلعه مراد بیک تعریفات رفتار را اجرا کردیم همچنین در کورهای دره نور، ولس دره، اسلام دره و کوه های بین کنرولغمان رفتار

پروگرام پرواز طیارات باختر را تسریع بخشید .

قوماندان قطعه توضیح داد که در بازگشت، در پروگرام همه سانه ما نظر با مقامات ذیصلاح تغییراتی وارد گردید و ما بعد از حرکت جلال آباد شب را به مندرور و روز دوم را از راه میترلام صاحب. اراضی گنداو، شیطان گم ایخ کوتل باد پش، روز سوم و چهارم را بعد از انجام استراحت ۲۴ ساعته در سروبی از راه گزک، به بگرامی مواصلت ورزیدیم .

چگون رحمت الله هانی در قسمت همکاریهای قوای هوایی چنین گفت :

غندترانسپورت هوایی در تمام شرایط نامساعد هوا و اراضی شب و روز بهمراهی قطعه مساعی نمودند . در اثنای اجرای تعریفات در ساعات مختلف شب اعاشه قطعه را بواسطه طیاره و با راشوت می الداختند . چنانچه بقسمت اراضی بین لغمان و کوههای (بادپش) و سروبی که اکمالات قطعه نهایت درجه مشکل به نظر میرسید غند ترانسپورت توسط هلیکوپتر بما اعاشه گرم را در ساعت معین و در محل تهیه شده می رسانیدند . زمالیکه قطار رفتار ما به سروبی رسید هلیکوپترهای نوکروبال بالای قطار رفتار پروازهای پخش را اجرا کرده بمقصد انتقال مریضان و رفع احتیاجات

جایزه صلح:

ویلی برانت صدراعظم جمهوری آلمان در اثر تلاشهای که برای تأمین صلح نموده به اخذ جایزه صلح نوبل موفق شده است . این جایزه از طرف میرمن الیسی لیو لیس رقیسه کمیته نوبل ناروی در اسلویوی تفویض گردید .

برانت پنجمین آلمانی است که بدریافت جایزه صلح نوبل موفق گردیده است .

اولین برنده جایزه صلح آلمانی بنام «شارل داز» بود که در سال ۱۹۲۵

تقدیر از یک محصل عسکری افغانی



ستر جنرال تر کمارتن قوماندان اعلی قوای ستراتژیکی امریکا چین اهدای
مجسمه سمبول پیاده امریکا به تورن عبدالرحیم وردک

قراریکه یک اشریفه مقامات عسکری مربوط مکتب پیاده ایالات متحده امریکا در یکی از شماره های اخیر خود نوشته است تورن عبدالرحیم وردک محصل افغانی که در مکتب پیاده مصروف تحصیلات عالی می باشد اخیرا با ابراز لیاقت عالی در میان تمام محصلین خارجی اول لمره شناخته شده است .
تورن عبدالرحیم وردک پروگرام دویدن پنجم میل را که بتدریج طی مدت معینی تطبیق میگردد با کامیابی به اتمام رسانیده و با اینصورت تورن موصوف اولین محصل خارجی می باشد که این پروگرام را بطور موفقانه طی کرده توانسته است .

بیروزی این جوان افغان از طرف مقام قوماندانی مکتب پیاده ایالات متحده امریکا تقدیر شده یک قطعه تجسین نامه بایک مجسمه پیاده (سمبول مخصوص) طور مکافات بوی اعطا شده است .



تورن جنرال
اوروین تالیوت
تصدیقنا مه
عضویت در
پروگرام مخصوص
دویدن راه تورن
وردک توزیع
مینماید

اوراق آن از چار دیوار اتاق کنفرانس خلع سلاح ژاپو بیرون شود .
آنها اصرار کردند تا پول صرفه جوئی شده از درک منع تولید این اسلحه باید در دسترس ملل روپا نکشاف قرار داده شود .

ودومی اصلا در آن شامل نمیباشد .
یک نکته مهم دیگر درباره این معاهده اینست که موقع موافقه بر منع اسلحه بیولوژیک گروه دوازده گانه معالک غیر متسلک مخالفت کردند و تا نظریات آنها در جهمان نگر دیدنگداشتند

بقیه امضای معاهده سلاح ...

توضیح میدهد که نقطه مهم پیمان امضا شده اینست که فرانسه و جمهوریت مردم چین آنرا امضا نخواهد کرد، زیرا اولی در جلسات خلع سلاح ژاپو حصه نمیگیرد

فعالیت های ورزشی اردو در سال جاری



یک محرکت تکنیکی توسط یک تن از بهلولان اردو که در نتیجه حریف خود را به پهل آورده است

تنظیم از: تورن محتمشی

لمود. که روی گفته های فوق در سال جاری نیز طبق آخرین مینودهای ورزشی پلان مسابقات سپورتی اردو از طرف کمیته عالی تربیه بدنی اردو احضار گردیده که نتایج اینگونه مسابقات در راه احراز نتیجه قطعی تیم های مختلف اردو خیلی برتر واقع گردیده و دوام چنین مسابقات زمینه انکشاف ورشد ونهونی ورزشی را فراهم میسازد.

باین اساس در اردوی شاهی مسپورت یا ورزش گذشته از آنکه از جمله فعالیت های ۲۴ ساعته افراد به شمار میرود همچنین برای آماده شدن غرض مسابقات بزرگ و روشکاران و تیم های مختلف ورزشی راهم کمک زیاد میکند و در سال جاری نیز پلان این مسابقات که در ماه های جوزا و میزان برگزار میگردد شامل این سپورتهای میباشد.

۱- اتلتیک خفیف: که دویدن های مختلف استقامت های کوتاه را احتوا میکند.

۲- دویدن در اراضی عارضه دار که شامل مسافات (۱۰۰-۳۰۰۰-۵۰۰۰ متر) میباشد.

۳- سپورتهای سه گانه اردو: که عبارت میباشد از عبور میدان سوانع پهنه به مسافت ۲۰۰ متر انداخت بهم دستی و دویدن در اراضی عارضه دار به مسافت ۱۰۰۰ متر.

۴- انداخت: توسط تفنگچه بال اندازه ۲۵ متر برای صاحب منصبیان و توسط کره بین به مسافت ۱۰۰ متر برای خورد ضابطان و افراد.

۵- سپورتهای اجتماعی: که شامل مسابقات فتنال - هاکی - والیبال - باسکتبال و هندبال میباشد.

حرکات ورزشی اگر چه از بدو تشکیل اردوها جزئی لایتجزائی فعالیت های شبانه روزی آنها بوده مگر با گذشت زمان و زندگی ماشینی از نگاه کمیت و کیفیت فزونی قابل ملاحظه آن وارد آمده چنانچه در گذشته در اردوهای ممالک مختلف فعالیت سپورتی آنها از چهارچوب حدود کشورشان خارج نشده و حتی در داخل کشور نیز بندرت مسابقات سپورتی صورت میگرفت مگر در شرائط فعلی نزدیکی روابط اجتماعی ملل باهم و موجودیت وسائل ارتباط و مواصلاتی اردوهارا با جهان خارج فوق العاده نزدیک ساخته و حتی در بزرگترین مسابقات جهانی و اولمپیک تیم های ورزشی اردوها نقشی فعال را اختیار کرده و اکثر آنها بگرفتن مقام های قهرمانی مفتخر گردیده اند.

ورزش در اردوی شاهی مالیز از دیر زمانی جزء تعلیم و تربیت افراد به شمار میرود که بقسم نظری و عملی بالای شان تدریس و تطبیق میگردد. چنانچه در طول سالهای گذشته ورزشکاران ورزشی اردو در آسمان ورزشی کشور چون ستاره های درخشانی درخشیده و حتی به مقابل تیم های خارجی نتایج قناعت بخش را حاصل نموده اند. کذا در چند سال اخیر ورزشکاران اردو مطابق شرائط اولمپیک در رشته های مختلف ورزشی اعم از انفرادی و اجتماعی، خفیف و ثقیل توانستند آنکه نتایج درخشانی را حاصل کرده و در اکثر رشته های آن مقام های قهرمانی را کمانی کنند.

البته با ترتیبات خاصیکه از طرف مسوولین ورزشی اردو در راه بلند بردن سطح ورزشی جوانان ورزشکار اتخاذ گردیده نوید آرا میدهد تا در آینده قریب جوانان سپورتمین ماحتی به مقابل تیم های خارجی اردوها نیز افتخاراتی را حاصل خواهند

۶- سوارتهای ثقیله: که مسابقات پهلووانی آزاد، وزنه برداری و بوکسنگ را در بر میگیرد.

۷- چمناسنتیک سهررتی: که شامل حرکات بالای سیم دور متوازی - خرك و تمرینات آزاد (که پلاسکس ها) میباشد.

۸- شنا: که شامل مسابقات آزاد به مسافه های کوتاه به استیل آزاد میباشد.

۹- دویدن ریلی در بین شهر کابل به افتخار جشن استقلال وطن بین تیم های منتخبه مکاتب، قطعات و موسسات مختلف اردو در گاراهزویون کابل صورت میگردد.

۱۰- دویدی در اراضی عارضه دار در فصل خزان بین تیم های قطعات و جزواتهای گاراهزویون کابل.

۱۱- اشتراك تیم های منتخبه اتلتیک خفیف اردو با تیم های منتخبه اتلتیک خفیف معارف و همچنین اجرای یک سلسله مسابقات از قبیل: فوتبال - هاکی - پهلووانی آزاد بین تیم های اردو و معارف.

۱۲- اجرای یک سلسله مسابقات سهررتی طبق پلان مرتبه در بین قطعات و مکاتب در این خود قطعات و مکاتب.

۱۳- جمع نمودن تیم های منتخبه اردو برای مشق و تمرین پهلووانی - فوتبال - هاکی - والیبال - باسکتبال - اتلتیک خفیف وزنه برداری در کلوپ عسکری.

۱۴- پیش بردن مشق و تمرین تیم های منتخبه اردو در فصل زمستان در جلال آباد برای آنکه آنها فورم ورزشی خود را اثبات نگاه دارند و به مسابقات آینده آمادگی تام داشته باشند.

۱۵- مسابقات انفرادی تینس: این مسابقات قسمیکه ذکر شد بصورت انفرادی بین صاحب منصبان قطعات، مکاتب و موسسات عسکری در کلوپ عسکری صورت میگردد.

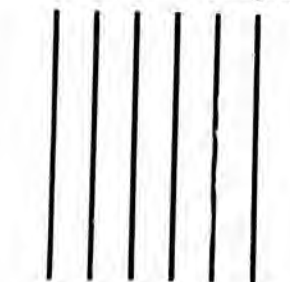
۱۶- اجتماع نمودن تیم های منتخبه اردوی شاهای افغانستان و اردوی مملکت دوست برای هم آهنگ ساختن مشق و تمرین به مدت یک ماه در شهر (پهلووانی آزاد، فوتبال، اتلتیک، خفیف و هاکی).

بالعموم ورزشکاران چه در رشته های انفرادی و چه در سهررتیهای اجتماعی در صورت داخل شدن بمسابقه باید از افراد قطعات، جزواتهای بزرگ و مکاتب عسکری تشکیل شده و معاینات طبی را قبلاً بصورت موقانه گذشته الیه باشند. تمام تیم های فوق الذکر در ۱۳ نوع مسابقات حصه خواهند گرفت اما تیم های مکاتب و قطعات مکلف اند که در اتلتیک خفیف، دویدن در اراضی عارضه دار و مسابقات سه گانه عسکری حصه بگیرند هر تیمی که در یکی از ورزشهای فوق الذکر مقام اول را حاصل کند بگرفتن ۲۰ نمره و دوم و سوم مذکور با ترتیب ۱۸ نمره و ۱۷ نمره را مستحق میگرددند. در دیگر مسابقات ورزشی مقام اول ۱۵ نمره را و دوم و سوم آن ۱۳ و ۱۲ نمره را مستحق میگرددند.

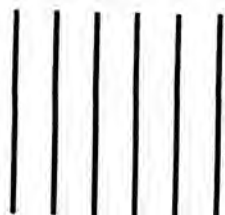
تیمهاییکه در جریان مسابقات مقام اول را حاصل میکنند بگرفتن کپ مؤقتی و تحسین نامه و همچنین ورزشکاران غالب در مسابقات اتلتیک خفیف - کروس و مسابقات سه گانه عسکری بهلامه مخصوص سینه (زتون) لوز مفتخر میگرددند.

در اینجا قبل از آنکه راجع به احضارات و شامل شدن درین نوع مسابقات حل مطلب گردد باید علاوه کنیم مقصد از برگزاری این مسابقات گذشته از آنکه ورزشکاران برای مسابقات بزرگ و به مقابل تیم های خارجی آماده بسازد همچنین تکمیل احضارات فزیک از نگاه روحی و معنوی هم تایک پیمانته زیاد افراد را کمک میکند که در نتیجه تعداد مشمولین این نوع تفریحات سالم فزولی یافته و ورزشکاران نخبه و تیم های ماهر بمیدان میاید که در نتیجه عمومی ورزشی اردو تاثیر زیاد وارد میسازد.

ترتیب و تنظیم این مسابقات از طرف کمیته سهررتی وزارت دفاع سلسی صورت گرفته که تمام شرکت کنندگان بعد از ملاحظه کارت هویت قطعات خویش حق شمولیت را باین نوع مسابقات پیدا کرده و طی ترتیبات خاص بداخل مقررات اولعیکی به مسابقه میوردانند.



صحنه از بزکشی در داخل اردو





یک صحنه از مسابقه دلچسپ بزکشی بین فرقه ۷ و فرقه ۸

اجرا میگردد. تعداد یک تیم باید از شش نفر کمتر نباشد و همچنین در یک وزن نظر به خواست یک تیم میتواند که چند پهلوان هم حصه بگیرد اما اگر در هر وزن یک پهلوان نداشته باشد در همان وزن مقام اخیر را احراز میکند باین سیستم هر تیمی که بگرفتن کمره جزائی موفق گردد در نتیجه قهرمانی نیز نصیب آن میگردد.

۴- انداخت : مسابقات انداخت در موضع انداخت با تجهیزات خصوصی اجرا میشود که تعداد هر تیم سه نفر

صاحب منصب، سه نفر خورد ضابط و یا افراد میباشد.

۵- شنا : مسابقات آبیازی بصورت تیمی و انفرادی اجرا میشود که از هر تیم ۲۲ نفر اشترک کرده میتواند. وقتی دو یا سه تیم در ختم مسابقات نمرات شان مساوی گردید تیمی مقام قهرمانی را حاصل میکند که در وزن های مختلف مقام های قهرمانی بیشتر را حاصل کرده باشند.

۶- وزنه برداری : مسابقات وزنه برداری در بین مکاتب و قطعات بصورت جداگانه و مطابق مقررات اولمپیکي بحال سه حرکت اجرا میشود. هر وزنه بردار یک جمع نمرات اش بیشتر بود در وزن خود قهرمانی را نیز کفائی میکند.

همچنین مسابقات اجتماعی از قبیل فوتبال - والیبال - باسکتبال هندبال و هاکی نیز در اردو در بین قطعات و مکاتب در دو مرحله اجرا میشود که مرحله دومی آن شامل مسابقات قهرمانی اردو میباشد.

در فوتبال - هاکی و هندبال برای تیم غالب دو نمره برای مساوی یک نمره و برای تیم مغلوب صفر داده میشود که شکل مسابقات بصورت لیگ میباشد.

در والیبال و باسکتبال برای تیم غالب یک نمره و برای مغلوب صفر داده میشود و مسابقات والیبال بشکل (روتیشن) یادوره اجرا میشود.

۸- مسابقات دویدن ریلی در بین شهر : در مسابقات دویدن ریلی داخل شهر کابل از هر قطعه و مکاتب و موسسات عسکری گار نیز یون کابل دو تیم اشترک می نماید اعضای هر تیم ده نفر میباشد.

طول مسافه دویدن ۶۰۰۰ متر بوده که مسافه دویدن بده مرحله تقسیم میشود. میدانی دویدن بالاحصار و انجام آن در کلوب عسکری میباشد. که مسیر دویدن از طرف ریاست کمیسون اجرائیه تربیه بدنی وزارت دفاع ملی تعیین میگردد.

۹- مسابقات سه گانه عسکری : هر سه ورزشمین موظف است در سه نوع سبورت عسکری اشترک نماید.

طبیعت در طول جریان مسابقات نماینده های هر تیم موجود بوده و از نظم و دسپلین تیم های خود نزد قدمه های بالا تر مسؤولیت میداشته باشند. هیئت ریفری ها تمام مسایلی را که مربوط به تغییرات در اجراءات مسابقات انتظام - اعتراضات درخواستها و غیره باشد با نماینده گان آنرا حل میکنند. اما نماینده هاق ندارند که در امور کار ریفری ها مداخله نمایند. اما تمام اعتراضات از طرف نماینده ها بطور شفاعی و یا تحریری در مدت یک ساعت بعد از ختم مسابقه داده میشود. همچنین نماینده گان تیم های موظف باید در مجلس هیئت ریفری ها اشترک ورزیده و درخواستهای مقدماتی برای اشترک در مسابقات سه هفته قبل از شروع آن بریاست کمیسون اجرائیه تربیه بدنی اردو تقدیم گردد تا در آینده در راه برگزاری این نوع مسابقات سکتگی وارد نگردد. ترتیب مسابقات در سال جاری قرار شرح زیر میباشد :

۱- مسابقات اتلیتیک خفیف در سه روز اجرا شده که در روز فاینل نتایج نهائی بدست میاید.

۲- دویدن در اراضی عارضه دار : مسابقات دویدن در اراضی عارضه دار به مسافه های (۱۰۰۰-۳۰۰۰-۵۰۰۰ متر) صورت گرفته که شاملین هر تیم پانزده نفر بوده و در هر مسافه پنج نفر شامل میشود.

هر تیم که به کم ترین وقت این مسافه ها را بپیمود نتیجه بهتر را حاصل میکند. اعضای یک تیم باید از سه نفر کمتر نباشد در صورتیکه کمتر بود مقام آخرین برای همان نفر که شامل مسابقه نمی باشد داده میشود که سه دقیقه نمره جزائی نیز شامل آن است. همچنین بالباس های که دارای رنگ مختلف از تیم های دیگر باشد ملبس شده و سینه پیراهن هر یک نیز دارای نمرات جداگانه میباشد که از یک دیگر تفریق میگرددند.

۳- مسابقات پهلوانی : این مسابقات بحال دو گروه مکاتب و قطعات به اصول بین المللی به سیستم شش نمره جزائی

جدول نمره دادن نتایج مسابقات در سپورت سه گانه عسکری

نمرات	میدان موانع نتایج (ثانیه)	دویدن در اراضی عارضه دار	هرتاب بم دستی
۲۰۰	۶۰	۳۲۰۲	۵۵
۱۶۵	۶۱	۳۲۰۳	۵۱٫۵
۱۶۰	۶۲	۳۲۰۴	۵۴
۱۸۵	۶۳	۳۲۰۵	۵۳٫۵
۱۸۰	۶۴	۳۲۰۶	۵۳
۱۷۵	۶۵	۳۲۰۷	۵۲٫۵
۱۷۰	۶۶	۳۲۰۸	۵۲
۱۶۵	۶۷	۳۲۰۹	۵۱٫۵
۱۶۰	۶۸	۳۲۱۰	۵۱
۱۵۵	۶۹	۳۲۱۱	۵۰٫۵
۱۵۰	۷۰	۳۲۱۲	۵۰
۱۴۵	۷۱	۳۲۱۳	۴۹٫۵
۱۴۰	۷۲	۳۲۱۴	۴۹
۱۳۵	۷۳	۳۲۱۵	۴۸٫۵
۱۳۰	۷۴	۳۲۱۶	۴۸
۱۲۵	۷۵	۳۲۱۷	۴۷٫۵
۱۲۰	۷۶	۳۲۱۸	۴۷
۱۱۵	۷۷	۳۲۱۹	۴۶٫۵
۱۱۰	۷۸	۳۲۲۰	۴۶
۱۰۵	۷۹	۳۲۲۱	۴۵٫۵
۱۰۰	۸۰	۳۲۲۲	۴۵
۹۵	۸۱	۳۲۲۳	۴۴٫۵
۹۰	۸۲	۳۲۲۴	۴۴
۸۵	۸۳	۳۲۲۵	۴۳٫۵
۸۰	۸۴	۳۲۲۶	۴۳
۷۵	۸۵	۳۲۲۷	۴۲٫۵
۷۰	۸۶	۳۲۲۸	۴۲
۶۵	۸۷	۳۲۲۹	۴۱٫۵
۶۰	۸۸	۳۲۳۰	۴۳
۵۵	۸۹	۳۲۳۱	۴۰٫۵
۵۰	۹۰	۳۲۳۲	۴۰
۴۵	۹۱	۳۲۳۳	۳۹٫۵
۴۰	۹۲	۳۲۳۴	۳۹
۳۵	۹۳	۳۲۳۵	۳۸٫۵
۳۰	۹۴	۳۲۳۶	۳۸
۲۵	۹۵	۳۲۳۷	۳۷٫۵
۲۰	۹۶	۳۲۳۸	۳۷
۱۵	۹۷	۳۲۳۹	۳۶٫۵
۱۰	۹۸	۳۲۴۰	۳۶
۵	۹۹	۳۲۴۱	۳۵٫۵
		۳۲۴۲	۳۵

۱ - دویدن در میدان موانع .

۲ - هرتاب نمودن بم دستی .

۳- دویدن در اراضی عارضه دار به مسافه ۱۰۰۰ متر .
نتایج مسابقات در هر نوع سپورت سه گانه عسکری نظریه جدول نمرات معلوم میشود. هر سه پورتمین که جمع نمرات اش اضافه تر باشد مقام بهتر را کمانی میکند. همچنین مرتبم مرکب از سه نفر است که نتایج عرسه نفر مذکور در نتیجه گیری تیمی شامل میباشد.

در صورتیکه نتایج چند تیم مساوی باشد مقام اول را آن تیم حاصل میکند که در میدان موانع نمرات اضافه تر را بدست آورده باشد. کذا در نتایج فردی نیز عین گفته صدیق میکند و اگر در میدان موانع هم دو تیم مساوی کرد در آن صورت آن تیمی که در مسابقه انداخت بم دستی درخشیده بود مستحق مقام قهرمانی میگردد .

تیمبره : نتیجه که در میدان موانع نشان داده شده اگر ۵/۰ ثانیه کم و یا بهتر شود پنج نمره زیاد تر و یا کمتر داده میشود .

بطورمثال يك دقیقه و ده ثانیه را (۱۵۰) نمره داده میشود .
اگر ۵/۹/۱ دقیقه باشد ۱۵۵ نمره را اخذ میدارد .
اگر ۶/۱۰/۱ دقیقه شود ۱۴۵ نمره اخذ میدارد .
نتایج اگر ۵/۱۰/۱ دقیقه شود ۱۵۰ نمره اخذ میدارد
یعنی برای هر نیم ثانیه بهتر یا مثبت پنج نمره زیاد تر و برای هر نیم ثانیه خرابتر یا منفی پنج نمره کمتر داده میشود. همچنین در جدول نمرات سپورتهای سه گانه (برای هر نیم ثانیه نیم متر) ده نمره زیادتر داده میشود .
بطور مثال اگر میدان موانع را ۵۹/۵ میدان را عبور نمایند ۲۱۰ نمره را بگیرد .

در کروس برای هر تیم ثانیه ده نمره زیادتر میگردد و در هرتاب بم دستی برای هر نیم متر ده نمره بیشتر میگردد .
این بود شمه از فعالیت های ورزشی اردو در سال جاری که طبق مقررات جهانی و اولمپیک مطابق آخرین روشهای تازة ورزشی جهانی از طرف کمیته عالی تربیة بدنی و کلتوری اردو احضار گردیده است . البته يك نظر سطحی به مواد آف آینده درخشان ورزشی را در سال جاری برای حلقه های ورزشی اردوی ما پیش بینی میکند .

زیرا نتایج یکی دو سال اخیر سپورتمین های رشته های مختلف ورزشی اردو بما جرئت آنرا میدهد تا به آینده ورزشی اردو که روی پلانها و اساسات مقررات بین المللی بنا یافته است امیدوارتر باشیم . از طرف دیگر نتایج جوانان ورزشکار ما در سال گذشته با پشتکار خستگی ناپذیر مسوولین ورزشی در اردو که در يك مدت کم راه چندین سال را پیوده اند مارا با آینده ورزشی در اردو امیدوار تر میسازد که نتایج گو ناگون رشته های مختلف سپورتنی در جریان سال شاهد قول ما خواهد بود . از اینرو سال نو را يك سال نیک برای نتایج هر چه بهتر ورزشی ارزو میکنیم .



امتنان و تشکر

در ساحة زندگى اجتماعى، گر چه هر فرد مقام درخور ستايش دارد و اثرات فكري و عملى فرد در جريان امور تأثير بارز و روشن را دارا ميباشد اما باز هم اجرا و تطبيق كارها از مساعدت مجموعى اشخاص مختلف و منابع متعدد برخوردار ميباشد. روى اين مفكوره كاركنان مديريت عمومى نشریات، مجله اردو و آرييت مطبوعه با همه تلاشها و فعاليت‌هاى مداوم خویش در جريان مساعى روزمره از نظريات و رهنمايى‌هاى مقامات عاليه وزارت جليله دفاع ملي و ستردرستيز و همچنان از همكار بهاي معنوى و قلمى همكاران و نويسندگان و ارباب هنر در ساحات مختلف بصورت متمادى استفاده نموده اند. ما بدینوسيله مراتب سپاسگزارى و امتنان عميق قلبى خود را از ذوات فوق و بالخاصه نويسندگان و همكاران قلمى مجله اردو ابراز نموده و صمیمانه تشکر می کنیم. از خداوند متعال برای همگان سعادت و سلامت کامل را در سال نو تمنا می نمائیم و امیدواریم به توفيق الهی نتایج كار و مساعى كاركنان اين نشریه مبنی بر صدق و فضيلت و خدمت بفرهنگ و علم و ادب در كائون اردوى شاهى افغان باشد.

دملی دفاع وزارت - ستر درستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

مجله اردو (نشریه ماهانه)

سال پنجاه و دوم

نمبر مسلسل : 601

حمل 1351

شماره : اول

شرح اشتراك :

150 = افغانی

سالانه برای صاحب منصبان و اشخاص اعلیٰ کی :

12/50 = افغانی

قیمت فی شماره :

70901

نمبر حساب در افغانستان بانک :

کابل - افغانستان

آدرس : - مجله اردو - مطبعه دفاع ملی

نمبر تلیفون مدیر مجله : 23208

AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

Address: URDU MUJELLA, Military Press, Kabul, Afghanistan

Tel: 24574 & 23208

Subscription rate for foriegners & abroad = 15US. dollars

Volume, 52, Serial No, 601 Number, 1

March & April 1972